ولقد کرمنا بنی آدم

از مصنفات حاجی الحرمین الشریفین سید عطا حسین المشتهر بعبد الرزاق عم فیضه مسمی

کنز الانساب

باهتمام ملا نور الدین بن جیوا خان مهتمم مطبع حیدری و صفدری واقع بندر بمبئی

در مطبع صفدری طبع شد

بسم الله تعالى الاعلى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا
والصلوة والسلام على رسوله سيدنا ونبينا
ومولنا محمد ن المصطفى خير الورى سيد الانبياء
منعوت بحقيقة المحمدية وبرزخ الكبرى وعلى آله
واهل بيته سر علينته ائمة الهدى وعلى اصحابه
موصوف بمعنية محمود بالله جات العلى سلم تسليما
كثيرا كثيرا

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بیقیاس حضرت رب الناس اوست موسس اساس عالم ایجاد
وتکوین مبانی خلقت بشر از ماء وطین انسان را بنسبت شرافت از خلقت دیگر
بپایه اعتبار رسانیده وشرفا را بسبب سیادت از خلعت عصمت وحیا
پیرایه افتخار پوشانیده درود نامعدود وهدیه بارگاه حضرت رسالت نبینا
محمد المصطفی نبوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زیب
بخش خلقت وعالم تحفه سلام وتحیات زیبا بجیب رب العباد وبر اصحاب
معلی القاب امجد الامجاد الی یوم التناد باد ص جنیبا خدا اشرف انبیا
که عرش مجیدش بود متکا زبان تا بود در دهان جایگیر ثنای محمد بود دلپذیر

اما بعد گنامی عتبهٔ فیض رتبه حضرت رسول الثقلین سید عطا
عبدالرزاق کمترین مشایخین آفاق ولد حضرت سید المشایخین
میر سید سلطان احمد قادری المنعمی الحسینی ابن عمدة المشا
حضرت سید شاه غلام حسین چشتی التمیمی باقری نسب حنفی المذ
سرهما متمتع فی الجنان لوصل ذات الرحمان بر ضمیر عطوفت تنویر ناظ
هذا انور باد چونکه این خاکسار از ابتدای ایام جنین آرزو داشت اگر انساب بـ
دین متین و پیران طریقه راه یقین یابد منسلک سلسله مبین سازد نصیب نمی شد
آخر کار آن دولت را سلسله جنبانی کرده بهم رسانید هر جا کتاب هذا منسلک
مطابق آنکه مَن جَدَّ فَوَجَدَ یعنی جوینده یابنده ستاره این سعادت در
عین سفر حج بر پیشانی ام تافت باید شنید در شهر بمبئی حین قیام کتابی دید
بحر الانساب و نیز در معاینه در آمد بمقام گلشن آباد کتاب
احتساب الانساب در نسخه اول ذکر اولاد دوازده امام علیه السلام و در
ثانی نسب اولیا متقدمین عالیمقام که با امام فلان می پیوندد و نیز بجانب این فقیر
بود کتابی نسب نامه تالیف حضرت عم الاعظم روشن ضمیر مولوی سید شاه
وحید الدین احمد مسوده ساختند حسب الارشاد کلمات ارشاد دستگیر برآید
از زبان فیض ترجمان والد ماجد شان سید شاه غلام حسین
قدس سره و نیز در این کتاب نسب نامه اکثر مشایخین متقدمین علت غائی

محمد حفیظ که خدا شدند دختر ایشان مسماة لطیفه عرف ببے اطو زوج والده
شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش ابن شاه محمد واصل ابن شاه غلام مهدی ابن شاه
وجیه الدین فردوسی سید محمد ثانی را سه پسر یکے سید شاه نجف علی ایشان را
دو دختر یکے مسماة محبوب النساء والده امیر علیخان ابن همت علیخان دویمی مسماة
سکوبن زوجه حاجی شاه الطاف علی یک پسر ایشان شاه نور الحسن سیر رود
که از دختر قاضی صابر علی که خدا شده وبی اولاد اند خواهر ایشان از قاسم
وصی احمد ابن قاضی صابر علی کتخدا وبی اولاد اند پسر دوم میر سید محمد ثانی
سید شاه احمد علی دو پسر ایشان شدند یکی سید شاه احمد حسین ودیمی سید شاه
محمد حسین ایشان را دو پسر و از ایشان چند دختر سیوم خلف الرشید سید محمد ثانی
سید شاه پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاه مخدوم بخش عرف
شاه کلن که بعد عصره رونق خاندان زیب شاه بخش داوند پسر ایشان دو
سید ولایت حسین و سید نور الحسین هر دو موجود اند الله تعالیٰ ترقی بخشد
و شاه نور الحسن ثانی ابن شاه برکت حسین نیز از فرزندان اند که جد بزرگوار
ایشان در آں حضرت مخدوم سید شاه احمد چرم پوش بوده اند بدین سبب
سکونت نیز هست و نیز شفقے حکیم محبت حسین از فرزندان اند و دیگران نیز میگویند
چون سلسله یافت نوشت نسبت پنجم باب دوم در ذکر حضرت
امام علی موسی رضا مع ذکر فرزندان آنحضرت بر چهار شجره نسبت و شمره ان

باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام را پنج فرزند ذکور بودند و یک
دختر بجز اختری بی بی فاطمه ثانیه از پنج فرزندان سلسله نسب باقیست
فرزند اول رضوی سید میگویانند الا نزد امامیه ء فرزند اند والله اعلم فرزند اول حضرت
امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیوم
سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند ازهمه پنج
امداد سیادات رضوی واضح باد نسب حضرت پیر دستگیر خواجه قطب الدین
اوشی ملقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام
علی موسی رضا علیه السلام می پیوندد خواجه قطب الدین بختیار کاکے
ارشد الخلفا حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین
اوشی ابن سید محمد اوشی ابن سید احمد اوشی ابن سید حسام الدین ابن
سید رشید الدین ابن سید رضی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد
اسحاق ابن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت
امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه
قطب الدین اهلیه اول را باشاره آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم طلاق داده
بار ثانی متاهل شدند از بطن زوجه ثانیه که در اقران بودند دو فرزند شدند
یکی سید احمد دومی خواجه محمد سید خواجه احمد بعمر سیزده سالگی بجوار رحمت حق پیوستند
پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بود خواجه کبیر ازان بعد اعقاب حضرت نماند

نام والده حضرت خواجه قطب الدین بی بی رضیه بنت سید محمد ابن سید علی
ابن سید احمد ابن سید ابراهیم ابن سید آدم ابن سید عالم ابن سید محمد عالم ابن سید
عبد المجید ابن سید عبد الحمید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن الی حضرت
امام علی موسی رضا علیه السلام نسبت دوم رضوی نسب نامه سید
شاه ابوالعلی مشهدی جد امجد حضرت مولوی حسن رضا قدس سره
سید شاه ابوالعلی ابن سید شاه محمد حیات ابن سید شاه محمد برکات ابن سید شاه
مبارک ابن میر سید جعفر ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاه ابوالمحمود
ابن سید شاه ابوالبرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبدالله ثانی
ابن سید عبدالجلیل ابن سید محمد جلیل ابن سید جمیل ابن سید علی بزرگ ابن سید مصطفی ابن سید
عبدالله اکبر ابن سید مجتبی ابن سید ابراهیم مرقع پوش ابن حضرت امام علی موسی رضا
رضی الله عنه علیه السلام غرض ذریت حضرت سید شاه ابوالعلی طویل است نسبت
قرابت و مصاهرت ازین فقیر حقیر نیز تحریر کرامات بعد ازین خواهد نوشت
نسبت سوم نسب نامه قاضی عبدالفتاح عرف قاضی تبری والانو
جد امجد میر سید محامد قاضی سید عبدالفتاح ابن میر سید عالم ابن میر سید ابوالفتح
ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک
ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی اصغر ابن میر سید
عبدالله ابن سید زین العابدین ابن سید محمد اعلی ابن میر سید نوح

ابن میر سید ابراہیم ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید حسین عرف سید
عبد المطلب ابن حضرت امام علی موسی رضا علیہ السلام رضی اللہ عنہ الوریٰ
سیادات رضوی نسب ہستند بسیار بہر شہر وامصار ودیار بلکہ اکثر اند دریںجو
از اولیاء کبار چون نسب نامہ اولاد ایشان مسلسل نیافت بدینوجہ ننگاشت
متعدد راند ونیز اکثر مذہبا امامیہ اند سیادات رضوی عدیدا رچنانچہ دریںجوار رؤساء
ساکنان موضع انگلہ کہ نسبت مصاہرت دارند واضح باد در زمان ماضی سلاطین
بزرگے بودند مشاہیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبد الاحد عرف قاضی بُری
رضوی نسب بودند فرزندشان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار
مصاہرت واقع شد از اولاد ایشان شرفا موضع بلتھو وحضرت بہار
تذکرہ ذریت ایشان در تتمہ کتاب خواہند نگاشت ونیز در موضع ساتھین
ضلع پٹنہ بزمانہ قریب بزرگے بودند منصب قضا قاضی سید اولاد علی والد ماجد
قاضی سید تفضل حسین صدر اعلی مرحوم پسر ایشان قاضی سید رضا وسید محمد کاظم
واز بنی اعمام ایشان میر احمد حسین عرف میر مخدوم بخش ابن سید شجاعت علی
درالموضع از سیادات رضوی اند ونیز صاحبان موضع نیا نوان ونیز سید
شاہ اہل اللہ رضوی از ہیموضع مصاہرت واقع شد سید شاہ اہل اللہ
جد مادری سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ جیجی ابن سید شاہ اطیب اللہ
قادری چنانچہ منقول است دو سیدزادہ بزرگ از سیادات رضوی نسب

از ولایت تشریف آوردند بصیغه طالب العلمی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین
بدر عالم در بهار وارد شدند مشغولی تدریس بودند روزی کرامات ایشان
بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را
نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی بی ابدال خود را خواستند بزوجیت
یکی از ایشان دهند کلانی عذر آوردند تجرد کردند اختیار چنانچه مزار ایشان
واقع موضع بدره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع
معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شد ساکن موضع بی بی پور شدند
کرجای چلہ بی بی مرد وحد مشهور است چنانچه الموضع و دیگر دیهات معافی لقبضه دخل
اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بودند از انجمله
فرزند یک فرزند سید شاه اہل اللہ مذکور بالا و فرزند بزرگ دیگر سید عنایت علی
بودند خلف ایشان سید فرزند علی کتخدائی ایشان از دختر میر مظفر حسین مرحوم
ساکن شیخو پوره شد سید فرزند علی را دو فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر
میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد و لیوان سید جعفر قدس سرہ
بودند گردید لا ولد ازین عالم رفتند و لپسر ثانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی اند
دو سه شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین
دویمی سید احمد حسین خواہر کلانی ایشان زوجه شاہ اظہر حسین ثانیه زوجه
سید امیر الدین نوابادی ثالث زوجه پیاری صاحب ابن قاضی محمد بخش مرحوم

و نواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر
معروف بودند الحاصل از انجمله از سه برادر فرزند یکی سید رمضان علی
بودند خلف الرشید الشان میر سید غلام حسین سملوی دو پسر ایشان شدند
از دو زوجه یکی میر محمد حسین داماد سید محمد حسین نوآبادی پسر ایشان سید الفت حسین
وازز وجه ثانی خلف الرشید الشان سید علی حسین و سه خواهر ایشان ذی اولاد اند شادی
سید علی حسین در بهار از دختر میر سید حسین ساکن بار وری شده بودند و دختران ایشان را
نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام معه ذریت الجحفر
باید دانست از تحریر مورخین سابقین و نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزند آنحضرت
سه پسر سه دختر فرزند اول حضرت امام علی نقی علیه السلام امام زمانه ثانی حضرت
موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد ابن هر دو بزرگوار همه اولیا و کبار اند جابجا
ولی الله صاحب ولایت آسوده اند بعبارت ایشان فایض الانوار شجره اولی
نسبت ششم باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشائخین
سید نظام الدین احمد بدایونی حضرت سلطان الاولیاء
سید نظام الدین محبوب الٰهی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجه علی بخاری
ابن سید عبد الله ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبد الله ابن
سید علی اصغر ولد حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام
باید دانست حضرت خواجه علی و حضرت سید دانیال عرف خواجه عرب از خواجه عرب

سیر کرده امصار و دیار به بخارا تشریف آورده سکونت کردند اختیار پس بعد ازان
هر دو بزرگوار در انجا متاهل شدند بسبب شرفا را انجوار سید علی بخاری را دو فرزند
شدند یکی سید احمد بداؤنی ثانی سید محمد بداؤنی و نیز دو دختر شدند خواجه عرب سید
دانیال را یکی سوم بی بی زلیخا زوجه سید احمد بداؤنی نام ثانیه معلوم نشد
از بخارا نوبت سکونت به شهر بداؤن رسید ولد حضرت سید احمد سید
نظام الدین اولیا و یکی خواهر شان بی بی زینب نام حضرت محبوب
الهی حصور بودند لا فرزند بی بی زینب دو یکی سید تقی الدین نوح
دویمی سید رفیع الدین هارون هر دو ذی اولاد شدند سید محمد بداؤنی
را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب الهی برادر عمزاده
بودند فرزند رتبه بلند الشان سید شاه ابراهیم الشان را تربیت ظاهری
و باطنی از پدر بزرگوار خود بود خلف الرشید ایشان سید شاه فرید معروف
سید طویله بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم پندوی بودند
سید فرید طویله بخش در بهار حسب الایت چشتیان اقامت پذیر شدند محله چاندپوره
اولاد این بزرگ بسیار از مشایخ کبار فرزند رتبه بلند آنحضرت سید معین الدین
بهاری خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از اینجا دو فریق
شدند بسبب دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی اجداد صاحبان
چاندپوره و سید بهاء الدین فرزند ثانی از اجداد صاحبان تکیه خورد

اولاد ہر یکے موجود اند

لمعہ اول در ذکر اولاد صاحبان چاندپورہ

باید دانست فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد الشان سید شاہ منصور ابن الشان سید شاہ محبوب پیر الشان بود ان سید مسعود ولد الشان دیوان سید شاہ عنایت اللہ ابن الشان سید شاہ امیر اللہ الشان را چہار فرزند رتبہ بلند کہ پیدا شد شاخ ہر یکی سید شاہ صفی اللہ ولد کلانی و جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ فرزند ثانی سجادہ نشین بجای پدر سومی سید اہل اللہ چارمے سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری ابن نیز ذی اولاد اند و سید شاہ اہل اللہ را دختران بودند و سید شاہ صفی اللہ را بود ند یکدختر بی بی صبیحہ نام دختر این بی بی را نام بی بی مسیحا زوجہ شاہ محمد واصل کہ جد شاہ امیر علے فردوسی بودند جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ را یک دختر موسومہ بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید احسن زیدی نسب کتخدا شدند از بطن این عفیفہ دو دخترے بی بی رحمانی بی بی امانی و یک پسر جناب حضرت سید شاہ یحیی علی قدس سرہ زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان نبیرہ سید شاہ احسان اللہ دو خلف آنحضرت شاہ محمد بخش دومے شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را دو فرزند یکی شاہ محمد سلطان مذکور الصدر دومی شاہ محمد جان و یک دخترے بی بی ناجن کہ از شاہ محمد سبحان ابن شاہ

قطب بخش کتخدا شدند پسر دویمی شاہ قطب بخش شاہ درگاہی والد ماجد سید
حیدر بخش و شاہ محمد سبحان را دو پسر سید شاہ محمد مہدی کہ ذوی اولاد شدند از دختر
پسر ثانی سید محمد اکبر فرزند شاہ محمد سلطان از بطن بی بی رحمانی سیدہ شاہ محمد باقر
و سید شاہ اسمعیل ایشان یک پسر سید علی حسن کہ از دختر مولوی سید اشرف علی ابن
سید شاہ یحیی علی کتخدا شدند یک پسر شد ایشان را سید حسن نام کہ از دختر شاہ
تبارک حسین ابن شاہ تیم اللہ منسوب شد و شاہ محمد باقر را چہار فرزند اند سید مسعود
و سید مقصود و سید مودود و فرزند کلانی سید محمود رحلت کردند ہر یکے را بہترین
جای نسب مصاہرت واقع است و پسر شاہ محمد اسمعیل سید علی حسن نام را از دختر مولوی
سید اشرف علی کتخدا شدند رحیل ملک بقا گشتند پسرے گذشتند سید حسن نام از دختر
شاہ تبارک حسین مرحوم کتخدا است ذوی ولد ہست و از شادی دیگر حضرت
شاہ محمد سلطان رحمۃ اللہ علیہ را فرزندی نام نامی شاہ امجد حسین کہ از دختر
شاہ قطب الدین منیری کتخدا شدند یک دختر و پسر دارند و شاہ محمد جان را چہار پسر
سید عابد حسین و سید زاہد حسین سید صمد حسین و سید کبیر حسین یکی ازین رحلت نمود
باقی ذوی حیات ذوی اولاد اند

لمعہ دوم دربیان واقع ثانی بذریت سید شاہ بہاء الدین

این حضرت مخدوم نصیر الدین واضح باد فرزند ثانی و حضرت بندگی
سید نصیر الدین سید شاہ بہاء الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

شعیب الحق ولد الیشان سید شاه عبیدالله ابن الیشان دیوان سید شاه
عبدالوهاب چهار فرزند الیشان کلانی دیوان سید شاه عبدالواحد
بودند و دو دختر بودند الیشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه
حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر
سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از صبیه حضرت دیوان شاه
عبدالواحد مذکور الصدر که یکی از اجداد حضرت شاه محمد آفاق عرف شاه
مجا و نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله اوشان دریافت نشد شاه ذکی الدین
ثانی که پسر شان شاه فصیح الدین دو فرزند الیشان یکی شاه مراد علی پسر الیشان
شاه فرزند علی دویمی شاه چمن پسر شان شاه نعمت الله و اما و میر موهبی علی و از محل
دویم شاه ذکی الدین شاه محمد یحیی بودند و نیز شاه مظفر حسین و الماجد سید شاه
عبدالکریم و یکد دیگر هست سید شاه رحیم بخش نبیره الیشان سید عبدالکریم نام
است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادری حضرت شاه
محمد آفاق نسبت قرابت قریبه از خسر پوره این خاکسار دریافت شد بتصریح منسوب
باید نسبت سید شاه جمال الدین را دو پسر یکی سید محمد یاد ثانی سید شاه کمال الدین
الیشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد
الیشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر
الیشان سید شاه علیم الدین ولد الیشان سید شاه محمد آفاق عرف شاه مجا

پسر ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دمڑی که از دختر سید نجف حسین
ساکن محله باره دری کدخدا شدند ایشان را چند دختر و یک پسر سید شاه عطا حسین
ذی اولاد هستند سجاده آبا اجداد زینت بخش اند ذکر نسب جلیل مادری حضرت
شاه آفاق و آبا اجداد شان که از حضرت سید محمد سید جعفر رضوی
نسبت انور باد جد مادری پیر جیا شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد
فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین که منسوب بسادات کاظمی بودند و شادی
سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نورالدین بن سید مخدوم عالم
ابن سید صدر عالم ولد پسر سید محمد سید جعفر رضوی زیدی نسب گردید و زوجه سید شاه
غلام مخدوم دختر قاضی سید فتح الله خطیب که شادی اولی بود ساکن مقام
شیخپوره از ایشان سه پسر شدند یکی سید نورالدین دومی سید محمد صالح سیوم
سید فقیر محمد عرف فقیرا سید محمد صالح لاولد الا سید نورالدین را پنج پسر یکی سید
غلام مجتبی دومی سید غلام مرتضی سیومی سید غلام محمد پسرانند سید غلام
مجتبی را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد کتخدا شدند و سید
غلام مرتضی را نیز یک پسر سید محمد خورد از دو دختر یکی زوجه شاه محمد مبارک
ساکن محله چاند پوره دومی زوجه سید علی اکبر ساکن مع شیخپوره و سید
غلام محمد را نیز سه پسر یکی سید غلام ... عرف با ... دومی میر سید میر عرف
جهنگوری سیومی سید تاج محمد لاولد و جد مادری سید شاه علیم الدین

شاہ محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف اللہ بن سید فقیر محمد فقیر ابن سید
مخدوم عالم بن سید محمد سہروردی مذکورہ بالا وجد مادری شاہ منور اللہ جد
شاہ محمد آفاق میر سیف اللہ مذکورہ الصدر و سید فقیر محمد را دو پسر یک دختر
کلانی پسر سید سیف اللہ ثانی سید روح اللہ پسر سید سیف اللہ سید محمد حفیظ
و یک دختر زوجہ شاہ منور اللہ دویمی دختر زوجہ سید زین العابدین ساکن
محلہ مفتیانہ و دختر سید سیف اللہ والدہ شاہ منور اللہ مرحوم و پسر سید
محمد حفیظ سیدہ شاہ غلام مخدوم جد مادری شاہ امیر علی فردوسی ابن شاہ
کریم بخش ابن شاہ محمد واصل شاہ امیر علی خسر این خاکسار و سید روح اللہ
ابن سید فقیر محمد را پسر دیگر سید محفوظ نام و دو خواہران ایشان یکی بی بی
ماچو زوجہ شاہ غلام حسین ابن شاہ وجیہ الدین کہ لا ولد رحلت نمود و بعد ازین عالم فانی
بی بی بخیبا عرف ماچو زوجہ شاہ غلام بدر برادر شاہ غلام حیدر فرزند
رتبہ بلند شاہ غلام بدر شاہ محمد واصل جد شاہ امیر علی شادی شاہ
محمد واصل بمحلہ چاندپورہ از بی بی مسیحا بنت بی بی حبیبہ دختر سید صفی اللہ
و خواہر شاہ محمد واصل ابن شاہ غلام بدر بی بی بیکانی زوجہ سید افضل علی
ساکن محلہ بارہ دری کہ از اولاد سید فضل اللہ عرف سید گوسائین بود و
نواسہ میر افضل علی سید خیر الدین حسین ابن سید شاہ فتح علی ابن شاہ
غلام عبد اللہ فرزند حضرت خواجہ مودود چشتی ساکن شیخپورہ خورد پرگنہ بہار

ویک خواہر ایشان بی بی لطیفا زوجہ شاہ علی بخش برادر شاہ کریم بخش والد شاہ
امیر علی واضح باد سید محفوظ را نیز دو پسر یکے سید رضا علی ابن سید ناصر علی پسر
شان شاہ غلام مخدوم ثانی و لد ایشان سید علی احمد داماد خورد شاہ انور علی
بلخی پسر ایشان سید علیجان ذی اولاد شدہ لاولد از پنجاب ان فقند پسر دویمی
سید محفوظ بودند سید معصوم پسر ایشان سید غلام مخدوم پسر شان سید اشرف علی
و سید مشرف علی پسر ایشان داود علی عرف واللہ و پسر سید اشرف علی سید
امام علی پدر سید مردان علی داماد شاہ تراب الحق دانا پوری دو خواہر ایشان
یکے زوجہ سید داود علی دویمی زوجہ سید الفت حسین ابن سید شاہ فخر الدین
وچہار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجہ شاہ فخر الدین مذکور دویے
مادر شاہ منگن سیومی را ذکر معلوم نیست الاچہارمی زوجہ میر محمد عاصم نواسہ
حضرت شاہ طیب اللہ موڑوی خسر شاہ محمد سجاد دانا پورے

شجرہ نسبت نسبنامہ حضرت میر سید خلیل الدین ابن حضرت سید
ابو سعید جعفر حضرت باڑہ واضح باد سید خلیل الدین ابن سید ابو سعید
دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اہل اللہ عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید
اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال دانشمند ابن میر سید حامد عرف سید
چاند ابن سید محمود عرف سید پیارے ابن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید ضیاء الدین
ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شہاب الدین ابن حضرت سید عبد الرزاق

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خنگ سوار اجمیری
ابن سید شاه برہان الدین ابن سید شاہ ابوالمؤید ابن حضرت سید ابراہیم
ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام ذکر ذریات این حضرات بتصریح اینکہ
سید طفیل الدین ابن سید محمد جعفر را سہ فرزند یکی سید جہان عالم پسر ایشان
سید محمد جاہ دومی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد یاد سیومی کہ از ہمہ خورد
کلانی سید صاحب عالم یک صبیہ ایشان بی بی زہرہ کہ از سید ابراہیم خواہر زادہ
سید صاحب عالم منسوب شد یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی مخدومہ زوجہ
میر مظفر حسین شیخپوری بود یک پسر میر مظفر حسین سید امید علی کہ از دختر شاہ احمد علی
کنتخداشدند سید سعادت علی پسر ایشان ہستند دو دختر از میر فرزند علی ابن میر عنایت علی
رضوی کتخداشدند دو پسر عالیقدر ایشان کلانی میر فرحت علی کہ از دختر میر سید
اولاد علی ابن سید شاہ وارث علی کتخداشدند لاولد ازین عالم رفتند پسر ثانی
میر اصیل علی اند چند شادی ایشان شد دختران دو پسر یکی سید واجد حسین
داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی دومی سید احمد حسین فی الحال لاولد اند
و از دختران کلانی زوجہ شاہ مظہر حسین بہاری ثانی زوجہ سید امیر الدین ابن...
ثالث زوجہ پیاری صاحب پسر بی بی زہرہ زوجہ سید ابراہیم حضرت شاہ
سید وارث علی بود سہ پسر ایشان یکی لاولد ازین عالم رفتند دومی
میر فائض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخپورہ ساکن ولد میر فائض علی

نواب الطاف حسین خان که از دختر خال خود نواب تفضل حسین خان
کتخدا شدند بی اولاد ازین جهان رفتند و یک خواهر ایشان نیز بودند لاولد رفتند
بدانید خلف کلانی جناب حضرت شاه وارث علی صاحب نامی نامی بمنزلت گرامی سید
اولاد علی صاحب که زینت سجاده آبائی بودند دو دختر ایشان یکی زوجه میر فرحت علی
مذکور الصدر لاولد ثانی زوجه سید قادر احمد ذی اولاد شدند یک دختر و چهار پسر
ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد اجمل ابن قاضی احمد علی و پسر کلانی سید شاه
امیر الدین زیب سجاده جد مادری شده نام سخاوت برده لاولد ازین عالم
رفتند و دومی سید بشیر الدین از جهان رفتند بی اولاد سیومی سید شاه
مهدی حسین که [illegible] بتمامی موصوف اند از محل اولی یک پسر دارند سید احمد حسین
نام چهارمی پسر لیاقت و هنر سید شاه لطافت حسین بمروت و سخاوت
معروف اند که خدای ایشان از دختر سید شجاعت حسین مرحوم گردیده که دانا
دختر شاه ابراهیم حسین بودند الحاصل یک پسر است بشاه لطافت حسین از
سید شاهد حسین که بر لیاقت [illegible] تا که سار شاهد کتخدای آن از دختر مولوی
شاهد حسین گردیده دختر ابن [illegible] و پسر [illegible] الله تعالی [illegible] در دار [illegible] شجاعت حسین
جد مادری عزیزی سید شاه [illegible] حسین ابن میر فرحت حسین ساکن موضع [illegible] آباد
پسر [illegible] باعث انتظام معاش علاقه درگاه پیر و مرشد یا شجره نسب از
نسب [illegible] ذکر نام [illegible] قدس سره

که خواهرزاده حضرت خواجه نجیب الدین فردوسی و داماد این حضرت شرف الدین
بودند قدس سره سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاه حسین
مُصدّق ابن سید شاه عباس ولد میر سید علی ابن سید شاه حیدر ابن سید قاسم
ابن حضرت موسی مبرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام رضی الله عنه
باید دانست سید وحید الدین چله کش کتخدا شدند از بی بی بار که دختر حضرت
مخدوم شاه ذکی الدین ابن حضرت مخدوم شاه شرف الدین قدس سره
بدانند پدر سید وحید الدین سید شاه علاء الدین سه برادر بودند سید سکندر علی
و سید شمس الدین ایشان سید حسن مصدق سید شمس الدین عم شان کتخدا شدند
از بی بی رقیه بنت مخدوم شاه جلیل الدین که برادر کلانی حضرت مخدوم الملک
قدس سره بودند از بطن این بی بی دو دختر یکی بی بی ماه خاتون دویمی
بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتخدا شدند وی اولاد شدند
و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند لاولد رفتند
از جهان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم بڈهی بودند معروف ابن سید مبارک
فرزند ایشان بموضع کهرانٹ موضع اوتر الاری موجود اند میر بشارت علی
کهرانٹ و میر ابو القاسم اوترا باقی کیفیت سید وحید الدین چله کش این است
معروف است که از بطن بی بی بار که یک دختر موسومه بی بی زهره منسوب
شدند از سید شهاب الدین جویری علوی نسب از بطن بی بی بار که بی بی زهره

یک دختر و یک پسر مخدوم عبدالله عرف سید سجاد اکبر کتخدائی ایشان از بی بی مخدوم
دختر سید مبارک ابن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیاری
و یک پسر سید شهاب الدین جونپوری سید زین العابدین کتخدای ایشان در آن
شد یک دختر ایشان بی بی حفیظه کتخدا شدند از سید ابو محمد پیاری خلف سید
سجاد اکبر پس سید ابو محمد پیاری را چهار پسر شدند یکی سید مسیح الدین دویمی سید
فصیح الدین هر دو لا ولد الا سیومی سید امام الدین ساکن موضع سنیر پلاسی
ذی اولاد شدند اولاد ایشان در انجوار قصبه سهار ضلع آره و موضع بلاسی بزرگان
مولوی آل احمد و حامی مخدوم پور کورده پرگنه ارول یکی از آن شاه امیر حیدر
و شاه خمیر حیدر وغیره و در بهار میر مرتضی بخش و محمد بخش وغیره الا خلف
چارمی علیم الدین عرف شاه بهیکه از انجا در قصبه بهار آمده اقامت پذیر شدند
رونق بخش سجاده حضرت مخدوم الملک شدند اولاد ایشان کثیر همه مخدوم زاده
سابه حضرت اولاد ایشان هستند مفصل در ضمن احوال حضرت مخدوم الملک
خواهد نوشت که طول است شجره نسب نامه حضرت خواجه ابو یوسف
همدانی مقتدای سلسله نقشبندیه تقوی نسب بدانید حضرت خواجه
ابو یوسف همدانی ابن خواجه عبدالله ثانی ابن خواجه قطب الدین یوسف
ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظهر ابن سید عبدالله ابن سید حسین
ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسیٰ مبرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام از اولاد حضرت خواجہ ابو یوسف ہمدانی در دیار فارس مستند الادہلی خواجہ فرید الدین و حاجی علاء الدین و سید نجم الدین مدعو شاہ فد احسین بن سولتانی مشرب اند و از فرزندان خواجہ فرید الدین دبیر الدولہ خواجہ وحید الدین و خواجہ زین العابدین بودند

لمؤ نسب نامہ حضرت خواجہ محمود الخیر فغنوی سرآمد سلسلہ نقشبندیہ

خواجہ محمود الخیر فغنوی ابن سلطان امیر یحییٰ ابن امیر سلطان ابن سید رکن الدین ابن سید اسد اللہ ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید مطہر ابن سید عبد اللہ ابن سید حسن ابن سید یحییٰ ابن سید موسیٰ ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسیٰ کبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسیٰ مبرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام ذریت ایشان بسیار بتجار است

لمعہ ذکر نسب نامہ سید مخدوم شاہ درویش بیتھوی تقوی النسب معہ بیان ذریت ایشان کہ موجود اند

مخدوم سید شاہ درویش بیتھوی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن مخدوم شاہ ابوسعید ملقب کہنہ نواز ابن مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاہ صفی الدین ابن سید اعز الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسیٰ ابن سید احمد ابن سید محمد اعرج ابن سید احمد ابن سید موسیٰ مبرقع ابن حضرت امام محمد تقی

واضح باد جد ماجد مخدوم شاه درویش مخدوم ابوسعید گڈھ نواز نواسۂ سید
ابوجعفر لاڈ کھہ نواز نسب نامہ سید ابوجعفر بدینطور سید ابوجعفر لاڈ کھہ نواز
ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبدالرزاق که از اولاد حضرت
غوث الثقلین محی الدین سید عبدالقادر جیلانی اند چونکه نسب بالا تا آنحضرت
با دراک رسید از تحریر متعذر گردید الا حاجی نور العین خواہرزاده و پسر خوانده جانشین
حضرت سلطان اشرف جہانگیر اند که آنجناب نسب جعفری دارند بالا این صحیفه
تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکه حضرات کچھوچھہ موضع بیتھو را سلسلۂ نسبت
و بیعت از آنجناب است خود را پدر بیت آنحضرت نامند مقصود از اولاد حسین ابن
وانجناب بذات خاص حضور بود نه مجرد متاہل نشدند پس بدانند اولاد سید حسین
قتال در مقام کچھوچھہ الا اولاد سید ابوسعید بموضع بیتھو ضلع گیا است نسبت باید دا
مخدوم شاه درویش را چہار پسر و یک دختر بودند بی بی لاڈو که از مخدوم خوند شیخ
منسوب شدند از انجملہ پسران یک پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر که در جوار
پدر آسوده اند لا ولد دویم سید حامد عرف سید چاند بموضع شیخپوره متصل شیخپوره
سکونت کردند اختیار در جوار مخدوم شاه مبارک جد بزرگوار ذی اولاد و نه
شیخپوره مشہور است سیوم مخدوم شاه محمود که در پائین مزار پدر نامدار آسوده اند جانب
مغرب جنوب اولادشان نیز یک فریق چارمی مخدوم شاه محمد پیر کلانے
جانشین پدر که بعد مرقد والد ماجد هم پہلوی مزار است جانب شرقی

لمعهٔ اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمد قدس سرّه مولوی حکیم سید نوازش رسول
چهار برادر کلانی ایشان ثانی سید وحید اشرف سیوم سید هادی اشرف
ایشان را دو پسر و دو دختر چارمی سید هاشم مغفور یک دختر ایشان از بنی عم منسوب است
یعنی از پسر سید وحید اشرف مذکور و مولوی سید نوازش رسول را از محل اول یک دختر
ذی اولاد و از محل ثانی سه دختران این حضرات فرزند مولوی سید شاه
غلام رسول رحمة الله علیه که دو برادر و چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد ازین
خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید نادر علی
ذی اولاد اند و دو دختران یکی از سید هادی اشرف کتخدا دومی سید نسیم الدین
ابن سید نظام الدین احمد کتخدا اند همه ذی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن
سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سید شاه غلام مبارک
سید شاه مجتبی را دختران بودند فرزند دختران سید جهوری معروف و سید شاه
غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول ابن هر دو پدر پسر را دیگر یک یک برادر
بودند اولاد شان هستند الا نام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه
عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل ابن سید شاه علی ابن
مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد
سید اسمعیل حکیم مظهر حسین تهوی و از اولاد سید حافظ سید خورم حسین ابن سید مکرم حسین
و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهرزاده سید غلام رسول

سید مبارک اشرف سه برادر دویمی سید مخدوم اشرف سیومی سید نثار اشرف
دویمی خواهر مولوی صاحب از مولوی سید کاظم علی منسوب بود لا اولد شدند
اولاد سیومی سید امداد اشرف عرف اچهن میان دویمی برادرشان سید
امانت اشرف سیومی سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواهر
چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اند لمعه دوم در ذکر اولاد سید شاه محمود
سید منظر احمدی ابن سید غلام حسن ابن سید شاه غلام حسین ابن سید امیر الله ابن
سید ضمیر الله ابن سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید
شاه محمود ابن مخدوم شاه درویش نبهوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید
امیر الله را سه پسر کلانی سید شاه غلام حسن الشان زاده دو پسر دختران فرزند کلانی
حکیم سید منظر احمدی یک پسر ایشان سید منظور احمدی ذی ولد دویمی سید
احمدی هشت ساله پسر دو دو دختران یکی خواهرزاده خود سید محمد حسن کتخدا کردند
دختر دویمی از سید حسن رضا ابن سید راحت حسین شادی شد ذی اولاد اند برادر سید
منظر احمدی سید راحت حسین داماد سید شاه عبد الکریم مانپوری اولاد ایشان
چهار یکے سید حسن رضا مذکور دویمی سید علی رضا سیومی سید محمد رضا چارمی سید احمد رضا
نوجوان مرد پسر ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان
مولوی سید صفی الدین حسن دو پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث
سید شاه غلام حسین مرحوم دو فرزند ایشان سید امیر الدین و سید نصیر الدین ثانی

اکثر مشایخان ساکن موضع ہتورا واسطہ جانب جد مادری است که
نسبت ہفتم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیہ السلام معہ سلسلہ ذریت شان
باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی اللہ عنہ سہ فرزند و یک دختر باتفاق فریقین
از ہر فرزندا ولاد اند انور باد پسر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام
امام زمانہ ثانی حضرت حسین اصغر ثالث حضرت جعفر نسب نامہ اولاد
ایشان یافت نگاشت کہ از ہر یکے اولیاء نامدار اند شجرہ اولی نسبت ہفتم
باب دوم در ذکر نسب نامہ حضرت سید جلال الدین حسین
مخدوم جہانیان جہان گشت سیادت بخاری منسوب ایشان اند مخدوم
سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیر بخاری شیر سوار ابن سید
جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشہ ابن سید ابو المؤید بخاری ابن سید محمد
جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمود بخاری ابن سید عبد اللہ ابن
سید احمد ابن سید علی اصغر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی
علیہ السلام واضح باد صاحبزادہ ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمود بخاری بوند و
در حضرت مخدوم بہاء الدین ذکریا ملتانی قریشی خلیفہ سید جلال الدین بزرگ
بخاری اند فرزند ایشان مخدوم صدر الدین نبیرہ ایشان مخدوم ابو الفتح
رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسودہ اند و سید جلال الدین بزرگ
بخاری بمقام اوچہ آسودہ اند مخدوم جہانیان در چاٹگام اند

شجرهٔ دوم نسبت هفتم باب دوم در ذکر نسب‌نامه و اولاد خواجه قطب الدین
مودود چشتی واضح باد سید قطب الدین مودود چشتی ابن خواجه ابو یوسف چشتی
ناصر الدین که خلیفه خال خود خواجه ابو محمد چشتی بودند خواجه ابو یوسف چشتی ابن
خواجه سمعان ابن خواجه سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید عبدالله ابن سید حسین اصغر
ابن حضرت امام علی النقی رضی الله عنه مشهور باد حضرت خواجه عبد الله چشتی ابن
خواجه سید اسد الله چشتی از اولاد حضرت خواجه مودود چشتی از مقام ٹھٹھہ بهکر
وارد این اواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان شنیده بزرگوار ایشان
نیز معه اهل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشان را منزوی یافتند بقریه
شیخپوره خورد پرگنه ترهت ضلع بهار آخر کار در انجا صورت اقامت یافت مرید
و معتقد شدند آنجوار خانقاه و مسجد کردند طیار و اراضی بطور آئمه حاصل کردند
ده یازده چکوگ جهت اوقات صرف وارد صادر چون نذر گذرانیدند سلاطین
وقت تصور رسیده بهر کفایت اهل و عیال کردند قبول **نسب‌نامه ایشان**
تا حضرت خواجه مودود چشتی و ذکر ذریات شاه عبدالله ابن
شاه اسد الله ابن سید برهان الدین ابن سید عبد الرحمان ابن خواجه محمد جان
ابن خواجه محمد سمعان ابن خواجه منظور ابن خواجه قطب الدین مودود چشتی
الحاصل فرزند خواجه سید عبدالله ابن سید اسد الله خواجه قطب الدین ثالث
بودند و لد ایشان سید تاج الدین محمود ابن ایشان شاه عنایت الله

انور یادگار افضل ثانی سید شاہ تاج الدین محمود اولاد کثیر اند از ہر یکے ملاقات
است حاصل الاخلف الرشید سید شاہ عنایت الله را خلف سید شاہ محمد فصیح
الله پسر ایشان یکی سید محمد وجیہ الله دو پسر ایشان سید کریم الدین جد مادری
سید شاہ مرد الغفلے ابن سید امام علی ساکن نہوی دویمی سید رمضان علی
پسر ایشان میر بشارت علی پدر سید محمد مہدی ولد دویم سید شاہ محمد فصیح سید شاہ
غلام عبد الله لد ایشان شاہ فتح علی عرف بہوری شادی اول ایشان
بی بی سیحہ از خواہر سید شاہ عسکری عرف لشکری بلخی گردید از بطن
این زوجہ یک پسر و یک دختر شدند نام دختر بی بی وصیحہ زوجہ میر امجد علی
مادر میر عباس علی و خواہر ایشان مسماۃ شرفا زوجہ سید حمایت حسین آنگلوی
یک دختر ایشان را از خواہر زادہ ایشان سید الہ بخش کتخدا شدہ ذی اولاد اند
پسر سید شاہ فتح علی شاہ انور علی کہ از مسماۃ ذاکرہ بنت شاہ محمد واصل فردوسی
کہ عم شاہ امیر علی فردوسی بودند کتخدا شدند سہ پسر ایشان عابد حسین و احمد حسین
زاہد حسین بطفولیت مردہ اند الا سہ دختران ایشان یکی مسماۃ حیات النسا زوجہ
میر رضا علی ابن میر یوسف علی عظیم آبادی پسر ایشان سید فدا علی یک دختر
دارد باقی سہ خواہر اند سید فدا علی دو دختر اوسط مسماۃ عطیہ فاطمہ عرف
خشنا زوجہ شاہ امیر علی ابن شاہ کریم بخش خسر این خاکسار سہ دختر ایشان
و یک پسر شاہ وزیر علی یک پسر یک دختر موجود سیومی دختر مسماۃ براتن

زوجه سید شاه علی احمد ابن سید غلام مخدوم ساکن رهوی کدخدا شدند
چند دختران ایشان و خلف الشان سید شاه علیجان رحلت کردند نوجوان
اعقاب نماند الا سید شاه فتح علی را از شادی ثانی که از دختر سید افضل علی
ساکن محله باره دری شد یک پسر و یک دختر بوجود آمدند نام دختر بی بی
لطیف النساء زوجه شاه علی بخش ابن شاه محمد وصل فردوسی از بطن ایشان بی بی
دو پسر و یکی دختر یک پسر طفل و دیگر نوجوان رحیل سلکه ابقا گشتند الا دختر بی بی
مرادن النساء زوجه میر مقرب حسین ابن مولوی ابراهیم علی کابری راته فرزند شدند
دو طفل یکی نوجوان سید شاه رحیم حسین نام بی کدخدائی فوت شدند عقاب نماند
و نام پسر شاه فتح علی سید شاه فخر الدین حسین که بدیار مغرب بهماید روزگار عمر
بسر کردند نام آوری پیدا کرده بکمال عزت و جاه در شهر متهر رحلت کردند
کسے اولاد نشد پسر دوم شاه محمد فصیح بودند سید شاه محمد ملیح ایشان را نیز دو فرزند
رتبه بلند یکی سید ابراهیم حسین و پسر ایشان یکی سید حشمت علی پدر سید وصی علی
دوم سید امجد علی پدر سید عباس علی این هر دو داماد شاه فخر الدین حسین
لاولد رفتند از عالم پسر دوم سید شاه محمد ملیح سید شاه رحمان حسین بایشان نیز
دو فرزند رتبه بلند یکی سید شاه فخر الدین حسین و دوم سید شاه لطف حسین بایشان
یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی رضا ابن شاه علی رضا کدخدا
شدند آخر لاولد رفت ازین عالم و شادی سید شاه فخر الدین حسین از خواهر

سید امام علی ابن سید اشرف علی ساکن موضع رهوی شد دو دختر و سه پسر
کیفیت دختران مذکور شد پسر اوسط سید سخاوت حسین نوجوان بمرد و پسر سیوم
سید شجاعت حسین داماد شاه امیر علی بجز لف راقم التحریر دو پسر و دو دختر ایشان
هستند نام پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین و پسر کلان شاه فخر الدین حسین سیم
الفت حسین که از دختر ماموں خود میر امام علی کدخدا شده اند از بطن آن عفیفه
چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور را چهار خواهر یکی زوجه شاه فخر الدین حسین
دومی والده شاه منگن تیسری سیومی دریافت نشد الا چهارمی زوجه سید محمد عاصم
که نواسه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند داناپوری ازین بزرگان
واسطه قرابت و مصاهرت بود کیفیت همین است بتصریح تحریر نمود بقیه اولاد
محل ثانی سید تاج الدین محمود که دو صد و یم اند کیفیت دریافت نشد
نسبت هشتم باب دوم در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه
بیان ذریت شان واضح باد در بیان فریقین مذهب اهل سنن و
نیز اهل شیعه اولاد ابن امام الهمام بجز حضرت امام محمد مهدی علیه السلام
دیگر نیست زعم اهل تشیعه که آن امام زمانه صاحب الامر اند در غیوبیت اند بمقام
سر من رای بوقت موعود ظهور خواهند نمود ازان غار و بیان اهل مذهب
سنیان اینکه آن امام را فرزندی بوجود آمد مسمی محمد نوجوان رحلت نمودند
از ینعالم و آنچه که در ظهور آید این محمد مهدی موعود اند ابن سید عبد الله والله اعلم

بادر بی

بالصواب ازانجا که این خاکسار دو نسب نامہ یافت منسوب بآنحضرت و آن نسب
است یکے از اولیاء کبار عالی تبار آنرا مینو یسید یکی نسب نامہ حضرت خواجہ محمد بہاء الدین
نقشبند و دومی نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی یا غلطی کاتبان باشد نسب جعفر
امام علی نقی علیہ السلام بنسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انچه نزد اینفقیر حقیر بود
موجود تحریر نمود **شجرہ اول در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ محمد
بہاء الدین نقشبند قدس اللہ سرہ** خواجہ محمد بہاء الدین نقشبند ابن خواجہ
محمد عبداللہ بخاری ابن خواجہ سید جلال الدین بخاری ابن سید برہان الدین
بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین ملقب محبوب ابن سید حسین اکبر
ابن سید عبداللہ ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رومی ابن سید حسین مقبول ابن
سید حسین محمد نقی ابن سید عبداللہ ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت
امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ علیہ السلام باید دانست ہنوز اولاد حضرت خواجہ
در بخارا تشریف اند و درین نواح بزرگے تشریف آوردہ بودند خواجہ معین الدین
نام بودہ عرصہ چہل و پنجسال بودہ ہمیقدر بعضے نیز نوشتند خود را از اولاد آنحضرت
میگویند بیان خواجہ محمد میر عرف خواجہ میر درد متخلص ابن خواجہ ناصر از اولاد اند
آنحضرت دہلوی از کتاب رشحات و شجرۃ الیقین چنین دریافت شد کہ حضرت
خواجہ را دو لیسر و چہار دختران شدند نابالغ و نابالغہ از ینعالم رخت ملک بقا بستند
جز صاحبزادی خورد کہ نام بود فاطمہ ثانی منسوب از خواجہ علی شدند کہ ملقب بودند

ازخواجه عطاءالدین عطار داماد ذی ارشاد خلفاء ثانی دو فرزند ایشان
شدند یکی خواجه حسن عطار ثانی خواجه حسین عطار ولد خواجه حسن عطار خواجه
یوسف عطار بعد ازان بعد معلوم نیست کیفیت بالتصریح شجره دوم

در نسب نامه سید شاه صادق حسینی رحمة الله علیه

که مشرب طریقه قادریه داشتند مزار فیض آثار بدیار جنوب بقصبه گلشن آباد است سید شاه
محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید
محمد راجح ابن سید اسدالله ابن سید علی راجو ابن سید امین الدین مدنی
ابن سید محمد حنیفی ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ یکصد و
شصت سال بود باشغال مداریه فرزندان این بزرگ در قصبه گلشن آباد عرف ناسک
اند کثیر الاخلیفه این خاکسار سید عبدالفتاح عرف مولوی اشرف علی مدرس مدرسه
معموره بمبئی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان نسب نامه مینگارد مولوی
سید عبدالفتاح اشرف علی ابن سید عبدالله کاهی ابن سید شمس الدین علی
ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید عبدالفتاح عرف سید امام الدین ابن میر
سید اسدالله عرف سید شیر محمد قادری ابن سید شاه محمد صادق حسینی
سید اشرف علی نیز مقیم شهر بمبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد هر امام بیان
شد ازینجا در ذکر اولاد بزرگان بلمعات می نویسد

لمعه در ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهاری قدس سره که مفرز واقع باره دری

باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلند یکی سید احمد معروف
سید بڑہی که از بهار برخاسته خاطر گشته سکونت کرده اختیار بمقام کوڑه اولاد
شان آنجا هستند دوم سید منیر الدین محمود در قصبه بهار رونق بسجاده می دادند
اولاد اند در انجا منسوب بدو فریق سنیه اما میه اکثر الحصول خلف سید نصیر الدین
بودند سید محمود را دو زوجه سید نصیر الدین از هر دو اولاد شدند پس بدانید از بطن
اولی سه پسر و یک دختر بی بی مریم نام دختر بی بی مریم شاه سید اهل بیت قادری
مبارک حسینی و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی یکی سید تقی الدین
که بودند سجاده نشین دوم سید صفی الدین سیوم سید زین الدین پس بدانید اولاد
سید تقی الدین سجاده نشین در مقام شیخپوره تصحیح نسب دریافت نشد الا اینکه
میر مظفر حسین پسر الیشان میر امید علی پسر الیشان میر سعادت علی نواسه شاه سید
احمد علی بهاری و سید صفی الدین را دو پسر یکی سید رکن الدین دوم سید
صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر یکی سید تاج الدین لاولد دوم سید
منهاج الدین پسر الیشان سید برهان الدین خلف الیشان میر مهر علی و سه خواهر
الیشان اولاد یکی از این دختران شاه سید مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فردوسی
و اولاد یک دختر میر افضل علی داماد شاه محمد وصل فردوسی بدانید میر افضل علی
ابن میر اکمل علی که از ذریت سید فضل الله بودند و سید صابر علی ابن سید رکن الدین

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الاد و دختران بودند بسید صابر علی
از یکی دختر پسر شد بسید محمد اسلم نام پسرشان سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بموضع
کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند اختیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم
سید صابر علی و سید محمد مکمل بود باش بقصبه باڑه کردند اختیار و اولاد ایشان
در آنجوار باقی اولاد زوجه ثانیه سید نصیر الدین که پسران شدند چهار یکی سید عاشق علی
دویمی سید طالب علی سیومی سید مطلب چارمی سید علی نقی سید محمد تقی اولاد ایشان
در قصبه بهار بعد ازین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الا ملاقیان ابن خاکسار
بسیار یکی از عائد زمان سید امام الدین حسین سید امداد حسین و سید غلام نجف و میر شاه علی
و میر فرزند علی و میر اکبر شیر مذهب امامیه الا سید شاه وارث علی مذهب سنیه داشتند از انجاکه
ذریت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی اند
لمعه دوم در ذکر نسب نامه میر سید محمد قادری المجهری تفصیل ذریت آنحضرت
تا بعد شان باید دانست سید شاه عبد الرشید عرف شاه جهی ابن سید شاه
الطیب قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد ولی قادری
ابن سید شاه عبد الرشید قادری ابن سید شاه ابو المعالی قادری ابن سید شاه
عبد الرزاق قادری ابن سید شاه ابو المظفر قادری ابن سید شاه معین الدین
قادری ابن سید شاه محمد قادری امجهری نسب بالاشان نوشته شد حاجت تحریر
نیست چنانچه اولاد یکی از اولاد سید محمد عیسی ابن سید حسین علی امجهری اند

ویکے ازان سید موسی رضا قادری و سید شاه غلام بهیک پسر ایشان سید امین الدین
اند واضح باد جناب سید شاه اطیب بودند برادر چهار نواسه برادر کلانی سید شاه
کمال لاابزال و اولاد برادر ثانی سید عبد الرزاق عرف شاه کھومی دو دہی سید شاه
عبد الکریم پدر سید عبد الجلیل و خاص شاه اطیب را دو پسر دو دختر پسر کلانی سید شاه
عبد الرشید عرف شاه جمی از دختر عم خود خود کتخدا شدند و دختر ایشان شدند
یکے از سید فضل حسین ابن میر سید احمد حسین نوابادی کتخدا شدند که خواهر زاده نیز اند
دوی از سید محمود ابن میر عسکری حسین ساکن موضع کارا اولاد یکے نماند برادر دوم
سید شاه جمی سید امیر الله عرف بودی بودند از محل اولی ایشان اولاد نشد الا از
محل ثانیه و اولاد یک خواهر سید شاه فضل حسین مذکور الصدر و خواهر ایشان هرکی دہی وا اند

لمعه در ذکر نسب ذریت مخدوم سید شاه تقیم الله سفید باز ابن مخدوم شاه حمید الدین

واضح باد سید شاه عبد الرشید عرف شاه دومن ابن سید عبد الوحید عرف شاه امّن ابن
سید صدر عالم ابن قطب سید عالم ابن سید احمدی ابن سید عبد الاحد ابن سید محبوب عالم
ابن سید عزیز الله ابن سید حبیب الله ابن سید محمد فرید ابن سید شاه رحیم الله ابن سید شاه
فهیم الله ابن سید شاه اسمعیل ابن سید محمد جمیل ابن سید کریم الله عرف حاجی محمد بهیکه
ابن سید شاه نعیم الله ابن مخدوم شاه تقیم الله سفید باز نسب بالا در نسب نامه حضرت
آدم صوفی جد امجد ایشان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشایخین را
نسب مادری از جانب مخدوم شاه تقیم الله سفید باز نسبت الا اولاد آنحضرت حضرت

شاه ڈومن بودند شادی ایشان از خواہر شاہ نور الحق ابن شاہ عبد الحق ولد
حضرت شاہ مجیب اللہ قادری شد یک پسر ایشان شاہ محمد اشرف عرف اچھو میان کہ از
خواہر مولوی شاہ عبد الغنی کتخدا شدند سہ پسر شدند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی
محمد رضی دویمی مولوی محمد ابراہیم لاولد سیومی مولوی محمد وجیہ اللہ الدین ماجد شاہ وحید الحق
و دختر شاہ ڈومن علیہ الرحمۃ مسماۃ وصیت النسا از سید شاہ اولیاء علی عم المحترم
این خاکسار کدخدا شدند یک دختر ایشان کہ از شکمی سید عبد العلی خوشنویس کتخدا شدند
لاولد بدار بقا رفتند لمعہ در بیان نسبت نسب بلخیان کہ از اولاد حضرت
مولانا مظفر بلخی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاہ
شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاہ معز بلخی ابن سید شاہ شمس الدین را
فرزند ارجمند مخدوم سید شاہ حسین بلخی مخاطب نوشۃ التوحید سہ فرزند
رتبہ بلند یکی ازان مخدوم شاہ سلیمان کہ لاولد رفتند از جہان در جوانی
دویمی مخدوم سید شاہ سیف الدین فرزندان ایشان در موضع کھیری بازید پور
اند و نیز در انجوار از اولاد شان نامی منزلت گرامی شاہ رستم علی بودند
سیومی فرزند کہ از ہمہ بودند درجہ بلند مخدوم شاہ حسن بلخی کہ جانشین پدر عالی تبار
شدند فرزند ایشان حضرت مخدوم شاہ احمد قدس سرہ مخاطب لنگر دریا ابن
مخدوم شاہ حسن بلخی سمند رتوحید بودند فرزند ایشان چہار از ہر یکی شاخ
نمودار چنانچہ دو فرزند نمودند چہار را با اجداد بستہ تکیہ بودہ در انجا ماندند در محلہ بلخی

کہ وتہ   ط

کہ قریب خانقاہ مخدوم معروف ہست و دو برادر متفرق شدند دیگر جا سکونت
کردند اختیار اولاد ایشان ہم کثیر شد دران دیار اتا نکہ سکونت کردند اختیار اولاد یکے وی شاہ
فیض علی و الہ شاہ ولی احمد بلخی و دومی سید شاہ عسکری عرف شاہ لشکری خال الاعظم سید شاہ
انور علی حالا در آنجا انہم نماند انحلہ از ذریت بلخیان عیر آباد است در انجا سکونت مردم نیافتہ
است الا یک فرزند حضرت مخدوم احمد لنگر دریا مخدوم شاہ جنید در موضع محی الدین پور
کردند اقامت اختیار ذریت شان در انجوار تیر تیب آسامی بزرگوار انہا معلوم نشد الا از انجا
شاہ غلام شہنشاہ با ایشان سہ پسر یکی سید شاہ احمد حسین کہ پسر شان سید واجب حسین اند
دومی سید شاہ احمد حسین سیومی سید شاہ عبد العلی پسر ایشان سید محمود اند دفعہ ثانی
سید شاہ فخر الاسلام کہ بچند واسطہ نسب بحضرت مخدوم احمد لنگر دریا میرسد خلف الرشید
ایشان سید شاہ فہم اللہ چہار پسر ایشان کلانی سید شاہ نوشتہ التوحید و دو دختر ایشان
یکے زوجہ قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر
معلوم نشد خلف ثانی شاہ فہم اللہ قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر
ایشان دختر منسوب از شاہ محمد واعظ مرحوم و پسر قاضی محمد احسن التوحید داماد
عم کلانی خود شاہ نوشتہ التوحید مذکور الصدر یک پسر ایشان محسن التوحید داماد
مولوی محمد واجد ابن قاضی طہارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید
کدخدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طہارت التوحید
پسر سیومی شاہ فہم اللہ قاضی طہارت التوحید

ایشان داماد شاه محمد واعظ ابن سید شاه فیض الله الحاصل یک دختر و چهار
پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد واحد سه پسر ایشان چهار دختر دو دختر یکی بعد
دیگری از مولوی محمد باقر ساکن پییر بیگه منسوب شدی اولاد ندارند دو یک دختر
زوجه میر ارشد ابن میر خادم حسین دیگری زوجه سید محمد محسن التوحید مذکور الصدر
دو ولد اند دختر قاضی طهارت التوحید مرحوم زوجه قاضی سید تفضل حسین ابن قاضی
سید اولاد علی و الد قاضی سید محمد رضا و سید محمد کاظم پسر دوئی قاضی طهارت التوحید
مولوی حمید الدین عرف منگن داماد شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نور
پسر چارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد واعظ الحق و پسر سیوم شاه فهیم الله
سید طیب التوحید داماد سید فرزند علی ساکن گورگین سه پسر ایشان یکی سید
حبیب التوحید دومی سید قمر التوحید پسر ایشان دو یکے نعمت التوحید دومی رحمت التوحید
و یک دختر ایشان زوجه سید عمر دراز خواهرزاده اینجاکسار و پسر سیوم از نام نسبت التوحید
هست نام پسران شاه محمد واجد سید عبد العزیز و سید شرف الدین و محمد غوثی

ذکر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد مادری واضح باد

والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش بن شاه پیر علی
نواسه سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد عاقل بلخی ابن شاه سید شاه عبد اللطیف
بلخی ابن سید شاه ولی بلخی ابن سید شاه درویش بلخی ابن سید شاه ابراهیم بلخی ابن سید
شاه سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا فرزند ضیاء الدین خاص سید

شاه ولایت علی بلخی نسب اند یعنی شاه هدایت علی بلخی چنانچه بجای فرزند
جد مادری خود اند شاه صاحب ممدوح **ذکر نسب شاه عسکری عرف شاه
لشکری ساکن محله بلخی از اجداد بزرگان خسرو پوره باید دانست** سید
شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مهدی علی ابن سید شاه
حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه صدر الدین عرف شاه بدلن ابن سید
حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد درویش
ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا سید شاه حسن عسکری از دختر عم خود بی بی همیمنه
دختر شاه محمد اشرف کدخدا شدند اولاد ایشان نشد الا دو خواهران ایشان بودند
یکے مسماة نصیرا زوجه شاه درگاهی لال دویمی مسماة مسیحا زوجه شاه فتح علی مرحوم
از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر مسماة وصیحا زوجه میر امجد علی مادر میر عباس علی
و مسماة شرفا زوجه میر حمایت حسین و نام پسر شاه انور علی زوج مسماة ذاکره بنت
شاه محمد واصل فردوسی شد دختر ایشان یکے از ان خوشدامن اینجا کسار
مذکور الصدر اند همه ساکنان محله بلخی بودند **ذکر نسب سید شاه
ولی احمد بلخی** یکے از ساکنان محله بلخی متمحلات بهار سید شاه ولی احمد ابن سید
شاه فیض علی ابن سید محمد طاهر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید
ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین
ابن سید شاه سلطان محمد درویش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا واضح باد

سید فیض علی دو برادر بودند دویمی شاه رحیم علی عرف سید شاه درگاهی از
محل ثانی پسر ایشان شاه تصدق علی و سید فیض علی را نیز دو پسر یکی سید شاه
ولی احمد دویمی سید شاه وصی احمد والد سید نور الحسن و سید شاه ولی احمد که داماد
شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد واسع بودند از بطن این زوجه مسماة رحیما دو پسر
و دو دختر پسر کلانی سید شاه علی احمد بلخی داماد منشی سید محمد خلیل خوشنویس
نوابادی زوجه شاه علی احمد مسماة وجیها النسا چند دختران ایشان ثانی
سید شاه حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر یکی زوجه سید شاه مبارک حسین
دویمی زوجه سید شاه محمد کاظم حسین که هر دو داماد خواهرزاده ایشانند و از محل
ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نواسه شاه فرزند علی کدخدا دو پسر و
یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین کدخدا و دختر کلانی
مسماة ریاض النسا بنت شاه ولی احمد زوجه جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین
والده جناب سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مسماة حیات النسا
زوجه عم المحترم این خاکسار یعنی سید شاه مراد علی داناپوری والده ماجده برادر
عالیقدر حکیم سید شاه محمد کاظم حسین انیهر ذهی او لا داند و کبر بلخیان که نسب نامه
بصراحت معلوم نیست الا در قرابت و مصاهرت این فقیر اند یکی سید شاه جمال علی
که جزوی نسب ایشان نیز از فرزند مخدوم احمد لنگر دریا است پسر شاه صاحب
سید مظفر نام دارند و دو خواهران ایشان و یکی سید شاه شجاعت علی بلخی بسیار صاحب

مجاہدہ بودند و سید شاہ امام بخش ابن شاہ بندہ علی ابن سید شاہ محب الله ابن
سید شاہ فصیح الدین از اولاد پسر چہارم مخدوم سید احمد لنگر دریا و سکونت ایشان نیز
بموضع بہار پورہ متصل مزار فیض آثار حضرت مخدوم سید شاہ حسین نوشتۂ توحید
قدس الله سرہ بلکہ اکثر مزار ایشان در انجوار ہست لمعہ در بیان نسب حضرت
سید شاہ محمد تقی رحمۃ الله علیہ و ذکر آبا و اجداد و اولاد ایشان سید شاہ
غلام مظفر ابن سید شاہ علیم الدین ابن سید شاہ محمد تقی بلخی ابن سید شاہ غلام معز
ابن سید شاہ برہان الدین ابن سید شاہ علیم الدین بزرگ ابن سید شاہ نور محمد بلخی
ابن سید شاہ دولت ابن سید شاہ محمد فرید ابن سید شاہ جیون بلخی ابن سید شاہ
محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراہیم ابن حضرت مخدوم سید شاہ
احمد لنگر دریا قدس سرہ واضح باد حضرت شاہ برہان الدین را دو خلف
بودند یکے سید شاہ غلام معز والد ماجد حضرت شاہ محمد تقی دوئمی سید شاہ غلام مظفر
والد ماجد سید شاہ مخدوم بخش بالیشان یک پسر مولوی کفایت علی پدر سید
ابراہیم حسین و خواہر شاہ مخدوم بخش زوجہ قاضی بہکیاری
کشمیری دو پسر ایشان یکے قاضی مظہر حسین داماد جناب حضرت
مولوی سید حسن رضا پسر قاضی مظہر حسین الله رکھو نام دومی
قاضی ولایت حسین کہ شادی اولی از دختر شاہ مخدوم بخش کردند از انجمل
یک پسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاہ

چون والد ماجد ایشان نواب امین الدوله بسوی برهانپور جهت چند وبست ملکی
و مالی میرفتند تعلل گزیده همراه برفتند در بین شهر ماندند در صحبت پدر بزرگوار
بجهت چند نوبت لفت بلند شد نوبت بیعت رسید و ترتیب استغراق
شده و دامنگیر کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب اضمحلال و از اوستاد نیز
بدرس ندرسید اهمال از انجا که حضرت باری را بوده افضال در بین سن
شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمودند
از قصبه برهانپور کیفیت صاحبزاده دیده حیرت شد چه اوازاوستادشان
جمله حالات غیبت شد هویدا در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا
را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند بهر ملازمت
بعد جلسه چند بلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت منم یکی از مجرائی دربار
بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت بابرکت گویا کشتی رسید
در تباهی لائق خدمات سلطنت دربار شاهی نماند آنحضرت فرمودند در
جواب ای شیخ صاحب میخواهی که این طفل باشد یکی از مجرای شاهی نیست کردم
بجوی آگاهی که امرا و سلاطین زمانه پیش این درویش سیرت در آیند بمجرای
ای صاحب این واقع که بس اند نیست جای ملال بلکه صورت است دولت
براهی جاه بجز رضا و تسلیم هیچ نماند چاره تشکریه بجا آوردند تسلیم میکردند
بعد چندی در صحبت جنان شدند فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

همراه

نوشته نمودند تا قرون جای اقامت ولایت شد تجویز شهر دهلی
درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دهلی بجای سکونت پدری
بمحله مغلپوره که درآن زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت
شاه محمد فرہاد مشغول شدند برشد و رشاد خلایق به تعلیم اسرار و دقایق بهر یکی
ازان از دیگر شدند فایق آخر قبول کردند خلفای هر چهار یکی شاه ضیاء الدین
دویمی شاه محمد درگاهی این هر دو زیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دهلی
کردند اختیار سیومی حضرت میر سید اسد الله خلفاء ثانی آخر شدند جانشین
چارمی از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی
نیز گردید در زمره امراء اراکین تیموریه از دختر خجسته اختر میرزا سعد الله
نجیب الدوله مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت
قطب الارشاد شاه محمد فرہاد را از بطن آن عفیفه پیدا شدند یک
دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النساء بیگم عرف بو بو صاحبه
بهنگام سن بلوغیت دادند بازدواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی
که نسب نسبت می داشتند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله عنه
چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب مسلسل نیافت انچه دانست تحریر نمود
الحصول از بطن زان عفیفه پیدا شد کمال کمال فرزند رتبه بلند زیب ده
فیضان حضرت خواجه نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین متخلص بعشق بودند

شاید در حین طفولیت از پیار و محبت دایہ لپند یا پد گفتہ باشد مرزا گھسیٹا معروف
شدند بالقصہ آنحضرت را تربیت باطنی و حصول بیعت بطریقہ عالیہ نقشبندیہ
از حضرت مولانا برہان الدین شد دانما است کہ از خلفاء جلیل جد مادری
ایشان بودند و نیز در حین اقامت بیک شہر در شہر عظیم آباد تا دوازدہ
سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم
جناب حضرت شاہ محمد منعم قدس سرہ کہ این حضرت نیز از یاران جد مادری
آنحضرت بودہ اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سرہ بکمال ترک و مزید منتہی
باین وجاہت و لیاقت گذرانیدند درویشے معتد بہ بود صرف خانقاہ درویرہ
خود مکان درست ساختند چنانچہ فیض شد حضرت عشق قدس سرہ
خطاب آتا ہی دلبر ہردم ای عشق کہ مبارک ہو یہ تجھکو میرزائی کے
در شہر عظیم آباد درویشے را بکر و فر ارسید و از مشایخین انجوار بخوش اطوار
سلسلہ پیراستند ہر گاہ رسید خبر کہ مولانا برہان الدین کہ وندر حلت پیوستند
بجوار رحمت در علاقہ لکھنؤ بمقام اقامت داشتند بمجرد استماع این خبر
چند مریدان معتمد را فرستادہ ہمراہ آوردن اہل و عیال بسوی لکھنؤ خالص پور
بالآخر مریدان عالیمقام معہ خدام آوردند بسواری رتھہ و پالکی باعزاز و
اکرام و اضح باد حضرت مولانا برہان الدین خدا نما بودند دو
دختران نوجوان و صاحبزادہ مسمے شاہ ناصر الدین دوازدہ سالہ بود

بسبلوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را تردد نسبت شدید بعد تلاش مصاہرت بشرفا اینجوار آخر الامر نسبت صاحبزادی خورد از شاہ فضل احمد ابن جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکے از خلفاء حضرت عشق قدس سره بودند یافت باصرار محبان و معتقدین صلاح این امر بشوره از جناب مولوی سید حسن رضا قدس سره نمودند آخر باصرار تمام کدخدائے صاحبزاده کلانی از آنحضرت شد انجام الحاصل از بطن زوجه حضرت یک دختر شدند و دو پسر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر و یک پسر در آمدند بوجود دختر از میر حیدر علی منسوب شد از جہان بے اولاد رفتند و نام نامی پسر عالیقدر خواجه لطف علی ملقب خواجه مرزا و صاحبزادے ثانی که از شاه فضل احمد صاحب کدخدا شدند پیدا شد یک دختر منسوب شدند از میر غلام رسول بالشان نیز شد یک دختر مسماة حسینی بیگم از جناب خواجه لطف علی صاحب شدند کتخدا و یک پسر در آمدند بوجود مسمے خواجه التفات علی مدعو نور خان عنفوان بلوغیت رحیل ملک بقا شدند الا دو فرزند رتبه بلند از محل شدند یکے عظامی نام نامی خواجه لطیف علی عرف شاه میانجان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن مخدوم شاه بدر الدین هر از شاه باز پور اند ثانی از ینعالم لاولد رفتند

الاسیر پسر و یک دختر اند بصاحب کلانے خدا یا تکیه آباد باشد ثمره در ذکر
نسب انصار که آمده اند در بیجوار معروف به شیخ انصاری خصوصًا
در بهار باید دانست بندگی مخدوم دانشمند که اقامت خود ساختند
بموضع منوره علاقه بهار میگویند جریب خود در آنجا نصب کردند و گفتند این
موراچها بخچه بدان نام معروف شد الغرض انجناب در نسب انصاری شیوخ
اند از اولاد حضرت ابودردا انصاری که اصحاب کبار انحضرت صلی الله علیه وسلم
بودند فرزند ارجمند این بزرگ بندگی شاه عبداللطیف از دختر
مخدوم شاه دوست منیری که خدا انشند ذی اولاد شدند نام بندگی
شاه عبداللطیف شیخ عبدالوهاب ابنه شیخ صدرالدین ابنه شیخ بڑے
طیب ابنه شیخ عبدالغنی ابنه شیخ عبداحد ابنه شیخ عبدالجلیل ابنه شیخ
محمد جلیل ابنه شاه غلام محمد والده شاه سیف الله مودودی نوراسر
الیشان شاه اطیب الله ابن مولوی شاه امین الله شاه طیب الله راد و پسر و
چهار دختر همه در اقران که خدا ذی اولاد الافرزند کلانی شاه محمد بهاء الحق
معدن جود و سخا انشند که خدا الا اولاد شد برادر ثانی شاه
تراب الحق که زوج عمه این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر
فرزندان حضرت جد ماجد خود خواهد نمود شد

ضمیمه در نسب انصاری صاحبان اول

واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجا شدند
دو برادر اعیانی شاہ شمس الدین عرف شاہ شمن مخدوم نام دیگر برادر معلوم
نشد در حضرت بہار رسیدہ بیعت بطریقہ چشتیہ نصیریہ حصول از
خلفاء مخدوم شاہ تمیم اللہ سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند فیضان کمال
در مقام اروَل تکیہ ساختند اقامت پذیر شدند اولاد ایشان با برادر ایشان
شدہ جاری بخیند واسطہ شاہ امام علی عرف شاہ بدلو صاحب سجادہ پنج
پسر ایشان شدند و یک دختر مسماۃ قدرا شادی از میر جان علی شد از محل
اولی برادر میر سلامت علی ساکن جینپور پرگنہ اروَل ازان دختر شد و نام پسران
کلانی شاہ امجد حسین بعد پدر خود زیب سجادہ بودند شادی ایشان
در اروَل شد یکی از دختران عمزاد شاہ حسین علی ابن مولوی وارث علی
پسر شاہ امجد حسین شاہ شجاعت حسین داماد مولوی شاہ حسین علی
مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاہ امجد حسین بودند شاہ
مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاہ سخاوت حسین دختر زوجہ
اولی شاہ راحت حسین نبیرہ میر احمد علی مرحوم شاہ امداد حسین پسر ثالث
شادی ایشان در موضع قاضی چک پرگنہ مسوڑہ ضلع پٹنہ شد در کفویت
مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چہارم پسر شاہ امام علی
اند شاہ نذر حسین یک دختر و دو پسر ایشان ہستند پنجم پسر شاہ امام علی

شاہ رحمت علی ذی اولاد ہستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد
ازانجا کہ بزرگان نامی بودند انچوار انچہ کہ دانست تحریر نمود بانی در حضرت
بہار مشہور محلہ انصاری ست شیخ انصاری بودہ اباد ازانجملہ یک بزرگ
بود شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد بشیر زوج خواہر منشی سید محمد خلیل خوشنویس و دیگر
بزرگے از اولیا و کبار متصل جہان آباد اند اہل مزار اولاد ایشان ذی اقتدار
یکے ازان شیخ عبدالقادر وکیل و از نواسگان مولوی عبدالقادر ابن حکیم
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دارند ہم ایشان
کلانی مولوی محمد اسمعیل ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی فدا حسین الا یک
برادر مولوی عبدالقادر حافظ ابو احمد ہر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی
افضل علی حکیم بھلن دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواہر حضرت شاہ
غلام حسن ابن جناب حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نامی
مسماۃ بصیرؔ از وجہ مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقاً اصل نسل مبنی بر سہ فرع در ذکر فرزندان حضرت امام محمد تاج فقیہ

فرع اوّل بذکر ذریت مخدوم شاہ اسمعیل قدس سرہ
فرع دوم بذکر اولاد مخدوم شاہ اسرائیل قدس سرہ
فرع سیوم در ذکر اولاد مخدوم شاہ عبدالعزیز قدس سرہ

بر دو ثمرہ

بر دو ثمره ثمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری والد مخدوم شاه
شعیب رحمة الله علیه ثمره دوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین
قدس سره باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه ایشان بالا تحریر شده
قریشی هاشمی مطلبی اند از اولاد عم آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بسبب ورود
اینجا یا چنین است در قصبه منیر هندوستان کفار بود و دولت شد بد غلط راجه مینار
نام داشت در حق مسلمان از عالم غیب با حکم حضرت بنیاد دین پناه معه اهل
و دو پسر خود وارد شدند بدین دیار راجه مینار چون در جنگ شکست یافت
فتح اهل اسلام نصیب شد حضرت امام تاج فقیه در آن موضع طرح اقامت انداختند
هرگاه زوجه شان کرد انتقال پیدا شد حزن و ملال ولایت این دیار
بهر دو فرزندان تفویض نموده روانه بسوی مکه معظمه گشتند فرزند کلانی
مخدوم شاه اسرائیل ثانی مخدوم شاه اسمعیل هر دو برادر با خود با
بموافقت ولایت مقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته
از خواهر زوجه عقد نکاح پرداختند یک پسر شدند مخدوم شاه عبد العزیز
نام حسب وصیت پدر بعد انتقال شان بهر ملاقات برادران رسیدند بعد
ادراک تعرف و نشان خاندان بمراجعت پرداختند چنانچه مخدوم شاه عبد العزیز
همراه برادر ماندند و مخدوم شاه اسمعیل حسب تقسیم ولایت عبور گنگ در ضلع
ترهت اقامت پرداختند اولاد از هر یکی برادران جاری شد حالا تحریر می نماید

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسمعیل بن حضرت امام
محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسمعیل را شدند فرزندان
چهار هر یکی صاحب مقام عالی تبار یکی ازان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم
ثانی مخدوم شاه منهاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چارمی
مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه منهاج الدین
و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد نشد الا هر دو برادر دیگر اولاد شدند پسر
مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه عیسی اولاد ایشان بمقام کچالوه موجود است
الا از نام آنها خبر از نسبت الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه
جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد العزیز کدخدا شدند و ولد الرشید شان
مخدوم شاه شعیب قدس سره شیخپوری صاحب ولایت الا مخدوم شاه
صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علاء عرف شاه قاضی بودند و
پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرمست اولاد ایشان
مشایخین موضع سیوره هستند بلکه بیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی
مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه
علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع خنده از اولاد این
بزرگ هستند یکی ازان مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا
پیر جناب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

خلف ایشان بودند شاہ بندہ علی داماد کلانی جناب شاہ امیر الدین ممدوح اینقدر دنسبت نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریت مخدوم شاہ اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیہ قدس سرہ

واضح باد حضرت مخدوم شاہ اسرائیل را دو فرزند رتبہ بلند کلانی بودند مخدوم یحیی منیری ثانی مخدوم شاہ مظفر کہ در جوانی رحلت کردند اولاد نماند الا حضرت مخدوم یحیی را کتخدائی از بی بی رضیہ بنت مخدوم شاہ شہاب الدین پیر جگجوت گردند از بطن آن مخدومہ چہار فرزند مراتب بلند شدند از ہمہ برادران خورد مخدوم شاہ حبیب الدین کہ ہمراہ برادر زادہ خود مخدوم شاہ ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکروہ رحلت کردند لاولد بودند کلانی مخدوم شاہ خلیل الدین کہ مرید و خلیفہ والد ماجد خود بودند سکونت در مقام منیر داشتند نیز درانجا مزار موجود دو فرزند ایشان یکی مخدوم شاہ اشرف خلف کلانی حضرت مخدوم یحیی منیری قدس سرہ مخدوم شاہ خلیل الدین دو پسر ایشان مخدوم اشرف الدین و مخدوم منور الدین بہر دو برادر مریہ فیض یافتہ عم المحترم حضرت مخدوم شاہ شرف الدین بہاری بودند اولاد مخدوم شاہ اشرف الدین جاری شد بدرجہ ہفتم الجناب در نسب حضرت مخدوم شاہ دولت منیری عالی تبار فیض آثار شدہ اند عقاب نماند برادر شان شاہ

جلال الدین را فرزند شد نسب بعد نسب علی الترتیب سجادہ نشین
قائم است چنانچہ بزبان این فقیر شاہ قطب الدین احمد ابن شاہ مبارک حسین
عرف شاہ دہومن بودند حالا داماد شاہ قطب الدین بعد شاہ امجد حسین
ابن حضرت شاہ محمد سلطان بہاری محلہ چاندپورہ جانشین نمی اولاد اندو
برادر شاہ مبارک حسین شاہ لطف علی را دو پسر شاہ منور و شاہ بھکین و دو
خواہر ایشان یکی زوجہ شاہ محمد صغر کو چوہی پسر ایشان محمد خلیل پسر ایشان
احتشام حیدر و منیر یک دختر و دو فرزند دختر ثانی شاہ لطف علی شاہ اولاد علی
و شاہ فرزند علی در یجا النسب بالا حضرت شاہ مبارک حسین میتو پسید و اضح باد
شاہ مبارک حسین عرف شاہ دہومن شاہ لطف علی ابنان شاہ محمد محمود
ابن شاہ محمد مکی ابن شاہ عنایت اللہ ابن شاہ اشرف منیری ابن شاہ
محمود حافظ ابن شاہ محمد ابن شاہ جلال الدین کہ برادر اعیانی مخدوم شاہ
دولت منیری بودہ اند ابن شاہ عبد الملک ابن شاہ محمد اشرف منیری ابن
شاہ محمود ابن شاہ سلطان ابن مخدوم شاہ حسام الدین عرف شاہ
جہان ابن شاہ اشرف الدین ابن مخدوم شاہ خلیل الدین ابن مخدوم
شاہ یحیی منیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیہ قدس سرہ
فرزند دوم مخدوم شاہ خلیل الدین ابن مخدوم شاہ یحیی منیری فرزند مرید و خلیفہ
برادر خود مخدوم الملک شاہ شرف الدین احمد چنانچہ در بالین مزار برادر آسودہ اند

یکدختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین چلکش کدخدا شدند و دو دختر شدند با یشان بی بی ماه خاتون دویمی بی جمال هر دو از برادران عمزاد کدخد شدند از سید سکندر و سید اکبر اولاد سید سکندر جاری شد بموضع اونترالاری موجود اند و نیز در موضع گهراٹ سید بشارت علی وغیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند بتوسط حضرت یحیی منیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد صاحب ولایت علاقه صوبه بهار را بآنحضرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه ذکی الدین بحالت مستی در عقب پدر بزرگوار جان بحق نمودند تسلیم بمقام شکرپوره کتنی اینجا نسیادت شده بودند یکدختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین چلکش ابن مولانا سید علاء الدین کدخدا شدند نسب نامه ایشان در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یکدختر نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوبری کدخدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریت فرزندان برادر و جواهر خواهد نوشت در ذیل کیفیت مخدوم الملک درست چراکه ذکر طویل ست از اولاد مخدوم الملک از درباب ایشان مراد است

فرع سوم اصل اول در بیان اولاد مخدوم شاه عبد العزیز یمنی که بر دو ثمر اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

ثمرهٔ دوم فرع سوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگرزمین
بیان ثمرهٔ اول در حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه
عبدالعزیز واضح باد که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیه مخدوم شاه
ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه
اسمعیل گردد نام آن بی بی سعیده از بطن این بی بی یکفرزند ارجمند بلند
مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد الحصول مخدوم شاه شعیب
قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه بادی
جد مادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا نوان رحلت پدر شد بمقام

	قصبه منیر	

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب قدس الله سره شیخپوری
واضح باد وقت رحلت پدر بزرگوار بعمر هفت ساله بودند هرگاه بسن شعور رسیدند
روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والده ایشان کیفیت خورش و نوش
پرسیدند در جواب گفتند در طعام خور و نوش هیچ دریغ نیست الا خالفان لاغر جسم
شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و التفات نمودن در خورد و نوش
عرض ساخت هرگز مرا غم یتیمی نیست و نه شکایت رزق میکنم الا ماجرای یکروز
چنین است سوی گورستان رفته بودم و دیدم چند مردگان قبر مبتلا بعذاب اند
در حق ایشان دعای مغفرت نمودم از آن روز مرا هیبت خدای تعالی طاریست

و سلسلهٔ اشک جاری میخواهم عزلت اختیار کنم بگوشه شوم متواری دران روز
جد مادری ایشان بطفلان مانع شدند شعیب را همراه بگورستان میبرد گفتند
درینوقت این طفل را کیفیت کشف القبور پیدا شده تاکید به معلم ایشان نیز
گفتند زجر و توبیخ هرگز بالین عزیز روا ندارید این ولی الله ست یکی از و اصلان
اگرچه بعمر خورد است حکایت است روزی همراه استاد خود بسیر کاری
میرفتند در اثنا سر راه دیدند کهنه دیوار حبت کرده بر دیوار شدند سوار چون
معلم از پس ایشان دوان بحکم ایشان دیوار شد روان نقل میکنند هنوز
موضع کجا نوان ان دیوار همچنان موجود ست مردمان زیارت او میکنند
بر خاص و عام میشوند فائز المرام هرگاه جد مادری ایشان یافتند وفات
عمرش نزده ساله در انوقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چندی
در انجا قیام کرده از زیارات مزار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از انجا مراجعت
کرده در قصبه دانا پور جای عافیت یافته گوشه نشین ماندند در یاد الهی
مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از انجا روانه شدند بسوی
راجگیر خبر برادر معظم خود شنیده بودند که در انجا مخدوم الملک گوشه نشین اند
چون اندر چله حضرت مخدوم را امدن ایشان منکشف گشت بیرون آمده
ملاقات کردند و گفتند ای ما شما درین جنگل بیابان میمانم و تو نوجوان هستی
جای خطر است از شیر و اژدها شما را اینجا مباش ما را وان رهد از بسر باطن

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودند می آرند از انجا جانب دیار شرقی عازم
سفر شدند در اثنای راه بمقام شیخپوره در دامن جبال بیرون آبادی آمده
جائے عزلت نشین گردیدند چون ساکنان انجا ملک زادگان را خبر شد مجوزه شدند
بهر استقامت آبادی و معتقد از کرامات شدند فرمودند شما نیز درین بیابان بیائید
اگرچه از بیعت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از عرصه
مفارقت شده بود بهر دیدار نور الابصار تشریف آوردند ایشان را انکشاف
این امر دست داد و بهر ملازمت والده ماجده بطور استقبال رفتند بمقام
تور پرگنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه می باشم پر خطر است
از فرزندگان تشریف بری آنمخدومه در انجا مناسب نیست در انجا تشریف
دارند امروز پنجشنبه در انجا بهر زیارت خواهم رسید میگویند تا حیات والده
ماجده همین معمول داشتند بهر زیارت میرفتند هرچند وفات والده آنجناب
دران موضع ست زیارت عام و خاص القصه چون ازین تعلق طمانینت
قلب شد از شیخپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام
که کوچ بهار نامند والی آنجا راجه بود از قوم هنود او معتقد جوگی سدیه
بود جا می چله بامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله میکشی یا چلی گفت
چله میدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند
و چله چهل سال باشد آخر بمقابله راجه آنجو اردو ن او هردو قصد چله کردند

بی آب و دانه بنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا هر دو عزلت نشین شدند
بی آب و دانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رفت سد کردند
مسدود و نقل مینماید این ماجرا را بالاستداد از چهل سال ارکین در انوقت و نیز
راجه بمرد الا دران زمان نبیره راجه مذکور بحکومت راجگی بود و بعض کسان
دیرینه انوقت ما کیفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند خبر دار راجه در انوقت
این کیفیت شنیده معماران را حکم جای هر دو چله وا کردن دادند چون جای
جوگی کشادند بجز استخوان بوسیده چیزی نیافتند الا چون جای عزلتخانه آنحضرت
وا کردند آثار حیات یافتند ذکر انفاس بود جاری فورا راجه با حتیاط تمام آنحضرت
را جای محفوظ وا کرده داشت و آزمایش روغن و غذای خفیف مهتمم خدمت
شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود و عا کرده در حق
شان از انجا مراجعت سوی موضع شیخپوره نمودند درینحال انتقال مخدوم الملک
قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظفر ست از دیار و زبانه منقولست که حضرت
مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظفر بلخی قدس سره چنین فرمودند
که روزی از روزها برادرم شاه شعیب درین نواح خواهد رسید جز تربیت چند
نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقه فقیر با و رسانی و هر که گوید دریغ
ندانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تفویض به مخدوم شاه حسین
کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شیخپوره

دریافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده بهر زیارت مزار رود آن وقت مخدوم
شاه حسین نیز معتکف بودند این حال دریافته فرزند خود مخدوم شاه حسن را
مع خرقه و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می آرند در اثنا
راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیر درختی معانقه و مصافحه با خود بازگشت
بعد ساعتی تبرکات آورده خویش مع خرقه پیش کردند چنانچه با وضو شده آن
خرقه را پوشیدند و سر بجیب در مراقبه شدند گفتند البته ازین خرقه فیض کمال
شد حصول آلا هنوز امر بیعت بجا نا ورده ام بدستور معمول و دست خود بیار
بیعت نمایم مخدوم شاه حسن بکمال عجز و اعتذار متامل شدند فرمودند آنچه که
والد بزرگوار گفته بودند از ان دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین
قدس سره است الحاصل بعد حصول امر بیعت هر دو بزرگوار از یکدیگری رخصت
شدند مخدوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و مخدوم شاه حسن بسوی
بهار آمدند و ماجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت
مخدوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حالا که جای مزار است مشهور کماسن
واضح باد حضرت مخدوم یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از بطن آن زوجه
سه پسر و از بطن دختر سلاطین یک پسر از هر دو زوجه اولاد شد جاری حرکات
کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتابی تصنیف یکی از خلفاء شان
انتخاب کرده نوشته بطور اختصار از اولاد آنمخدوم و فریق اند سنیه مذهب

و اما بیه مذهب سکونت ایشان قریب مزار و سکونت اهل سنن بیرون آبادی
قصبه جانب مغرب معروف است بیگنه شیخپوره در انجا شاه نجان میا شند باید
دانست لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شاه بهاء الدین
ثانی شاه محمد منصور سومی شاه مظفر این هر سه از یک مادر اند و لا ولد سومی
ذی ولد الا جانشینی ترتیبا و امر بیعت در برادران یکے بعد دیگری ماند چهارمی
شاه حیدر عرف شاه خدابخش الحاصل شاه مظفر را پسر شاه نظام الدین
که از دختر عم خود شاه خدابخش شد تذکره خدا و بعد شان زیب سجاده گشتند و
پسر شاه خدابخش شاه غلام حیدر هر دو ذی اولاد الا طبقه اهل تسنن از اولاد
شاه نظام الدین اند و طبقه اهل تشیعه از اولاد شاه غلام حیدر در اولاد ایشان
امرای ذی جاه و صاحب منصب اند زائر حسین خان و محمد حسن خان و محمد یحیی
خان خلف نواب ابو القاسم خان و غیره چنانچه زائر حسین خان و محمد یحیی خان
و یکی از نواسه محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان دبرادر علی قاسم خان نواب علی
ابراهیم خان خلف ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان
نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و عزت علی خان
و علی بخش خان و نیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند و اولاد
در اطراف موضع تیلاڈه شاه احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اند بدین مذهب
و آنانکه در مذهب سنیه اند سکونت پذیر بیگنه اند شاه تراب علی سجاده [illegible]

دخواهرزاده ایشان شاه جمال علی پسر ایشان شاه مظفر و یکی از فرزندان
مخدوم مظفر حسین جان و میر امید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان
بحضرت سید شاه فضل الله عرف سید گوسائین و میر شاه محمد علی صاحب
و شاه لطافت علی صاحب و میر عبد الحسین و اخوان نیز ایشان اند که نام هر یکے
یافته است الا ترتیبا و اسطه نسب دو بزرگ که به یکی نسبت قرابت دو یی سلسله
بیعت است مینویسد آنچه که یافت دریافت باید دانست یعنی از فرزندان
حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب
قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوابادی که در قرابت برادر جد ماجد
این فقیر حقیر اند اول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاه ابراهیم حسین
ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد رفیع ابن شاه عبد العزیز
ابن شاه عبد الرزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین
ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم
شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد العزیز ابن مخدوم شاه
امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد دو برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرات
نوابادی خواهند نوشت درینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی
قدس سره مینویسد واضح باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی
هر دو برادر از فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

شاہ حسن علی ابن شاہ محمد امام ابن شاہ اکرام ابن شاہ ابوالفتح
ابن شاہ عبدالرزاق ابن شاہ محمد جلال ابن شاہ محمد فیروز ابن شاہ
نظام الدین ابن شاہ مظفر ابن مخدوم شاہ شعیب قدس سرہ
ابن مخدوم شاہ جلال منیری و شاہ عالم علی علیہ الرحمۃ را یکدختر و یک پسر
شاہ جلال الدین لاولد الا اولاد دختر سہ پسر یکے شاہ مہدی علی
کہ بعد خال خود شاہ جلال الدین علیہ الرحمۃ سجادہ نشین شدند چون پسر
نداشتند بعد ایشان برادر خورد ایشان شاہ واعظ علی صاحب
سجادہ نشین کردند حالا سوجود ذی اولاد اند و برادر متوسط ایشان را
نام یاد نیست الا بارہا ملاقات کردہ است ازانجا کہ پیران طریقت بودند
و تحریر کیفیت نسب برخود واجب دانست نوشت و شاہ واعظ علی صاحب
جدی نسب از حضرت شمس الدین حقانی دارند

ثمرہ دوم فرع سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت مخدوم شاہ سلیمان لنگر زمین کہ سکونت در موضع نوآبادہ خورد و عظیم اباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاہ سلیمان لنگر زمین ابن مخدوم شاہ عبدالعزیز
ابن حضرت امام محمد تاج فقیہ فرزند کلانے یا ثانی حضرت مخدوم شاہ عبدالعزیز
اند شادی ایشان از دختر مخدوم شاہ شہاب الدین عرف پیر جگجوت

گر دیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش
فردوسی بی بی هدیه و از بیان صاحبان نبوآباده که اولاد اند بی بی کمال
الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند نام دختر بی بی
کمال زوجه مخدوم شاه حسام الدین والده مخدوم شاه حسین غریب
دهو گڑپوش که در پورینه مزار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة
بی بی دولت الحاصل مزار همه مخدوم شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر
دختر ایشان در موضع کاکو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد

پسر عین اولاد بی بی کمال اند

ثمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد مخدوم شاه عطاء الله
قدس سره واضح باد مخدوم شاه عطاء الله ابن مخدوم شاه سلیمان
لنگر زمین که نواسه حضرت پیر جگجوت اند یک خلف الرشید ایشان مخدوم شاه
تاج الدین ابنه مخدوم شاه عبدالملک ابنه شاه عبدالغنی ابنه شاه عبدالوهاب
ابنه مخدوم شاه احمد چشتی قدس سره مزار این همه بزرگوار در جوار جد و پدر
بزرگوار هست باطراف موضع کاکو آلا مخدوم شاه احمد چشتی را بیعت و نسبت
از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاندپوری محله منحلات حضرت بهار
که نبیره این مخدوم دیوان شاه فرید طویله بخش ابن دیوان سید شاه ابراهیم
ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بداولی که برادر عم زاد حضرت سلطانی

الاولیا محبوب الٰہی نظام الدین اولیا بودند طریقۂ چشتیہ نظامیہ
سراجیہ بود القصہ حسب تفویض ولایت از امر پیر خود سکونت در نواباد و نمودند
قریب موضع بیکٹھ پور سہ فرزند حضرت مخدوم شاہ احمد چشتی بودند یکے مخدوم
شاہ حسن عرف مخدوم شاہ بڑہی و دو دختر بن بایشان بودند ہر یکے
از برادرزادگان کتخدا و دیمی مخدوم شاہ حسین متوسط برادر فرزند ایشان
مخدوم شاہ عبد الرزاق پسر ایشان مخدوم شاہ عبد المجید ولد ایشان مخدوم
شاہ عبد الحی یک دختر ایشان بی بی تاجا زوجہ میر سید محمود ابن میر سید محمد
ابن میر سید صدر جہان باقری نسب داناپوری و نیز حضرت مخدوم شاہ
عبد المجید ابن مخدوم شاہ عبد الرزاق را یک دختر بی بی شرفہ زوجہ
میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عماد الدین ابن قاضی سید عبد الفتاح عرف
قاضی بڑہی رضوی النسب داناپوری سہ فرزند بحضرت میر سید اکبر بزرگ
میر سید جہانگیر کہ بیعت و تربیت ایشان را از جد مادری مخدوم شاہ عبد المجید
بود دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی
سید رکن عالم حالا اولاد دختری این ہر سہ برادر اند ازانجملہ این خاکسار
و برادران عم زاد را نواسگی میر سید حامد ابن میر سید جہانگیر قدس سرہ و
از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم حسین بخش
کوچوی والد ماجد شاہ اظہر حسین دو یمی شیخ محمد یار جد شاہ داود مرحوم

گفت این بزرگوار بتصریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد پسری فقط
مخدوم شاه خوند شیخ هنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ
از اینجا برخاسته قریب یک کروه موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف نوآباده
خورد و آن معروف نوآباده کلان است ضمیمه نمره سوم خلف الرشید مخدوم
خوند شیخ دیوان شاه تقیم الله ابنه شاه تاج الدین محمد ابنه شاه عنایت الله
که از نام ایشان چک آباد است دو فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه
طیفور الله خواهرزاده ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یکے بی بی
ترتیبا زوجه شاه بدر الحق دومی ترکیبا زوجه میر سید حامد محمود ابن میر
سید محمد ثانی نوآباده کلانے اولاد دختری ایشان شد و مولوی شاه طیفور الله
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور الله ابن شاه عنایت الله را
اولاد شد حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور الله زوجه ایشان
عمه میر سید وجیه الدین عرف سید بولن بودند سه پسر مولوی شاه منور الله از انجمله
یکے شاه خلیل الله اولاد ایشان نشد دومی شاه مسیح الله یک دختر ایشان
مسماة جمیله زوجه شاه نور الحق پسر کلانے مولوی شاه امین الله و پسر
شدند شاه مسیح الله یکے شاه مطیع الله دومی شاه ثناء الله هر دو لا ولد
الا پسر کلانے شاه منور الله مولوی شاه امین الله بودند الا کلانے
پسر شاه امین الله شاه نور الحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد نجیب الحق

زوجہ بی بی بلاقن لا ولد دومی شاہ منیر الحق و دو دختر ایشان ہر دو
لا ولد و یک پسر شاہ محی الحق عرف بابو کسی پسر و دختر با ایشان نیست
الا پسر کلانے شاہ نور الحق شاہ ضیاء الحق بودند از مسماۃ بچن دختر
میر سید حامد محمود ابن میر سید محمد کدخدا سہ دختر از بطن این بی بی یکے مسماۃ
مخدومہ زوجہ جناب حضرت سید شاہ یحیی علی ذی اولاد دومی مسماۃ ستیقمہ
لا ولد سومی مسماۃ سکینہ زوجہ شاہ معین الحق عرف شاہ محمد یعقوب
ابن مولوی شاہ بدر الحق ابن مولوی شاہ امین اللہ مذکور الصدر از بطن
این بی بی یک دختر و سہ پسر شدند بجز دختر ہمہ ذی ولد اند نام دختر مسماۃ
حسینا زوجہ اولی میر سید ہدایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین
لا ولد ازین جہان وفات یافتند پسر کلانی شاہ ظہور الحق از دختر
میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاہ
فرید الحق از دختر خال کلان خود کدخدا یعنی از دختر سید مجاہد حسین
ہنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید مجاہد حسین ابن
سید شاہ غلام حسین شملوی الا شادی دوم ست سید الفت حسین پسر ثانی
شاہ مظہر الحق از دختر خالامی خود منسوب شدند نام زوجہ شان مسماۃ
فضیلت النساء عرف ننھو از بطن این بی بی چہار پسر و سہ دختر دو پسر
در ایام صغر سنی رحلت یافتند الا دو پسر ذی ولد اند کلانے شاہ نصیر الحق

شادی اولی از دختر عم خورد خود کردند اولاد هست یک پسر محمد کبیر و دختر
نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه منیر از دختر شاه
اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه صفیر الحق
از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی کدخدا شدند
بفضله ذی اولاد اند و خواهران ایشان یکے زوجه اولی سید الفت حسین
مذکور کدخدا ازان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه
غفور الحق کدخدا پسر و دختران موجود و یکے زوجه شاه محمد واحد ابن
شاه حسین علی دویمی هنوز ناکدخدا پسر حافظ حسام الدین طال الله عمره
و علمه بهمه وجوه یقیق است پسر سوم شاه غفور الحق کدخدائی ایشان نیز
از دختر خورد خاله ایشان گردید مسماة بصیر النساء عرف لبو دختر جناب حضرت
سید شاه یحیی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین مذکور بالا از دختر
عم او سوا کدخدا مذکور به پسر دختر ایشان ماقبل کرده الا دو خواهران ایشان
یکے زوجه اولی شاه نصیر الحق مذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولا بخش
نام در نیوتت یا دنماند بفضله ذی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه
سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن
جناب حضرت سید شاه یحیی علی و هر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه صغیر الحق
و شاه محمد نظام الدین نواسه جناب حضرت شاه یحیی علی قدس سره اند و

آنحضرت بقرابت عم المعظم این خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظهر الحق
و شاه غفور الحق مرید بطریقه عالیه چشتیه نظامیه از پدر بزرگوار خود اند
الا تربیت یافته باطنه و خلافت نعمت بسلسله ابو العلائیه از جناب حضرت سید
شاه یحیی علی قدس سره الله تعالی مع ذریات ایشانرا فائز مرام دارد
ثمره فرع دوم اصل اولی بقیه ذریت حضرت امام تاج فقیه پسر سوم
مولوی شاه امین الله از شاه طیب الله نواسه حضرت شاه سیف الله

	موڑدی منجلات بہار	

واضح باد حضرت شاه طیب الله پسر ثالث مولوی شاه امین الله در موضع
موڑه در کنار تربیت جد مادری خود شاه سیف الله رحمة الله علیه ماندند
کتخدائی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم زاهدی گردید از
مسماة جگن دو برادر ایشان یکے میر سیف الدین عرف میر سوہن نام
دیگری یاد نیست الحاصل جناب طیب الله از بطن امین بی بی چهار دختر
دو پسر یکے مستثنے ذالذات شاه بهار الحق که صاحب جود و سخا بزوات
تکلف نه بلباس داشتند و نه در خورش نوش مجرد ماندند نه پذیرا کردند تعلق
اهل و عیال اولاد برادرشان اولاد ایشان هستند برادر ایشان شاه
شراب الحق سه عم این خاکسار ذکر اولاد ایشان در ضمن اولاد جد ماجد
خود خواهند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی ولد شدند

دخواہر ایشان یکی والدہ میر محمد عاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاہ محمد سجاد ابن جناب شاہ تراب الحق مذکور واولاد دختر ثانی بودند و دو دختر یکے بی بی مبارک زوجہ شاہ فخر الدین برادر اوسط شاہ کبیر الدین سجادہ نشین مقام سہسرام والدہ شاہ محی الدین عرف لالا میان ذی اولاد اند و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رجبت وراقران کدخدا آنہم ذی اولاد اند باقی حال کہ دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکے از میر عنایت علی کدخدا بودند ثانی اولاد شاہ طیب اللہ مرحوم از محل ثانیہ یک دختر وسہ پسر یکے شیخ صادق علی والد ناظر دلاور علی دویمی شیخ خورشید علی والد شیخ قربانعلی سومی داروغہ ولایت علی بودند

فرع چہارم اصل اول شجرہ اولاد حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین فردوسی ہر چند ثمر و یک شجر کہ طویل الذکر ست بتصریح بیان میکند

باید دانست حالات وکرامات آنحضرت مخدوم الملک درکتاب مولود شرفی بخوبی بیان کردہ است این فقیر حقیر چونکہ این کتاب نسب نامہ بود درینجا حاجت تحریر نبود و نسب نامہ بالا حضرت امام محمد تاج فقیہ ماقبل تحریر شد احتیاج مکرر تحریر نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک درمقام سنارگانون متاہل شدند از بطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شدند

شاه ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر دیه اقامت بود در خانهٔ شرفا
از سیادت عقد نکاح نمودند یک دختر خجسته اختر متولد شدند بی بی بارکه نام
بود چون از غضب و جلال والد خود رحلت بدان مقام کردند چند کسان از انجا
آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشده بود و عرض کردند
آنها که یا مخدوم این دختر پسر آنحضرت است فرمودند اگر همچنین است خود بخود
نزد من آید می آرند آن صغیره تر زمین را نو کرده بزانوے مبارک حضرت مخدوم
الملک آمده نشستند مخدوم بر حال یتیمی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر
پشت مبارک حضرت مخدوم الملک یک مسه سرخ رنگ بود آنرا آن قرة العین
از لب خود می مکیدند شیر می برآمد از کرامات اولیا عجب نیست الحاصل باین
ناز پرورش یافتند چو بالغه شدند از سید وحید الدین چله کش ابن سید
علاء الدین کتخدا کردند و سید وحید الدین خواهرزاده و پسر مرشد حضرت
مخدوم بودند یعنی همشیرزاده خواجه نجیب الدین فردوسی قدس سره منقولست
از بطن بی بی بارکه سید وحید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک
دختر اسم مبارک پسر سید عبد الله المدعو سجاد اکبر شادی ایشان در کفویت
جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف سید پیارے و نام دختر سید
وحید الدین بی بی زهره بود از سید شهاب الدین جوہری علوی نسب
کدخدا شدند یک پسر و یکدختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

دختر بی بی حفظه از سید ابو محمد پاری کتخدا شدند از بطن این بی بی چهار پسر
متولد شدند یکی شاه مسیح الدین دومی شاه فصیح الدین هر دو لاولد سومی شاه
امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل و علاقه سهار موجود اند و نیز مزار
این بزرگوار در انجا در مقام بدرا یا و قریب اردل مزار سید وحید الدین
چلکش هست و بمقام سمیر اقریب پلاسی مرقد این بزرگوار ست الا
فرزند چارمی سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که معذور از پاے بودند
خدام درگاه مخدوم الملک در انجا رفته در حضرت سهار آورده مسند نشین سجاده
متبرکه نموده وند و رات درگاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد
حصه دوم یا چهارم حصه خود با کردند و خدمات بطور خادمیت بجا آوردند چون
سلسله اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند در جوعات
خلائق در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را
دو فرزند یکے شاه لعل دومی شاه جلال کلانے را اولاد نشد الا
فرزند شد شاه جلال مسمی شاه خوند پسر ایشان شاه محمد پسر ایشان سید
شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسر مبنی
بر شجره چند از انجمله یکے شاه محمد دومی شاه مصطفے سومی شاه بهادر علے
چارمی شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحی
اقتصد شاه محمد را یک پسر شاه عبد الحکیم دومی شاه عبد الحلیم هر دو برادر لا ولد

شدند و شاه عبد الحی را یک پسر شد یحیی نام اولاد تا تمام و میر سید عبد القادر
را اولاد نشد الا دو برادر شدند دو می اولاد سید عبد السلام و سید شاه مصطفی موجود
اند ما جرای مرام مفصلاً نوشته می آید باید شنید فرزند شاه مصطفی شاه
قطب علی دو پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین دومی شاه
حسام الدین ذکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلان خواهد نمود حالا
ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی مینمایم که بیان طویل است

ثمره در بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی

باید دانست شاه نظام الدین را شدند چهار پسر از انجمله یکی شاه علی بخش
دومی شاه مصطفی ثانی سومی شاه فیض علی چارمی شاه عبد العزیز
که لاولد رفتند از عالم از فرزندان شاه علی بخش یکی قطب علی ثانی
دومی شاه اسد علی لاولد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لاولد
دومی شاه رحمت الله عرف شاه ڈهورن ایشان را یک دختر
زوجه منشی کریم بخش و سه پسر یکی شاه نور الدین احمد مدعو شاه بباون
که خدائی ایشان از دختر چودهری حبیب الله گردید یک پسر و یک دختر
ایشان دختر زوجه شاه امیر علی ابن منشی سید کریم بخش پسر ایشان شاه
محبوب حسین و پسر شاه بباون شاه خورشید حسین که از دختر عم اوسط
کتخدا شدند دومی شاه کریم الدین و دو دختر ایشان یکی زوجه شاه خورشید حسین

مذکوره بالا دومی زوجه شاه فرزند علی پسر خود و منشی کریم بخش مذکور الصدر سومی شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی در مقام راجگیر در گذران شد شادی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یکے زوجه میان جان علی ابن منشی رمضان علی دومی زوجه شاه وحید الدین ابن میر قاسم علی ساکن سوه و خلف کلانی شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی شاه قمر الدین دو شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یکے بعد دیگرے و خلف ثانی شاه صاحب ممدوح مولوی وحید الدین شادی ایشان نیز یکے بعد دیگرے از صبیه میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی ولدی هر دو صاحب معلوم نیست

ثمره دوم در ذکر فرزندان شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین

باید شنید فرزند شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین چهار بودند از انجمله یکے شاه حسین علی دومی شاه غلام شرف الدین سومی شاه کریم الدین چهارم الغرض این هر سه برادران لا ولد رفتند ازین عالم الا ذی ولد فرزند چهارم شاه عظیم الدین دو پسر ایشان یکے مظفر علی دومی شاه کریم الدین ثانی بایشان نیز دو پسر یکے شاه امجد علی دومی بدوح عرف شاه بدهو واحد العین لا ولد پسر شاه مظفر علی شاه علی بخش بودند پسر ایشان شاه تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرف وٹری مفقود الخبر الا شاه

مصطفی ابن شاه نظام الدین مذکوره بالا ذی اولاد شده یکے شاه
مرتضی بخش دویمی شاه جلال الدین سومی شاه یحیی علی پس
شاه مرتضی بخش را نیز سه پسر یکے شاه غوث علی دویمی شاه فتح علی سومی شاه
فیض علی کیفیت ذی ولدی شاه غوث علی دریافت نشد الا هر دو برادر شاه
فتح علی و شاه فیض علی اولاد شدند

ثمره سوم

پسر شاه فتح علی یکے شاه حمید الدین دویمی شاه فرحت علی سومی شاه امان الله
عرف منو پسر شاه حمید الدین شاه بخشش علی دویمی شاه قاسم علی
و شاه محمد سعید همه ذی اولاد شده ازین عالم بی اولاد شدند

ثمره چهارم در ذکر اولاد شاه فقیر علی

شاه فقیر علی را دو پسر یکی شاه لطف علی اولاد ایشان نشد دویمی شاه
افضل علی چهار پسر ایشان هر یکے عالی تبار ذی اقتدار یکے ازانجمله
شاه واجد علی متوطن موضع سانیه قیام در خسرو پوره کردند چند دختر ایشان
و دو پسر یکے دختر زوجه شیخ نوازش حسین که پسر و یک دختر از بطن این بی بی
شیخ محمد اجمل و تجمل حسین کیفیت ایشان بالا نوشته شده است در فصل دوم
در ذکر شیوخ فاروقی نسب الا دختر ثانی زوجه مصاحب علی خان و دختر ثالث
زوجه میر یار علی ساکن پورنه پرگنه ارول با وراد حسین ذی ولد اند

و پسر کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی امجد شیخپوروی ذی ولد شدند و پسر
ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود ذی ولد شدند پسر دومی شاه
افضل علی. شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر
ایشان شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجیه الدین
داماد نلشی امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر
و پنج دختران ایشان یکدختر زوجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر
زوجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگرے و یک دختر زوجه شاه براتی و یک دختر زوجه
شیخ محمد حسین الافرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان
شاه محمد جعفر داماد خورد جناب حضرت شاه امیر الدین سجاده نشین دو پسر
و یک دختر ایشان ار وارث ایشان خانه اجداد دست آباد دومی پسر شاه
ارادت حسین داماد شاه جان علی شیخپوروی یک دختر ایشان زوجه
هادی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم ذی ولد پسر سومی شاه
اسید علی داماد سید شاه غلام حسین شملوی دو پسر ایشان یکی شاه وزیر جان
دومی شاه بنو جان هر دو ذی اولاد اند سومی پسر چیارمی شاه افضل علی
شاه شرافت علی شادی اول در قصبه سیوان شده از دختر راجه محمد علی ازان زوجه
یک دختر زوجه شیخ ولایت حسین یک پسر شان محمد احسن لاولد شادی ثانی
ایشان از دختر شاه ولی الله سجاده نشین گردید از مسماه مرادن یک پسر و

پیداشد

یک دختر ایشان زوجہ امیر علی خان ابن ہمت علی خان سہ پسر و یک دختر زوجہ چودھری ظہور الحق ابن چودھری واحد علی دو دختر و یک پسر ایشان محمد واعظ الدین نام مادر ایشان مسماۃ قدیرا انسا بنت مسماۃ حسینا نام پسران وزیر علی خان از دختر خال خود شاہ لطیف احمد ابن شاہ شرافت علی کہ خدا شد تد پسر ایشان داماد چودھری ظہور الحق دو دختر خال بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگرے پسر سوم فدا علی خان داماد شاہ بندہ علی داماد کلانی جناب حضرت شاہ امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ پسر سوم اقبال علیخان داماد شاہ لطیف احمد خال خود یک دختر زوجہ چودھری واعظ الدین مذکور و پسر محمد یحییٰ ہر یکی ذی ولد اند پسر شاہ شرافت علی علیہ الرحمۃ شاہ لطیف احمد داماد راجہ اسد اللہ یک پسر ایشان بود محمد خلیل بعمر چہار سالگی رحلت نمود اِلّا پنج دختران ایشان مذکور سہ دختر کروند متوسط دختر زوجہ شاہ محمد تقی ابن شاہ امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ ذی ولد و یک دختر در انجوار کہ خدا شد در اقران ان جوار

شجرہ پنجم در ذکر اولاد شاہ غوث علی ابن شاہ مرتضی بخش ابن شاہ مصطفے

مذکورہ بالا باید دانست شاہ غوث علی چند دختران اِلّا یک پسر شاہ احمد علی با ایشان یک دختر و یک پسر شاہ واحد علی خواہر ایشان زوجہ شاہ

مخدوم بخش متخلص وافی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان یک پسر ایشان میر بشارت حسن خان الا شاه واحد علی بسبب رقابت صاحبان شیخپوره و حسین آباد تبدیل مذہب کرده بودند آخر عمر در سفر بیت الله شریف نموده‌اند بعد از ادای حج و زیارت مدینه طیبه در حالت ضلالت از مذہب شیعه بر دست این خاکسار توبه نمودند و در انجا تدفین شدند در جنت المعالی بجوار سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه القصه یک پسر ایشان شاه علی ارشد که از خواہر شاه جمال علی بلخی کدخدا یک پسر ایشان شاه علی مظهر در شیخپوره سکونت دارند ذی اولاد ہستند

ثمره ششم در بیان اولاد شاه یحیی علی ابن شاه مصطفی از نام ایشان محله مشهور مصطفی پٹی

باید شنید پسر شاه یحیی علی ابن شاه مصطفی مذکور یکی شاه رکن الدین لا ولد دومی شاه نور الله سومی شاه تاج الدین الا اولاد دختر سے شاه رکن الدین باند سکونت در بہار ہست و پسر شاه نور الله شاه رحیم بخش بودند اولاد دختر سے ایشان نیز باند الا شاه تاج الدین را بودند پسر چہار یکی شاه صادق علی دومی شاه خیر الله سومی شاه لعل محمد چارمی شاه بخش الله کیفیت اولاد شان بعد این دریافت نشد که می نوشت انتہا ورک از کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش مرحوم

ثمره ہفتم در بیان اولاد شاه حسام الدین برادر شاه نظام الدین

ابن قطب علی ابن شاہ مصطفیٰ ولی

ابن شاہ علی ابن شاہ احمد ابن شاہ محمد ابن شاہ خوند ابن شاہ جلال الدین
ابن شاہ علیم الدین بزرگ عرف شاہ بھیکہ واضح باد شاہ حسام الدین را
دو فرزند نام یکی شاہ بدل و نام دومی شاہ بولا یک پسر ایشان شاہ
وحیدالدین وسہ خواہر ایشان بجا بجا منسوب و شاہ بدل را چند دختران
ازانجملہ یک دختر زوجہ برادرزادہ شان شاہ وحیدالدین ایشان را یک پسر
بنام شاہ مہر علی وچند دختر یکی ازان زوجہ شاہ علی بخش مدعو بخشا
پدر شاہ تراب علی و پسر شاہ امیر علی شاہ وجیہ الدین عرف شاہ وجا
شادی ایشان در شیخپورہ شد از خواہر شاہ علی امجد شیخی شاہ وجیہ الدین را
نیز یک پسر شاہ فرزند علی عرف شاہ فیضا وچند خواہران ایشان یکے
زوجہ شاہ تراب علی مذکور با د محمد یعقوب یکی زوجہ شاہ جان علی پدر مہدی حسن
سومی زوجہ قاضی مبارک علی پدر قاضی سلامت علی و نیز شاہ فرزند علی را
یک پسر شاہ الطاف حسین با ایشان نیز یک پسر وچند دختر و شاہ فرزند علی
صاحب نیز دختران یکے زوجہ شاہ احمد حسین چند پسران ایشان دومی زوجہ
قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی
زوجہ سیر ابن حسین بہاری منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی لاولد شد انقدر
اولاد بود شاہ بدل و شاہ بولا است

شجره در بیان اولاد شاه عبد السلام ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اند که محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است
الغرض شاه عبد السلام را دو فرزند رتبه بلند یکی ذکی الدین دویمی شاه
وصی الدین چهار پسر ایشان یکے شاه احمد بخش دویمی شاه الہ بخش سومی شاه امام بخش
چارمی شاه غلام فردوس اینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان الا
شاه محمد ولی پسر شاه غلام فردوس بودند

ثمره اول شجره اولی

شاه ذکی الدین را یک فرزند رتبه بلند شاه وجیہ الدین که بعد بزرگوار
سجاده نشین شدند از محل اولی بودند ذکر طویل است بعد بیان دیگر پسران
تحریر خواهند نمود الا از محل ثانیه دو پسر یکے شاه عنایت علی دویمی شاه
فیض علی الغرض شاه حبیب الله ملقب مخدوم ثانی خلف شاه عنایت علی
بودند پسر ایشان منعم جهان بودند پسر ایشان شاه اصغر علی زین بعد حلوم نیست
الا پسر شاه فیض علی شاه قابض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی
دو پسر ایشان دویمی شاه عنایت علی [illegible]

ثمره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه وجیہ الدین

واضح باد شاه وجیه الدین کثیر الاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار
شد از جانب بادشاه عصر معاش شد حصول لطیفه ایه والتمغه ونیاز درگاه مخدوم الملک
گویا بتکلف تمام امارت میکردند القصه شاه وجیه الدین را دو زوجه
بودند در کفویت از هردو چهار پسر شدند وعلاوه اینها چند زوجه بودند از بطن هر
زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند بینگار تفصیل وار
باید شنید شاه محمد بزرگ وشاه علی بزرگ از یک بطن بودند وشاه
علاء الدین نقدا ملقب وشاه بدیع الدین این هردو برادر از یک
بطن بودند الحاصل چهار برادر متفق المزاج شده سجادگی به برادر کلانی شاه
محمد بزرگ روا داشتند الاتقسیم صرف معاش معروف بچهار سرکار بحشم وخدم
اوقات داشتند الا شاه علاء الدین نقدا بدین وجه مشهور شدند تنخواه
ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاده نشین
شدند گویند که دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی را نام شهنشاه دیگری را شاه
رستم نام بود از هردو برادر اولاد نماند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد
ایشان سجاده نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد
بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شدند سجاده نشین
خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود گشتند سجاده نشین کیفیت

بعد ازین خواهد نوشت

ثمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجیه الدین مع ذکر اولاد شان

از یک بطن که نام بود بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غلام حیدر
شاه غلام بدر ذی اولاد شدند کیفیت اولاد شان بعد ازین خواهد نگاشت
چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجیه الدین دو پسر یکے شاه حامد
دویمی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یکے شاه سرور دویمی شاه صفدر و
از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یکے شاه غلام رسول دویمی شاه محمد هاشم الا
ازینها دو دو برادر را اولاد یک برادر شد ثانی لاولد چنانچه اولاد شاه حامد
شد و شاه محمود لاولد ثمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی ایشان را
سه دختران یکے والده شاه سخاوت حسین دویمی زوجه میر موسی علی
خاله و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی را نیز یک دختر شد دویمی
فرزند شاه حامد شاه محمد و هم بخش متخلص واقی ذکر ایشان شد بحر سابق
ثمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه هاشم لاولد ذکر شاه رحمت علی
ابن شاه واحد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه
وجیه الدین مذکور الصدر شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه
عباس علی عرف شاه جبن دویمی شاه احمد علی سومی را نام بود چهوٹو
چارمی شاه اسد علی اند شاه سرور و شاه صفدر هر دو برادر را اولاد نشد
که بیان کنم

ثمره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را دو زوجه بودند در اقران کفو بیت یکے بی بی بخشن که از بطن ایشان اولاد نشد دومی والده بی بی مریم النسا که از شاه احمد علی خواهرزاده شاه مظفر حسین کدخدا شدند یک پسر ایشان شاه محمد حسین که از مسماة وحید النسا دختر کلانے شاه ولی الله کدخدا شدند اولاد نشد الا سه دختران بشاه احمد علی مرحوم یکے مسماة نجیبن عرف محن زوجه میر حسین بخش کورجوی دو دختر ایشان شدند یکے زوجه میر سعادت علی دومی زوجه میر ممتاز علی پسر و دو دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه اطهر حسین که زیب سجاده جد مادری شدند کدخدائی ایشان از دختر میر اسمعیل علی ساکن محله صدر گلے پٹنه گردید اولاد نشد شاند دختر دومی شاه احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علے میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم دختر سومی شاه احمد علی از میر کرامت حسین ابن میر سید حامد حسین نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یکے زوجه سید مهدی حسن ذی اولاد اند دومی زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید لطافت علی شیخپوروی دو دختر اند و یک پسر سید معین بفضله همه ذی اولاد هستند منسوب جابجا

ثمره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی الله سجاده نشین حضرت مخدوم الملک

الحمد لله حضرت سید شاه ولی الله مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند از روح چهارم کثرت فقر شاه ولی الله نمایش بود تکلفات کرو فر گوشه از کلاه و لباس شاهانه خرقه رنگ ملاگیری و جیره زعفرانی بیعت ایشان از یکی از اعمام خود شاه رحمة الله فردوسی بیعت ایشان از حضرت شاه مجیب الله قادری پهلواردی و کسب باطن و تربیت از حضرت مولوی سید حسن رضا سمی را پوردی الحاصل کدخدائی حضرت شاه ولی الله از دختر شاه محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند متخلات حضرت بهار و دیگر اقران و اخوان نیز آنجا سکونت دارند

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم مزار در بهار است

واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک دختر بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر میر سید احمد که مزار شان بموضع ندره مشهور و مزار سید محمد قدس سره بموضع معا فاگفت اولاد سید محمد و بی بی ابدال زین بیشتر نوشته شد حاجت مکرر تحریر نیست

الاذکر اولاد پسری حضرت مخدوم یا مدوانست خلف الرشید و سجاده نشین مخدوم
بدر عالم قدس سره حضرت سید شاه سلطان بودند اولاد مخدوم سید
سلطان نشد الّا یکے از فرزند برادر را بفرزندی گرفته کردند جانشین معروف
بمخدوم احمد بڑی سید احمد بڑی جگن معروف پسر ایشان شاه محمد عرف جگن
بعد این بزرگوار بیعت این سلسله زاهدیه در خلفا رماند الا بیعت در خاندان
فرزندان ماند یکی از اولاد ایشان حضرت شاه محمد بجنید و سبط شاه عبد الله عرف شاه محمد عوض
بودند نبیره ایشان شاه محمد فیاض زاهدی نسب و سلسله ساکن محله سوده
منمحلات بهار یک پسر ایشان و دو دختر نام پسر یاد نیست الّا داماد ایشان
حاجی نصیر الدین شیخپوری شعبی نسب اند الا دختر کلانے حضرت شاه محمد فیاض
زوجه حضرت شاه ولی الله پدر بزرگوار حضرت شاه امیر الدین فردوسی دختر ثانی زوجه
شاه بهادر علی شعبی شیخپوری دو دختر ایشان یکے زوجه شاه محمد علی
که برادر زاده نیز خسر خود اند شاه محمد علی مرحوم چند دختران و دو پسر یکے
شاه بھوجو که ربط محبت پیدا شتند ازین خاکسار بسیار نوجوان رفتند بملک بقا
ثانی شاه عبد العلی داماد و سبط جناب شاه امیر الدین فردوسی سجاده نشین
و یک دختر شاه صاحب مرحوم زوجه حکیم ا رشد علی که خواهرزاده نیز اند که
دویمی زوجه مولوی تصدق حسین ساکن نگرنوسه دو فرزندان ایشان
شاه وعظ الدین و دویمی مولوی علیم الدین باقی کیفیت دریافت نیست ثانی

دختر شاه بهادر علی علیہ الرحمۃ زوجہ جناب حضرت شاہ امیر الدین قدس سرہ
کہ از دختر خالہ کدخدا شدند جناب شاہ امیر الدین فردوسی را دو فرزند
رتبہ بلند و سہ دختر از انجملہ یکی زوجہ شاہ بندہ علی عرف شاہ بدلا پسر
شاہ حسین علی یک دختر ایشان زوجہ فدا علی خان و دختر ثانی زوجہ
شاہ عبد العلی کہ دختر ایشان زوجہ سید عبد اللطیف خلف مولوی کبیر الدین احمد
آئندہ معلوم نیست الا دختر ثالث از شاہ محمد جعفر ابن شاہ ولایت علی کتخدا
ہستند و دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلانے جناب حضرت
شاہ امین الدین احمد ذی اولاد اند زوجہ چہار اند ہر یکے ذی ولد و
پسر ثانی شاہ محمد تقی از دختر شاہ لطیف احمد ابن شاہ شرافت علی کتخدا
شد ذی ولد اند و خواہر جناب شاہ امیر الدین فردوسی یکی مسماۃ وحید النسا
زوجہ شاہ محمد حسین ابن شاہ احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النسا زوجہ
شاہ شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشتہ شد و جناب حضرت
شاہ امیر الدین را دو پسر از محل دیگر اند یکے رحلت نمود و محمد اسمعیل نام ثانی
محمد ولی ست و از محل ثانی حضرت شاہ ولی اللہ قدس سرہ یک پسر مسمی
شاہ بندہ علی و دو خواہر ایشان فرزند یک خواہر محمد فضل امام حال
دیگر دریافت نشد الا شادی شاہ بندہ علی بموضع بڑاڑی از خواہر شیخ
فضل حسین دو پسر ایشان شدند یکے شاہ عبد العلی و دیمی اولاد علی

شجرهٔ نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجیه الدین ابن شاه ذکی الدین

واضح باد شاه غلام بدر الدین و غلام حیدر دو برادر بودند ابن شاه وجیه الدین
کتخدا هر دو برادر یکجا گردید از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد
سهروردی زیدی نسب بودند زوجه شاه غلام حیدر را نام مسماة باجو
و زوجه شاه غلام بدر نام مسماة نجیبا عرف ناجو القصه شاه غلام حیدر را
اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند و نیز زوجه شاه غلام بدر یک پسر و یک
دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند خاله پسر و دختر مسماة باجو پرورش
نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد واصل بودند و نام دختر بی
بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره دری اولاد سید فضل الله
بودند کدخدا شدند یک دختر سید بی بی دهومن زوجه شاه فتح علی عرف
شاه بهوڑے یک دختر ایشان مسماة لطیفا زوجه شاه علی بخش ابن شاه
محمد واصل ذی اولاد شده بے اولاد شده بیکه منتظر رحلت کردند نام پسر
سید خیر الدین حسین که در مقام متهرا بعز و جاه نام پیدا کرده در انجا رحلت
کردند اولاد نماند الا کدخدائی شاه محمد واصل ابن شاه غلام بدر از بنت
البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاندپوری گردید
از مسماة میجا دختر بی بی صحیحه شاه محمد واصل را از بطن ایشان زوجه شش

پسر و یکدختر از ہمہ برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خورد مسماۃ ذاکرہ زوجہ شاہ انور علی ابن شاہ فتح علی و سہ پسر و سہ دختر ایشان پسر کلانے حضرت شاہ محمد واصل شاہ کریم بخش عرف چھوٹا کدخدائے ایشان از دختر شاہ غلام مخدوم کہ یکے از فرزندان حضرت سید محمد سہروردی زیدی النسب بودند نسب نامہ بالا مذکور شد نام دختر شاہ غلام مخدوم بود بی بی اطیبہ عرف بی بی تو ارد یک پسر ایشان شاہ امیر علی کہ از دختر عمہ خود مسماۃ ذاکرہ دختر شاہ محمد واصل زوجہ شاہ انور علی کتخدا شدند ذی اولاد شدند و پسر دوم شاہ محمد واصل شاہ علی بخش زوج مسماۃ لطیفا یک دختر و یک پسر شد نام پسر الطاف حسین نوجوان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النسا زوجہ میر مقرب حسین ابن مولوی ابراہیم علی کابری ذی اولاد شدہ بے اولاد بمردند و پسر سوم شاہ اشرف علی کدخدائی ایشان بموضع مدح پور شد از مسماۃ بی بی مریم اولاد نشاند چارمی پسر شاہ قادر بخش شادی ایشان ہکیمہ خورد محلات بہار شد از مسماۃ عبدا لاولد رحلت کردند پنجمی شاہ نثار علی ذی اولاد شدہ لاولد رفتند ششمی پسر شاہ محمد واصل شاہ لطف علی کہ در ایام جوانی عہدہ ہائے جلیل کردند حصول کدخدا شدند بموضع باڑہ از دختر میر سید محمد از مسماۃ کبیر النسا یک دختر مسماۃ مقیما النسا

زوجہ شیخ محمد علی ابن شیخ مظہر علی ذی اولاد اند و نام پسر شاہ لطف علی
مرحوم شاہ محمد مقبول ذی اولاد ہستند بمساۃ ذاکرہ دختر شاہ محمد واصل
ابن شاہ غلام بدر سہ پسر شدند یکے سید عابد حسین چہاردہ سالہ بمردند
و دیگر واجد حسین و سیوم برادر کہ نام یاد نیست بعالم طفولیت رحلت
کردند الا دختر کلان نے سماۃ حیات النسا زوجہ سید رضا علی ابن
میر یوسف علی یک پسر ایشان سید فدا علی کہ از دختر عم خورد خود کتخدا
یک دختر گذاشتہ رحلت کردند دختر منسوب است از نواب نصیر علی
و یک خواہر سید فدا علی زوجہ سید امید علی یعنی مساۃ سکینہ دو دختر
گذاشتہ رحلت کردند و خواہر ثانی زوجہ شاہ وزیر علی ابن شاہ امیر علی
و خواہر سوم زوجہ سید وحید الدین ذی اولاد اند چار می اصغر سن
نمود و قضا و دختر ثانی مساۃ فاطمہ بخش عرف بخشا زوجہ شاہ امیر علی
یک پسر و سہ دختر ایشان دختر سوم مساۃ براتن النسا زوجہ شاہ علی احمد
ابن شاہ موسی علی ابن سید غلام مخدوم یک پسر ایشان سید شاہ
علیجان رحلت کردند نوجوان و دو خواہر ایشان نیز بودند با ندا
پسر شاہ امیر علی شاہ وزیر علی کہ از مساۃ کلسوم خواہر خالا
شدند منسوب چنداولاد شد الا یک پسر تجمل حسین نام موجود
و یک دختر منیر فاطمہ زوجہ سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر ہست عطا نظام الدین باقی سہ خواہران شاہ وزیر علی مرحوم
ازانجملہ کلانے زوجہ اولی میر سید حسین دانا پوری برادر عمزاد د
خالاتی این خاکسار نام بود بی بی مخدومہ بعد شادی چند سال
حیات ماند آخر لاولد ازین جہان رفتہ‌اند دختر ثانی شاہ امیر علی
مرحوم زوجہ این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمہ خواہد نوشت الا دختر ثالث
جناب شاہ صاحب ممدوح مسماۃ واقفن زوجہ سید شجاعت حسین
ابن سید شاہ فخر الدین حسین علیہ الرحمۃ بایشان دو دختر کہ ہنوز ناکتخدا اند و
پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاہ بادشاہ بنگالہ

ذی ولد سیاند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاہ حسین
ابن سید احمد شاہ کہ بہ نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامہ تا بالا
معلوم نشد از تحریر مقصر ماند چونکہ مصاہرت از خاندان این فقیر واقع داشت
کیفیت کلیہ مینویسد می آرند در تحریر کہ چون نصیب شاہ بادشاہ بنگالہ
وفات یافت پسر صلبی نداشت امرایان وندمایان حسب وصیت
بادشاہ نواسہ بادشاہ را یعنی حسین شاہ ابن احمد شاہ را
تخت نشین سلطنت ملک بنگالہ نمودند ہرگاہ جلال الدین اکبر
بادشاہ از تخت گاہ دہلی نہضت نمودند بسوی دیار شرقی بہر حکمرانی

داؤد شاه بادشاه تخت نشین حاجی پور خبر شنیده تاب مقابله نیاورده
فرار ورزید بسوی بنگاله حمله کرده سلطنت حسین شاه بادشاه بگرفت
حسین شاه بادشاه بنگاله با خود ها ناپسند دیده صورت جنگ و جدال
و بندگان خدای را قتال قصد ترک سلطنت کرده قصد سیاحت نمود
و سلطان اکبر بادشاه بہ پسر داود شاه رحم آورده قلم بر عفو جرائم کشیده
تاج بخشی نمود بمعینه خراج که سابق بود مسعود شاه ابن داود شاه
بحاجی پور تخت نشین ماند و حسین شاه سیاحت کرده در صحرای
ضلع ترہت جای عزلت نشین شد و مشغول بعبادت الهی مدتی
برین سپری شد آن صحرا ایست علاقه مظفرپور پرگنه بسنت مالا مشتهر
گردیده و درگاه آخر ہجوم خلائق پیدا شد و کیفیت کرامات از شاه
حسین بادشاه هویدا شد خلق الله معتقد شد نوشته اند مورخین گردیدگی
خلائق چون ناپسند افتاد پسر خود سید علی ابدال را جانشین سجاده خود
کرده از چشم خلائق پنهان شد الحاصل سید علی ابدال در آنجا مجاهده
و ریاضت بوتیره اسلاف پیدا کرده کسب و کمال تا مدت چهل سال
بعده قابل شد کدخدائی از دختر مخدوم شاه دانیال که یکی از اولاد
حضرت مخدوم محمد تاج فقیه اند کرد یعنی در اولاد مخدوم شاه حسین
دهوکرپوش که واقع مزار این بزرگ است در پورنیه اینها یکی

کمال کاکوی و مزار مخدوم شاہ دانیال است در موضع تاجپور بزرگ
حالا آنجاے ہم زیارت گاہ است بدانکہ بی بی معصومہ بود نام دختر مخدوم
شاہ دانیال از بطن آن بی بی فرزندے بوجود آمد ذی جاہ و ذی جلال
مسمی مخدوم سید احمد ابدال باکمال از مشاہیر مشایخین صاحب کرامات
و حال کتخدائی ایشان از مسماۃ مریم دختر نبیرہ مخدوم محمد صفی صفی پوری
کہ مخدوم شاہ مصطفے عم آن بی بی بودند الحصول از بطن شریفہ این بی بی
سہ فرزند رتبہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سید یحیی نام سومی
سید قطب کیفیت ذریت دو برادران دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صورت
مصاہرت واقع شد از پایان مزار فایض الانوار آنجہ واقع است ہر ہوہ درگاہ
کہ پر کیفیت است الا میر سید قطب کہ شادی ایشان دوبار از دو دختران
میر سید عبد الرسول قادری داناپوری کہ داماد میر سید قاضی عماد الدین
ابن میر سید عبد الفتاح عرف قاضی میر سید بڑہی کدخدا شدند نام آن
ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسے بی بی ابدال القصہ
از ہر دو دختران میر سید عبد الرسول میر سید قطب را دو دختر نام یکے
بی بی قطبیہ عرف بی بی گھانسی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال الدین ابن میر سید قاضی عماد الدین بودند یک دختر شد ازان نام
بی بی لطیفہ از سید وجیہ الدین عرف سید بولن کدخدا شدند دختر ثانی را

نام بود بی بی کریمه اولاد نماند هرگاه بی بی لطیفه بی اولاد ازین جهان رحلت کرد
بی بی قطبیه عرف بی بی گهانسی داماد خود سید وجیه الدین عرف بولن را
مثل پسر خود دانستند بهر آبادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی امیمه
دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جهانگیر داناپوری بودند از بطن این زوجه
میر سید محمد احسن متولد شدند نواسه میر سید محمد ولی چون بجز میر سید محمد احسن
بی بی قطبیه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک تا بعض بهره متروکه خود و نیز از
امیمه داناپور حصه خود نمودند چنانچه اولاد میر سید محمد احسن بران تا حین
وآمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در رهوه درگاه است
و مزار سید احمد ابدال در شهر پټنه بمحله مغلپوره باتکلف است با حریره بود
حالا مفقود و نشان هم شد کٹهره بران آباد شد بطفیل اولاد بامراد واضح باد
دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکے از اولاد
مخدوم شاه صفی کدخدا شدند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید هدایت الله
شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند
رتبه بلند سید احمد کبیر شدند ایشان بر وطیره اسلاف تجرد می کرده اختیار
در عبادت پروردگار مشغول شدند لا اخواهر سید هدایت الله ابن سید مسعود
بی بی عابده از میر سید حسن زیدی منسوب شدند یعنی بی بی عابده
والده میر سید وجیه الدین عرف سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

مالک وقابض بر کل متروکه علاقه درگاه وغیره شدند ابن میر سید وجیه الدین
عرف سید بولن میر محمد احسن بودند شادی میر سید محمد احسن از بی بی التقیا
عرف بی بی بھجلو دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد یسین قدس سره دانا پوری
شد که جد امجد این خاکسار راقم التحریر بودند چهار پسر میر سید محمد احسن شدند
یکے میر مظفر علی و دومی میر غضنفر علی که داماد حضرت سید شاه ولی الله ابن
سید شاه محمد یسین بودند نام آن بی بی رشیده بود مدعو بودھن لاولد
رفتند ازین عالم هر دو سومی میر حسن علی نوجوان رفتند ازین جهان چارمی میر سید
قطب علی که از دختر میر سید مهگو کدخدا شدند یک دختر شدند موسومه بی بی
واجن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان کدخدا شدند محمد حسن خان
نواسه میر تقی صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر ایشان ولی علی خان
الآن شادی اولی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت
ان بزرگ بمحله چاند پوره یکے از محلات حضرت بهار که از فرزندان حضرت
سید فرید طویله بخش بودند از بطن این بی بی صفیه دو دختر و یک پسر یک دختر را
نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحیم علی کدخدا شدند که یکے
از اولاد حضرت مخدوم شاه بڈھی بودند ساکن چک درگاه ضلع ترہت بودند
نام فرزند ایشان شاه امام علی بودند آئنده کیفیت ذریت ایشان دریافت شد
الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد بخش

ابن شاه احسان الله ممدوح کدخدا شده‌اند از بطن این بی بی دو پسر یکے
سید شاه محمد باقر که شادی اول از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شد ازان
بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین نوآبادی
گردید چهار پسر یکے سید شاه محمود که نوجوان رفتند از جهان دومے
سید محمد مسعود سومی سید مقصود چارمی سید مودود مع اهل و عیال همه زنده
اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شادی ایشان
از خواهر دیوان مولا بخش رئیس شهر کردند یک پسر ایشان سید علی حسن نام
از دختر مولوی سید شمس علی کدخدا شد یک پسر گذاشته سید حسن در عمر کمی
پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه
نعیم الله کاکوی شد الاخلاف ارشد سید مظفر علی سید شاه یحیی علی که از دختر
شاه مظهار الحق نوآبادی منسوب شدند نام ان بی بی مخدومه بود و آنحضرت را
دو پسر و سه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد یکے از شیخ نثار حسین شد کدخدا
لاولد رفت دومی از شاه مظهر الحق سومی از شاه غفور الحق منسوب شدند
ذی اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی مجذوب صفت بودند اولاد نیست
الا پسر کلانے مولوی سید شاه اشرف علی کاشف رموز خفی و جلی
کدخدا شدند از دختر میر حسین بخش کورجهوی اولاد شد دختران و پسران پسر
کلانے سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرحت علی کدخدا شدند یک دختر

دو دپسران بی بی مریم گذاشته وفات یافتند دختر از میر واجد حسین این
پسر اسمعیل علی کہ خدا نام پسر کلانے شاہ محمد قاسم از دختر شاہ عبد الحسین کہ خدا
پسر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاہ محمد واجد و شادی ایشان
یکے از دختر شاہ امیر الدین شد و شادی ثانی از دختر شاہ نظام الدین
ابن شاہ غفور الحق گردید اللہ تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کردند
میر منظفر علی دو پسر و یک دختر بوجود آمد ہمہ کہ خدا شدند اولاد نماند نام
پسر کلانے شاہ ہدایت حسین مدعو خیراتی دو شادی کردند اولاد نشد
ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاہ سلامت علی وردوسی شادی کردند و قبل
ازین میر یک شادی شد از کسی اولاد نشد الحاصل قابض و متصرف بر کل مملوکہ
سید منظفر علی وغیرہ اولاد سید شاہ یحیی علی قدس سرہ اند یعنی شاہ
محمد قاسم ابن شاہ حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

	بدرگاہ رہوہ دارند ان درگاہ زیارت گاہ ہست	

شجرہ نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبد الفتاح عرف قاضی شہبند

	دانا پوری بیان بر چند شعر	

باید دانست کہ میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید علی اکبر جاجنیری سادات
رضوی کہ نسب نامہ ایشان بالا مذکور شد در پشت سادات رضوی از مقام
جاجنیر بحضرت بہار آمدہ در محلہ نگہرہ اقامت نمودند وقت غزا بر کفار

غازی شد آخر بہ کید کفار شدند شہید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان
سید زین العابدین از ینجا برخاستہ خاطر گشتہ جانب شمال رفتند کردند اقامت
جائے پسند کردہ بموضع بھوماڈر پرگنہ مکیر ضلع ترہٹ مشغول بذکر حق
و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بودند خلف ایشان
میر سید ابو الفتح پسر ایشان میر سید عالم ابنہ قاضی سید عبد الفتاح
از دربار شاہی منصب قضا پرگنہ پھلواری کردہ حصول مع اہل و عیال
از مقام آمدہ بموضع داناپور پرگنہ پھلواری ضلع پٹنہ اقامت نمودند
شادی قاضی بڑے در وطن خود در آقران شدہ بود و نیز شادی پسر ایشان
میر سید عماد الدین درانجا شدہ بود کہ بعد والد ماجد بمنصب قضا و اقامت
داناپور بحال ماندند الا یک دختر بود قاضی سید بڑے مسماۃ مجید النسا کہ خدا کے
شان منظور بود در شرفاء اینجوار آخر از میر سید جہان ابن میر سید قطب الدین
باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جہان ممدوح مع کیفیت اولاد در آخر
بتصریح خواہد نگاشت درین اوراق ذکر فرزندان پسری قاضی عبد الفتاح

	عرف قاضی بڑے ہست شجرہ اولاد رضویان ساکن داناپور	

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد
ماجد خود سررشتہ قضا بست سال ماند در عہد بادشاہ نور الدین جہانگیر داناپور

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی الجینه
چهار پسر ایشان و دو دختران چنانچه یکدختر منسوب شد از خواهرزاده
ایشان یعنی از میر سید عبید الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور که
ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد و در ضمن ذکر فرزندان میر صدر جهان
علیه الرحمة و دومی دختر منسوب شدند از میر عمید عبد الرسول قادری نسب
که از بغداد شریف بطور سیاحت آمده بودند در دارالانا پور بعد اقامت
ایشان در صحبت چند صورت نجابت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب
بحضرت غوث الثقلین دختر را بزوجیت ایشان دادند میر سید عبد الرسول را
یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه دختر قاضی سید عماد الدین الا
سید اسحاق در عالم جوانی ناکتخدا رحلت کردند باقی چهار خواهر ایشان
دختران سید عبد الرسول از انجمله دو دختران یکے بعد دیگرے بزوجیت
میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه
بنگالی بادشاه دیار بنگاله نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود ذکر ذریت
هر دو در ذریت میر سید قطب ما قبل نگاشته شد و کیفیت سید جمال الدین
عرف سید بولن باقی دو دختر کدخدا در کفویت شدند بی بی طاهره زوجه
میر سید جهانگیر ابن میر سید اکبر پسر کلانی قاضی عماد الدین و دومی بی بی
مینه زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهرزاده قاضی

عماد الدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طویل است آینده تحریر خواهد شد
الا چهار پسر بودند سید قاضی عماد الدین ثانی میر سید اکبر مذکور که ذکر
اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل است الا پسر ثانی قاضی
سید ابو الفتح که بعد والد ماجد بمنصب قضا ماندند چند سال شادی ایشان
از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردید همشیرهٔ میر سید
اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد وقت رحلت منصب قضا
و ترکه ایمه خود بیکی از برادر زاده میر سید عبد المقتدر دادند هنوز آن ترکه
در فرزندان ایشان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر
سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از مسماة
فاضله دختر شاه عبد السلام در اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره
آن بی بی عمه شاه وجیه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند
یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدر الدین
کدخدائی ایشان از مسماة لطیفة النساء بنت میر سید اکبر شد یعنی از دختر
عم خود چونکه لیاقت و وجاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را رسوخیت
تمام در بار سلطنت دهلی از امرا و ارا کین بود صاحب خوش تحریر و خوش
تقریر بودند و علومیت بودند سند افتا در بار شاهی کردند حصول بوجه معاش
و نیز وظیفه بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند مشغول تا که سلسله

خاندانی نمود و یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید فضل الدین
عرف سید فضلو بود از دختر میر سید محمد ناصر ابن محمد میر سید حسین که خدا شدند
نام زوجه بود مسماة سیدا یک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمد مسمی
سید صغیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعقاب نماند
پسر چهارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان
در قصبه منیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت منیری شد از مسماة سکینه
بود از بطن آن بی بی یک پسر شدند مسمی میر سید نجم الدین شادی ایشان
در بنی اعمام یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از مسماة فصیحه یک پسر ایشان
سید بدر الدین تا که خدا رحلت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال از بی بی قطبیه عرف گهاسی سد بنت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از آن
بی بی یک دختر شد نام بی بی لطیفه زوجه میر سید وجیه الدین عرف سید بولن لاولد
نماند نه پسرے نه دخترے میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین
میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از مسماة ربیعه دختر مخدوم شاه
عبد المجید نوآبادی گردید از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر شدند پسر
کلانی میر سید جهانگیر شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبد الرسول شد
با ایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید حامد که شادی اول ایشان
از بی بی رمضانی دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد مخدوم شاه صفی

بودند گردید از بطن این بی بی یک دختر مسماة رقیه عرف بی بی چهٹیا والده
حضرت شاه محمد یٰسین ابن میر سید محمد باصر که جد امجد این فقیر بودند اولاد
و اسباط ماند الا شادی ثانی حضرت میر سید محامد از بی بی فاطمه عرف جهاون شد
خواهر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود گردید ازان بی بی اولاد
اولاد دخترے ماند و پسر دوم میر سید جهانگیر میر سید حامد بودند بی بی
تیمه دختر شاه ذکریا فریدی نسب که زوجه گردید یک دختر ازان بی بی
شد مسماة نصیرا زوجه میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن
میر سید صدر جهان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر
میر سید ولی بودند شادی ایشان از مسماة آمنه دختر عم خود میر سید
عبد المقتدر شد یک دختر ایشان مسماة امیمه زوجه میر سید وجیه الدین
عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت ذریت
ایشان ماقبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان
در موضع بی بی پور شد از مسماة رضیه عرف رجو دختر شاه محمد یونس یک دختر
و یک پسر شد نام دختر بی بی مکار زوجه سید شاه اعظم عرف سید ساپا نوآبادی
والده حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم کدخدائی ایشان
از بی بی رشیدا دختر میر سید جهانگیر گردید ازین بی بی دو پسر و یکدختر مسماة
بنفشی زوجه میر سید شاکر ابن میر سید معظم نوآبادی و نام پسر میر سید محمد غوث شد

که از بی بی بنتی خواہر حضرت شاہ محمد مبارک کہ جدا شدند چونکہ آن بی بی لیبہ
کاملہ بودند در یاد الہی ماندند اولاد نشد و پسر ثانی میر سید غیاث الدین شادی
ایشان نیز در بنی اعمام شد اولاد نشد اولاد دختری ماند بہ میر سید مکارم
پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبد المقتدر شادی ایشان در بہار
در فرزندان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیدہ یک پسر و یک دختر ایشان
نام پسر قاضی سید رکن عالم کہ شادی ایشان از مسماۃ غفورا گردید دختر مولوی
محمد قاسم قائم پوری کہ فرزند شاہ اسمعیل برادر مخدوم شاہ عبد المجید بودند
یک پسر و یک دختر ایشان مسماۃ واصفہ زوجہ شاہ بدر الاسلام برادر شاہ
محمد ولی کورجوی اولاد نشد آلا پسر بودند میر سید عالم در عہد ایشان عہدۂ قضا را
آمد قضا ازین خاندان شد جدا کہ خدائی ایشان شد از حضرت بہار بحجلہ
منقتیانہ از مسماۃ سکینہ دختر میر سید محبوب عالم الحصول دو دختر ایشان
شدند مسماۃ اقلیمہ و مسماۃ وسلیمہ مسماۃ اقلیمہ زوجہ شیخ الہ یار مادر شیخ محمد یار
دو پسر ایشان شاہ مراد علی و شاہ شمس الحق پسر ایشان و نذیر علی ساکن
ہرگانواں و دختر شاہ محمد یار زوجہ شاہ وحد اللہ پھلواری نواسہ حضرت
شاہ مجیب اللہ یک دختر ایشان زوجہ مولوی شاہ ابو تراب ابن حضرت
نعمت اللہ یک پسر شد شاہ عبد الکریم اولاد نماند و نام پسر شاہ وحد اللہ شاہ
محمد یوسف یک دختر ایشان زوجہ مولوی محمد حسین ابن حضرت شاہ نعمت اللہ | ازبی

اولاد ایشان نیز نماند و نام پسر بکلانے شاہ محمد یار شاہ مراد علی کہ از دختر شاہ
عاشوری انصاری کہ خدا شدند دو پسر ایشان شاہ داود علی کہ شادی
ایشان نیز در بہار محلہ انصاری شد دو پسر ایشان شاہ ممتاز حسین الفت حسین
الا پسر دوم شاہ مراد علی شاہ محمد اکبر یک دختر ایشان زوجہ شاہ ظہیر الحق
ابن مولوی ظہور الحق الا دختر دوم میر سید عالم بی بی وسلیمہ شادی ایشان
در موضع بی بی پور گردید از میر سید امجد علی کہ پسر خواہر میر سید قاضی کرن علم
بودند یک دختر این بی بی مسماۃ کلیمہ عرف بی بی گوندر زوجہ قلندر علی ابن
شیخ ابو تراب فریدی کورجوی یک دختر و پسر با نام طفلی وفات یافتند الا یک
پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادات باقری یک دختر ایشان
از محل اولی زوجہ مولوی سید اشرف علی نو آبادی ابن سید شاہ یحیی علی و از
زوجہ ثانی دختر شاہ احمد علی داماد شاہ علیم الدین سجادہ نشین دو دختر و یک پسر

	شاہ اظہر حسین	

خاتمہ کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادات
باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بوڈھی کالپوی بیان ہر یک

	اصل و سہ فرع و چند ثمرہ شجر	

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بوڈھی از وطن با منصب

رفتم بہر ملاقات او پدرا و میر امجاد حسین بمن گفتند پدر پدر تو ہستم از بی
اعمام این کفت آمده بحضرت والد ماجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد
سید حامد ہستند چراکه مینا پوری اند در موضع مینا پور و جہبر دران میر سید حامد
ہستند بدینوجه نسب برادری کردند بیان و نیز از میر امجد علی ساکن جرده
ملاقات مذہب تشیعه داشتند خود را از اولاد میر سید بوڈھی میگفتند از فرزندان
میر قائم و میر دائم القصه چون جنابحضرت میر سید قطب الدین در شهر پٹنه
شدند مقیم شغل بود شیوه پیری و مریدی طور خاندان قدیم جستجو بست میر سید
صدر جہان در خاندان شرفا بجا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبد الفتاح
عرف قاضی بڈہی در دانا پور بمنصب قضا پرگنه پھلواڑی بودند اقامت گزین
از سیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند عندالادراک
از جانبین شد قبول کتخدائی میر سید صدر جہان از بی بی مجیده دختر قاضی
سید بڈہی شد الا اقامت میر سید صدر جہان در خانه آبائی ماند در دربار
شاہی دہلی عہده جلیل کردند حصول بخطاب امیر الامراے پسر ثانی میر
سید قطب الدین بود حضرت شاہ پھول برگزیده خدا و رسول مقبول
اہل کمال حضور ماندند و نیز خواہر شان ولیه کامله بی بی النور عرف بی بی
چلدھی اسم شادی نکردند قبول فاتحه ہر دو برادر خواہر در خاندانم
در شب برات بطور توشه می شود مانده و شکر در روغن حلوا بغیر آب بسازند

تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند نداشتند فرزندان برادر را گفتند
فرزندان نیاز نوشته بود و ما نمی خوریم حتی که نواسه نیز این دختر دختران
می بزایند با حتیاط تمام زوجه فرزندی نمی بزائیده بسبب دو دان نمی بینند خداوند
چه اسرار است بدین گفتار مزار هر دو برادر و خواهر واقع هسف در محله
کهجور کتره کهجوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین
برادر حاجی پور پائین مزار پدر بزرگوار دفن نمایند مطابق کلام حدیث شریف
الجنة تحت الاقدام امهاتکم چنانچه وصیت فرزندان تعمیل نمودند چنانچه
مزار حضرت میر سید تقی الدین سید بوڈهی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است
و پائین مرقد میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بزرگ نیز زیارت
کرده ام جا سے بر فرازی هست اهل حاجت را میشود حاجت بر آرا لحاصل
چند تست سکونت در عظیم آباد ماند حالا دانا پور که آینده کیفیت سکونت نگاشته خواهد شد

شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

	بر فرع بکیفیت هر یک پسر	

هر دو فریق حقی کو
واضح باد میر سید صدر جهان از بطن بی بی حبیبی شود این سه پسر فقیر است میر نور
کلانے میر سید محمد نسبت شادی اولاد شان شیعه مذهب گفتند که من از اولاد
ثانی میر سید اولیا فرزندان این هنگام قیام در قصبه چهپره جنا بحضرت
پسر سوم میر سید عبدالواحد فرزند ملاقات شد سید امداد حسین بود نام روزی

انتقال درانجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالله کرمانی انصاری که
هستند و درانجا مزار فایض الانوار است بمقام خسک بکره شادی نمودند اولا
شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جد امجد در ایام سیاحت
از اولادشان نمودند ملاقات و کردند ادراک کفویت نسبی بیان کردند
باہم سید باقری از فرزندان سید بوڈھی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین
بوڈھی و انسب با دیر سید قطب الدین را و پسر و یک دختر و نیز برادر بتوسط
باند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشرفا مر
ایجوا میر سید صدر جہان پسر کلانی مفقود کردید مسعود این خبر شنید
نزد آنجناب فرستاد پیام بہر مصاہرت از دختر خود که بود جمیله و عقیله آنجناب
تامل نمودند در جواب هیچ نظر نمودند بار دوم بذریعه نامه شد خواستگار جواب
نوشته فرستادند بدو کلمه بالاختصار ای پادشاه دین پناه تو پادشاهی هستم
سید با جلین زبده اولاد افاغنه مشغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از
شاهی دهلی عهد نست و نیز بفرقه شعا و سیر مریدی بچه طور باشد قبول الحاصل مصاہرت
سید قطب الدین بود حضرت مضمون نامه دیده چین بر جبین کشیده گردید ملول
اہل کمال حضور ماندند و نیز خواہرش اگر از من مصاہرت نمی رسید بر آنجناب
چلدھی انهم شادی نکردند قبول فاتحه هاشمی خویش کرد فوراً ترک وزارت
در شب برات بطور توشه می شود مانده و شکر در کردند لہذا انجا ہرجا خاطر کشته

مع اہل و عیال عزم شہر پٹنہ عظیم آباد نمودند برادر متوسط خود را مجبور شدند
ہمراہ آوردند میر سید حامد در آمدن جمعیت حیلہ حوالہ کردند انکشاف شد بآنجناب
تو بطمع وزارت از دو سخواہی مصاہرت خوب نیست من قطع نمودہ مصاہرت
تو رافضی گشتی مغل شدی بطلب مراد ہستی نیز خدا داند کہ تو ننگ خاندان
شدی القصہ از انجا مع اہل عیال عبور گنگ شدند جاے تجویز کردہ
بیرون شہر تکیہ مسجد بنا ساختہ اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت
جد الامجد انجاسے آباد بود قریب گور غریبان حالا اندر شہر داخل است
قریب کچوری گلی محلہ کجور کتہ و حال اولاد میر سید حامد بسبب دعا بد برادر
ہمان شد کہ از دختر مسعود شاہ شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد
ان منصب دخترش نیز بمرد اولاد آن بزرگ مذہب رافضی دارند و
مصاہرت درمیان افغان و مغول جاری ست باستماع آمدہ بعد چند مدت
بین اولاد ہر دو برادر مصاہرت گردید نوشہ و عروس وقت مراجعت
بارات در دریا شدند غرق بعدہ ممتنع مصاہرت شد مابین ہر دو فریق حتی کہ
شادی نسب ناسازواری بعبور گنگ نیز نمی شود این ہیچ فقیر ست میفرمودند
روزی عند الملاقات میر ابراہیم علی جھجری شیعہ مذہب گفتند کہ من از اولاد
سید حامد ابن سید بوڑھے ہستم وہنگام قیام در قصبہ چھپرہ جناب حضرت
والد ماجد از شخص از ین حقیر رابطہ ملاقات شد سید امداد حسین بود نام روزے

استماع است از حضرت جد الامجد بدین طور که مستمع شده‌اند از آبا و اجداد خود هرگاه
داود شاه بادشاه ابن محمود شاه بادشاه کالپی که از مریدان اینخاندان بود
از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام حاجی پور عبور گنگ شهر پٹنه
تخت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عریضه به پیرزادگان جمع
نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذورست بسبب سلطنت اینجا میخواهد
اگر ازینجا کسے صاحبزادگان تشریف آرند بدینجوار بر دستان عالی تبار بیعت
نمایم و اگر مع اہل تشریف آرند نذر نمایم بمد معافی و دیہات بہر اخراجات وغیره
منقول است هرگاه بدینطور نامه شاهی شهر کالپی بمحله محمود پوره رسید
با خود با در اخوان اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد
کالپی شوره گردید بدین معنی که درینجا هنوز پیری مریدی سلسله آبائی جاریست
وایمه و نذر درگاه بهر مدد معاش از عطیه سلطانی موجود است بهر کفاف حاجت
رفتن بدینصوب مناسب نیست که برویم و این را ترک نمایم اگرچنین استدعا است
داود شاه بادشاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودهی درانجا روند
چراکه هم از پای اند معذور و صرف بسیار عیال و از رفتن ایشان بہر حضور و دستور کلانه
اوقات پاے شکسته نشسته چون صلاح اخوان چنین شد التحصول جناب حضرت
میر سید تقی الدین مع اهل و عیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند
بمقام حاجی پور داود شاه تکریم نمود و بیعت کرد حصول و معین نمود دیہات

بهر کفاف بعد معافی می نگارند چون تشریف همراه آوردن آنحضرت زوجه بودند و سه پسر
یکی میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دختر عم بی بی نعمت
دختر میر سید عبد الحی ابن میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت
سید تقی الدین سید بوڈھی بی بی خدیجه بود عرف بی بی پهول چنانچه موضع
پهولپور بطور نذر بعد معافی بی بی صاحبه نموده بود دومی پسر میر سید علی نوجوان
القصه بعد چندی داود شاه لیاقت جوهر و صفائی دیده منصب وزارت بحضرت
میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بصرف آنجناب نذر نمود
از حال موضع چهپر موسوم شد بنام قطب پور چهپر هرگاه جلال الدین اکبر شاه
نهضت از دهلی نمود بهر ملک گیری دیار شرقی داود شاه خبر آمدن بادشاه
اکبر شنیده در خود تاب مقابله ندیده سوی دیار شرقی کرد فرار در آنجا رفته بر سلطنت
حسین شاه بادشاه بنگاله مسلط شد آن تاب مقابله نیاورده بال همراهان
جان و شمشیر زنی شود هر باد خون ناحق بر سر من افتد با فتاد و ترک سلطنت کرده
صحرانشین شد عرلت چون بمقام حاجی جلال الدین اکبر شاه رسید داود شاه
را ندید گفت فرار شنید پسر داود شاه بحضور بادشاه دست بسته بعذر خواهی رسید
بادشاه قلم عفو بر جرائم کشید خراج بر و مقرر نمود تاج بخشی کرده روانه سوی دهلی شد
مسعود شاه بفارغ بالی سلطنت نمود منقول است همراه لشکر داود شاه میر سید علی
پسر سوم میر سید بوڈھی نیز بدانصوب روانه شدند چرا که والد جد کرده بودند

ماندند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میر سید محمد پسر کلانی در نوا باده خورد گردید در اولاد
حضرت خوند شیخ گردید در بنی اعمام حضرت مخدوم شاه عبد المجید
نوا بادی ساکن نوا باده کلان از بی بی هدیه از بطن این بی بی پنج پسر شدند
یکی میر سید محمود دومی میر سید عبد الرزاق سومی میر سید عبد الوهاب
چارمی میر سید تاج الدین پنجمی میر سید نظام الدین شادی این برادر
هر چهار گردید در اطرات جوار بکفویت شرفا بر نا مدار الا کیفیت ذریت ایشان
هر یکی دریافت نشد که درین اوراق تحریر می نمود الاسماع هست از بزرگان
ذریت میر سید نظام الدین در موضع رسولپور بودند و اولاد بعضی در نظام پور
و اولاد بعضی برادر در ملسرپور الا سفر مود شاه کریم بخش مجذوب ساکن
تهمه از اولاد بوبستگان میر سید عبد الرزاق یا میر سید نظام اند میگفتند
نسب مصاهرت و یار دیار بعد پیدا شد الا کتخدائی میر سید محمود در نوا باده
کلان شد از بی بی تاجا بنت مخدوم شاه عبد الحی ابن حضرت مخدوم شاه
عبد المجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند و در خاندان هست
مشهور از انوقت اقامت اولاد میر سید محمود در نوا باده شد چرا که دیگر اولاد
پسری نماند باید دانست میر سید محمود را از بطن این بی بی دو دختر و سه پسر

شدند اول کیفیت دختران بعده ذکر آن که طویل است یک دختر را نام بود
بی بی فاطمه عرف بی بی جهانون زوجه میر سید محامد ابن میر سید جهانگیر
داناپوری از بطن این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوهر در نواباده شدند
مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان الله کدخدا شدند سه پسر ایشان یکے
شیخ عظمت الله دومی شیخ احمد الله سومی شیخ عزت الله از الجمله شیخ احمد الله
لاولد پسر شیخ عظمت الله شیخ شریعت الله اینها از فرزندان مخدوم شاه صفی
صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند سو قصبه قائم پور
بوده است یک دختر پسر شیخ امان الله بودند مسماة حیاتن در اقران کدخدا
شدند و احوال شادی شیخ عظمت الله و شیخ شریعت الله دریافت نشد الا
شادی اول شیخ عزت الله پسر سوم شیخ امان الله از دختر شیخ اسمعیل ولد
مولوی محمد قائم قائم پوری شده بود که از یکے بندگان مخدوم شاه عبد المجید
نوابادی بودند از بطن این زوجه یک پسر مسمی به شیخ الله یار که از دختر
میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی داناپوری شد شادی
از بطن آن بی بی مسماة اقلیما شیخ محمد یار پسر شدند والد شاه مراد علی و
شمس الحق کیفیت بتصریح بالاے این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت الله
از بی بی ابدال دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطن
آن بی بی یک دختر بی بی ملیحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد داناپوری که

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام بکمال عزت و جاه و جلال شادی
اول ایشان گردید از دختر بی بی حبیبا زوجه شاه عنایت حسین که داماد
و خواهرزاده شاه فتح علی شیعی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی حسینیه
اولاد نشد از ان بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی اصغر حسین
خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد نشد از عقد ثالث که نام
بی بی گلاب بود یک صبیه متولد شد مسماة وجیها النسا از سید شاه علی احمد
ابن سید شاه ولی احمد بلخی کدخدا شدند چند دختران از بطن این عفیفه شدند
هر یکی جا بجا در شرفا منسوب شدند فرزندان دختری اند که پسر نیز تولد شدند
در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین دو برادر و چهار خواهران
بودند اولاد یک خواهر بی بی لکھو شاه نور الدین احمد عرف شاه لبان
و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی اند کیفیت اولاد
ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهران
هر سه دریافت نشد الا برادر ایشان میر زین الدین یا میر حسین الدین عرف
میر حسین بودند همزلف میر برکت علی فریدپوری یک دختر ایشان زوجه
برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان پسر ایشان
هادی علی خان موجود اند و دو پسر کی میر امانت علی اول شادی ایشان
میر برکت علی فریدپوری یعنی از خواهر مولوی سید امان علی شده و یک دختر

شد زوجه شاه قمرالدین احمد ابن شاه منیرالدین احمد عرف محمدی چون آن
فوت شد هرگاه شادی ثانی میر ممدوح از دختر مولوی نصیرالحق نمود ند یک پسر
و دو دختر شد بعالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور
و یک دختر زوجه میر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر را نام ملی الحق
میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود با در سید اختر حسین وجد و سید الفت حسین
مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاه اولیا علی

مذکور الصدر در ینجا ترکی تمام شد

ثمره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی مسماة بی بی عابده زوجه شاه فتح علی شیعی

واضح باد بی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه فتح علی
شیعی نسب شیخپوروی کدخدا شدند از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر
یکے بی بی حسینا که از شاه عنایت حسین شیخپوروی خواهرزاده شاه
فتح علی مرحوم کدخدا شدند دو دختر شدند یکے زوجه منشی سید محمد خلیل
که اولاد شان کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان
رحیل ملک بقا شدند دومی شاه امجد حسین مدعو بهیرجی که در عهد
نواب احمد علی خان ذی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود
میر سید نورالدین احمد شد از مسماة هراون النسا چون ازان بی بی

سید اکبر و دو پسر و دو دختر بوجود آمد یک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک
مسماة مدینه ثانی مسماة زاکیه زوجه شیخ عتیق الله عرف شیخ کنسائی ابن
شیخ ولی الله پدر مسماة دهومن گردید نام پسران آنجناب بو سید شاه گردو می را
نام سید رؤف کتخدائی هر دو برادر در دانا پور از دختران اعمام شد

اولاد نماند جز اولاد دختری

ثمره سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمود ابن میر سید محمد و
بدانند میر سید محمد مظفر را شریعت و تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شادی ایشان
از بی بی رحمة دختر میر سید حامد ابن میر سید جهانگیر گردید یک پسر شد از ان
بی بی مسمی سید حیدر نوجوان مجرد اعقاب نماند ذکر فرزندان میر سید محمد ثانی
باز اعاده مینمایم بتصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین احمد
و نام دختران مسماة باصره زوجه اولی حضرت سید شاه ولی الله ابن حضرت
شاه محمد یسین دانا پوری از بطن این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود
غلام نبی بعمر دو ساله بمرد الا دختران دختر کلانی مسماة باصره بی بی مجیده
از میر سید احسان الدین رندهی نسب ساکن بانس بیگهه کدخدا شدند از بطن
این بی بی یک دختر شد و دو پسر نام دختر بی بی نجیده که خدا از شیخ
محمد منیر انصاری پهلواری که پسر زوج عمه آن بی بی بودند در صغر سنی بیوه
شدند اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاه اولیا علی بعیت

ایشان را تربیت بطریقہ عالیہ قادریہ از حضرت شاہ نعمت اللہ قادری
مجیبی وارثی سجادہ نشین پھلواری و شادی ایشان نیز در قصبہ پھلواری
گردید از خواہر شاہ محمد اشرف عرف اچھو میان ابن سید شاہ رحمۃ اللہ
عرف شاہ ٹھہ دمن ابن شاہ بزرگ عالم ابن سید شاہ احمد ابن سید شاہ محبوب عالم
ابن سید شاہ عزیز اللہ ابن سید شاہ حبیب اللہ ابن حضرت مخدوم شاہ
فرید ابن مخدوم شاہ اسمعیل ابن مخدوم شاہ محمد جمال ابن سید شاہ انور
عرف شاہ بیکہ ابن مخدوم شاہ حاجی ابن سید فضل اللہ ابن حضرت
شاہ سہم اللہ سفید باز تنبیم اللہ گردد کہ در اولاد حضرت مخدوم شاہ سہم اللہ
بودند نواسہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر جگجوت نام زوجہ بود بی بی وصیت
کہ عمہ مولوی محمد وجیہ و مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد ابراہیم
صدر اعلی بودند ابنان شاہ محمد اشرف الغرض از بطن این بی بی یک پسر شدند
نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر مسماۃ مدیحہ عرف مدو
زوجہ منشی سید عبد العلی ابن سیر زین الدین عرف جتین برادر سیر سید احسان الدین
مذکور الصدر الا باین بی بی اولاد نشد و پسر ثانی سید احسان الدین ترجمہ جلیل
منشی بعدیل خوشنویس منشی سید محمد خلیل تربیت ظاہر از خال شد سید شاہ
شمس الدین حسین و رخ خوشنویسی تلمیذ نواب احمد علیخان بیعت ایشان را
بطریقہ عالیہ ابو العلائیہ نقشبندیہ از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابو البرکات

این جناب حضرت سید شاه محمد یسین قدس سره الا اولاد شد

ثمره اول شجره اول بذکر فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شاه یا دومی میر سید معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شاه یا پسر کلانی که صاحب کمالات بودند و تصرف و کرامات بانحضرت بیعت و تربیت باطنه یکی از خوان داناپور از میر سید محمد مادر داناپوری بطریقه عالیه چشتیه بود حصول عارف بالله بودند صاحب وجد و حال باکمال شادی آنحضرت در داناپور شد از بی بی مکا دختر میر سید مکارم رضوی داناپوری ازان بی بی یک دختر شد بی بی بنی زوجه میر سید محمد غوث از بطن میر سید مکارم اولاد نشد الا خلف الرشید حضرت بودند حضرت شاه محمد مبارک قدس سره شمع بزم مشایخین زمانه حالات آنحضرت چنین ست که در اوائل عمر از وطن به نیت تحصیل علم ظاهر و باطن سیاحت کردند اختیار بامصار و دیار بحیات والد ماجد جد و بیان ست بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دهلی رفتند بسوی حیدرآباد ملک دکن زعمدة المشایخین العرفة العارفین ملازمت شد حصول بیعت کردند بطریقه عالیه قادریه و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال و در خدمت ماندند چندسال چون بست سال گذشت در مدت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب والد ماجد خود از انجا سوی وطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

حاضری صحبت دقائق باطنہ انکشاف شد چنانچہ والد ماجد نیز از طرف خود
بسلاسل خاندانی مجاز کردہ روبروے خود سجادہ نشین خود نمودند چونکہ
استعداد وافر داشتند بطلب فیض باطنہ بعد انتقال والد ماجد در عظیم آباد
رفتہ بصحبت حاجی تا تار ماندند از آنجناب را طریقہ تربیت و تعلیم سرہندیہ
مجددیہ بود رشد ظاہر شد بسیار فیضیاب شدند مردمان اطراف و دیار
در زمان نواب علی وردی خان مہابت جنگ و عمر شریف نیز قریب نود سالگی
رسیدہ بود کہ رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی بدیہ
دختر میر سید محمد معظم دو دختر و یک پسر شدند با نحضرت نام دختر بی بی
ابدال زوجہ شیخ عزت اللہ مذکورہ بالا دختر ثانی بی بی دولت جہان
کہ یکے از عارفہ کاملہ بودند زوجہ حضرت سید شاہ محمد یسین دانا پوری آں
میر سید محمد ناصر و پسر را نام بود میر سید محمد الیشان را نیز بیعت و تربیت
از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیاتن دختر ابن شیخ
امان اللہ گردید ذہی اولاد شدند دو پسر و چہار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمود خواہد نگاشت چراکہ ذکر طویل است

ثمرۂ دوم در بیان کیفیت میر سید محمد معظم پسر دوم میر سید محمود

واضح باد میر سید محمد معظم را بیعت و تربیت و تعلیم معنوی از برادر اعظم خود شاد
الیشان در دانا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبد المقتدر ابن میر

زوجه شاه لطافت علی شیخپوروی والده میر عبد الحسین که ذکر اولاد
ایشان نموده شد پسر دوم بی بی عابده زوجه شاه فتح علی مذکور سید
شاه ابراهیم حسین عرف شاه بهوچو که ایشان را بیعت بطریقه فردوسیه
از جناب حضرت مولوی سید شاه حسن رضا قادری منعمی شد حصول
و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید دو دختر شدند
یکے مسما بیگن زوجه مولوی فرحت علی کورجوی یک دختر ایشان بی بی
مریم زوجه شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکوره بالا ذی اولاد
شدند دختر ثانی مسماه رحمن زوجه سید معظم ابن میر مظفر حسین عرف
میر کلو یک پسر و یک دختر ایشان پسر سید امیر الدین و دختر را نام مسماه
حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن
بهپهو یک دختر ایشان مسماة براتن زوجه میر لطافت حسین والده سید شاه حسین
و شاه ابراهیم حسین را از بطن منکوحه دو دختر بودند نیز ذی ولد اند و یک پسر
شاه نعمت حسین و دختر ثانی شاه فتح علی و بی بی عابده مسماة امام النسا
زوجه شاه خادم حسین عرف شاه بهجو سجاده نشین آستانه حضرت
سید محمد پیر دمڑیا چون اولاد نشد ترکه معاش از جانب زوج خود بمسکی
بنت البنت برادر مذکور الصدر روا دند مالک ملکیت نمودند آن معاش
بقبضه میر لطافت حسین داماد میر شجاعت حسین مرحوم هست میر لطافت حسین

ازین بی بی چهار دختر نیز اند علاوه پسر سید حامد حسین شادی سید شاهد حسین
ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاهد حسین ابن مولوی سید واجد حسین
شد ذی اولاد اند ما شاء الله ان نور دید لیاقت هر گونه دارند بعربی و فارسی
حیثیت تمام الله تعالی اولاد یعنی پسر با و عطا فرماید ثمره سوم در ذکر دختر
سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم کدخدائی ایشان بقصبه منیر از شاه
کرامت الله ابن شاه نجابت الله گردید اولاد نشد ثمره چهارم در ذکر دختر
چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن
نظام پوره کدخدا شدند از بطن این عفیفه یک دختر و یک پسر شد میر
غلام صمدانی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی کدخدا شدند اولاد نشد دختر
بی بی عارفه مسماة معرفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه شمس الحق ابن شیخ محمد یار
کدخدا شدند واما دشاه جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بهاره انصاری

	انصاری نسب در اقران مولود اعظم الحق	

ثمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی است

انور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زیب سجاده جد بزرگوار
بودند ذی اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکینا دختر مولوی
شاه احمد نوآباده خورد شد یک دختر ایشان مسماة بچن که شادی ایشان
از شاه ضیاء الحق ابن شاه نور الحق ساکن نوآباده خورد گردید دختر ایشان

یکی مسماة مخدومه زوجه جناب حضرت شاه یحیی علی که ذکر ذریت ایشان بالا نگاشته شد
دومی مسماة مستقیمه اولاد نشد بایشان سومی مسماة سکینه زوجه شاه محمد یعقوب
بعین الحق ذکر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر تکرار نیست
ثمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد فرزند ثانی
میر سید نور الدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر
باید دانست میر سید نور الدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلانے محیط و
قابض بر معاش پدری و جدی شدند ما قبل در حیات برادر خویش مطیع ماندند
هر برادر کلانے و ثانی هر چهار خواهران را از ترکه آبائی محروم ساختند و کار خود
پرداختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الله ابن حضرت شاه محمد یٰسین
که بزوجه خود مسماة ناصره دادند در انهم شریک شدند شادی میر سید نور الدین احمد
یکے بعد دیگرے از دو دختر شیخ شریعت الله ابن شیخ عظمت الله ولد شیخ
امان الله کردید از هر دو بی بی دو دو پسر شدند نام زوجه اولی بی بی فاضله عرف
بی بی فضلو از بطن این بی بی دو پسر و یک دختر زوجه ثانی نام بودلی بی

	حلیما دو پسر از ایشان نسب اول ثمره دوم	

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه کلن نبیره سید محمد ثانی
بیعت ایشان الجد امجد یا از پدر بزرگوار بود صاحب سجاده شادی اول

ایشان در موضع بلسه از دختر میر ولی اللہ محمد میر سید عظیم الدین رضوی
شده بود نام زوجه ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجه میر سید معظم
داماد شاه ابراهیم حسین ابن شاه فتح علے زوج مسماۃ رحمن یک دختر مسماۃ
حیاتن زوجه میر شجاعت حسین مذکور الصدر پسر سید شاه امیر الدین که از دختر
میر اسمعیل علی ابن سید فرزند علی ساکن صدرگلی عظیم آباد کدخدا شدند یک دختر
و یک پسر ایشان دختر مسماۃ علیمه زوجه سید محمد واجد ابن شاه حسین علی
لاولد در مکه معظمه وفات یافت و نام پسر سید مظهر حسین که از دختر میر جعفر علے
بهاری داماد میر سلامت علے ساکن جونری کتخدا است الله تعالے ذی ولد نماید
و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر که از دو پسر مولانا مسافر رحمة الله علیه
کدخدا شدند کیفیت ذریت دریافت نشد الا پسر عالیقدر میر مظفر حسین سید
هدایت حسین رعو حجلو اول شادی ایشان از بی بی حسینا دختر شاه
محمد یعقوب علیه الرحمه شده بود اولا نشد از شادی ثانی که از دختر خواهر شاه
محمد علی شیخپوری شد دو پسر نام یکے سید سخاوت حسین نام دومی یاد نیست
از خواهر این هر دو برادر زوجه شاه امین الدین احمد ابن شاه امیر الدین
علیه الرحمه سجاده نشین بهار و خواهر شاه مظفر حسین مسماۃ مرادن زوجه

	شاه امجد حسین عرف پیر جی مذکور الصدر اولاد نشد	

نسبت دوم ثمره دوم و شجره اولی فرع اول اصل اولی در بیان

ذکر سید شاه فرحت حسین عرف جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد

پوشیده مباد میر سید فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد
لیاقت ظاهری کم وفر بسیار داشتند کدخدائی ایشان از دختر منشی علی حمید
که یکے از فرزندان مخدوم شاه صفی صفی پوری بودند گر دید عمر خود بلیاقت معیشت
بکر وفر گذرانیدند از منشه تقدیری کسی اولاد نشد برادرزاده کلانی میر سید
محمد معظم پسر میر مظفر حسین را پسر متبنه ساختند و حصه ترکه معاش خود بان
فرزند دادند مالک و قابض آن ترکه پسر شان سید شاه امیر الدین گشته حالا پسر شان

نسب سوم ثمره دوم شجر فرع واصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که لیاقت
حیثیت ظاهر و باطنی بسیار داشته در مزاج امارت و تزک بود کمال شادی
ایشان از مسماة لطیفا بنت حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و
سجاده نشین میر سید محمد قادری اچهری گشتند از بطن ابن بی بی دو دختر
و یک پسر شدند دختر اول زوجه میر محامد حسین ابن میر حامد حسین دو دختر و
یک پسر ایشان یک دختر زوجه سید افضل حسین دو پسر شان دوم دختر
شاه فرید الحق ابن شاه ظهور الحق و نام پسر سید امجد حسین و نام
دا الله شیر سید شاه فضل حسین قادری ایشان را بیعت از جناب حضرت

جد ماجد من حضرت سید شاہ غلام حسین دانا پوری در بیعت باطنیہ از حضرت
سید شاہ یحیی علی رحمۃ اللہ علیہ بفضلہ تعالی ہر گونہ لیاقت و حیثیت ظاہر
و باطنی دارند صاحب سلیقہ شادی اولین ایشان از دختر خال شدہ بود
یعنی از مسماۃ وحیدن دختر سید شاہ عبد الرشید عمی عرف شاہ جمی ابن حضرت
سید شاہ اطیب اللہ رحمۃ اللہ علیہ پھلواری چون ازان یک دختر شدہ بود
ازہم نماند و بعد عرصہ کردہ زوجہ انتقال و حسب ام بموضع نیادان پرگنہ
اوکری کہ معاش جانب حصہ مادری و خسر پورہ ہست تکلف بسیار باعزاز
حال خود بنا نہ سہ سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر تقیر اللہ ساکن ابدہ
شادی ثانی کردہ اند بفضلہ تعالی یک دختر تولد یافتہ شد نام غوث باندی
نہادہ اند بحرمت حضرت پیر دستگیر غوث الثقلین ترقی حیات کشید

خواہر خورد سید شاہ فضل حسین زوجہ شاہ محمد باقر مرحوم ذی اولاد شدند

ثمرہ چہارم از شجرہ اولی فرع اول اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چہارمی میر سید نور الدین احمد نوادی

میر ہن باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بھنکو ساکن مادہ گردید
و بیعت ایشان را نیز از حضرت جد ماجد این فقیر ست کہ بقرابت جدی
بسا در بودہ اند صاحب توقیر و ذی مہیر بود میر حامد حسین صاحب اللہ تعالی
سہ پسر و دو دختر با ایشان بخشید و آنہا نیز ذی اولاد ہستند پسر کلانے میر سید

حامد حسین مذکور الصدر روا با دمیر احمد حسین عم خود دختر کلانے ایشان از سید
افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سملوی که خدا شد و پسر
یکی ازان سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظهر الحق گردید چون آن
زوجه اولاد گذاشته رحلت کردند شادی ثانی از خواهر شاه فرید الحق ابن
شاه ظهور الحق گردید دختر دوم سید مجاهد حسین که از شاه فرید الحق منسوب آست
ذی اولاد نیست نام پسر سید امجد حسین شادی این عزیز بجاے بهترین
وصاحب ذی ثروت بود قضا نموده یعنی از دختر پسر میر مقصود علی ساکن
لکهور جا لاهور شادی نکرده انه الله تعالے توفیق بخشد پسر ثانی میر سید حامد حسین
میر سید کرامت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند کدخدائی ایشان
از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید
ولایت حسین مفقود الخبر دختران منسوب بجانهاے بهتر مذکور الصدر
ذی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شدند الخلف الرشید
چهارم میر سید کفایت حسین که انیس همدم این فقیر اند صاحب سلیقه و
تدبیر شادی ایشان از دختر میر امجد علی ساکن کراے پرسراے گردید چون
چو آن بی بی قضا کردند بار دیگر شادی نشد اقتضا اولاد ندارد بجز برادر زاده
بیعت این هر دو برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلانے زرا
بیعت از جناب سید شاه یحیی علی قدس سره بطریقه عالیه چشتیه گردید چراکه

اسلاف

اسلاف تا بانی همه چشتیه طریقه بوده اند و خواهر ثانی ایشان زوجه		
	میر اسمعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد نشدند از ان بی بی	

فرع دوم اصل مجمل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین
باقری نسب در بیان اولاد میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جهان
واضح باد حضرت میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته
پیری و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند بیعت ایشان را از والد ماجد خود بود
چندے نیابت قضا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انهم
ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی
عبد الفتاح قاضی سید بڑے دانا پوری که خال ایشان بودند گردید از بی بی
واصله عرف وصلا دختر قاضی سید عماد الدین از بطن این عفیفه یک دختر
و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدر گرا شادی در بنی اعمام شد و نام پسر کلان
میر سید محمد افضل و ثانی را نام محمد اجمل که در عین شباب جوان ناکتخدا
رحیل ملک بقا شدند اعقاب نماندند الا شادی سید محمد افضل از بی بی
میتنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از بطن
زوجه دختر خال یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناکتخدا وفات یافت
نام پسر میر سید عبد الشکور که جوهر ذاتی و صفاتی بوده اند بسیار سلیقه مردم
دانشمند و هوشیار در اقران مفتخر و ممتاز بدربار شاهی بعهده جلیل القدر سرفراز

شادی ایشان گردید از بی بی ربیعه دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین
ولد میر سید محمد افضل در بنی اعمام خود الله تعالی بایشان یک دختر و یک پسر بخشید
دختر ناکتخدا رحلت نمود الا پسر نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی
میداشتند بیعت آن بزرگوار در خاندان خود از آبا و اجداد بطریقه چشتیه نصیریه بود
شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیمه دختر خورد میر سید محمد باصر ابن میر سید حسین
ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر
و دو دختر بوجود آمد نام یک دختر مسماة نعیمه مدعو بجهلن شادی ایشان
در اقران شده بود اولاد و نام دختر ثانی مسماة لیلا عرف مسماة لالن
زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لبان که ازین بی بی اولاد ماند بعد ذکر
پسر عالیقدر بتصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلح که بر وطن
خاندانی آبا و اجداد و خود مدت العمر ماندند بتکیه خانه آبائی کهجور کتره محله کچوری گلی
الا سنه شادی نمودند یکے بعد دیگرے از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول
از مسماة علیحه خواهر محمد حسن ابن سید وجیه الدین عرف سید بولن در عقد
نکاح وفات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از مسماة عاشور که دختر
سید محمد مهدی یکے از سکنای محلہ بهار از ایشان فرزند پسر نشد چون وفات
یافتند شادی ثالث نمودند بموضع مدنپور ریحانه یکے از شرفا اند یار تا حیات
آنجناب زنده بودند مگر اولاد نشد پس در زوجه ثالثه بعد رحلت شان آنجناب را

آباد داشتند هرگاه بایان سهر زیارت بزرگان میر فتح دران احاطه چند مزار اجداد
پیشین ست حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر
سید محمد ناصر و میر سید سلیم اجداد این فقیر حقیر و اخوان اجداد الا اولاد دختری
ماند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساون دو پسر ایشان یکی
محمد غوث عرف منشی ڈومن شادی ایشان از مسماة نعیمه دختر شاه وحید الاسلام
گردید یک دختر شد مد ایشان را که برادر عمزاد منشی امیر الله ابن مولوی عزیز الله
کدخدا شد مسماة سوپن لاولد رحلت نمودند برادر ایشان مولوی فرحت علی
ابن منشی محمد غوث که به لیاقت صوری و معنوی معمور بودند در علم عربیت صرف نحو
و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة بیکن دختر شاه ابراهیم حسین فوا باد شد
یک دختر شد بی بی مریم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دو پسر گذاشته رحلت نمودند
نام فرزندان محمد قاسم ست محمد واجد ذی ولد دیگر منکوحه منشی محمد غوث
عرف ڈومن بود مسماة وزیرا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساون
مولوی عزیز الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و در عبارت علم فارسی زرین
و یار لاثانی و خوشنویس هنر ذی جوهر بیعت ایشان را بطریقه عالیه از والد خود بود
الا طریقه معنوی از برادر زاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت
سید شاه قمر الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب شیخ لو جهاً
استادی در فنون بودند وجاهت ظاهر در سن پیری و ضعیفی نیز بود بسیار

شادی آنجناب شد از مسماۃ بی بی جیبن دختر بی بی ناظمہ زوجہ شاہ تاج الدین
نو آبادی بفضلہ ازین بی بی چہار پسر شدند ذی علم و پر جوہر از انجملہ یکے مفتی السید
ذکور الصمد دوم مولوی محمد اکبر شدند بایشان دو پسر آخر نام نماند سوم شاہ
محمد اصغر وجیہ ذی علم پر ہنر شادی ایشان در قصبہ منیر گردید از دختر شاہ
لطف علی ابن شاہ محمود بفضلہ اولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل سعید
شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر
منسوب ہست از شاہ مقصود پسر عالیقدر مولوی احتشام حید ر اللہ تعالے
بخشد مزید حیات و نام پسر چارمی شاہ خیرات علی مدعو خیراتی کہ مستثنی
اند از جوہر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد از منکوحہ خود
اولاد دارند دختر و پسر و مصاہرت رو نمود از اولاد منکوحہ پدر کہ بودند ازین
منکوحہ نیز دو دختر و پسران چہار دو ناکتخدا رحلت کردند یکے میان رمضو
کہ تحصیل علم ظاہر شدہ بود از تربیت پدر بزرگوار نوجوان قضا کرد دوم را
نام بود بسیلے ذی ہنر ہر دو وفات یافتند یکے بعد دیگرے الا و موجود اند
ذی اولاد یکے را نام امداد دوم میان مہدی کہ پیشہ تجارت مینمایند دلالی
میکنند دختران نیز منسوب جا بجا اند ذی اولاد اند درینجا ختم شد ذریت

	حضرت میر سید عبد الواحد رحمۃ اللہ علیہ	

فرع سوم اصل نخل اولیٰ در بیان ذکر اولاد دوم میر سید اولیا ابن

بنت حضرت عمر رضی الله عنه رابع ام المومنین حضرت زینب بنت جحش دختر
عمه نبی بودند خامسه ام المومنین سوده بنت زمعه بن قیس سادس ام المومنین
زینب بنت خزیمه ملقب بام المساکین بن حارث سابعه ام المومنین ام سلمه
بنت ابی امیه که بنت عاتکه عمه نبی بودند ثامنه ام المومنین ام حبیبه دختر
ابوسفیان خواهر امیر معاویه تاسع ام المومنین حضرت میمونه بنت الحارث عاشر
ام المومنین صفیه بنت حی ابن اخطب از ذریت حضرت هارون نبی علیه السلام
بودند یازدهم بی بی جویره بنت الحارث بن سعد دوازده بی بی ماریه قبطیه
بی بی شیرین سیزده شد و در [illegible] ملقب شدند ذکر فرزندان
آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوٰة والسلام به بطن ام المومنین
خدیجة الکبری بوجود آمدند در عالم شهود بدآمدند دو پسر چهار دختر از
بطن خدیجه پاک ثمره سیر لولاک شدند ولد اول سیدنا قاسم بود پیغمبر خدا بعمر
بیست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعمر سه ساله رحلت کردند انا لله وانا الیه
راجعون ثانی ولد سیدنا عبدالله که بعد بعثت نبی بعمر چهل سالگی آنحضرت در
آمدند بوجود ملقب طیب و طاهر بودند از جناب باریتعالی و در ایام رضاعت بخلد
برین شتافتند بعد رحلت ایشان سوره کوثر شد نزول جهت ارتفاع ملال
و گوینده ابتر شد مخذول بنت کلانی حضرت رسول ربانی بی بی زینب بعمر
سی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خواهر زاده ام المومنین خدیجة الکبری

ابی العاص کتخدا شدند از بطن آن بی بی دو اولاد شد یک پسر و یک دختر نام پسر
شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامه بنت زینب
که حسب وصیت بعد رحلت جناب سیده فاطمة الزهرا بزوجیت جناب حضرت علی
مرتضی کرم الله وجهه در آمدند از بطن این عفیفه یک پسر شدند محمد اوسط بن علی
همراه برادران در میدان کربلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم فرزینت
بی بی زینب بیجا احتیام باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی
عمر شریف آنحضرت متولد شده بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
در آمدند عبد الله اکبر از بطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از جهان
انتقال و بعد انتقال حضرت رقیه دختر ثالث آنحضرت بی بی ام کلثوم که بعمر
و شش سالگی آنحضرت تولد شدند در عقد نکاح حضرت عثمان ذی النورین
در آمدند از بطن این بی بی عبد الله اصغر بوجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا
شدند عقاب نماند قبل از نکاح حضرت با حیا در صغر سنی هر دو نکاح هر دو
برادر عتبه و عتیبه ابنان ابولهب بودند که بعد نکاح آنحضرت بعث مشرف شدند
بولهب پسران کافر شدند در میان کفر و اسلام نکاح باطل خلع واقع شد هنوز
هر دو خواهران بلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگرے
در عقد و نکاح حضرت با حیا عثمان ذی النورین داخل شدند عقاب
نماند و نسل حضرت رسول مقبول از حضرت بتول و زهرا است که فرمود آنحضرت

بشیر و نذیر آینه محمود نسل هر نبی در پشت هر نبی و نسب محمد در پشت علی واضح باد
چون بسال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیدة النساء بتول
فاطمة الزهرا رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب
در شان پاک وی فرمود آنحضرت آینه محمود الفاطمة بضعة منی یعنی فاطمه
پاره جگر من است الحصول چون قران السعدین شد از حضرت علی و بی بی بتول سر بانی
یافت ظهور

ابیات

هر مرتبه علی علا شد
با بنت نبی چو یافت تزویج

از چرخ نهم چنین ندا شد
چون گشت بحق قران سعدین

مسرور علی ازین صدا شد
دو لعل ازین صدف بر آیند

سر آیه کریمه بظهور رسید آیت
مرج البحرین یلتقیان از بطن پاک بنت سر لولاک دو فرزند بوجود آمد
یکی بعد دیگری بمنصه شهود بذریعت نبی شد صورت بسود نا رسی شدند چون
از رشک گل مقصود مطابق کلام ربانی یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان
باید دانست مراد از لولو یعنی مروارید نسبت بحضرت امام حسن مجتبی که مروارید
سفید رنگ است و نیز الماس بدین جهت شمه شهادت آنحضرت است و مقصود از مرجان
سرخ رنگ شمه شهادت جناب حضرت امام حسین علیه السلام است الحق
بدانید بعد تولد این نیرین حضرت محمد مصطفی پسر سوم نیز جناب حضرت
علی مرتضی تولد یافتند بایام رضاعت مسمی بنام محسن بسوی جنت شتافتند

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین زنده ماند الفانی
اولاد شد زینب دخت کلانی حضرت علی مقبول ربانی که از حضرت عبد الله
ابن جعفر طیار برادر عم زاد منسوب شده بودند و گوهر از بطن آن بی بی نیز متولد شدند
محمد عون محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده در کربلا گرفتند
راه خدا او بلا را اعقاب ایشان نماند دختر ثانی حضرت شیر خدا بی بی کلثوم
در عقد نکاح حضرت امیر المومنین عمر فاروق در آمدند از بطن این بی بی فرزندی
زید نام تولد شدند در ایام طفولیت جان بحق کردند تسلیم دختر سیوم جناب بتول
بی بی رقیه به عمر دو سالگی رحلت ساختند از نیها اعقاب نماند خبر حضرات
حسنین فرزند رسول مقبول واضح باد نقل مشهور زبان عام خاص مذکور
مراد از ذریت سیادت از بنی فاطمه است و اولاد مرتضی علی چراکه
لقب سیادت به نهج است بنج ای نکته سنج که انحضرت چنین فرمود حدیث
انا سید البشر و سید الانبیاء و سید المرسلین و یا علی انت سید العرب
و سید الاولیاء والفاطمة سیدة النساء العالمین والحسن
والحسین سید شباب فصل النجبه ازین حکایت و روایت
رسیده به ثبوت نهج سیادت بدانید اولاد حسین معمور به نهج سیادت هستند
الا سید علوی را یک سیادت است الوی در بیان اولاد علی
از بطن غیر بتول از اینجا ذکر سیادت علویست واضح باد از بطن پاک

سیدہ شش فرزند سہ پسر وسہ دختر آمدند بوجود باقی از البطان دیگر زوجہ ہا
معروف است کہ نسبت چہار اولاد شد دہ پسر باقی دختران جامی ذکر ہمہ بتفصیل
خواہد نگاشت بدانید از سہ فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در یک روایت است
کہ حضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی رانسبت فرزندی بحضرت عباس
بن علی کہ علمدار بودند ہست مشہور الادرکتب بشیافتیکہ می نگاشت واز فرزند علی
محمد حنیف ابن حیدر کرار اولاد است مشہور چنانچہ سید مسعود غازی
ابن سید محمود ابن سید عبداللہ ابن سید رحمت اللہ ابن سید عبدالکریم ابن امیر حمید
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولا علی کرم اللہ وجہہ و نسب مادری سید
سالار غازی ابنای ملوک است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند
ونسب جدی حضرت خواجہ محمد لیسوی رحمۃ اللہ علیہ کہ خلیفہ حضرت امام
ابو یوسف ہمدانی اند نیز مے پیوندد بدین طور است خواجہ احمد لیسوی
ابن سلطان خواجہ ابراہیم ابن سلطان خواجہ امیر محمود ابن سلطان خواجہ
عبدالفتاح ابن سلطان خواجہ عمر ترکستانی ابن سلطان خواجہ عثمان
ابن سلطان خواجہ امیر حسین ابن سلطان خواجہ مومن ابن سلطان خواجہ
اسمعیل ابن سلطان خواجہ موسیٰ ابن سلطان خواجہ ہارون ابن سلطان
خواجہ اسحاق ابن خواجہ عبدالرحمن ابن خواجہ عبدالرحیم ابن خواجہ عبدالقہار
ابن امیر عبدالفتاح ابن حضرت محمد حنیف ابن حضرت علی حیدر کرار رضی

منقول است نسب حضرت مرزا مظهر جان جانان سرہند مجددیه نسبت بشت
واسطه فرزندی بحضرت امیر محمد حنیف میر سید و نسب میرزا ہی جانب مادری
با میر تیمور میر سید نسب نامه حافظ محمد یعقوب از حضرت عمر ابن علی
حیدر کرار میر سید بدین طور که حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف
ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح
ابن امیر ادریس ابن امیر یونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر
عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاہوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا
فقیه ابن مولانا محمد یحیی زاہد ابن میر سید زاہد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ
سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن
حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبد الله ابن سید امان الله ابن سید
علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سیدنا عمر ابن حضرت علی
کرم الله وجهه واضح باد اکثر سیادت علوی نسب در انتشار بهر امصار و دیار چون
نسب نامه نیافت متعذر شد از تحریر فرو گذاشت ذکر ذریت حضرت
عقیل ابن ابیطالب ذکر ذریت حضرت جعفر طیار میکنم الاول
بی بی ام ہانی بنت ابی طالب که از آنحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند
علاوه نسب عمزادگی منقول بود چنان که در خانه برکت نشانه ایشان
واقعه معراج نبی بسوی آسمان ذی اولاد شدند کیفیت ذریت دریافت نشد

الا ذریت حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه بمرتبه شهادت
خون جسمی شان شد بطور سبیل هر دو فرزند ایشان محمد و ابراهیم بیوجه
شد ند براه حق قتیل و کل ذریت شان در کربلا بهمراه سید الشهدا بمرتبه
شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را پسر از بطن بی بی

اسماء بنت عمیس یکی عبد الله ابن جعفر که از حضرت زینب

دختر علی مرتضیٰ کرم الله وجهه کتخدا شدند دو فرزند از بطن پاک آمدند بوجود
محمد عون و محمد جعفر هر دو بصف کربلا شدند شهید قاتل شان مطیع
یزید اولاد باقی نماند الا هر دو اولاد برادر باقیست **محمد عون** ابنان
جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا که ذریت حضرت
زینب را اعقاب نماند واضح باد یکے از اولاد هر دو بزرگوار امیر عطاء الله
نامی بمنزلت گرامی وارد بدین دیار شدند در دربار شاهی رسوخیت بهم رسانیدند
معزز و ممتاز گشته فرامین و هبیات حصول کرده یافته از چندی بسر بلندی
سکونت قصبه **پھلواری ضلع پٹنہ** کردند اختیار چنانچه اکثر مشائخین
این دیار نسبت نسب خود با میر عطاء الله محمد رح مے پیوندند و آنچه که
باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض ترجمان جد بزرگوار خود سید الواصلین
عمدة المشائخین جناب حضرت سید شاه غلام حسین قدس سره دانا پوری
درین صفحه مے نگارد و آنچه که در زنبیل خود دارد می آرد یعنی صاحبان ساکن

مجملی شهر ضلع جونپور یکی از رؤسا و مشاهیر مولوی علی کبیر و برادران
و خواهرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار هنگام عهده
روزگار سرکاری تا پایه ضلع غازیپور ملاقات شد از مولوی محمد ظهور
صدر الصدور ضلع غازیپور و نیز حین سفر حج ملاقات شد از برادر کلانی شان
اندر حرمین شریفین مولوی عبد الشکور عند التذکره کردند بیان ذریت
خود با میر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماجد فرموده بودند
و نیز ملا نعمت خود شهر اله آباد از آنحضرت بیان میکردند و نیز مولوی
ممدوح وقت مراجعت سفر حج همراه آمدند این فقیر حقیر کتابے آورده
بودند در ذکر آل ابیطالب دیده بودم شجره و ذکر مشایخان پهلواری
که خود از ذریت امیر عطاء الله نامند یعنی شاه ظهور الله رحمة الله علیهم
والد ماجد شاه مجیب الله که والد ماجد و پیر مرشد حضرت شاه نعمت الله
قادری پهلواری رحمة الله علیه بودند و نیز مولانا عماد الدین قلندر
قادری که خسر و پیر مرشد جناب حضرت شاه مجیب الله قادری بودند و
نیز از ذریت امیر ممدوح مولوی شاه وحید الحق داماد شاه مجیب الله
علیه الرحمة کیفیت ذریت ایشان خوب میدانند و تتمه کتاب خواهند نوشت

تفصیل و اجراکه فرزندان ایشان بسیار اند

باب اول در ذکر اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بر دو قسمت

نسبت اول در ذریت حضرت امام حسن علیہ السلام | **نسبت دوم در ذریت حضرت سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ**

واضح باد از تحریر مورخین سابقین ازواج حضرت امام حسن مجتبی علیہ السلام قریب
پنجاہ شش زوجہ آمدہ اند در شمار چرا کہ آنحضرت بودند کثیر النکاح بعد شرعی یکی
بعد دیگری چہار زن موافق داشتند میکردند طلاق کثرت نکاح بود بتمنای
ارشاد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و آنحضرت شہربانو بودند رضی اللہ عنہا
و در کتب تواریخ کل اسماء زوجہ انجناب نیافتہ کہ می نگاشت الا اسماء چند جای یافت
می نگارد بدانید زوجہ اولین خولہ بنت منظور ابن حید را از اولاد ہاشم بن
عبدالمناف ہاشمی نسب از بطن این زوجہ یک فرزند رتبہ بلند جناب حضرت
امام حسن مثنی رضی اللہ عنہ شد از بطن بی بی صفورہ بنت سعد ابن زید بن
خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی اللہ عنہ یک دختر بی بی عائشہ
نامہ کنیت ام عبداللہ نیز فاطمہ ثانی نام بشتہ اند مورخین این بی بی زوجہ حضرت
علی ثانی امام زین العابدین ابن امام حسین علیہ السلام و کدخدائی امام
حسن مثنی از دخت عم بزرگوار حضرت امام حسین علیہ السلام کردند نام
نامی این بی بی فاطمہ صغری از بطن عفیفہ تولد شدند سید عبداللہ
المحض نبیرہ حضرت امام حسن مجتبی و نواسہ حضرت امام حسین شہید کربلا کہ از
اجداد و امجاد حضرت غوث الثقلین سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہم

دو فرزند بی بی ام عبداللہ عالیشانی حضرت امام محمد باقر ابن حضرت
امام زین العابدین نواسہ سید الشہدا امام حسن مجتبیٰ رضی اللہ عنہ ذریات
اینحضرات ملقب بسادات حسنی الحسینی و حسینی الحسنی اند کیفیت ذکر نسب بتشریح
نگاشتہ خواہد شد و رینجا تفصیل ازواج حضرت امام حسن علیہ السلام می آرید سید
بایدشنید بی بی ام البشیر دختر مسعود انصاری از بطن این بی بی متولد شدند
سیدنا قاسم ہستند و از زوجہ رابعہ بی بی ماہرہ تولد شدند سیدنا
عبداللہ ابن امام حسن مجتبیٰ و از بطن زوجہ خامسہ بی بی زاہدہ سیدنا
ابوبکر بن حسن تولد یافتند و از بطن زوجہ سادسہ بی بی ام ولد سیدنا عمر
بن حسن پیدا شدند و از بطن زوجہ سابعہ بی بی سُعدا تولد شدند سیدنا
محمد ابن حسن مجتبیٰ و از بطن بی بی انیسہ ثامنہ و از بطن بی بی طاہرہ
چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند زوجہ بی بی فاضلہ و بی بی محمودہ
و بی بی نفیسہ و بی بی خدیجہ و بی بی عابدہ دختران متولد شدہ باشد
کل چہاردہ ازواج آمد بشمار الا واحدہ جعدہ بنت اشعث کہ اسما ہم نام بود
کانسہ زہر نوشیدہ شہادت یافتند انا للہ و انا الیہ راجعون ذکر فرزندان
حضرت امام حسن مثنیٰ در کتاب امامیہ ہا ہیجدہ نگاشتہ اند و دختران
بست تحریر یکند الا اہل سنت مورخین معتمدین ہمینقدر نوشتہ اند کہ در تحریر
درآمد باید دانست پسر سیدنا ابوبکر سید ابراہیم فرزند سیدنا عمر

سید جعفر و ابن سیدنا محمد دو اند یکی سید ابراہیم و دوم سید ادریس و فرزند سیدنا عبد اللہ سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم دریافت نشد باید شنید اولاد سید ابراہیم اول سید نوح و سید سلیمان سید داؤد اند و فرزندان سید جعفر ابن عمر زید شہید داولاد سیدنا محمد سید موسیٰ و سید یحییٰ و سید جعفر و سید ابوبکر بودند و اولاد سید عبد اللہ سید یونس و سید اسمٰعیل و سید اسحاق ذریات ایشان وقت دورہ امارت بنی امیہ و خلفاء عباسیہ خروج کردند بعض از صولت آنہا فرار شدند بعض شہید شدند

ثمرہ نسبت دوم باب اول ذکر اولاد حضرت امام حسن مثنیٰ جد اعلیٰ

حضرت غوث الثقلین باید دانست بحضرت امام حسن مثنیٰ پنج فرزند شدند از انجملہ اولین سیدنا عبد اللہ محض ثانی سیدنا ابراہیم ثالث سیدنا عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا اصغر این ہمہ از بطن بی بی فاطمہ صغریٰ بنت حضرت امام حسین علیہ السلام و از بطن حبیبہ و ہمیہ سیدنا داؤد و سید جعفر و سید اصغر عمر گویند اولاد حسن مثلث باقی نماند از دیگران باقی ماند

ثمرہ سیوم سیدنا عبد اللہ المحض را پنج پسر شدند از بطن بی بی رقیہ دختر حضرت امام زین العابدین علیہ السلام سہ فرزند سیدنا موسیٰ الجون و سید محمد و سید ابراہیم و از بطن جاریہ سید ادریس و سید یحییٰ ذریت ایشان علاوہ از ذریت حضرت موسیٰ الجون کہ تفصیلاً نہ نگاشتہ خواہد شد اولاد سید محمد

شبیه نبی فرزند کلان ایشان سید قاسم دوم ثانی سید ابراهیم سیوم سید عبد الله
بلکه بعض اهل مذهب باطله و نواصب و خوارج سید محمد ابن سید عبد الله المحض
را مهدی موعود دانند چرا که نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصور دوانقی از
خلفاء عباسیه بود اول سید محمد را محبوس نمود و بعده شهید کرد و حال ذریت
سید ادریس و سید ابراهیم و سید یحیی بکسی کتاب یافته نشد که می نوشت شمره چهارم

نسبت دوم باب اول سید نا موسی که بسبب رنگ سیاه والده ایشان
جون گفتند یعنی جون سیاه رنگ که خدای ایشان یعنی سید موسی الجون از دختر
نجسته اختر امام محمد باقر علیه السلام شدند نام آن بی بی رقیه تا نیم دو فرزند
از بطن این بی بی شدند متولد یکی سید ابراهیم که اعقاب ایشان نماند تا نی
سید عبد الله ثانی که ملقب بودند بشیخ صالح که خدای ایشان از بی بی
حاله دختر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شد از بطن این بی بی پنج
فرزند تولد گشتند پسر اکبر سید موسی ثانی که بودند از اجداد حضرت غوث الثقلین
ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید محمد سید ابو صالح
ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیار اند شمره پنجم

نسبت دوم باب سوم در ذکر موسی ثانی کنیت ایشان ابو عمر که از دختر امام موسی
کاظم علیه السلام که خدا شدند نام بی بی طیبه از بطن این بی بی بوجود آمدند
هفت پسر و یازده پسر از جاریه رومیه حضرت موسی ثانی در دو صد هجری از شیر

منقوله

از شمشیر معتزلہ شدند شہید قاتل حضرت مطیع یزید اولاد ایشان از ہمہ پسران شد
آخر اعقاب نماند جز حضرت شد داؤد **ثمرہ ششم نسبت دوم باب اول**
خلف الرشید سید موسیٰ ثانی سیدنا داؤد و محمد لقب از اجداد حضرت غوث الثقلین از
بودند نام اخوان شان در یافت نشد کہ خدامی حضرت شد داود از دختر محبت اختر
حضرت امام علی موسیٰ رضا شدند نام آن بی بی بنیہ بود دختر یک فرزند کیفیت
دیگر دریافت نشد **ثمرہ ہفتم نسبت دوم باب اول** در ذکر سیدنا
محمد کنیت ابوالقاسم معروف رومی کہ خدامی ایشان شد از دختر یکے از بنی اعمام
سید حمزہ نام تسمیہ دختر شان بی بی مبارکہ از بطن این بی بی سیدنا
یحییٰ زاہد تولد شدند زوجہ سید یحییٰ بی بی عصمت بودند **ثمرہ ہشتم**
سیدنا یحییٰ را از بطن بی بی رضیہ دو فرزند یکی سید عبداللہ کہ اعقاب نماند
دومی عبداللہ شدند **ثمرہ نہم** کہ خدامی سید عبداللہ ثالث از دختر
اخوان شد از بی بی رحمت گردیدند فرزند شدند از انجملہ اولاد یک باقی ماند
ثمرہ دہم نسب دوم باب اول واضح باد سیدنا ابوصالح کنیت موسیٰ نام
جنگی دوست خدا لقب کردند ابو الاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاہد شیخ
کاملین سید العارفین زوجہ حضرت بی بی ام الخیر فاطمہ ثانی دختر حضرت
سید ابو عبداللہ صومعی کہ این حضرت در قریہ جیلان زاہد بنا کردہ العبادت
الٰہی بودند مشغول کیفیت کرامات جد مادری حضرت غوث الثقلین بسیار است

به بسط و طول الحاصل از بطن این عفیفه دو فرزند یکی سید ابو احمد ثانی معز ربانی
ثانی حضرت غوث الثقلین قطب ربانی محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی صاحب سلسله
معنوی موجد طریقه قادریه که از نام پاک آنحضرت منسوب است عقیدت آنجناب بهر کس
مطلوب است نام خواهران حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه اسماء زوجه
پاک بی بی بصیره بی بی جمیله و فرزندان آنجناب بودند یازده رتبه بلند ذریت هر یکی
پسران طیبیت الا اولاد سته فرزندان در نجوار رسیده اند از شاخ شجره دریافت شد
اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب ثانی سیدنا عبد الرزاق
مشهور آفاق ثالث سیدنا عبد العزیز سجاده نشین بغداد از فرزندان ایشان این
هستند همین بزرگوار را اولاد رسیده اند در نجوار و مصار باید شنید رابع سیدنا
عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شرف الدین
سابع سیدنا یحیی که حضور اند حسب الله رشا و والد ماجد خود در شعب جبال نایر
مغرب مخفی اند منتظر ملاقات حضرت عیسی علیه السلام نشسته اند ثامن سیدنا
موسی تاسع سیدنا ابو اسحاق عاشر سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا
عبد الجلیل ابو نصر در نسب مشایخین انجوار یافت اسماء این نسب بزرگوار
الا حین اقامت مدینه طیبه مکه مشرفه از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی
که حضور اند دیگر برادران ذی اولاد اند والله اعلم الحاصل نسبنامه مشایخین انجوار
ازین سه فرزند مبنی میشود از دیگران نه یعنی زراقیه اند و هابیه اند عزیزیه اند

مجمل نسب نامہ آن بزرگوار خواہد نوشت الا ازانفیہ کنیز اند و نسب نامہ جانب مادری حضرت غوث الثقلین جعفری نسب اند و نیز نسب نسب مادری جناب حضرت خواجہ بزرگ نیز جعفری اند و نسب مادری حضرت شیخ الشیوخ نیز جعفری

شجرہ نسب حضرت قطب الدین بینا دل جونپوری برادر زادہ شان سید فضل اللہ

واضح باد سید قطب الدین بینا دل جونپوری و سید نصیر الدین والد سید فضل اللہ عرف سید گوسائین ہر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید صدر الدین ابن میر سید رکن الدین ولد میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسیٰ قادری ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد اللہ قادری ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ ثمرہ آن باید شنید حضرت سید فضل اللہ عرف سید گوسائین قدس سرہ برادر زادہ و داماد و مرید و مشتہر شد و تلمیذ و خلیفہ حضرت سید قطب الدین بینا دل اند جونپوری اند فرزند فائض الانوار سید فضل اللہ در بہار است و نیز اولاد شان دو فریق اند مذہب سنن کمتر الا اند مذہب امامیہ بیشتر اند و فرزندیت شان شیعہ نیست و اولاد حضرت سید قطب الدین بینا دل جونپوری موضع کرہ مانکپور علاقہ شہر الہ آباد اند و قطبی سید مشہور اند سنت جماعت مذہب وایشان اند ازانجملہ جناب سید شاہ

مظهر علی ساکن کڑه بودند والد ماجد سید مظهر کریم الهابادی ثمرهٔ شجرهٔ نسب
قادری حضرت سید محمد قادری اجهری معروف است استانهٔ اجهرشا
باید دانست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاه شمس الدین محمد درویش از دیار
مغرب شهر دهلی رونق افروز شده معه مریدان وخادمان در استانه اجهر رسیده از روی حسب
بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند اختیار مزار فیض آثار است درین بار
حالا طور نسب مینویسید اینجا کسا رابید شنید سید محمد قادری ابن سید شمس الدین
محمد درویش قادری ابن سید شاه عالم قادری ملقب بشاه کلان کلان ابن سید
شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الفتاح قادری ابن سید شاه عبد الوهاب
قادری ابن سید شاه عبد الرحمان قادری ابن سید شاه عبد اللطیف قادری
ابن سید شاه عبد الحی قادری ابن سید شاه عبد الجلیل قادری ابن سید شاه
ابو القاسم ملقب شاه عبد الرحیم قادری ابن سید شاه عبد الرزاق قادری
خلف ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه
ذکر ذریت این حضرات جامی مصاهرت ایشان بتفصیل خواهد نوشت پس بدانند
دو فرزند رتبه بلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید
معین الدین قادری حالا جانشین اینجا از اولاد سید معین الدین هستند
چنانچه سید شاه اطیب الله قادری رحمة الله علیه و خلف الرشید شان
سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمی علیه الرحمة بودند و برادر دیگرے

سید

سید شاہ امیر اللہ عرف بدھی و برادران عمزاد ایشان سید شاہ عبد الرزاق عرف کھوڑی سید عبد الکریم الدسید عبد الجلیل تفصیل این جا ہی کردہ خواہد شد

شمرہ دوم شجرہ نسب قادریہ حضرت میر سید علی قادری دہلوی پیران سلسلہ

فرہادیہ باید دانست ابن میر سید علی قادری پیر اجازت طریقہ قادریہ نیا نحضرت میرزا شاہ فرہاد قدس سرہ ابو العلائی اند پس بدانید میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف ملقب خاکی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ اولاد امجاد ابن بزرگوار ہنوز در شہر دہلی موجود ہستند **ثمرہ سیوم شجرہ نسب قادریہ حضرت میر سید عبد الرسول** قادری ساکن دانا پور واضح باد میر سید عبد الرسول ابن میر سید علی قادری از دیار ملتان وارد ہندوستان گشتہ بد پنجوار رسیدہ اقامت پذیر گشتند چون شرافت و نجابت از جبین شان بود دہو یلہ در دانا پور بسادات رضوی مصاہرت واقع شد یعنی از دختر خجستہ اختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

عبد الفتاح عرف قاضی سید مُرے کہ خدا شدند ذری اولاد گشتند باید شنید
میر سید عبد الرسول ابن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد الجلیل ابن میر سید
محمد خلیل ابن میر سید محمد جمیل ابن میر سید بدر عالم ابن میر سید اظہر عالم ابن میر سید
مظہر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید ادریس قادری ابن میر سید

	ابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری	

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبد الرحیم قادری
ابن میر سید ابو القاسم قادری ابن میر سید محمد ہاشم قادری ابن میر سید سید با
عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی

ثمرہ چہارم شجرہ نسب رزاقیہ بذکر نسب میر سید محمد مہدی

مشہود باد این میر سید محمد مہدی یکی از سیادات عظام عالیمقام از ارکین
سلطنت شہر دہلی شاہ جہان آباد در عہد محمد شاہ بادشاہ بودند
امیر الامرا المخاطب بخطاب عمدۃ الدولہ اوقات خود بسبب امارت ظاہرے
بکرو فر میبد اشتند ابن بزرگ پدر بزرگوار والدہ ماجدہ مادری این فقیر حقیر بودند
حالا سلسلہ نسب بیان میکنم میر سید محمد مہدی ابن میر سید عسکری ابن میر
سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید
ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید
قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادرے

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی
...ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید
یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو النصر قادری ابن
حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید محبوب سبحانی حضرت سیدنا عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ

شجرہ پنجم شجرہ نسب قادریہ حضرت سید قمیص قلوری

باید شنید حضرت قمیص قادری ابن سیدنا ابو الحیات ابن میر سید علی قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید ابو المنصور فتاح ابن میر سید محمود جیلانی ابن میر سید ابو نصر ابو صالح ابن میر سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی بواسطہ نسب فرزندی درجہ یازدہم میرسد بیعت و تربیت از بنی اعمام و برادر ہست خاکسار مشرف اند زیارت مزار شدہ است بمقام معروف پیران شاہ دورہ حضرت سید شاہ قادر قمیص ساخت کردہ اند بسیار از تحت تا مشرق سیاحت کردہ آخر بمقام خضر اباد توطن کردہ اند اختیار و متاہل شدند انجای معروف بطور چلہ کشی ہست از انجا مسافر دیار مشرقی شدند مریدان و یاران بسیار چنانچہ انتقال بحیطہ بنگالہ کردند حسب وصیت مریدان از انجا جنازہ بر دوش گرفتہ روانہ دیار غربی شدند و بردند جنازہ حسب وصیت بمقام خضر اباد شاہپورہ دفن کردند نقل کنند وقت بردن جنازہ سید پاک چند روز در قصبہ مہاد

ماندند چنانچه جای معروف است در بهار بمقام قلعه استانه شان خدام و
مریدان بجای تکیه پاک مجاور شدند در بهار نذر استانه هست عرس اعراس
پیران بجا می آرند این خاکسار در ابتدا زمانه دیده بود و ولیش آستانه شاه سلام الله
بعده شاه ثناء الله شدند حالا شاه شوال اند بتوکل خدا نشسته خدمات وارد
و صادر بجا می آرند بنام پیشینیان خود سبقت برده اند بحاصل قلیل صورت کثیر
می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه قمص قادری از انجا حسب طلب صوبه آمده بودند
کفاف بهر ایشان معین شده بود موضع ستار ڈیهوره پرگنه ترہٹ این خاکسار را
ملاقات بود از جمله الفرزندان شاه امام شاه صورت و سیرت بهتر داشتند
و برادران شان را نیز دیده بود غلام شاه و حسین شاه چون نسب زراقیه بود
این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ نیز پیران پهلواری استند پیران شجره متبرکه

ثمره ششم شجره نسب زراقیه قادریه سید علی قادری

سید اولاد حسین و محمد نبی شاه هر دو برادر فرزند میر سید حسن قادری صحیح النسب
در پنچ وارا از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل ازین اقامت والد ایشان بود
در شهر اله آباد که صورت مصاهرت گردید و نسب مادری والده ایشان
به نسبت ابو العلائیه است یعنی سید شاه غلام علی جد مادری مادر ایشان بودند
و پنچ واسطه نسبت فرزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید
نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابو العلا قدس سره بودند

نسبت جدی ایشان نسبت قادریہ یعنی سید حالا ہردو برادر قضا کردند سید
اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
عبدالجلیل قادری ابن میر سید عبدالرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری
ابن میر سید ہاشم قادری ابن میر سید شہاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین
قاسم ابن میر سید محی الدین یحیی ابن میر سید نورالدین حسن قادری ابن میر سید
علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین یحیی
قادری ابن سید ظہیرالدین احمد قادری ابن میر سید محمد نصیر ابن سید ابو نصر احمد
قاضی القضات ابن سیدنا عبدالرزاق قدس سرہ خلف الرشید ثانی
حضرت پیر دستگیر قطب ربانی سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ تعالی عنہ

ثمرہ ہفتم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ سید حسین حموی

واضح باد سید حسین حموی پیر مرشد حضرت شاہ قاسم سلیمانی اند کہ مزار شان
واقع بقلعہ چنار گڈہ از کتاب معتبر یافتہ نسب نامہ آنحضرت تحریر نمود
بدین طور است سید حسین حموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید
محمد قادری ابن سید محی الدین یحیی قادری ابن سید محمد قادری ابن
سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیرالدین قادری
ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سیدنا
عبدالرزاق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ

ثمرہ ہشتم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ

سید امیر علی شاہ و سید مظفر علی شاہ اکبرابادی ابن سید منور علی شاہ برادر ثانی سید حیدر علی شاہ ابنان سید امجد علی شاہ متخلص اصغر ابن سید شاہ احمد علی معروف بہ مولوی احمدی ابن شاہ رکن الاسلام ابن سید موسی ابن سید معین شاہ ابن سید یتیم شاہ ابن سید محمدی شاہ بجنید اسطہ در نسب از حضرت سیدنا عبدالرزاق میرسند و نیز بسبب زوج عمہ شان حکیم سید نور الدین ابن حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبدالرزاق میرسد چونکہ اسامی نسب ہمینقدر یافت کہ نگاشتہ نیز در اکبرآباد بزرگی بودند نسب رزاقیہ

ثمرہ نہم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ نسب سید حسن

سید حسن عرف پیر حسن ابن سید فیض اللہ ابن سید شاہ محمد مقیم ابن سید شاہ یتیم ابن سید اسد اللہ ابن سید شاہ برکت اللہ ابن سید شاہ رحمۃ اللہ ابن سید شاہ نعمت اللہ ابن سید شاہ محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود ابن سید مسعود ابن سید امان اللہ ابن سید بہاء الدین ابن سید ذکی الدین ابن سید ابو نصر ابن سیدنا عبدالرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ

شجرہ اول نسبت نسب قادریہ وہابیہ

نسب نامہ سید شاہ مظفر حسین قادری بلوی

شاہ

سید شاہ مظفر حسین قادری دہلوی ابن سید شاہ غیاث الدین احمد کبیر ملتانی
ابن سید شاہ محمد داود ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری
ملتانی ابن سید شاہ حامد ملتانی ابن سید شاہ عبدالرزاق ثانی ملتانی ابن سید
شاہ عبدالقادر ثانی ملتانی ابن سید شاہ محمد قادری ملتانی ابن شیخ سید شمس الدین
قادری ملتانی ابن سید شاہ میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید مسعود
قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید سیف الدین یحییٰ
سیدنا عبدالوہاب خلف الرشید گیلانی محبوب سبحانی حضرت سید عبدالقادر جیلانی

ثمرہ دوم شجرہ نسب اولادِ ماجد قادریہ
در نسب نامہ سید وجیہ اللہ قادری میران بھیکھ

واضح باد مولوی سید وجیہ اللہ ساکن میران بھیکھ لکھا در ابن میر سید احمد علی ابن شاہ سید
امیر اللہ کہ چہار برادر بودند یعنی یکی نامی بہ مرتبت گرامی شاہ سید باب اللہ عارف
باللہ دوم سید شاہ عباد اللہ سوم سید شاہ نور اللہ چہارم شاہ سید امیر اللہ
مذکور بالا پنجم سید شاہ تیم اللہ الا از کاملین سالکین معروف بودند شاہ باب اللہ
و نبیرہ سید احمد علی بن شاہ امیر اللہ را فرزند دو یکی سید انور علی والد سید علی حسن و
ثانی خود مولوی وجیہ اللہ ابن سید احمد علی پسر مولوی سید وجیہ اللہ را یکی سید
ابوالحسن و اما و شاہ حسام حیدر کہ داماد مولوی محمد اشرف یک پسر ایشان سید محی
مولوی سید حمید نصرت باید شفیعہ سید شاہ باب اللہ ابن شاہ سید نعمت اللہ قادری

ابن سید شاہ محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر
سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاہ محمد فیروز ابن سید عثمان قادری
ابن شیخ شمس الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاہ ضیاء الدین
قادری ابن میر سید ذکی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت
سید صفی الدین صوفی قادری ابن حضرت سیدنا سیف الدین عبد الوہاب
خلف الرشید کلانی حضرت محبوب سبحانی قطب ربانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

شجرہ سیوم شجرہ نسب دوم دو ہا بنیہ قادریہ نسبتاً شاہ عبدالکریم
باید شنید سید شاہ عبد الکریم و سید عبد الرحیم بانپوری قادری نسب ہر دو
برادر فرزند سید شاہ امیر اللہ ابن سید شاہ رحمت اللہ ابن سید شاہ معز الدین
قادری ابن سید شاہ عبد الہادی ابن سید شاہ ابو الشہر باد ابن سید
مختار ابن سید شاہ عبد الشکور ابن سید شاہ عطاء اللہ بغدادی کہ از
بغداد تشریف آوردہ مسکن در قتال پورہ قبول کردند مزار در اینجا است فیض آثار
و ہمیقدر واسطہ در بالا نسب ہست اولاد ایشان در انجوار اند بسیار خصوصاً
سید شاہ تراب علی ابن سید داود علی از فرزندان شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سید شاہ محمد تقی
شجرہ چہارم شجرہ نسب سوم ہا بنیہ قادریہ

بایدونست از خلفاء حضرت مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی چہار خلفاء نامدار معروف بودند یکی سید محمد گیسو دراز بندہ نواز مزار در گلبرگہ شریف است ابن سید صدر الدین زیدی نسب و یکی سید محمد گیسو دراز ابن سید جلال الدین کالپی باقری نسب از اجداد این خاکسار سیومی سید محمد ابن سید عبید اللہ جعفری نسب اند چارمی سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی قادری و بابیہ نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید علی بیابانی ابن سید احمد ابن سید صفی الدین صوفی ابن سیدنا سیف الدین عبد الوہاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر جیلانی

شجرہ نسب قادریہ عزیزیہ نسب نامہ سید شاہ عبد المنان قادری دہلوی

سید شاہ عبد المنان قادری ابن سید شاہ رکن الدین محمد سرفراز ملقب بہ بندہ نواز ابن سید عبد اللہ ملتانی ابن سید شاہ عبد العزیز ملتانی ابن سید شاہ عبید اللہ بیابانی ابن سید شاہ علی ہمدانی ابن سید شاہ حسن قادری بغدادی ابن سید شاہ احمد قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری ابن سید شاہ محمد قادری ابن سید شاہ سلیمان قادری ابن سید ذکریا قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد العزیز عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید عبد القادر جیلانی واضح باد سید شاہ مظفر حسین قادری راجپوت شاہ نقیب از ینجا گذشت مید او لاولد انقطاع کردہ در خانقاہ دہلی سجادہ نشین بودند یک سبب

بعالم رؤیا جد آنحضرت پیر دستگیر سید عبد القادر جیلانی فرمودند مظفر در نصیب تو فرزند
نیست الا در نصیب پارسا خواهر تو یک فرزند ست و خواهر را بجای دختر میخوانی عقد
نکاح او از سید محمد سرفراز که اولاد من ست انجام کن الحاصل شاه مظفر حسین قادری
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سرفراز کردند بعد مدت نه ماه فرزند تولد شدند
شاه عبد المنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود ایشان را بجای خود

کردند جانشین خواهرزاده را فرزند خواندند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام مع ذکر ذریت حضرت امام

زمانه که نسبت فرزندی سیادت بکدام امام میرسد بر هشت نسبت مه
باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیوم اند آنحضرت فرزند
جناب حضرت علی مرتضی نواسه پیغمبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت هست از بی بی فاطمه بتول کل سیادات
حسنی الحسینی اند اصل اصول بدانید در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام
ازواج خمسه آمدند و از بطن هر یک زوجه یک فرزند متولد شدند زوجه اولین
جنابه معلی القاب بی بی شهربانو دختر خجسته اختر یزدجرد بن شهریار که بود
بادشاه سلطنت عجم از اولاد نوشیروان بادشاه عادل باید دانست از همه ازواج
بمرتبه افضل و بصورت اجمل بودند از بطن ایشان متولد شدند امام زمانه سید الساجدین
علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام و از بطن بی بی ام اسحاق زوجه ثانی

دختر حضرت طلحه صحابه یکی از عشره مبشره متولد شدند بی بی فاطمه صغری
دختر حضرت امام حسین علیه السلام زوجه حضرت امام حسن مثنی ابن جناب حضرت
امام حسن علیه السلام نسب سادات حسنی الحسینی از بطن این بی بی بوجود اند زوجه
ثالثه بی بی ام لیلی و نیز ام لیلا میگویند از بطن ایشان تولد یافتند حضرت
علی اکبر شبیه پیغمبر خدا اعقاب ایشان نماندند و واقع کربلا همراه عم بزرگوار و والد ماجد
ت شهید شدند زوجه رابعه بی بی رباب بنت قیس بن عدی از قبیله بنی کلیب بودند
محبوب ترین زوجه بودند از بطن ایشان دختر پیدا شدند بی بی سکینه محبوب ترین
دختر جناب سید الشهدا بیت بعربی است در شان محبت ایشان ترجمه آن اینست ؎

جس جگه بیٹھیں سکینه اور رباب ؎ اوس جگه کو دوست رکھتا هی حسینؑ ؎

حین شهادت سید الشهدا العمر هشت ساله بودند روایت انتقال ایشان در آنوقت
غلط هست از مصعب ابن زبیر نکاح داشتند چون لشکریان عبد الملک بشهر
کوفه آوردند تا مصعب ابن زبیر را گرفته شهید بظلم شده بود در آنوقت سکینه
برآوردند فریاد ای کوفیان ناشاد آنوقت در این میدان کردی مرا یتیم بی پدر
اینوقت کردید مرا بی شوهر روایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند
عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر هر سه برادر بجای استجابت
دعا بر چاه زمزم نشست مطلب دعا خواهد شد امارت مکه خواستند حضرت عبد الله
بعد واقعه شهادت سید الشهدا تسلط با امارت مکه معظمه شدند عروه دعا کردند

کہ محبت شوند ایشان آن گردید و مصیبت خواستند زوجیت حضرت سکینہ ایشان مطلب شد زوجہ خامسہ بی بی ام الاصغر یعنے والدہ حضرت علی اصغر شہید شیر خوارہ شہید شد از تیر مطیع یزید انا للہ و انا الیہ راجعون قاتلان صورت زبون ہے

نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت علی ثانی سید الساجدین

امام زین العابدین علیہ السلام بر سبیل اوائل ذکر اولاد

واضح باد کہ خدای حضرت علی سید الساجدین امام چہارم زین العابدین علیہ السلام از صبیہ عم الاعظم بی بی ام عبد اللہ کنیت بی بی عائشہ ثانی بی بی فاطمہ ثانی ہم اسم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام گردیدند اولاد شدند باید شنید چہار فرزند حضرت سید الساجدین از بطن آن بی بی متولد شدند و از بطن زوجہ دیگر نیز غیر ایشان اولین فرزند امام زمانہ حضرت امام محمد باقر علیہ السلام کہ در حق امام فرمود آنحضرت محمد نبینا علیہ الصلوٰۃ والسلام انہ محمد ابن علی ابن حسین ابن علی ھو ابنی یبقر فی علم الدین ای جابر تو بہ بینی فرزندی را کہ نامش بود محمد ابن علی ابن حسین علی کہ فرزند من است تبحر و تبقر بود او در علم دین من ثانی امام عبد اللہ باہر رضی اللہ عنہ و ثالث امام ابو الحسن زید شہید رابع حسین اصغر در کتاب بحر الانساب چنین مذکور روایت اہل السنن و فرقہ مذہب امامیہ چنین می نگارند فرزند حضرت امام زین العابدین از دیگر منکوحہ پیدا شدند چنین نام سید محمد اشرف

و سید عبد الرحمان و سید سلیمان و سید علی اشرف چهار فرزند اگر
روایت است صحیح پس اعقاب ایشان نماند ذکر اولاد امام زمانه در نسبت پنجم
خواهد نگاشت که آنها منسوب بسیادات باقری اند و اینها منسوب بالقاب اجداد
خود در ستة الانوار ذکر هر سه بزرگوار مع اولاد میکند باهری زیدی و حسینی
انوار اول نسبت اول باب دوم فرزند ذکر امام عبد الله باهر و اولاد ایشان

امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو العلا قدس الله سره العزیز
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلا ابن امیر سید عبد الوفا
قدس سره ابن امیر سید عبد السلام ابن امیر سید عبد الملک ابن امیر سید عبد الباسط
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمود ابن امیر سید
عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین
ابن امیر سید اعز الدین ابن امیر سید شرف الدین ابن امیر سید مجتبی ابن امیر سید
جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید بادشاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبد الله ابن امیر سید حسین ابن امیر سید اسمعیل
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبد الله باهر ابن حضرت سید الساجدین امام
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید الشهدا امام حسین
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید دانست امیر سید عبد السلام

جد امجد امیر سید ابوالعلا را چهار فرزند از انجمله یکی امیر سید ابونصر والد امیر سید
علی رضا دوم دختر نیز بودند امیر سید ابونصر را دویمی امیر سید ابوالصفا
فرزند ایشان امیر سید عبدالباقی والد امیر سید شاه عبدالماجد سیومی
حضرت امیر سید عبدالله یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبدالمنعم دویمی
امیر سید عبدالباسط و خواهر ایشان بی بی مدیحه زوجه سیدنا ابوالعلا
چارمی امیر سید ابوالوفا والد ماجد سیدنا ابوالعلا و یکخواهر حضرت زوجه امیر
سید عبدالباقی و والده امیر سید شاه عبدالماجد لیکن حضرت سیدنا ابوالعلا
را دو فرزند یکی امیر سید نور العلا والد ماجد امیر سید تاج العلا دویمی
امیر سید فیض الله و فضل العلا نیز نام بود خلف ایشان امیر سید نورالله
کدخدای هر دو فرزند سیدنا از بنات اعمام باحوال شد و صبیه و آنحضرت سیدنا
یکی بی بی زینب زوجه خواجه عبدالرحمن ابن خواجه سلیمان که از اولاد
حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره بودند کیفیت ذریت ایشان
دریافت نشد ثانی صبیه حضرت سیدنا بی بی رقیه زوجه خواجه محمد عرف
خواجه فولاد ابن خواجه محمد سجاد داماد ثانی حضرت سیدنا آنجناب نیز از اولاد
حضرت خواجه نقشبند قدس سره بودند مزار حضرت خواجه محمد فولاد در احاطه
مزار سیدنا موجود در شهر اکبرآباد و کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

	کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد	

ثمرۂ شجرۂ نسب مادری از جانب خواجہ عبید اللہ احرار

دریںجا ذکر نسب حضرت خواجہ ناصر الدین عبید اللہ احرار قدس سرہٗ میکند
حضرت خواجہ احرار ولد خواجہ محمود ابن خواجہ شہاب الدین شاشی
ابن خواجہ محمد مدعو خواجہ نامی از اولاد عبد اللہ انصار با یدشنید حضرت خواجہ
عبید اللہ احرار ہم عصر امیر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شہر سمرقند
بودند باخودہا بسبب نجابت شرافت جانبین صورت مصاہرت واقع شد
یعنے کدخدای امیر سید عبد اللہ و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباسط ہر سہ
فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران ہر سہ خواجہ عبید اللہ احرار
گردید و نسبت نانہالی سیدنا ابو العلا از نسب خواجہ ترتیباً واقع شد بدین طور
امیر سید عبد الملک نبیرہ امیر سید تقی الدین نواسہ حضرت خواجہ احرار و امیر
عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسہ خواجہ عبید اللہ عرف خواجکا ابن خواجہ
احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسہ خواجہ ابو الفیض نبیرہ
حضرت خواجہ احرار و حضرت سیدنا ابو العلا ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسہ
حضرت خواجہ محمد فیض عرف خواجہ محمد فیضے ابن خواجہ ابو الفیض ابن خواجکا
ابن حضرت خواجہ احرار لتشنو نام والدہ حضرت سیدنا بی بی عارفہ دختر خواجہ
محمد فیضے واضح باد خواجہ ابو الفیض از یک مادر سہ برادر بودند یکی خواجہ ابو الفیض
دویمی خواجہ عبد الشہید سیومی خواجہ عبد العلیم ایشان خواجگا و از زوجہ او لے

دختر امیر تقی الدین نیز پسر یکی خواجه عبدالحق دویمی خواجه نظام الدین عبدالهادی
سیومی خواجه خاوند محمود بودند و خواجه ابوالفیض سه برادر از دختر خواجه نظام محمد
که از اولاد صاحب ہدایہ بودند ہر یکے شدند ذی اولاد و حضرت خواجگان را
از ہر دو زوجہ دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا
دریافت نشد الا بی بی مخدومہ صبیہ حضرت میر نور اللہ که از میر محمد افضل
ابن سید محمد اجمل بن میر سید علی رضا کتخدا شدند کیفیت ذریت ایشان
ترتیباً نیافت الا ہمین قدر که سید شاہ غلام علی ابن سید امام علی بیک
واسطہ فرزند میر سید محمد افضل بودند و منشی علی حسین مصطفی پوری نیز نسبت
فرزندیت خود از حضرت میر سید محمد افضل بیان می کردند و ابن بنت البنت
سید شاہ غلام علی سید اولاد حسین و سید نبی شاہ ابن سید حسن قادری
بودند یعنی نواسہ سید ابن علی داماد سید شاہ غلام علی که زیارت آنحضرت
کردہ است این فقیر حقیر الا در شہر اکبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلا ابن
امیر سید نور العلا از بیشتر زمان قیام اینجا کسار بود و نیز سید اکرم الدین کہ
شہر بان اینجا کیفیت مقبول شان بحضرت سیدنا بیان میکند از زوجہ شان
کسی اولاد نشد الا از بطن خادمہ یک دختر بودند ملقب سیدانی صاحبہ ❊
انوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت ابو الحسن
رند شمس بیان ہر چہار شجرہ است شجرہ اول در ذکر سید محمد میر طربا

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر ڈھڑیا عظیم آبادی
کہ انجلہ معروفست نسب فرزندان شان فیز آنجناب بین طورست انچہ کہ یافت
نگاشت بندگی سید نظام الدین ابن میر سید ممشاد پیر ڈھڑیا ابن میر سید حمزہ
پیر ڈھڑیا ابن میر سید رکن الدین پیر ڈھڑیا ابن میر سید زین العابدین عرف سید
محمدؐ پیر ڈھڑیا واسطے ابن میر سید احمد دہلوی واسطی ابن میر سید حسن دہلوی
واسطے ابن میر سید قاسم واسطے ابن میر سید حامد واسطے ابن میر سید محمد
جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمدؐ ابن میر سید طاہر ابن میر
سید ابوبکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن شاہد ابن میر سید اسمعیل ابن میر
علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحییٰ ثانی ابن میر سید حسین
ابن میر سید احمد ابن میر سید یحییٰ شبیہ نبی محدث زمانہ ابن میر سید حسین
زیدی ابن حضرت امام ابوالحسن زید شہید ابن حضرت سید الساجدین
امام زین العابدین علیہ السلام ابن حضرت امام حسین علیہ السلام

شجرہ دوم انوار دوم نسب اول باب دوم در ذکر نسب سید محمد سہروردی

واضح باد مزار انحضرت سید محمد سہروردی بموضع رہوی علاقہ حضرت بہار
است سید محمدؐ سہروردی ابن میر سید احمد واہی ابن میر سید مجتبیٰ دہلوی
ابن میر سید مصطفےٰ پیشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن
میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبد اللہ طوسی

ابن میر سید اسد اللہ ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمۃ اللہ ابن
میر سید حسین زاہد ابن میر سید اسمعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر
یحییٰ ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحییٰ شبیہ رسول مقبول ابن
میر سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن زید شہید ابن حضرت امام زین العابدین ابن امام حسین علیہ السلام

شجرہ سیوم انوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسب نامہ عمی حضرت سید شاہ یحییٰ علی

حضرت سید شاہ یحییٰ علی رحمۃ اللہ علیہ ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید احسن ابن میر
سید وجیہ الدین عرف سید بولن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا سید شاہ
قطب الدین مصطفیٰ پوری تاریکہ ابن میر سید قاسم ابن میر سید عالم ابن میر سید مسعود ابن میر
سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر ہانسوی ابن میر سید فیض اللہ ابن میر سید
معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابو الفتح ابراہیم ابن میر
سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرح واسطی ابن میر سید محمد داؤد
ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسیٰ ابن میر سید ابو الحسن زید ملقب بحجۃ زید ابن میر سید محمد اکبر زید
ابن سید محمد منصور داعی عمان ابن سید عمر علی ابن سید یحییٰ شبیہ رسول مقبول
ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن ملقب زید شہید ابن حضرت
سید الساجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین علیہ السلام

شجرہ چہارم انوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر نسب حضرت سید محمد گیسو دراز

حضرت میر سید محمد گیسو دراز بندہ نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید احمد

جاجنیری ابن میر سید بدرالدین مدنی امیر حاج ابن میر سید علی مسعود مدنی ابن
میر سید ابوالفتح ابراہیم ابن میر سید ابوالفرح ابن سید ابوالفوارس محمد فراس
ابن سید ابوالفرح واسطی ابن میر سید داؤد ابن میر سید محمد جاجنیری
ابن سید عیسیٰ ابن سید داؤد بزرگ والی کوفہ ابن سید حسن ابن سید حسین بدر
ملقب بہ ضبید ابن میر سید ابوالحسن فارس ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدان
ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین
یحییٰ محدث شبیہ رسول مقبول علیہ السلام ابن سید حسن زیدی ابن حضرت امام
ابوالحسن زید شہید ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امام زین العابدین علیہ السلام

انوار سیوم نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت علی علی اصغر ابن امام زین العابدین علیہ السلام و ذکر نسب حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی ہر دو شجرہ

واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد
یک جد اند بچند واسطہ جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی اصغر فرزند حضرت
امام سید الساجدین زین العابدین علیہ السلام نسبت سادات اند و حضرت
سلطان ابراہیم ادہم بنسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب
اند از غلطے کا تبان شجرہ نسب سادات است الانسب مادری اجداد مولانا
مظفر بلخی از سلطان ابراہیم ادہم سے پیوند و سبب تخت سلطنت نیز از جانب

نسبت بلخی بابد اجداد مادری رسیده **شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی** تا

مخدوم شاه شمس الدین بلخی ابن سید شاه علی ابن سید شاه سراج الدین

ابن میر سید محمود ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد

ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت

امام علی اصغر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام **شجره ثانی**

نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید

شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن سید محمود

ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد

ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن

حضرت امام علی اصغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین

علیه السلام **شجره پیوند نسب مادری** از جانب حضرت ابراهیم ادهم بدینطور است

باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نواسه اند سلطان محمود ابن سلطان

ابراهیم **نسب جدی** حضرت سلطان ابراهیم بدینطور یعنی حضرت سلطان

ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ادهم ابن سلطان ابو ناصر هاشم ابن عبد الله

اسلم ابن عبید الله ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب

رضی الله عنه **شجره نسب نامه یکی از خلفای این فقیر** سید امین الدین

ابن محمد یسین ابن سید محمد ابن سید داود ابن سید جعفر ابن سید اکبر

ابن سید

ابن سید اجمل ابن سید فضل ابن سید طاہر ابن سید مظاہر ابن سید رحمت اللہ
ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ
ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید ادریس ابن سید ابراہیم ابن
سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
امام علی اصغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام

شجرہ نسب نامہ یکی از مریدان فقیر بدین نسبت میر سید محمد یوسف
ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیری ابن سید مخدوم حسین
ابن سید ادریس ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن
سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زاہد ابن سید عابد ابن سید
مجاہد ابن سید یونس ابن سید اسمٰعیل ابن سید یحییٰ ابن سید ذکریا ابن
سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید یٰسین ابن سید
یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد
ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی اصغر رضی اللہ عنہ ابن حضرت
سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ عنہ

نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام محمد باقر علیہ السلام بر دو شجرہ

انور باد کہ خدای حضرت امام محمد باقر علیہ السلام از بی بی فروه دخت
نجسته اختر حضرت قاسم ابن محمد ابن حضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ
گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب اند از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وسلم بدین
خطاب اسمہ محمد ابن علی ابن حسین ابن علی ھو ابنی یبقرہ فی علم الدین
اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اضح باد از بطن پاک بی بی فروه فرزند
شدند چہار یکی امام زمانہ حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام امام زمانہ
کہ فرموده اند شده مخاطب بہ رفاض قول لا تسبوا علی ابی بکر آنا
ولد بنی مرتین مراد از ولد تنی نسبت صوری ومعنوی چرا کہ از حضرت
قاسم جد مادری فیض یافتند بدانید کہ خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت
اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر ست رضی اللہ عنہم
ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیہ السلام امام عبد اللہ ملقب
کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراہیم باید شنید
نسبنامہ کسی اولاد سید ابراہیم نیافتہ نتست آنجناب وذکر حضرت امام
جعفر صادق وذریت شان در نسب سیوم جداگانہ تحریر خواہد شد
اول ذکر اولاد حضرت سید اسمعیل میکنند کہ جدا علی جناب حضرت سید شاه خوند
ابو البرکات قدس سره اند بدین نمط تحریر بیست باید دانست در کتاب بعضے
آنحضرت المکتوب نسبنامہ دیده است بحروف این فقیر نسبت نبی واسطے عبیده

حالا اینکتاب است مفقود آنچه باستماع جلسه آنحضرت یاد است منسوب به بزرگی
بودند عمدة المشائخین خواجه حسن که آنجناب را بسته و دو واسطه نسب بود از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و هرات
وارد شهر هندوستان گردیدند مجرد وار بطور سیاحت قبل در مقام
دهلی بدار السلطنت رسیده ملاقات از هر یکی مشائخین کرده متوجه دیار شرقی
شدند موضعیست قریب شهر متهرا مشهور موضع دیوثانه که جای معبد
بود هنود دران جا چند روز تشریف داشتند آنجا مایه سکونت بخاطر شریف
پسند افتاد و مردمان ساکنان آنجا قوم هنود معتقد شدند و نیز از زمره اهل اسلام
شیوخ انصاری که مسکن اینها آنجا بود گردید بسیار الحاح و زاری بهر استقامت
آنجا بهر گاه اینها باعث اقامت حضرت شدند رای اینها بنظر شریف مستحسن
افتاد طرح اقامت پذیرفتند شیوخ آنجا معتقدین اکثر مرید شدند بعد چند
سال اصرار کردند بهر متاهل شدن آنحضرت به بسیار کد و جد قبول شد از آنجمله
یکی از مریدان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح آنحضرت بزوجیت داد بعد
چندی الله تعالی از ان بی بی عفیفه اولاد بخشید بسبب اقامت و عدم کفویت
خاص در شیخ زادگان نوبت مصاهرت افتاد از زبان مبارک پیر دستگیر
خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است
که چنان حضرت خواجه ابوالبرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان خود

از انجناب سید خواجہ حسن ابن خواجہ ابوالحسن بن خواجہ علی ابن خواجہ احمد
کہ بواسطہ بست وسہ پشت نسب از حضرت امام اسمٰعیل ابن محمد باقر علیہ السلام
مے پیوندند بدانند سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ
ابن حضرت خواجہ محمد شجاع ابن خواجہ رزق اللہ کہ بہفت وہشت
بواسطہ نسب فرزندی بحضرت خواجہ حسن قدس سرہ ساکن دیوتا نہ است
مزار خواجہ بسیار فیض آثار زیارت نمودہ است این خاکسار چند بار چیزے
کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الارقام چرا کہ مرشدان مرشد واز پیران
احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ
بعد تحصیل علم ضروری چندی نوکری سرکار نواب وراجہ آن دیار بودند بعدہٗ
قلعداری ہرگاہ طلب براہ باطنی شد ترک کردہ در شہر عظیم آباد رسیدہ
بعد حصول بیعت از تربیت وصحبت جناب حضرت شاہ رکن الدین
متخلص عشق قدس سرہٗ ابوالعلائی مشرف بخلافت شدہ رخصت شدند
ہرگاہ صاحبزادہ حضرت عشق قدس سرہ شاہ احمد حسین عرف چھوٹے
حضرت عریضہ نوشتہ محرک تشریف آوری آنحضرت شدند بہ نسبت حصول
بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزادہ مشرف بہ بیعت وتربیت
معنوی شدند ونیز خواجہ زادگان اکثر مجوز شدند بہر اقامت آن شہر
آنحضرت پذیرا گردند وأہل وعیال را از انجا طلب داشتہ صورت اقامت

پس از آن شهر گردید هرگاه راجه دولت رام راجه گوالیار بنا بر لعبه میر سید علی شاه میر تشریف بری انجا خواست آنحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه و مقام شما پس چون حضرت صاحبزاده خورد خواجه ابو الحسین قاصد شدند بسوی گوالیار بوجه چند اصرار و تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چراغ در ولایت برخوردار شدند بنابران خود نیز معه تبعه و لحقه تشریف بردند جانب گوالیار در زمانه راجه مذکور با ارت گذشت چند سال بعده بر گشتگی زمانه چون بیجا بائی رانی ان راجه از انجا جای تیرت معبد خود پسندیده اقامت شهر الهٰ آباد کردند اختیار آنحضرت نیز معه تبعه و لحقه فرزندان در انجا تشریف آوردند از گوالیار و اقامت پذیر گشتند در انجا تا مدت حیات شریف خود چنانچه در الشهر بسال یکهزار و دو صد و پنجاه و شش هجری بست هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه دران سر زمین بطور سپرد کردند تدفین بعده از انجا آورده در شهر عظیم آباد پایین پیر مرشد یافتند تدفین عمر شریف به نود و هفت رسیده بود ذکر اولاد آنحضرت را سه دختر و دو پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین بودند و دختر ثانی از میر فدا علی ساکن شهر بنارس کدخدا شده ذی اولاد شدند و دختر سیوم آنحضرت والده میر محمد علی و خواهران ایشان بودند و فرزند کلانی خواجه ابو الخیر رحمة الله علیه سه دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از میر محمد علی کدخدا باقی جاهای دیگر و فرزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خ
ابو احمد فرزند دارند و جناب حضرت خواجه ابو الحسین فرزند ثانی ام
ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند کلانی خوا
علی حسین عرف میر نواب کدخدای ایشان از دختر کلانی خواجه سلطان
گردید یک پسر و یک دختر گذاشته خورد سال کرده انتقال بسال یکهزار و صد و
و پنج هجری ثانی صاحبزاده خورد آنحضرت را اسم عالی خواجه علی حسن عرف
خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان ابن خواجه
میر نجان کدخدا شده و پسر کلانی خواجه حسن نواب نام ثانی را تسمیه خواجه
نواب حسن است هنوز کدخدای هر دو برادران نشده و بجای تقرر و تعین یافته

شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبد الله و اولاد ایشان
ابن امام محمد باقر علیه السلام — بیان نسب و اولاد آنحضرت و شجره

بباید دانست سیدنا امام عبد الله را دو فرزند که از هر دو نسبت ذریت پیدا است
یکی میر سید هاشم و دوم سید حبیب الله ذریت هر دو برادر بسادات باقری
منسوب اند ذکر اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است
بنده مسکین فانی الا ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت
از جانب بالا مینماید بطور تحریر سید حبیب الله خلف الرشید سید برکت الله پسر
شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی صادق

لیس

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولده سید احمد آلهی ولده سید محمد معروف ابن
میر سید جنید ولده سید عثمان ثانی ابن سید عبد الوہاب ولده سید عثمان
شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف برقع پوش ابن سید عبد القاسم
الحصول این بزرگوار از مدینه طیبه حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند دیار
و امصار ہرات و بخارا و لاہور آخر در دہلی رسیده چندی انجا اقامت
گزین شدند چرا که جای تخت سلطنت بود و اجماع درویشان و مشایخین
حصول ملاقات از امرا ار اکین نموده بطور سوخیت در بار شاہی منصب
قضا کردند اختیار از انجا رحلت گزین شده بسبب استقامت صیغه قضا
انجا در موضع جونپور اقامت پذیر گشتند تا چند نشیت فرزندان انجا
اقامت گزین شدند بعده خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی
عبد الرحیم ولده سید عبد الرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولده
سید محمد فرید فرزند شان سید ابراہیم از انجا مراجعت کردند بسوی
دیار شرقی قریب بہار بموضع سرالوان پرگنه ارول طرح اقامت
انداختند معه اہل و عیال خود در انجا موضع مسکن ساختند از انجا که در
دربار شاہی بود در سوخت کمال بذریعه امرا ار اکین چند موضع دیہات
بحصول فرمان شاہی بہر مدد معاش یافتند و جای سکونت را بنام جد
بزرگوار موسوم فرید پور کردند بالا شد از صد سال که سکونت این بزرگوار

است دران دیار شهر یکے که از انجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عهدهای
ذی اقتدار لاریب اند ذریت آنها ذی اقبال بفضل الٰهی بکمال القصه سید ابراهیم ابن سید محمد فرید و پسر
شان سید محمد داود ولد شان سید محمد یحیی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد علی ولد سید عبد الکریم ابن سید
عبد القدوس بن سید محمد حسن ابن سید محمد یوسف ولده مولانا سید محمد
اسحاق که در اخلاق بسیط شهره آفاق از ایشان شد ذریت اولاد بسیار
حالا منو لیسید باید شنید سید محمد اسحاق را دو فرزند یکی سید کرم علی
دویمی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی دو پسر ایشان یکی
سید اصغر علی دو پسر ایشان سید اسمٰعیل علی و محمد بهرام سید اسمٰعیل علی
را دو پسر و دو دختر یکے زوجه خواجه محمد محسن ذی اولاد هستند دویمی زوجه
میر محمد قاسم ساکن کهرا ایشان نیز ذی اولاد سه پسر و دو دختر نام پسران
یکے سید علی احمد دویمی سید منور علی ذی اولاد هستند همه حالا باید شنید که
سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید مبارک حسین
که از دختر قاضی نادر علی کدخدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور الحسین
جامع کمالات دینو لا بمنصب اعلای اند یک پسر ایشان مولوی انوار احمد
ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید دانست قاضی نادر علی کدخدا از خواهر
میر حسام حیدر ساکن کهرا و نیز میر حسام حیدر را از خواهر قاضی نادر علی صاحب
قاضی صاحب مرحوم را دو پسر یکے قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

این کو خوش مزاج در تحصیل علمی عربی فارسی حصول دو بی قاضے
سببنهم فهمی لیاقت و ذی علم از ایشان ملاقات است کلانے را
گوا اوصاف شنیدم هر دو برادر از هر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن گھرا
کو پر حسام حیدر کدخدا شدند اولاد نشد باید دانست سید مبارک علی
گر سید محمد اسحاق را پنج فرزند رتبه بلند هر یکے عالیقدر و دولتمند پسر کلانی
سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر زوجه میر امانت علی
کرپسر هم لف بودند یک دختر از ان دختر شد لاولد رفت از جهان و پسر کلانی را
نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائین کدخدا شدند
سید امجد علی چند دختران فرزند یک دختر محمد ظهیر یک دختر از مولوی خیرات علی
منسوب لاولد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسر منشی سید امداد علی کدخدا شد
اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و پسر ثانی مولوی سید امان علی
و پسر سیوم مولوی سید افضل علی هر دو برادر بعهده جلیل سرکاری بعهده
ڈپٹی بودند ممتاز و سرفراز سید امان علی را دو پسر و دو دختر یکے حافظ سید
احمد رضا دومی سید محمد یحیی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی
عبد العلی کدخدا شده ذی اولاد است و دو خواهران یکے زوجه مولوی عبد الحق
ابن مولوی واعظ الحق و یک دختر زوجه مولوی فخر الدین و شادی اولین
حافظ احمد رضا از دختر عم گردید یک دختر شد از ان عفیفه او را دو فرزند اند

ومولوی سید فضل علی را نیز دو پسر و دو دختر یکی زوجه حافظ سید احمد رضا
مذکوره بالا دوم زوجه محمد ظهیر الحق نواسه سید امجد علی مرحوم و پسر کلانی
مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید امان علی کدخدا ثانی سید
محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول کدخدا از حی لله
اند وشادی حافظ سید احمد رضا بموضع مفتی گنج از خواهرزادی میر
نثار حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کناد و اسها دایمی باشد خرم وشاد
باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظمت علی پنج پسر الشان یکی مولوی
مظهر علی دویم مولوی نیاز علی سیوم میر مصاحب علی چارم میر مجید علی
پنجم سید احمد علی پسر سیوم سید مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند
رتبه بلند الشان مولوی اظهر علی ذوی اولاد اند پسر چارم سید مبارک علی
میر مراد علی الشان را شش فرزند ذوی اقبال رتبه بلند یکی ازان
مولوی وارث علی لیاقت ظاهر باطنی مشهور دویم مولوی شیر علی
دختران ایشان از هر یک جای قرابت کدخدا و از منکوحه دو پسر شد یک پسر
سیوم میر مراد علی مولوی مهر علی چارم سید سبحان علی پنجم مولوی نظر علی
ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین و مولوی فدا حسین فرزندان
شیخ نادر علی کدخدا شده یکی دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر باقی پنجم پسر سید
مبارک علی میر اسد علی لاولد رفتند از جهان بی بنیان بباغ جنان

ازانجاکہ این صاحبان بہ نسب سیادت واصد باقری بودند بجہد کیفیت
ایشان بتصریح نگاشت وترتیب نسب سلسلہ بدینطور بخیر تحریر مے آرد
ہریکے ازین خودرا بہ نسب بدینطور شمارد مولوی نور الحسین ابن قاضی تبارک حسین
ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق
ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد محسن ابن سید عبد القدوس ابن سید
عبد الکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد یحیی ابن سید
محمد داؤد ابن سید محمد ابراہیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید
عبد الرحمن ابن سید عبد الرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف
برقعہ پوش ابن سید عثمان شیر سوار ابن سید عبد الوہاب ابن سید عثمان
ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آلہی ابن سید
شہاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید
شہاب الدین نور الانوار ابن سید برکت اللہ ابن سید حبیب اللہ ابن
امام عبد اللہ کتب الکریم ملقب ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام
ابن حضرت امام زین العابدین علیہ السلام الوار سیوم نسابت دوم

باب دوم در ذکر اولاد سید محمد ہاشم ابن امام عبد اللہ
ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام باید دانست حضرت
امام عبد اللہ را دو لپسر ذکر اولاد لپسر ثانی تحریر شد بانوار دوم حالا ذکر

فرزندان حضرت میر سید ہاشم پسر کلانی امام عبداللہ مینولیسد بالاجمال
و بالتفصیل در شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی و کیفیت اخوان عم زاد سید
عطا حسین عبد الرزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت
سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید
شاہ محمد یسین ابن میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا
ابن میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید تقی الدین
عرف سید لوڑھی کہ از کالپی تشریف آوردند بجاجی پور مسکن ساختند
ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی
ابن میر سید علاء الدین کالپوی ابن میر سید تاج الدین دہلوی ابن میر سید اسمٰعیل دہلوی
ابن میر سید محمد اسحاق لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید
محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبداللہ
طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابو القاسم طوسی ابن میر سید
ابراہیم مدنی قریشی ابن میر سید اسمٰعیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر سید
علی رضا مدنی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد محسن مدنی ابن میر
سید ہاشم ابن امام عبداللہ کتب الکریم ابن حضرت امام محمد باقر
علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل الکتاب احتساب الانساب حضرت
میر سید ارشد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی

و در انکتاب اسامیان زوجه های بزرگان و ذکر مصاهرت نیز است مکتوب
بود فهو المراد مینماید بیان باید دانست نام والده ماجده آنحضرت صلے اللہ
علیه وسلم سیدنا محمد بی بی آمنه دختر وهب ابن عبد المناف که معروف
است و اسم والد ماجد عبد اللہ بن عبد المطلب زوجه اولین آنحضرت صلی اللہ
علیه وسلم که ذی ولد شدند ام المومنین خدیجه الکبری دختر خویلد فاطمه
بنت اسد نام والده حضرت حیدر کرار علی مرتضی ابن ابیطالب زوجه
سیدنا علی اسد اللہ الغالب بی بی بتول فاطمه الزہرا ابنت حضرت
محمد رسول مقبول ہکذا نام والدہ ماجدہ حضرت سید الشہدا امام حسین
علیه السلام حضرت بی بی بتول بنت رسول نام والده حضرت علی امام
زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شہربانو کنت
ام عبد اللہ و اسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد اللہ
و عائشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
و نام والده حضرت امام عبد اللہ ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فروه
بنت حضرت قاسم بن محمد ابن صدیق اکبر و نام والده میر سید ہاشم
بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سید ہاشم
بی بی زینب بنت سید احمد والده میر سید محسن بودند زوجه میر سید محسن
بی بی رضیه بنت سید حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بودند زوجه سید

محمد جعفر بی بی آمنہ دختر سید محمد عتیق صدیقی کہ والدہ میر سید علی ض
بودند زوجہ ایشان بی بی صفیہ بنت سید علی ابن سید محمد کہ والدہ میر
سید حسین بودند زوجہ ایشان بی بی نبیہ دختر سید عبد الرزاق ابن سید
عبد الکریم کہ والدہ سید ابراہیم بودند زوجہ ایشان بی بی ناظمہ بنت سید
جعفر ابن سید محمد اکبر کہ والدہ سید اسمعیل بودند زوجہ ایشان بی بی
صفیہ والدہ میر سید ابو القاسم و بی بی رضیہ دختر فقیہ عبد اللہ قریشی
نسب والدہ میر سید حسن زوجہ میر حسن بی بی رقیہ دختر سید طاہر ابن م
سید حسین ابن بزرگوار از مدینہ طیبہ آمدہ بصرہ سکونت کردند اختیار در انجا
از بطن این بی بی اولاد شدند یکے میر عبید اللہ کتخدائی ایشان در شہر
گردید از بی بی خدیجہ دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن
احمد فرزند رتبہ بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجہ ایشان بی بی
رحمت بنت سید کمال الدین از بطن ابن عقیقہ میر سید یعقوب بوجود
آمدند از شہر طوس بشہر لاہور آمدہ آقامت کردند اختیار کتخدائی
ایشان از بی بی شفقہ دختر سید احمد رضوی در انجا شد فرزند رتبہ بلند
ایشان میر سید داؤد زوجہ ایشان بی بی سلیمہ دختر سید محمد آفاق
فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجہ ایشان بی بی مبارکہ دختر میر
سید علی ابن عبد الواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل قادرے

زوجهٔ ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دهلی اقامت کردند
اختیار فرزند رتبه بلند شان میر سید تاج الدین کتخدائی ایشان
از بی بی عایشه دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد الله ابن سید عبد الرحیم
ابن سید عبد الشکور گردید به نسب علوی از انجا در دار الخیر اجمیر حاضر شده
در خدمت حضرت خواجه بزرگ خواجه معین الدین چشتی قدس الله تعالی سره
شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیه مشرف شده فیض یافته
شرف خلافت یافتند و حسب اجازت پیر دستگیر در دهلی طرح بود باش
ساختند و در صحبت جناب حضرت خواجه قطب الدین بختیار کاکی
قدس سره در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند
میر سید علاء الدین و یک دختر مسماة بی بی رحما از مولانا عبید الله
ابن سید عبد الله کتخدا شدند از بطن بی بی مذکوره دو پسر یکی سید علی
دویمی سید عبد العلیم و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول
شرف بیعت بطریقه عالیه چشتیه و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت
شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بود و بمقام
هانسی حاضر شده از انجا معاودت کرده در شهر کالپی بمنصب
وکالت انجا اقامت پرداختند بمحله محمود پوره در عهد سلطنت آن دیار
کا محمود شاه بادشاه کدخدائی ایشان از مسماة عصمت النسا دختر

میر سید امجد ابن میر سید محمد دہلوی شدہ بود دو فرزند رتبہ بلند از بطن ابن بی بی متولد شدند یکے سید جمال الدین دویمی کمال الدین میر سید جمال الدین در دہلی رفتہ مرید حضرت سلطان المشائخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیہ یافتہ مشرف بخلافت شدہ مراجعت بسوی شہر کالپی کردند واضح باد شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمہ گردید و کتخدائی سید کمال الدین کہ مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا اینقدر از دختر سید عالم علی شدند ہر یکے ہر یکے برادران عمزاد کہ خدا شدند باید دانست میر سید جمال الدین را سہ فرزند رتبہ بلند یکی میر سید محمد کالپی دویمی میر سید احمد سیومی میر سید ارشد کالپی این ہر دو برادر مرید و خلیفہ برادر کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیہ و خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی قدس سرہٗ حصول و ایشانرا بعد اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بہ سید محمد گیسو دراز ساختند باید شنید بحضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی چہار خلیفہ بودند بنام سید محمد یکے جدا علی این خاکسار کہ مذکور شد دویمی میر محمد گیسو دراز مخاطب بندہ نواز زیدی النسب از فائض الانوار شان

وی دکهن بمقام کلبرگه شریف سیومی میر سید محمد مؤلف کتاب
بحر المعانی از فرزندان سید عبد القادر جیلانی چارمی میر سید محمد
بدانی مهر رفع اشتباه اینقدر تصریح تحریر نمود تا باز نمانم از ره مقصود
بید دانست و نیز میر سید محمد کالپی مرید و خلیفه سید جمال اولیاء و نیز
مسترشد و خلیفه حضرت سیدنا سید شاه ابو العلا قدس سره
که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کالپی محله راجپوره حالا
فرزندان شان بعبور دریای جمن میانشده ان را نام علی پور چوره
ساخته اند یعنی فرزندان سید شاه ابو سعید عرف خیرات علی سید شاه
نور احمد و سید شاه ظهور احمد و سید شاه سلطان احمد از مشایخین کاملین
وقت مراجعت سفر حج ملاقات هست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن
سید محمد کالپی از اجداد این فقیر هستند مسکن حضرات اجداد بزرگوار
بمحله محمود پوره هست مسجد و خانقاه حالا غیر آباد عمارت است و در انجا کسی
از فرزندان نماند در زمانیم خدام انجا بودند در امضای مدت بالا از سی سال
اینهم نیست معلوم که وجود انها باقیست یا معدوم الغرض کدخدای میر سید
محمد کالپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مسماة بی بی عزت
و کدخدائی میر سید احمد از بی بی حرمت و کدخدای میر سید ارشد
کالپی از بی بی عصمت هر سه خواهران اعیانی دختران میر سید کمال الدین

ابن میر سید علاء الدین بدانید هر سه برادر شدند ذی اولاد حسب
دو پسر میر سید احمد را یکے میر سید حسن دویمی میر سید حسین هر دو ذی
شدند و میر سید ارشد را یک پسر میر سید محمود و یک دختر بے بی حمیت
نام اولاد ایشان در انجوار ماندند و سید محمد کالپی را نیز دو پسر شد نا
یکے سید جلال الدین دویمی سید نهال الدین که خداے ایشان ا
دختران عم گردید یا حال دریافت نشد مفصل حال لا بہ سید نهال الدین دو
پسر شدند یکے سید معین الدین و دویمی سید رشید الدین و یک دختر نام
بی بی خدیجہ مدعو بچھول بے بے و سید جلال الدین را نیز دو پسر و یک دختر
از بطن بیجے بی اسماء دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلانی میر سید
تقی الدین عرف سید بوڈھی جدا علی ابن خاکسار و ثانی میر سید
عبد الحی یک پسر ایشان میر سید عبد المجید و یک خواهر ایشان بے بے
نعمت النسا دختر سید عبد الحی و زوجه میر سید قطب الدین ابن میر
سید تقی الدین و سید تقی الدین عرف سید بوڈهی را سه فرزند از بطن
بی بی خدیجہ عرف بی بی بچھول یکی سید قطب الدین مذکور الصدر
دویمی سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینها بمحل خود
نوشته خواهد شد اینقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود
و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد یسین که جد الجد این فقیر حقیر

ہے باقی از کتاب نسب نامہ بتفصیل خواہد نوشت و سبب تشریف آوری
حضرت میر سید تقی الدین معہ اہل و عیال این بود کہ داؤد شاہ بادشاہ دیار
امرتی بمقام حاجی پور ابن محمود شاہ بادشاہ کالپی بمقام کالپی از مقام
حاجی پور بحضور صاحبزادگان انجا بدینمعنی عریضہ پرداخت از حاضری
بسبب حب جاہ معذور معاف نمایند قصور اگر کسی از صاحبزادہ گان
در ینجا معہ اہل و عیال آرند تشریف خاکسار نوازی کہ مشرف از بیعت شوم
و از معاش وجہ کفاف مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت میر سید

تقی الدین عرف سید بڈھی معہ فرزندان

نسب سوم باب دوم در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق
علیہ السلام و ذکر اولاد انجناب کہ باولیاء اللہ است نسبت جعفری
بہ شجرہ و شہرہ نسب واضح باد مورخین سابقین خصوصاً مذہب امامیہ در
ذکر اولاد آنحضرت نوشتہ آمد بسیار الا از تحقیق کتاب بحر الانساب یافت
کہ این کتاب بالفعل ہست نایاب نوشت و از احتساب الانساب نقل این کتاب
مینویسد کہ آنحضرت صادق علیہ السلام را بودند ہشت فرزند شش پسر و دو
دختر پسر اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام امام زمانہ رضی اللہ عنہ
و ثانی حضرت اسمعیل سیوم حضرت اسحاق چہارم حضرت محمد
پنجم حضرت عباس ششم حضرت علی و اسمای صاحبزادیان بی بی

ام فروه بی بی ام فاطمه نوشته اند پس پدا شده از هر یکے فرزندها
اولاد بسیار درین فرقه اہل سنت بسیار ونیز فرقه امامیه نیز جعفری نسب
ذکر امام زاده در نسب چهارم خواهد نوشت تفصیل الا اول نسب نسب مادری اولیا کبار
از فرزندان آنحضرت شد مینو بسید خصوصا نسب نامه مادری حضرت غوث الثقلین محبوب سبحانی

شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبد الله صومعی جیلانی ابن سید ابو الجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاہر ابن سید عبد الله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین علی

ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجه معین الدین

خواجه ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجه بزرگ ابن حضرت سید عماد الملک ابن سید عبد الله ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم ابن سید ابراہیم ابن سید حسین ابن سید یحیی ابن سید محمد ذکریا ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

باید شنید والده حضرت غوث الثقلین و والده حضرت خواجه بزرگ هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جده مادری حضرت غوث الثقلین بی بی عائشه نام جده مادری حضرت خواجه بزرگ بی بی معصومه

هر دو خواہران دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن
میر سید عبدالرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین
ابن میر سید نورالدین عمر ابن میر سید مجد الدین اطہر ابن حضرت سید

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیوم نسب نامہ مادری حضرت شہاب الدین سہروردی

باید دانست جد مادری حضرت شیخ الشیوخ شہاب الدین سہروردی قدس سرہ
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل اللہ
ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسد اللہ ابن سید
محمد طاہر ابن سید احمد مطہر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر
عرف سید رفیع الدین ابن سید مطہر ابن سید مظفر ابن میر سید
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی اللہ عنہ علیہ السلام

شجرہ چہارم در بیان نسب نامہ حضرت علی احمد صابر قدس سرہ

مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد
حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی
ابن سید عمر مرتضی ثانی ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن
سید عمر ابن سید اغر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
نسب مادری آنجناب شیخ فاروقی یعنی خواہر زادہ حضرت بابا فرید الدین شکر گنج اند نام والدہ حضرت سید علی احمد صابر جمیلہ خاتون بی بی

حلیمہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بروایت ثانی نام والدہ

الجناب بی بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرہ پنجم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری
ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ
ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسی
ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید رکن الدین
ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام
جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجہ بیبی جگوبت بی بی نور دختر سید وجیہ الدین
چہار دختران حضرت بودند بی بی رضیہ عرف بڑی بوا سے بیبی عرف
جیبہ بی بی جمال سے بی بی بدیہ زوجہ حضرت سلیمان لنگر زمین والدہ بی بی کمال
الکرنام آن بی بی نسیرل بی بی کمال گو یند جای حیرت کہ نام مادرو دختر
آنچہ کہ سند یافتم تحریر مخدوم سے بی بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن
مخدوم سید آدم صوفی ابن بی بی والدہ مخدوم شاہ تقی اللہ سفید باز بودند
و بی بی حبیبہ زوجہ مخدوم سید موسی ہمدانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن
بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اند و بی بی رضیہ زوجہ حضرت
مخدوم شاہ احمد یحیی منیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل نبیرہ حضرت امام

محمد تاج فقیہ و والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر جگجوت بی بی

راحت النساء دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری

حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسمعیل ابن خواجہ محمد بارقی ابن سید نجم الدین
واصل حق ابن سید نصیر الدین ابن سید نور اللہ ابن سید ابوبکر غلجی ابن سید
عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسمعیل ابن حضرت جعفر صادق علیہ السلام
سید محمد غوث گوالیاری ابن سید خطیر الدین ابن خواجہ عبد اللطیف
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتشی نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

باربار ی ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

شجرہ اول در نسب مادری حضرت بابا فرید الدین گنج شکر

والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بی بی جمیلہ بنت سید وجیہ الدین خجندی
ابن سید عماد الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید محمد
ابن سید عارف ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم

حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید فخر الدین فخر عالم

ابن سید یونس ابن سید ادریس ابن سید عمر زید ابن سید حید اطہر ابن
سید محمد مظفر ابن سید شہاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین
ابن سید خواجہ بقاء اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الجبار ابن
سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطہر
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید اشرف جہانگیر قدس سرہ

حضرت سید سلطان اشرف جہانگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ
عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید علی
ابن سید محمد مہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارز الدین ابن سید جمال الدین
ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی اکبر
ابن سید موسی ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل اعرج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجاپوری یکی از خلفا سید محمد گیسو دراز

سید امین الدین بیجاپوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین
بیجاپوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد الفتاح
ابن سید رفیع الدین محدث ابن سید ذکریا بیابانی ابن سید احمد کاشانی
ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

ابن سید یحیی ابن سید یوسف ابن سید ارشد باخدا ابن سید احمد ہمدانی
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ نہم در بیان نسب امیر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید
امام الدین ہمدانی ابن سید نور الدین ہمدانی ابن سید نصیر الدین ہمدانی
ابن سید ظہیر الدین ہمدانی ابن سید طاہر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضات ہمدانی
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید یحیی ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن
سید قاسم ہمدانی ابن سید برہان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دیباج
ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیوم نسب نامہ سید ولایت علی میر سید از حضرت سید علی ہمدانی

سید شاہ ولایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ
احسن علی ابن سید محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن
سید اعظم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجح محمد ابن سید عبد اللہ ابن
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین
ابن سید شمس الدین سیاہ پوش ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد
ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

شجرہ چہارم نسب مادری قاضی محمد اجمل و ام لطف

قاضی سید محمد اجمل خان الاعظم الیشان شاہ محمد واعظ عرف سید شاہ ابدال حسن
ابن سید شاہ پیر علی ابن سید شاہ میر علی ابن سید شاہ حسن علی ابن سید
محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن سید شاہ اعظم ابن
سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد اللہ ابن سید اشرف ابن حضرت
سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سیاہ پوش
ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد ہمدانی ابن امیر کبیر سید علی
ہمدانی جامع کتاب اوراد فتحیہ جعفری نسب مذکورہ بالا جعفری نسب
اکثر مشایخین انجوار اند چونکہ نسب نامہ علی الترتیب سلسلہ بیافت نگاشت
خصوصاً اہل شیعہ خود را اکثر بدین نسب نامند یکی ازان در قرابت و مصاہرت
این خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی درین نسب اند
و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیہ السلام میرزا کی حسین ابن داروغہ
سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابو الحسن ابن میر بہادر علی ابن ہر دو
ہمچنیں مستند حکیم سید عابد حسین ابن داروغہ سید لطیف حسین ابن میر نصر اللہ
ابن میر وارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف اللہ ابن سید احمد عرف چولہائی
ابن سید شاہ غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین
ابن سید شاہ غلام شرف ابن حضرت سید شاہ دعاء اللہ ابن حضرت سید شاہ

عطاء الله ابن حضرت سید شاه وجیه الله ابن سید شاه نظام الدین ابن
سید شاه هدایت الله ابن سید شاه محمد یسین ابن سید شاه رحیم داد ابن سید
شاه کریم داد ابن حضرت سید محمد فرید ابن سید محمد اسمعیل ابن نبیرهٔ حضرت
سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه که دو نام تمام
نماند واضح باد داروغه سید لطف حسین را پنج پسر یکی سید اکبر حسین و پسر
ایشان سید محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکیم سید عابد حسین ایشان را
دو پسر یکی سید جعفر حسین ثانی ابو الحسن سیوم سید اوسط حسین
پدر سید سلطان چارم عسکری حسین پدر محمد تقی پنجم سید ذکی حسین که بی ولد
اند و مهر مبتلا حسین بنی عم ایشان پسر ایشان سید عطا حسین سید مظهر حسین
وغیره اینقدر دانست نگاشت نسبت چهارم باب دوم در ذکر اولاد
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و نسبت نسب ولی الله با
خصوصاً حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره شجره و ثمره
واضح باد مورخین نسابه نامیه فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی الله تعالی عنهم
شصت فرزند ذکر کرده اند بتحریر یعنی سی و هفت پسر و بیست و سه دختر از سیزده
فرزند اولاد جاری و در باقی اعقاب نماند بترقیم این نقل از عقیدتاً ناگزیر
الا آنکه در کتاب است بحر الانساب و حساب الانساب منسوب بسید ابن تقیم
حقیر عقیدت پذیر اسامی فرزندان آنحضرت اینست حضرت علی موسی رضا

امام زمانہ کلانی و حضرت ادریس ثانی و سیدنا ابراہیم و سیدنا موسیٰ مثنیٰ و سیدنا عبد اللہ و سیدنا عبید اللہ و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا اسمعیل و سیدنا یحییٰ خیر انجیکہ در نسب نامہ اولیاء اللہ یافتہ من بعد نسب نگارد اولی

شجرہ اول نسب چہارم در نسب حضرت خواجہ بزرگ معین الدین چشتی قدس سرہ

حضرت خواجہ معین الدین چشتی سنجری اجمیری ابن حضرت خواجہ غیاث الدین سنجری ابن خواجہ نجم الدین طاہر ابن خواجہ عبد العزیز مطہر ابن خواجہ سید موسیٰ مصفا ابن سید ادریس لد حضرت امام موسیٰ کاظم علیہ السلام ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

ثمرہ اول بر ذکر اولاد حضرت خواجہ قدس سرہ

آوردہ اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجہ بزرگ بکبر سنی متاہل شدند اولاد حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلے اللہ علیہ وسلم نود سالگی عقد شد نکاح کردند از دختر خجستہ اختر سید وجیہ الدین مشہدی صوفی زوجہ ثانی بی بی آمتہ اللہ دختر راجہ آمدیار نام دختر سید وجیہ الدین بی بی عصمت النساء سہ پسر یکی دختر دران عمر شریف حضرت خواجہ در عالم بوجود آمدند میگویند بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از بطن بی بی امتہ اللہ متولد شدند با شیخ رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوری سوالی کہ اجل خلفاء حضرت خواجہ بودند کتخدا شدند و فرمودند حضرت خواجہ بزرگ اولاد حمید الدین عین اولاد معین است دو فرزند کلانی خواجہ ابو سعید رحلت کردند

قبل از ایام جوانی ثانی خواجہ حسام الدین کہ حضرت خواجہ ولایت ایشان بمقام سانبہر دادہ بودند حصور ماند تا حیات خطاب یافتند حسام الدین سوختہ باخر عمر با ابدالان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجہ فخر الدین ذی اولاد شدند خواجہ فخر الدین را دو فرزند یکی خواجہ رکن الدین کلانی خلف ایشان خواجہ زین الدین آیندہ کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد الا فرزند ثانی خواجہ حسام الدین ابن خواجہ فخر الدین کہ نام فرزند خود بنام برادر خود نہادند خواجہ حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجہ معین الدین خورد کلان کہ ابعد آباو اجداد در اجمیر شریف زیب سجادہ گشتند و نام فرزند ایشان خواجہ زین الدین ثانی بود ثانی خواجہ قیام الدین ملقب بر بالا خلف ایشان خواجہ نجم الدین پسر ایشان خواجہ احمد کمال و لد ایشان خواجہ شہاب الدین فرزند ایشان خواجہ بایزید ثانی مقبول ربانی حضرت ایشان عمر خود در سیاحت تمام گذرانیدند در امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف آوردند در اجمیر شریف در انوقت خدام نشناختند و انکار از فرزندی خواجہ بایزید کردند آخر بہ شہادت خواجہ حسام الدین ناگوری کہ اولاد سلطان التارکین بودند بادشاہ وقت اعتماد نمود خدمت دیوانی تفویض نمود خواجہ حسام الدین عرف خواجہ حسین ناگوری زیب سجادہ آنحضرت ایشان را کردند و دختر خود در عقد نکاح ایشان دادند اولاد جاری شد

باید شنید ثمره دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین
بودند فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان
خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو الخیر مظهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد
هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین
ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم
خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از انجمله
چهار فرزند شدند ذی اولاد باقی چهار را اعقاب نماند می نگارند اولاد چهار
برادر در اجمیر شریف ماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه
شاه محمود و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یکی زیب سجاده حضرت
خواجه گشتند بعض از اولاد مسافرت کردند اختیار سیر امصار و دیار هر گاه
بهر زیارت مزار رسید باجمیر شریف این خاکسار در سال یکهزار و دو صد
و شصت هجری چنین دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری بمنصب
دیوانگی زیب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب حالا بجای ایشان
برادر زاده ایشان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت انجناب بود
انچه که مقصود گشت کشود و نیز برادران ایشان شاه منیر الدین و سید علی بخش
بودند اکنون دریافت شد که فرزند شاه سراج الدین زیب سجاده بخطاب
دیوانگی اند مامور مبارک باد ثمره سیوم روایت می نمایند هر گاه

خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور الصدر قصد سفر کردند از اجمیر شریف
فرزندیا نبیر الشیان شمس العارفین خواجه محمد داؤد چشتی از دیار مغرب تا صید
دید امصار شرقی شدند از شهر دهلی سیر کرده بدین اوداح رسیدند جای اقامت
در محال کلیه پسندیدند و حسب مجوزی و الحاح راجه انجا بدانجا تکیه ساختند
بموضع کندوی پرگنه انگیل ضلع بهار درانجا خبر گیر فقرا وارد و صادر
کردند حاکم وقت بهر کفاف معین کردند خانقاه شده پیدا عرس و اعراس پیران
که همت شیوه ایشان خصوصا با حصل در ویشان شامل شدند و اولاد شد
پیدا الاخود را شیخ گویانیدند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود
حالا اولاد اند فرزند ایشان خواجه داؤد خواجه محمد یوسف بودند بطریقه
آبائی قایم ماندند پسر ایشان خواجه عبد الرقیب پسر ایشان خواجه محمد سهل
خود را شیخ گویانیدند ولد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جا بجا در دیهات
اقامت نمود نسبت جهه معاش صورت کفاف دانی چنانچه قاضی جعفر علی
ساکن موضع کندوی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ
محمد جمیل در موضع جبات پور قریب جهان آباد جاگیر یافته مقیم شدند فرزند
شیخ محمد لطیف شیخ محمد سبحان در اجا چیری صورت معاش پیدا کردند شیخ
اقبال حسین غیره الحاصل پسر شاه محمد سبحان بودند شیخ محمد اشرف پسر ایشان
شیخ محب الله پسر ایشان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پسر ایشان شیخ

محمد زمان و الد ایشان شیخ محمد باسط پسر ایشان شاه عبد الرحمان عرف شیخ
امجد بخش خلف ایشان شاه محمد واهب حسین که از دختر خجسته اختر مولانا
ور رحمة الله علیه کدخدا شده اند مولانا مفتی عدالت بودند علاقه ضلع بهار
شیخ غلام حیدر شاه واهب حسین را از دختر مولانا سه فرزند مولوی
منیر الدین احمد پسر کلانی با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کرده اند
انتقال مولوی امیر الدین احمد پسر ثانی بعهده سرکاری هنوز اند موجود د
سیوم نصر الدین احمد رفت از ین عالم بعالم جوانی الا مولوی امیر الدین احمد
کتخدا شده اند الله تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم

باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کلال

باید دانست خواجه نور الدین امیر کلال پیر مرشد حضرت خواجه بهاؤ الدین نقشبند
قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کلال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سید ابراهیم
ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد الله
شهید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید علی ابن امیر سید حسن ابن امیر سید محمد حسین
ابن امیر سید احمد ملقب حسین ابن امیر سید محمد اعلی ابن سید شریف موسی ابن
سید ابراهیم مرتضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام باید دانست
فرزند حضرت امیر نور الدین کلال چهار بودند یکی سید حمزه دویمی امیر
برهان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد هر فرزندان ملا

چهار اند با مصار و دیار لسلسله نسب بدین نیافت کسی که می نگاشت الاخوج
عرف خواجه میرجان داماد حکیم غلام نبی خان از اولاد از یکی فرزندان خواجه
امیر کلان اند چهار فرزندشان اند یکی خواجه احمد حسین دویمی خواجه محمد حسین
عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبد السلام سیومی خواجه محامد حسین
عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبد الله هر یکے اند محبت پناه ؁

شجره سیوم نسب چهارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید احمد ملقب چرمپوش معه ذکر اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش

ابن سید موسی همدانی ابن مخدوم سید مبارک همدانی ابن میر سید خضر ابن
سید ابراهیم همدانی ابن سید سلیمان همدانی ابن سید عبد الکریم ابن سید
عبد الحکیم ابن سید عبد الشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبد المجید
ابن سید عبد الرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود
ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبد الرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور
ابن میر سید یوسف ابن میر سید رکن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید
یحیی ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید تقی ابن سید عمر ابن میر سید

عبد الله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

ثمره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش قدس سره

نت حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش نواسه حضرت مخدوم سلطان
ب الدین پیر جگجوت اند نام والده ماجد انجناب بی بی حبیبه مدعو جیه
نام زوجه انجناب بلبه اند اولاد و فرزند رتبه بلند بودند انجناب را یکی
مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دو یکی مخدوم سید شاه سراج الدین
ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید
شاه عبد الرحمان که از دختر عم کلان بی بی واسعه بنت مخدوم شاه تاج الدین
که خدا شدند دیگر دختر و پسر نبود و دیمهر دو برادر یکیا پسر و یک دختر پس سید شاه
عبد الرحمان بعد عم کلان و والد خود زیب سجاده ماندند بعده خلف شان سید
شاه علی عرف مخدوم بڈہ جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان
سید رکن الدین مدعو منجھن ولد ایشان سید شاه محمود اعلا زیب سجاده
شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین ماندند
پسر ایشان سید شاه حبیب الله ولد ایشان سید شاه محبوب الله پسر ایشان
سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمد ولد ایشان سید شاه
سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الله ابن ایشان سید شاه
محب الله ابن ایشان سید شاه علی اصغر ابن ایشان سید شاه
محمد ثانی واضح باد سید شاه علی اصغر را یک پسر سید محمد ثانی و
یک دختر ستاره حمیده [کرد خدا] که از سید شاه غلام مخدوم زیدی نسبت اند ابن سید شاه

ابن شیخ ابو مسعود اصفهانی ابن شیخ ابو نجیب ابن امام ابو الولیس ابن امام ابو سعید
ابن امام ابو اللیث ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زید ابن امام عبد الله ابن
حضرت عباس ابن خواجه عبد المطلب جد نبی صلی الله علیه وسلم وحضرت امیر
حمزه ابو عماره را یک پسر عماره و نام دختر فاطمه بنت حمزه و دیگر پسران نام یاد نماند
الاکسی مورخین که ذریت ایشان تحریر نموده الا خواهر اعیانی حضرت امیر حمزه بی بی
صفیه بنت عبد المطلب مع منه سابقه مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویلد حضرت
زبیر را با دختر حضرت صدیق اکبر از بطن بی بی اسماء سه پسر عبد الله ابن زبیر عروه
ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروه محدث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج
بی بی سکینه دختر حضرت امام حسین علیه السلام اند بشنو از عمات نبی ایمان
آوردند بی بی صفیه بی بی عاتکه و دو عم ایمان آوردند حضرت عباس و حضرت
امیر حمزه آنحضرت چهار عم را دیدند از جمله اعمام ایمان آوردند و ابو لهب کافر شد
ابیطالب بین ند بین اند ذکر ازواج نبی آنحضرت نبینا محمد المصطفی
صلی الله علیه وآله وسلم اولین حضرت ام المومنین بی بی خدیجة الکبری
بنت خویلد که از بطن پاک ایشان کل اولاد نبی علیه السلام غیر سیدنا ابراهیم که
از بطن ماریه قبطیه شدند بعالم رضاعت تشریف بردند بسوی جنت عقاب نماند
ثانی ام المومنین مخدومه بی بی عائشه صدیقه رضی الله عنها بنت حضرت
صدیق اکبر رضی الله عنه اولاد نشد از ایشان ثالثه ام المومنین بی بی حفصه

و امیمه و بره خواهران ایشان بدانید ولد زبیر بودند ابو دردا داماد حضرت
ابو دردا انصاری که جد حضرت مخدوم یحیی منیری اند مزار فائض الانوار حضرت
امام تاج فقیه در مکه مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریت الجناب
تاج فقیه اکثر اند اولیاء کبار خصوصاً دریں جوار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه
شرف الدین قدس الله سره ابن مخدوم یحیی منیری ابن مخدوم اسرائیل
ابن حضرت امام محمد تاج فقیه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام
ابو القاسم ابن امام ابو الصالح ابن امام ابو الدهر ابن امام ابو اللیث ابن امام
ابو سمرا ابن امام ابو الذین ابن امام ابو مسعود ابن امام ابو ذر ابن زبیر ابن خواجه
عبد المطلب بن هاشم بن عبد المناف که از اجداد آنحضرت اند علیه السلام
واضح باد از یک زوجه سیدنا عباس بن عبد المطلب عم خیر الناس شیخ
عباسی خلفاء عباسی ابنان حضرت عباس مشهور سته اند فضیل ابن عباس
عبد الله ابن عباس قثم از بطن سابقین مومنه بی بی ام الفضل هستند مادر
خلفاء عباسیه و از ذریت الجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه
اهون اند مزار واقع در موضع شیخپوره خرد الوان علاقه بهار فیض آثار
قرار در بیجا النسب نامه منیو سیه حضرت مخدوم شاه اهون ابن مولانا شیخ ابراهیم
ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمان ابن شیخ عبد العزیز ابن شیخ اسماعیل
ابن شیخ عبد الله چولوی ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو القاسم

از تحریر جدید چنین ونیز کتابی یافت منظوم نسب نامهٔ بزرگان دین عمدة المشایخ
کبار تالیف شاه مخدوم بخش متخلص واقی فردوسی البهاری وبعده
این فقیر کتاب در سفر یافت ونیز اینکه از وقت تالیف عم الاعظم فرزند فرزندان
انها شده اند مندرج کتاب انهم را ترتیبا مبیضه ساخت وموسوم به کنز الانساب
پرداخت درین کتاب تفریق وتفصیل بچنین عنوان گردید اول مقدمة الکتاب
بعده دو باب ضمیمه نسب ذکر نسب پیشینیان بعده ذکر نسب خودزان بعده ذکر نسب
سادات که بکدام امام مے پیوندد بعده سه فصل در نسب شیوخ یعنی حضرات
اصحاب ثلاثه وقاطمی علوی ویک خاتمه ویک تتمه واضح باد این کتاب است بر بیان
یک مقدمه ودو باب وچند کیفیت وسه فصل اصل اصول مقدمة الکتاب
بذکر نسب رسالت مآب ذکر نسب حضرت سیدنا محمد صلے اللہ علیہ وسلم
رسالت مآب وحضرت اسد الله الغالب عالب العجائب سیدنا علی ابن ابی طالب بذکر
ذریت خواجه عبد المطلب یعنی جد امجد سروران عالم وهر دو باب
حضرت حسنین یعنی در یکی ذکر حضرت امام حسن مجتبی معه اولاد
و دوم ذکر حضرت امام حسین شهید کربلا معه اولاد علیهما السلام
حسب تفصیل ذیل که جمیل در بیان تحقیق مصاهرت بدین ترتیب نوشته آید

مقدمة الکتاب کنز الانساب

واضح باد بر هر کس فرد بشر مسلم ومسلمه واجب است دانستن چهار کرسی آنحضرت

نبینا محمد علیه السلام بهر قوت ایمان و نیز بهر کس چهار کرسی خود دانستن بهر استحکام
تقویت مصاهرت مستحب است جهت حجت نسب شرافت حالا چون کتاب
نسبنامه درست نمود کرنسب اعلی آنحضرت در تحریر مقصود مسکین بی تسکین فنائی

نسب نامه آنحضرت نبوت ختامه صلی الله علیه و آله وسلم

یعنی سیدنا و مولینا محمد مصطفی قریشی الهاشمی المطلبی ابن سیدنا عالیجاه
عبدالله ابن عالی نسب خواجه عبدالمطلب بن سردار هاشم ابن
عبدالمناف درباب چهار کرسی آنحضرت است همین قدر که تحریر یافت
بالانسب این که عبدالمناف ابن قصی لد کلاب بمدر ظهور شد تا عدنان نسب
عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل و ابراهیم تا آدم است صورت اختلاف آنحضرت
با عدنان کرده اند بیان بدانید عبدالمناف را چهار پسر یکی نوفل جد چهارم
حضرت جبیر اصحاب نبی و ثانی مطلب جد هشتم حضرت امام شافعی رحمة الله علیه
ثانی هاشم و عبدالشمس شدند هر دو توام بیشانیها پیوسته از شمشیر جدا
در اولاد هر دو شمشیر ماندند تها آخر ختم شد بر جناب سید الشهدا عبدالشمس پدر آن شخص
اجداد امیر المومنین عثمان رضی الله عنه و نیز اجداد حکم پدر مروان و جد
معاویه ابن ابوسفیان ازین قبیل اجداد کل بنی امیه و هاشم پدر جد آنحضرت
و پدر جد حیدر کرار یعنی جد جمله بنو عبدالمطلب و نسب حضرات شیخین و اصحاب
من بقیه از عشره مبشره ازین درجه بالا است که می پیوندد یعنی از قصی بن

میر سید صدر جہان

چون از بیان کیفیت صاحبان نوا باده کلان اولاد میر سید محمد اولی
وصاحبان کورجی ذریت میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جہان فراغت
یافت مینویسد ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه دانا پور واضح گردد میر
سید اولیا بودند تارک دنیا بحرص وهوا مشغول وبیاد خدا گاہے روزگار دنیای
نکردند بدربار شاہی عهده افتا یا قضا بنجانه نشینند شکسته پا والد ماجد ایشان را
بحضرت میر سید صدر جہان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب منصب
بود بدربار شاہی امیر الامرا بخطاب یمین الملک وقت آخر ترک نمودند
ماندند بیاد خدا بیعت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریقه عالیه چشتیه نصیریه
الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاہی است
م ان چشتی پور عنایت الله از سماة مریم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ ذکریا
فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الله از فرزندان حضرت بابا شیخ
فرید الدین شکر گنج القصه از بطن ایشان بی بی شدند دو فرزند رتبه بلند کلانی
نام بود میر سید حسین عرف سید حسینی داماد میر سید عبد الرسول قادری نسب
که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم کدخدائی
ایشان از دختر خال خود شد نام زوجه شان بی بی نصیبه بود دختر شیخ
معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی از بطن زوجه شان یک دختر

ولپسر شدند متولد نام دختر بی بی واسعه که از شیخ محمد درویش کدخدا شدند
یکی از صاحبان کوچی نانای شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف
شاه بهادن بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید
محمد علیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند اعقاب نماند جز فرزندان میر سید حسین
عم شان باید شنید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبد الرسول
شد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد ناصر نام دختر بی بی
رقیبه که از برادر عمزاد میر سید عبد الحلیم کدخدا شده بودند هر دو نوجوان گردند
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن

میر سید اولیا ابن میر سید صدر جهان

واضح باد بسال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد ناصر گردید کیفیت ایشان
برین نمط بیعت ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریقه عالیه نصریه حصول و نیز و
تعلیم معنویه ضبط مراقبه و مشغول و نیز حیثیت ولیاقت ظاهری تحصیل کتاب
عربی و فارسی و فقه اصول با اینهمه بودند و فنون بهر لیاقت افزون و در
فن تیر اندازی کمال در عهد خود بی مثال چنانچه رساله تالیف کرده بودند
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود دارد از این خاکسار بعمر بیست سالگی
رسیده بودند از قضای الهی والده ماجده ایشان کردند انتقال چون از خدمات
مخدومه گشتند فارغ البال و والد ماجد خود را مشغولی ذکر حضرت ذوالجلال

نوبت تزویج نه آمده بود زمانه مغتنم انگاشته قصد سفر کردند بعمر بست و پنج سال
واضح باد زمان ولادت آنحضرت در عهد اکبر جلال الدین اکبر بادشاه
و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت
نمودند بعمر شصت و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخر ماندند همنشی
و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر ڈهاکه جهانگیر نگر
چندے ماندند بعهده چکله داری و محافظ کوتوال شاهزاده رفاقت ایشان
پسند نمود و بخوشی تدبیری برین امضا شد چند سال هرگاه خطاب باغیاب رسید
بشاهزاده موصوف از شاه اورنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه
تیلوانی در بر و چیره زعفرانی بر سر سن شریف رسید بچهل و شش تف برین ریش
وقت مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون همنشینان قدیمی
شاهزاده شدند معزول آنحضرت رفاقت شاهزاده نکردند قبول هر چند شاهزاده
بهادر شاه بهر رفاقت کرد اصرار بسیار اقبال نکردند زنهار زنهار ترک عهده
جلیله کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بوطن تشریف آوردند چند سال
گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شد حزن و ملال کمال
در شهر پٹنه سجاده آبائی کسے را نیافتند جز یک برادر عمزاد میر عبد الشکور
ملاقات کرده آمدند بسوی دانا پور در اینجا یافتند از بزرگان و برادران نابینا
میر شهاب الدین و میر رکن عالم ابن میر سید عبد المقتدر و میر سید مکارم بگم

عزیزان در اقران بودند ملاقات ساختند و بصحبت ایشان چندے اقامت
در قصبہ دانا پور بہر داختند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزہا
عند الملاقات از میر سید مجاہد رضوی کہ برادر خالاتی حقیقی بودند و از عمر آنجناب
نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بہر متاہل آنجناب چنین تذکرہ افتاد در جواب
فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب ہفتاد قصد متاہلی چکنم اگر واقعی باشد ترجیح
نیست حصول اولاد کدام کس دختر خود با این ضعیف خواہد داد بیان متبسم شده
میر سید مجاہد فرمودند ای جناب معلی القاب از شادی اولی دخترے ہست موجود
تا کہ خدا الحمد بہ خیال کفویت بود دہر آید مقصود بزوجیت شما سید ہم اگر نصیب
اولاد فہو المراد اولاد ہر دو برادر در واحد باشد بفضل حضرت باری سلسلہ ولاد
بود جاری باصرار تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میر سید مجاہد
ابن میر سید جہانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی
رمضانی دختر شاہ موسی صفی پوری کہ زبدہ اولاد مخدوم شاہ صفی بودند
گردیده بود از بطن این بی بی دخترے تولد شده بود بی بی رقیہ نام مدعو
بی بی چھیتا خورد سال ایشان را گذاشته والده ایشان بودند بخانہ پدری
پرورش یافتند بضرورت خانہ تقریب شادی ثانی از دختر میر سید محمود
نو آبادی کرده بودند از ان بی بی کسے اولاد نشد و عمر بی بی رقیہ در ان زمان
نوزده سالہ بود و سن جد اعلی میر سید محمد ناصر بود بالا شصت سال یا ہفتاد

آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت در آمدند شادی بانجام رسید کریمی خالق که در آن سن وسال بزوجی الله تعالی شش اولاد بخشید دو پسر و چهار دختر هر یکے چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تتمہ کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هرگاه آنجناب معلی القاب ترک جلیل عهده کرده بهر اقامت آماده شدند بتوکل علی الله بتکیه خانقاه آبائی شهر پٹنه شدند مقیم مشغول یاد او تعالی بصبر بربط مستقیم پا را از رفتن شکسته سلسله ملاقات اهل دنیا گسسته متوقع فضل خداوند کریم بقیه عمر خود را در چله کشی و گوشه گیری بسر ساخته هر دم و هی بذکر یاد او تعالی می پرداختند طالبان حق را ضرور است از لذاید دنیا ترکش وجوب لازم آنحضرت در مشاهده حق تیر قامت را کمان ساخته بسا دبرگ آب و نان توکل بقبضه آورده بهدف مراد خود نشانه کرده آخر بنام حق بذکر حق که بودند باین مستحق روزے قربان جان خود ساختند زہے ستهائی که سهم رضا الهی گشته آخر کار خاک توده گردد و طائر روح بحال محبت آمده وصال حق یابد وکار از لب سوفاره درگذرد چونکه آنحضرت در تیر اندازی داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرده برین منوال دو پسر و چهار دختر در دنیا گذاشته بعمر یکصد و شانزده سال کردند انتقال و سنه یکهزار بست و دو هجری سفر فرمودند جنابحضرت جدامجد چون بسال یکهزار و یکصد هجده شاه اورنگزیب عالمگیر بادشاه نمود انتقال و باخود با برادران اعظم شاه

دعالیقدر و معظم شاه ملقب بهادر شاه که تخت نشین بمقام دهلی شد بهر
تخت نشینی سلطنت درپیش آمد منازعت واقع شد جنگ جدال آنها خریت
یافته کردند انتقال و تخت نشینی بر شاهزاده معظم ملقب بهادر شاه بماند
بحال درانوقت بهادر شاه از رفاقت آنحضرت آمد خیال ازآنجا فرمان رسید
بنام آنحضرت بهر وزارت طلب نمود بادشاه ابوالناصر آنحضرت میر سید محمد با حرم
جناب اقدس واعلی تکریم فرمان شاهی نمودند نهادند بر سر و بر پشت فرمان
تحریر نمودند عذر بعبارت بهتر اول این بیت نوشتند مقوله حضرت سعدی
علیه الرحمة عفو فرمایند تقصیر بدین تحریر بیت اگر طالبی کاین زمین طی کنی *
نخست اسپ بازآمدن پی کنی * غریب نواز عالی جاه دین پناه هرگاه لائق
خدمت شاهی نماند بسبب رسیدن سن کبیر چون هوش و حواس بجا نماند که
کار و بجا آداب شاهی بتوفیر میتوانید کرمی دارم چون میشود گرسنه میخوراند بیگاه
میشوم تن برهنه میپوشاند باقی نماند باین ضعیفی خبرے حرص و هوس الله
باقیست و بس این عذر کرده خلعت شاهی منصب وزارت واپس دادند
هرچند اقران ترغیبا للنصیحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت بجا نمی آری
بدل خود یکے از فرزندان خود را بفرستی ایشان نیز پسند خاطر نیافتاد فرمودند
فقیر دارد دو پسر یکے اهل جذب مست متوسند و زوره آور از طریق خدمت شاهی
بیخبر دومی مصروف بیاد الهی بعمر جوانی مشغول بمشاهده ذات ربانی کی بود

در حوصله او کی باشد لذت دنیا را شائق بهر دو یکے نیست بهر فرستادن الوقا
کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها چه داند داب شاهی سفیر بود ثم بعد
انهمه عذر از جانب بادشاه دوباره رسید بطلب فرمان شاهی بدین مضمون
اگر چه در جواب تحریر ساختند با ایجاب عهده وزارت جواب صاف مگر نویسیم بان لخت
لشنا و تا نشوم رو بر حق تعالی و عده خلافت از کسے فرزندان خود را فرستید تقصیم
معاف آخرکار آنحضرت از هر دو پسر کردند استفسار از طلب شاه نامدار پسر کلان
میر سید عبد القادر بجوش حوالی سرست از باده ذکر سکر ربانی گفتند بادشاه
مرا خوراندن نمی تواند هستم بسیار خوار رتبه وزارت هیچ نیست نزد فقیر خاک
چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سید محمد یسین مقبول ربانی حمد با دری شان
میر سید محامد ایشان را نگرفتند در کتاب و گفتند بخدا که فرزند رتبه بلند مرا نمائی
بدر بادشاه چه رائی انشاء الله تعالی یقین قلبی ام چنان است چنان تا بحضرت باری
جبهه سائی کرد بادشاه وقت شود رو بروی این پسر چه رائی سبحان السعادات بزرگان دین
چنان بودند بیاد حق مشغول که داشتند فی پروائی بجه طول ناخن کرده ازطلب دنیا
بے اعتنائی بار سوم کسے نامدار از جانب ساعد شاه بادشاه از آنجا که خاک نشینان
کوے قناعت را بطلب مرگ طبیعی مناقبت اندیشی ست کمال که رونهی خود را
سپردن است بچاک گور زیبائی لباس ابریشمی خوشتر نامد و خدمت شاهی آخر
چون کمان خم شد نشست از قوت و زور اسحق کسیکه بیکد و قدم نامد مانند قوس قزح

عرصه فلکی طی نماید ضرورت که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کردن پیش آمد سفر نمودند
هرگاه زوجه آنحضرت در دناپور روبرو آنحضرت کردند انتقال که دوام بجا ماندند
سر در حال فرزندان خود را بر دامن جداوری ایشان گذاشته بجا اتفاق
آبائی شهر پٹنه اقامت کردند عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در آنجاست
مزار پائین پدر وجد بزرگوار بمحله کهجورکه کهجوری گلی بعد چند سال اولاد دختر را
که خدا کرده حضرت میر سید مجاهد رحمة الله علیه بافتند بذات احدیت وصال

	ثمره اول شجره اصل	

حضرت میر سید محمد باصر را بودند دختر کلان بی بی صحیفینی متوکل خدا عمر
بسر کردند در چله عزلت خانه نشینی از آنجا که عارفه کامله بودند ذی شعور بودند از هر
پا سے معذور که خدائی پسند ناند در یاد الهی بسر شد عمر مشغول حق که بجهه دروی
بودند مستحق بالا از صد سال شد که دند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلان

	مزار آستانه شوه درگاه ست ثمره دوم شجره اصل	

در ذکر دختر ثانی مسماة بی بی سیده بود نام آنمخدومه که خدا شدند در بنی اعمام
واحوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلو ابن میر سید بدر الدین بسرے
بوجود آمده بود بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد و ثمره حباب بمرد اعقاب

	ایشان نماند	

ثمرهٔ سوم شجرهٔ اصل

بذکر دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شدند کتخدا و دو دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بجنو بی مذکور

ثمرهٔ چهارم شجرهٔ اصل

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحده که کتخدا شده شدند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین گورکهپوری فریدی نسب متولد شدند از بطن
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه قطب علی گورکهپوری شده شدند که کتخدا شده
دختر با ایشان یکی بی بی واصله زوجه شاه وحید الاسلام دوم بی بی
عظیمه زوجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکوره بالا حال دختر ثانی که کتخدائی در یافت
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه چهکوری
نام پسر دوم شیخ غلام حیدر عرف میان گهسیٹا که مستثنی بود در اقران خود بقوت
و زور مثل بشت زنی پهلوان نقل مینمایند که ده منی توپ شاهی را بیک جر تاب
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نساختند روزی یکی از برادران
براه گورکهپور رسیدند بر اسپ سوار از ین خوشنود بملاقات شد چشم دو چار
اندر میان گفتگو ساعد دست بر پشت اسپ نهاده تا دیر بود و نمک لاکلام اسپ نتوانست

وصلہ فلکی طی نماید ضرورست کہ اشہب اندیشہ و غبار را آخر پی کتر و ن جنش پیش آمد منیفہ در پہلو
ہرگاہ زوجہ آنحضرت در دانا پور رو بروئے آنحضرت کردند انتقال کہ دوام بنجانۂ با
ماند ہمسر و رحال فرزندان خود را نیز بر دامن جد مادری ایشان گذاشتہ بنجانۂ اقا
آبائی شہر پٹنہ اقامت کردند عمر آخر بسر کردہ واقع شد انتقال در انجاست
مزار پائین پدر و جد بزرگوار بمحلہ کھجور کمرہ کچوری گلی بعد چند سال اولا دختر را
کد خدا کردہ حضرت میر سید مجاہد رحمۃ اللہ علیہ با فتند بلہ است احدیث وصال

	ثمرہ اول شجرہ اصل	

حضرت میر سید محمد ناصر را بودند دختر کلاں بی بی صحیبنی بتوکل خدا عمر
بسر کردند در حلیہ عزلت خانہ نشینی از انجا کہ عارفہ کاملہ بودند ذی شعور بودند از ہر
پا سے معذور کدخدائی پسند نامد در یاد الہی بسر شد عمر بمشغولی حق کہ بحجرہ وردی
بودند مستحق بالا از صد سال شد کردند انتقال از ہمہ خواہران و برادران بودند کلاں

	مزار آستانہ نیز بوہ درگاہ ست ثمرہ دوم شجرہ اصل	

در ذکر دختر ثانی مسماۃ بی بی سیدا بودنام آنمخدومہ کد خدا شدند در بنی اعمام
و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلو ابن میر سید بدر الدین پسرے
بوجود آمدہ بود بنام سید صدر الدین دوازدہ سالہ بمرو ثمرہ حباب بیرو اعقاب

	ایشان نماند	

شجره سوم شجره اصل

بذکر دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شدند کتخدا و دو دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بخوبی مذکور

ثمره چهارم شجره اصل

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد ناصر نام بود بی بی واحده کتخدا شدند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجهی فریدی نسب متولد شدند از بطن
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی کورجهی شدند که خدا کرده
دختر با ایشان یکی بی بی واصله زوجه شاه وحید الاسلام دویمی بی بی
عظمه زوجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکوره بالا حال دختر ثانی که خدائی دریافت
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جهکوری
نام پسر دوم شیخ غلام حمید عرف میان گهسیٹا که مستثنی بود در اقران خود بشدت
زور مثل کشت زنی پهلوان نقل مینمایند که ده منی توپ شاهی را بیک جرثاب
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نساختند روزی یکے از برادران
براه کورجهی رسیدند بر اسپ سوار از زین فرو نشسته بالاقات شده چشم دو چار
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اسپ نهاده تا دیر بود و ملازم ...

قصد رفتن کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از کمر زور شد رفتن نتوانست بگشت بر پشت او زوند فوراً شد رهوار بدین طور قصه شهر وری ہست بسیار شادی در اقران اخوان شده بود اول فقد الا شیخ غلام حیدر پسر دوم نیز بود تیز بوسند صاحب قوت و فتوت اگر ہر دو برادر یک جانب میشدند جانب دیگر ہزار کافی بودند این تنومندی از عنایات حالیست الاعلم ظاہر نمید اشتند ہر دو برادر دیگر پسر سید غلام حیدر منشی بیدل نام بود منشی تقی الدہ بودند شاعر

ذی فنون ماہر امور دنیوی ماند

ثمرہ پنجم شجر اصل نخل اولے

در بیان حالات پسر کلان میر سید عبد القادر این حضرت میر سید محمد باقر آنجناب سرمست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار و در عالم فاقہ چند روز ہم ہمی خوردند ایام ولادت آنجناب بسال یکہزار و ہشتاد ہجری تا عمر چہل سال ماندہ ذی حیات در پایہ ثبات از تزوج ہیچ نبود سر دکار بہ شعوری بود مشابہ دار در دانا پور زیر درخت سپستان ست مزار بپائین قبر آنجناب

اطلوز نقش و رزش بلیغ باشد

ثمرہ ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاہ محمد لیسین خلف ثانی حضرت میر سید محمد باصر

استماع است از حضرت جد امجد کہ ولادت حضرت میر سید شاہ محمد لیسین قدس سرہ

در سنه یکهزار و نود و هفت گردیده بود بتاریخ پنجم شهر ربیع الاول عمر شریف بسالا از
سال هفتاد و پنج یا شش سید عمر سیزده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد ازان
بشش سال گردید انتقال پدر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشده
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشغال بیعت و تربیت و تعلیم اخلق
شد از جد مادری حضرت میر سید محمد رضوی هرگاه رسید سن شریف بحد معمول
سی سال بفرمان جد مادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی دولت بی بی
دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نصرآباد که
آن عصمت مآب عارفه کامله بودند باوجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند
مشغول بذکر حق ذات خدا از بطن آن بی بی سید المجذوبین شاه محمد سیر را
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد و اهل کمال نیز اهل کمال ثمره شجره الثانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریقه عالیه چشتیه
نصیریه بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان گردید از دختر خاله خود یعنی
از بی بی ملیحه دختر بی ابدال بنت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته کرد انتقال بالا عمر چهل سال در انجا

	بودند مریدان آنجناب	

ثمره دوم شجره در ذکر دختر خجسته اختر بی بی التقیا مدعو بی بی چهوجلو
که خدا شد ندا از میر سید محمد احسن ابن میر سید وجیه الدین سید بولن زیدی لفضله

بوجود آمدند پسران چهار هر یکی عالی تبار یکی ازان کلانی میر سید مظفر علی والد ماجد حضرت سید شاه یحیی علی دومی سید غضنفر علی زوج بی بی رشید اعرف بودند سومی سید حسن علی چهارمی سید قطب علی از دو پسران اولاد شد و هنوز موجود فرزندان ایشان

ثمره سوم از چهل نخل در بیان حالات سید شاه ولی الله پسر کلانی حضرت

شاه محمد یسین

واضح باد پسر کلانی از سید السالکین سید المخدومین حضرت سید شاه محمد یسین بودند از سر حقیقت و معرفت الله آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان در سنه یکهزار سی و چهار در دامن فیض سیاس پدری ذمادری پرورش یافتند تربیت ظاهری از پدر بزرگوار بیعت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر خال خود از بی بی ناصره دختر میر سید محمد ثانی از بطن آن زوجه دو دختران تولد شدند ذریت ایشان هنوز باقیست کیفیت این تصریح بالا مذکور شد الا از زوجه ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر انجناب معلی القاب رابطه ارامرا راکین سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بعلاقه مرشد آباد بودند مریدان بسیار هرگاه والده ماجده انجناب مخدومه زمان بی بی دولت جهان بعمر چهل سالگی بعارضه لاحقه دفعتاً کردند انتقال والد ماجد آنحضرت را پیدا شد ملال حزن و ملال آخر از بزرگی رسید صدای کلمة الحق در گوش برفت ظاهری

حواس وہوش تا چہاردہ سال ماند در حیات کیفیت جذبہ بود طاری کشف وکرامات

آنجناب اکثر بشہوریت لطور پیشین گوئی و بعد سہ سال جدہ مادری آنحضرت نیز

کردند انتقال ویرانگی خانہ شد بصورت نوعدگر برادر دوم میرسید نصیر الدین را

بنود ہیچ دختر وپسر از انجا کہ با خود با زن وشو بودند تند مزاج بصورت بدمزاجی

ناموافقت بوقوع آمد قصد سفر کردند می آزند مرزا خان بیگ نواب

مرشد آبادرا بودند یکے از ارکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین ومسترشدین

روزے عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت ہرج واقع میشود بسیار خوب است

در اینجا طلب فرمایند اہل وعیال حضرت عالی تبار چونکہ مزاج تند بود آمدہ برسر

جلال فرمودند ہمہ ہا کردند انتقال کہ اسامے طلب در ینحال شدہ بودند سکوت

واقعی امر بردل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند در ینجوار فرمودند

ہمچنین ارادہ دارم جاے تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بخانہ

قاضی زادگان کہ از مریدان آنحضرت بودند بمقام کشن نگر گھگرہ چنانچہ

قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب ونسب مادری اینہا

از انصار قرابت یکی از مریدان واثق الاعتقاد بودند دختر خود را دادن بردست

کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد نکاح نام آن زوجہ مسماۃ ماہ بی بی بود

دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت اللہ ابن قاضی

سلامت اللہ ابن قاضی محمد ملیح ابن شیخ محمد مسیح ابن شیخ محمد فصیح تا بہفت

کرسی یافتم آسائی تحریر نمود این بزرگوار اہل معاش زمیندار بودند کاشتکار الحصول
در نجابت آن بزرگوار ہیچ شکے وشبہہ نیست از صورت وسیرت اشکار گرفتہ بیند
چہ اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شد نام بودلی بی بی سعیدہ
بعد دو سال شان بسال یکہزار ویکصد شصت وہشت شہر محرم الحرام بتاریخ نہم
تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاہ غلام حسین بجانب جد مادری بہیا
شرق در دانا پور آمدہ تولد شدند فرزند دوم سید شاہ شمس الدین حضرت
جد الامجد سہ سالہ عمر داشتند حسب طلب برادر آنجناب بسواری کشتی آوردند اینجا
مع اہل وعیال بسوی وطن در روز نگان کشتی در قصبہ نوآباد شد فرود آمدند
از کشتی بہر ملاقات اخوان سید دعوت از قانہ اخوان الاصل اول زندہ بودند
باستماع شدند پریشان کلمہ کلام جاری شد برزبان اشارہ باین وآن ناقص
العقلان را در نجابت وشرافت آن زوجہ حجت باشد وتکرار الا نزد عقلا نیست
ہیچ حجت چہ شرق نمی ماند بشرقی دیار الحمد للہ مصاہرت ما بان واقع شد
بجانہ فقرا کہ بنجابت وشرافت بہترین وبہترین را واقع شد مصاہرت در
اہل الشرافت کمترین بہر تحسین وتزئین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
بجانہ فرود آمدند کردہ از دریا عبور حضرت سید المخدومین سید شاہ محمد یسین دیدہ
فرزند پور کمال شدند مسرور از آن روز خانہ ویرانہ کردند آباد دوستان شاد دشمنان
بہا د بسال یکہزار ویکصد ہفتاد ودو آخر ذی حجہ جناب حضرت سید شاہ شمس الدین حسین

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید المخدوم بین سه چهار ماه خبر این داده بودند آنحضرت
بطور پیشین گوئی الحمد لله والمنه هر دو برادر بودند آفتاب و ماهتاب ذوی اعتبار صاحب
اقبال یکی جد امجد دومی جد مادری این خاکسار از هر دو فرزندان شدند دانشمند
و هوشیار ذوی اسرار و دختر بی بی سعیده جوان شد مدرکه خدائی شد از میر مراد علی
ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کاکوی الآبیا اولاد رفتند

از شیعالم و ذکر فرزندان فرزند ثانی بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الواصلین
سید شاه غلام حسین قدس سره ابن حضرت سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن نگر نجابنه جد مادری شد بسال یکهزار و یکصد
شصت و هشت و نهم شهر محرم الحرام از این رو شد نام آنحضرت سید غلام حسین
والد ماجد آنحضرت از ظهور آنحضرت شدند بکمال مسرور اگرچه از نحل اولی بودند دختران
ذوی شعور صغیر بودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب
جمع نمودند اقران و اخوان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت
مکتب نبیره حضور بست در پیش تشریف در آنجا بهر آغاز بسم الله از روی نمایند
الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم
فرمودند بگو رب یسر و تمم بالخیر تعمیل آن هم نموده قدری شیرینی از آن در دهن
این فقیر نهادند و نیز پدر من تشریف دادند والد ماجد من عرض نمود پیش ازین بگویانید

فرمود پیش درس ست ترقی ذهن و دوام بس معنی بسم الله و تمم بالخیر
میفرمودند بدولت آن حافظه و ذهن شد حصول و زبان خود براورده بسن چهار سالگی
هرچند که حضرت ظاهر تحصیل چندان نبود الا مقدور کرا که از آنحضرت بحث و
تقریر نمود در تراویح حفاظ را لقمه میدادند حالانکه ناظره خوان بودند میفرمودند هر دو
دختران محل اولی را اگر ذکر خدا و شرفا اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی
بطور التمغه مدد معاش مال پور وغیره کرده حصول محل اولی حواله کردند که صرف کفاف
خود سازند ازین شدن نمیتوانند اجرا نمودن فرمان شاهی برادران شما صوبه
رش اند دران شریک نصفا نصف نمایند بحق محنت و قرابت صحبت بدالطور شد
تعمیل بعده در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفته حصول ملاقات کرده که
زمان سلطنت پراگنده شده بود چند فرامین دهیات یکجا کرده فرمان آوردند
پیش نظر پدر بزرگوار دست بسته گذرانیده هرگاه معائنه نمودند فرمودند ای ولی
درین فرمان ضاد ضاد نوشته است بسیار عرض ساختند ضاد ضاد چه معنی دارد
ای پدر بزرگوار فرمودند حاکم وقت اخر فریق دیگر خواهد شد این معانی بار اضبط
خواهد کرد ازین کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک چرا که اهل جذب بودند
مستانه بیباک فرمودند ای ولی مشغول روزی بر آستانه تو برسید بادشاه
دین پناه بطلب این فقیر بخواهد دید مراهست وقت آخیر بکرم نمایی و دعوت
کنی و هرچه دهد بگیری را مدنه پذیری تا فرزندان تو اهل دنیا گشوند و دست مبارک بر دندان

نهاده که لغزش می شود و یک دندان برآوردند و فرمود این را بگیر پیا دشاه
بهر خزائن تحفه فقیر سفیر مودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
ذوالجلال که ت لمگیر ثانی کردند انتقال شهید شدند از دست افغان مود و بهی بکال
نبیره ایشان غالبا پدر بادشاهی مقرر شد و بادشاه عالم شاه در آن زمان
بسفر بودند شرقی دیار اینجوار نقل میکنند در قصبه سهسرام بودند که بر سر ایشان
چتر شاهی جنبانیدند از انجا رسیده در حضرت بهار رسیده آستانه مزار نمودند
ملاقات مشایخان اینجوار روزی خبر رسید که بادشاه با فوج و اراکین می آیند
بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد یسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه ولی الله
قدس سره قریب مزار والد ماجد زیر درخت کمتر فرش شطرنجی گسترانیدند و بهر دعوت
ماحضر مراسدند چون بادشاه شاه عالم رسید شاهزاده قریب مزار رسیدند
دائره حضرت سید شاه محمد یسین کدام جاست عرض ساختند دائره نیست
شکسته و افتاده است و کهنه مسجد این ست مزار فرود آمده بوسه مزار داده فاتحه
خواندند پرسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه التماس رسانیدند هر دو
برادر بعمت هر یکی کلانی آنحضرت هستند و ثانی هست این فقیر بغلگیر شدند و شد
مصافحه از هر دو نشستند سفیر مودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادرم
شمس الدین دو سال داشتند عم والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر گذرانیدند
بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر پیچ دستار نهاد و بهر تعویذ و استدعا

با حضرت کردند اشم کردند قبول و مرا دیده پرسیدند این فرزند کیست گفتم
این فقیرزاده است فورًا از دست خود مرا گرفته بر زانو خود نشاندند و پرسیدند
نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند مسرور لاریب جمله سیادت
اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه میخوانی گفتم پندنامه سعدی
کریما فرمودند بشنیکه یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال ست تواضع ز
گردن فرازان نیکوست ؛ گدا اگر تواضع کند خوی اوست ؛ باستماع اینها
مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مدد معاش فرمان بصیغه التمغه شد تحریر
و سفره گسترانیده شد ما حضری چه بود وقت تماول از قسم طعام نانِ جوین
و تره چولائی دال کهساری نخود آمیز و سرکه اچار بیل و اچار اول درست گردند
و در تیل خورده آویختند آنها کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم
لذیذ طعام سلیس هرگز بدین طور نخورده ایم بیائید التماس رسانیدند طعام
چیست و طرفه طعام است قسم سلاطین خواهند خورد و گفتند مطلب من چنین نیست
چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه تکلفانه انتخاب هرگز نخواهد
بعده طلب شدند قانون گویان و چودهریان منصب دار بر مواثیق فرمان
شد اگرچه پادشاه وقت در مدد معاش بطور ایمه و تمام درگاه انتخاب کرد
در پرگنه پهلواری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این
خاکسار چنانچه زمین معاش ار بوده خالی پیمایش پانصد و سی و هشت بیگه است

بقبض و دخل و رند معافی موجود وقت دایر ضبطی هم واگذاشت شد و صرف
فرزندان آنحضرت است حالا صرف وارد صادر کمتر صرف دیگر دیگی میفرمودند
بعد رفتن بادشاه بسوی دهلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پراگندگی کار مطلب
از صوبه وقت اجرا نمایند در انوقت قاسم علیخان بودند صوبه شهر پتنه عظیم آباد
دبدبه صولت او بسیار بود روزی بهر اجرا فرمان حاضر دربار صوبه شدند
در انوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر پتنه عظیم آباد بودند بسبب نواب
جعفر علیخان مالک هر سه صوبه پتنه و اوديسه و صوبه بنگ بودند از
طرف شان نواب قاسم علی خان نایب که داماد شان بودند در ربط و رابطه
از هر دو صاحبان بود بسیار بلا تامل و عرض عرض بیگی داخل دربار شدند
مغلیان و افغانان تیغ برهنه رو برو دربار می بودند کذر کسی نشد بدستور آنزمان
چنین بود در انجا اهتمام میفرمودند در آن زمان نواب قاسم علیخان از حضور
و انگریز رو گردان بودند بعده بدربار شاهی بحضور عالی گهر شاه عالم بادشاه
رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پتنه ماندند و خطاب عالی جاه یافتند بعد چند
از بادشاه رو گردان شدند با میرش کامگار خان تسلط بر ملک یافته صدای
مصداق اینه الیوم لمن الملک و احد القهار بر داشتند میفرمودند نواب
قاسم علیخان اول والد ماجد را نشناختند چون السلام علیک کرده
نشنید نواب را نشئه عهده جلیل این جرات تکلفی نا پسند پرسید نام چیست

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سوره یسین از جا برخاست
و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا نشناختم و درین عرصه عروج
من شد یادگری امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول حضرت علی است
بئس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گاهی
نسر فراز ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر وارد عیال است سبب آن از لطف
فقیر بگذشته بدربار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند دیده بگفت
نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان که ام پیش من آوردی از تنکو گیدی
در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند مزاج والد ماجد
من حدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند چه گفته ای قاسم علی ترا چه شد
اشکبار پیدا کردی اشکبار صورت او باید که بادشاه وقت که سایه چهل
اولیا بر سر دارد او را گدی گفتی شاید معتوب الهی شدی این فرمان
شهنشاهان آنست که از خطاب عالی جاه یافتی دار و درو تیر یافتی مرا چه
خواهی داد آنچه که دهی در زیر ران پرستاران خود بنهی این کلمه بیباکانه
گفته از انجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند چه نشینم مرا کافی است
سوره یسین حکم بسیجو بدار آن نفود بر گیر بر گیر درباریان متحیر شدند بر جرات
کلام فقیر بعد لمحه از انجا از چشم خلائق شدند پنهان که گیرد و کرا گیرد فورا
از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد نواب چشم نم شده کشید آه سرد

میسّر مینمودند والدین صد کرده شد بدحال نشین از گردش فلکی بر نواب قاسم علیخان
از قهار رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو دانا
چند روز بصیغهٔ طالب علمی بودند تلمیذ جد امجد من آخر کار برهم شد نواب قاسم علیخان
از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط انگریزان نواب قاسم علیخان برکردهٔ
خود پشیمان شده بذریعهٔ اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت نمود
بالحاح و زاری و سفیر نمود آنحضرت را بهر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
که خیمه گاه او بمقام بکسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پا که
بالا از سی کروه بود در آنجا سیر رفتند بروز دیگر تشریف می‌آوردند چنین بود
طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند بخواب حضرت والد ماجد خود
شاه محمد یسین را و چنین ارشاد نمودند امی ولی تو او را مغضوب گفتی
حالا مغضوب شد من الله پس چرا بنامه و پیامی او میکنی و دم بقصد میزنی
آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین بازگردیدند از ملاقات آخر گشتی عمر او
و حکومت شد غریق کدام را بهر گرد و بدی طریق میسر مینمودند بعد بهمی
تسلط نواب قاسم علیخان از مرشدآباد خود نواب جعفر علیخان آمدند
بکمال دبدبه و صولت در عظیم آباد و چند بار فرستاده جناب والد ماجد ما
کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
جعفر علیخان شنید منغص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جاری

بعد تعمید بازو رخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جعفر علیخان
عازم مرشدآباد شدند آمدند بهر ملاقات بغریبخانه در دانا پور و در روز دعوت خوردند
بسواری بجره از راه دریا عازم شدند سوی مرشدآباد و فرمودند جنابشان همصاحب
بسبب تنهائی پریشانم بهر وابستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت صحبت است
بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند بر بازو روپیه بنام امام ضامن علیه السلام بسته
میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثنای راه نواب مرا بسیار نواختند
در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن بشانشانند از نواب بها در آموخته ام یک
روز بدست خاص دستاربندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفارقت
نیاورده خود رسیدند بمرشدآباد و مکانی خالی کرده شد قریب تر در آنجا همراه والد
ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
وقت دربار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهتر می نشستند و مرا نواب
از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر بر زانو نشسته می ماندم و کلمه کلام میکردند
خبرها می پرسیدند بدین منوال حاضر هم میشد در دربار عمر من در آن زمان ده سال
میفرمودند روزی در جلسه دربار حسب عادت رفتم در آنوقت حضرت والد ماجدم
نبودند موافق معنیا و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعده بر زانو نشسته از نو
کسی از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که مذهب معلی القاب معلوم شیعه مذاق
و از سنیان چنین موافقت و اتفاق و التفات بر این صاحبزاده فرزند شانشین

سنت جماعت چنان و چنین چه سبب است برای بهبود و بهترین فرمود نواب
معلی القاب در جواب که آن صاحب در زمان طالب العلمی بجانب این عمدة المشائخین
و سیادت بهترین مرا بود و جاگیر حالا مرا نیز بدل هست منقوش که برای این صاحبزاده
تجویز نمایم عهده جلیل یا منصب و جاگیر میفرمودند از التفات نواب مرا چنین
میشد معلوم که صوبه عظیم آباد تفویض نماید چونکه بودم خورد سال آخر چنین نوبت
نا قتا و بعد دو سال والد ماجد من در انجا بودند انتقال نمود مقصود بهر دنیا بهبود
حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال حزن و ملال میرزا خان بیگ
که یکی از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در انجا نمایند مزار الا گفتم مرا صرادات
که نعش ببرم بوطن دفن نمایم در جوار جد بزرگوار آخر بصلاح بهر شش ماه
نعش را سپرد کردند مع خدمتگار و اهلکار نواب آمدم و انا پور صندوق ساخته
بهر آوردن نعش پاک بسواری کشتی رفتم در انجا رسیده از زمین تفویض نعش
برآورده باحتیاط در صندوق کرده از انجا آوردم در جوار جد امجد دفن نمودم
ازانوقت باز قصد مرشدآباد نمودم میفرمودند در مرشدآباد وقت انتقال
از حضرت والد ماجد عرض کردم که بادشاه بهر کفاف معاش میداد بسیار حضور
قناعت کردند سر اختصار فرمودند اینقدر بهر دو برادر کافی است عرض کردم
من که دو برادر خواهم ماند چه نخواهد شد افزایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است
افزایش جمعبندی آن نیز خواهد شد الحمد لله در زمان والد ماجد من محاصل پانصد

بلکه چیزی زائد پانصد روپیه سالانه می آمد بزمانه من هر دو برادران را هزار
هنگام پدر و اعمام شما پیدا شدند در بارهٔ شال کشت یکهزار و پانصد شد نوبت به
این فقیر حقیر در زمانهٔ نایان جمعبندی سالیانه شد دو هزار شکر خدا بدل بالا
حالا از نیم هست جمع بالا اگر فرزندانم را قناعت برین گزینند بخوبی گذرد
اوقات مشایخانه و اگر خواهند که بر دکهٔ امارت نشینند بال تا رون نیز نکنند کفایت
درین زمانه سیفر موند عمری سیزده ساله بود که وفات یافتند پدر بزرگوار بعمر
چهل و شش سال یکهزار و یکصد و هشتاد هجری بعد دو سال در تحصیل علم ضروری
چون فرصت یافتم عم بزرگوار مرا نبود و کسی فرزند بصلاح والده ماجده قصد
شادی نمودند و نیز بعمرهٔ من شادی هشیر گردید میر مراد علی ابن میر حسن رضا
ولد میر محمد رضا یک دختر شد خواهرم را نام شد حمیده دختر سعیده در زمان
طفلی آن دختر بمرد و نیز مادرشان وفات یافتند و شادی من در سنه شیخ گورنوا گان
از دختر میر یوسف علی عرف میر سوین ابن میر یوسف علی گردید نام زوجه بود
بی بی عصمت النسا از بطن آن بی بی یک فرزند نرینه شد موسوم غلام حسنین بعمر یک
ساله بود بیماری جیچک مرده وفات یافت باز قصد تاهلی نسا ختم عمر من
شانزده ساله بود حب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیعت و تربیت نمودم چنانچه
اتفاق بیعت از والد ماجد نشده بود شمر دنیا نمی حضرت قطب العالم شاه
محمد نعم قدس سره باستماع درآمد همراه عم المحترم حضرت شاه قطب الدین عرف

شاه قبادن که آنهم مرید و خلیفهٔ آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه
عالیه چشتیه خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم یافتم بطریقه عالیه ابو العلائیه
چند حاضر ماندم بدستور و معمول بنمایید در کیفیت ذکر و اشتغال مشغول دو نیم سال
چون گذشت که حضرت نمودند بسال یکهزار و یکصد و هشتاد و پنج هجری سیزدهم شهر رجب
انتقال هرا پیدا شد حزن ملال وقت انتقال حضرت عم من عرض ساختند
که مجاز فرمایند این فرزند هست پسر یکی از مشایخین بجواب فرمودند اجازت
بعد از بیعت ایشان همان روز داده ام کافی ست ان اجازت مرا زبانی است
به از تحریر خلافت و مثال چند کسان نافهم بنمایند در این قیل و قال از این فقیر
حقیر چرا که مرا تربیت بیعت از جد امجد پیر دستگیر الحصول بعد چند سال که سن
مبارک حضرت جد الامجد رسیده به بیست و سه سال ثانی شادی شد در عظیم آباد
از دختر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف ابن حافظ محمد یوسف که نسب نامه
آنجناب بالا نوشته ام بانساب علوی حافظ صاحب خویش باش از وطن لورنجوا
آمدند در عظیم آباد و بخانه شیخ قریشی نسب شادی کردند و دو دختران پیدا شدند یکی
جده من ثانی خواهر خورد جده من که از شیخ برکت الله ابن شیخ اهل الله جیش شهر
کتخدا شده بودند از بطن آن بی بی اولاد شد الا شیخ صاحب از و شادی از یکی
دو پسران از یکی دختر که شد دو پسر نامی می فرمودند بعد شادی من عمه
می رسید نصیر الدین احمد بجانب مغرب که مریدان شان اند بسیار در مقام

کانپور کردند انتقال برادرم سید شاہ شمس الدین حسین را پدر رفتند بجاے
پسر والدہ من شادی آن برادر نیز روبروے کردید بعدہ کردند انتقال استماع است
از زبانی جدہ ماجدہ کہ نام جد مادری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ
عبد الصمد ابن شیخ امجد اقامت داشتند در شہر پٹنہ بطور کاشتکار و نام جدہ
مادری من بود مسماۃ سلطان بی بی بنت شیخ امان علی ابن شیخ سلطان علی
ابن شیخ رضا نعلی دریں شہر بودند از تجار و در ہر دو مصاہرت واقع شد نام
مادر من بود آمنہ بی بی و نام ہر دو ماموں من بود شیخ عاشور علی و شیخ مہر علی
این نوجوان فوت شدند الا کلانے ماموں مرا دیدہ باشی شیخ عاشور علی کبر سن
شدہ بودند در اینجا کردند انتقال بعارضہ اسہال و نام خالاے من بود فاطمہ
بی بی از شیخ محمد منیر انصاری بودند کتخدا شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد ہاشم
و صوفی محمد دائم ابن شیخ محمد اعظم ہر دو برادر عمزاد بودند ساکن شہر ڈھاکہ
پسر محمد منیر شیخ کرم علی برادر خالاتی من بہر ملاقات ما بان بسواری کشتی
از انجا مع اہل و عیال در اینجا می آمدند جاے کشتی رسید در تباہی زوجیہ و
پسر ایشان شدند در دریا غریق رحمت از انجا تن تنہا در اینجا رسید براستہ
صعوبت و آفت بعد ملاقات در اینجا ماندند خواستم کہ در شہر قاشادی شان
نمایم قبول نکردند آخر کنیز سنبلیا را نکاح کردہ در خدمت شان دادم از و دو
پسر و یک دختر شد یکے را نام بود عبید و در منیر از دختر شیخ عابد علی کدخدا شد

یک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرد تا دلیعا رضیه تا قصه شد آخر کار
تمام و دختر مسماة سکرت از میر عباس علی ابن میر دوست علی کدخدا شد ذی اولاد
شد و هرگاه در اینجا سکونت کردند برادرم شیخ کرم علی در اینجا چند شما تفویض نمودند
با وشان کار و بیات را انتظام بخوبی بکردند انجام و حرم شان نیز کار خانه داری
حسن میدید سپرد بود با وخانه داری اهتمام دیده باشی هرگاه ذکر آمد حضرت
صوفی محمد دایم قدس سره ضمیمه احوال شان نیز مینویسد یعنی حضرت صوفی محمد دایم
ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید و مسترشد بودند صوفی
امانت الله رحمة الله علیه طریقه شان قادریه و سهروردیه مجددیه بود بعد از آن
باجازت شان آمدند بشهر پټنه بهر استفاده باطنیه طریقه ابوالعلائیه بحضور حضرت
قطب العالم شاه محمد منعم قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت
ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب وطن تشریف بردند آنحضرت را
دو پسر و یک دختر زوجه صوفی شاه روشن علی که مرید و مسترشد و خلیفه و داماد
بودند و نام پسر کلان صوفی احمد الله است پسر الثانی صوفی وجیه الله که بعد انتقال
صوفی شاه روشن علی زیب سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد
با بابام هیچ شریکیه بودند تا آنزمان کسی اولاد نشده بود و پسر اوسط نام صوفی
قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود چند سال درین دیار ماندند در
ایام جوانی همعمر این خاکسار بودند بسیار مؤانست از من بود و نسبت رابطه سلسله

ورابطهٔ قرابت بعد مراجعت از سفر چون رسیدیم ندیدیم بسوی وطن رفتند
بخلف دوم صوفی محمد دایم صوفی شاه نقیه‌الله بودند بعد انتقال برادر
کلان سجاده نشین شدند و همراه ادای حج نیز رفته بودند از حضرت جد امجد مکاتبات
اکثر بود پسر ایشان صوفی ولی‌الله واضح باد خواهر جدهٔ این خاکسار بی بی
است الرسول زوجهٔ شیخ برکت‌الله ابن شیخ اهل‌الله تا زمان حیات شوهر خود
در عظیم آباد مقیم ماندند و دوام بعد از ان بوقت اخیر بصحبت عزیزان در دانا پور آمده
شدند چنانچه قبر ایشان و والدهٔ جدهٔ من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در دانا پور است
الا والدهٔ ایشان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت‌الله قادری بودند
در قصبهٔ پهلواری مدفون اند لواحقان شیخ برکت‌الله شاه محمد قاسم پدر
شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد واجد یک دختر ایشان از برادرزاده شاه
محمد عاصم که خدا داشته بدانها سجاده نشین مولانگر بودند اهل معاش و دو پسر
شیخ برکت‌الله شیخ سلامت‌الله زوجهٔ ایشان خالای مولوی اکرم الحق و
مولوی واعظ الحق بودند اولاد نماند و پسر دوم را نام شیخ امان‌الله بود
زوجهٔ ایشان همشیره بودند بی اولاد رفته همه در ازین جهان از انجا که سلسلهٔ قرابت
بود بدین تصریح نگاشت باید دانست حضرت جد امجد من فرزندان فرزند خود
دیده کردند بعمر هشتاد و شش سالگی انتقال بسال پنجاه و چهار هجری بست یکم
شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و جدهٔ ما جدهٔ من بعد سیزده سال بهانشا

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان
وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سرفراز در وقت رحلت پدر بزرگوار
خود ده ساله بودم منولید بهرنا و ابستگان ترتیب مزار جانب شمال احاطه مقبره
مزار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سره و زوجه شان بعدهم پهلوی جانب
مغرب مزار است پسر شان حضرت میر سید مجاہد قدس سره و جانب جنوب پائین
شان پخته مزار حضرت سید شاه میر سید محمد یسین قدس سره نواسه شان
و در پهلوی زوجه شان بی بی دولت جهان اہل مزار اند این هر سه عوام
نیاز و فاتحه مینمایند خصوصًا وقت انجام شادی و در پهلوی حضرت میر سید مجاہد
مزار است والد جد من حضرت سید شاه ولی الله و در جنب جانب مغرب
قبر والده جد الامجد من است و جانب مغرب پهلوی شان مزار است والد من
حضرت سید شاه سلطان احمد و در پهلوی آن قبر است والده این خاکسار
بعده مزار است حضرت جد الامجد پیر دستگیر بعده جده ماجده من بعده خالای من
زوجه عم الاوسط بعده قبر عم الاوسط زان بعد قبر عم المکرم سید شاه مراد علی
در پهلوی شان زوجه انجناب اند بعده بمین بسیار و خواهران من و دیگر
عزیزان این بهرنا و اتفاقًا تحریر نمود دیگر غرض از نمایش تحریر نمود

ثمره اول شجر اولی اصل اول خاتمه در احوال عم کلانی سید شاه
وحید الدین احمد

واضح باد فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند ولادت
ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود
بروز یکشنبه تحصیل علم ظاهر و بیعت بطریقه عالیه قادریه از مولانا شاه ظهور الحق
قادری نموده بودند بعمر دوازده سالگی در علم قریب فراغ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه
بطریقه عالیه ابو العلائیه از جناب حضرت سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره
بود و نیت خلافت رسید و صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی محو
بعهده جلیله حاکم وقت بودند سررشته دار و شهر الهٰ آباد و تا مدت ده سال آخر ترک
روزگار نمودند و بعمر سیزده سالگی شادی شد از بی بی مسماة امین النساء دختر
منشی سید محمد حسین ابن منشی سید محمد علی الله تعالی بخشد اولاد چهار پسر
و چهار دختر سه پسر بطفولیت مردند و دختران از خواهر زاده و برادر زادگان کدخدا
شدند وذی اولاد در پسر چهارم سید عنایت الله آنچه که از زوجه عم کلانے
دریافت شد اصل نسب بالا درینجا منویسد چرا که تحریر بر صحت نسب مصاهرت است
میر سید عالم علی زیدی نسب ساکن باره بودند پسر شان سید امجد علی پسر ایشان
سید احمد علی از وطن مفارقت کرده بهر حصول مدد معاش روانه دیار شرقی
شدند خلاصه شهر بنگاله بمقام سولکیه در آنجا سکونت کردند و تا حیات پیدا شد
جلیله صورت روزگار پسر ایشان منشی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند
از سند حاکمان وقت دو پسر ایشان کلانی منشی سید محمد شاه با وجود حسب ظاهر

علمے بسیار وصنعت داشتند سه پسر ایشان و یک دختر و منشی محمد حسین را سه دختر و یک
پسر منشی سید ولایت حسین بطور الشان سررشته دار کورٹ اپیل بودند
در جلسه مسٹر حاکنس صاحب بهادر وزیر اوستاد بودند مقرب و ممتاز رفقا بر درجه
بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عهده به پسر شان بحال داشت تا حیات
با وجه جلیله ماندند پسر کلانی منشی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی
هر دو داماد عم خود بی بی کریما النسا زوجه کلانی و بی بی ولی النسا زوجه برادر
ثانی هر دو ذی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی
میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از مسماة عمده بیگم دختر منشی محمد شاه شش
دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شرفا ئی چهار و دو دختر در
اکبرآباد از هر دو برادر اعیانی که جدا از قاضی باقر علی مسماة وصلا و از حکیم
وارث علی مسماة صدرا و کلان مسماة فهیما در موضع کرالی پرسرای و مسماة فضلا
از میر فرحت حسین و مسماة حبیبا از میر مظفر حسین هر دو برادر اعیانی ساکن قصبه
چهره و یک دختر را نام معلوم نیست در ضلع علیگڈه کول در خانه شرفا که خدا و
یک پسر نام سید اصف حسین شادی اول از دختر سید میر نجابت در اکبرآباد
شد ثانی بعد وفات زوجه اولی از دختر اخلیا عمه زاد شاه محمد سجاد و شد
از هر دو اولاد داشتند و پسران قاضی باقر علی اولاد علی و حاجی باسط علی
و پسر حکیم وارث علی نظام علی خان صدر وکیل با منصب هنوز آنجا موجود اند

و دو دختر میر فرحت حسین مسماة سراجا النسا و دو پسر میر مظفر حسین و امیر حسین
و نظیر حسین و پسر منشی دلاور علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از بطن اصالت
کدخدا و میر اعظم علی را و پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آینده مفصلهم
حالا ذکر اولاد عم الاعظم مینمایم که کدخدائی شد و واضح باد دختر کلانی مسماة
بخشا النسا زوجه اولی اخی الاعظم شاه محمد قاسم دو فرزند از بطن این
زوجه شدند هر دو رحلت کردند بصغر سنی بعد ازان مادر شان فوت شدند
دختر ثانی عم کلانی مسماة عبد النسا زوجه سید شاه فدا حسین ابن سید شاه
فرید الدین ایشان را از بطن این بی بی یک دختر شد جمیله نام بعمر بست سالگی
شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن انهم بعد وفات مادر بی اولاد نماند و دختر سوم
عم کلانی را نام بی بی ام البتول عرف بتول از برادر سید هدایت حسین شدند
کدخدا یک دختر شد نام نظیر النسا کدخدا شده از سید ارشاد حسین ابن
امیر حسین امام ابن سید شاه وارث علی بهاری ذی اولاد شده بی اولاد رفت
ازین عالم و نام پسر آن برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد
دختر نیز شد هر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین
ابن میر علی سجاد پهلواری که کدخداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر
ایشان و دختر چهارم عم کلانی نام تاج بی بی و امة الرسول عرف رسولا
از برادر کلانی عیانی این خاکسار کدخدا یعنی از سید شاه علی حسین کدخدا

شدند ذی اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت اللہ از خواہر خورد این فقیر
کدخدا شدند یک دختر شد بصغر سنی بمرد بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر و
دختر اند و کیفیت اولاد برادر خود آئندہ بتصریح خواہد نگاشت

ثمرہ دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاہ غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظ النسا زوجہ شاہ تراب الحق

باید دانست نام عمہ آنحضرت مسماۃ حفیظ النسا کہ از برادر کلانے خورد بودند
و از سہ برادر کلان زوجہ شاہ تراب الحق ابن شاہ طیب اللہ ابن مولوی امین اللہ
حضرت شاہ طیب اللہ نواسہ شاہ سیف اللہ موڑوی بودند ذکر نسب بالا
تحریر شد الحصول این بی بی در زمانہ خود رابعہ بودند در عبادت الٰہی پر سلیقہ
و سخیہ و مطیع والدین تا عمر خود در دانا پور بحوار پدر بزرگوار ماندند خانہ نساختہ
بسبب کثرت اہل و عیال اللہ تعالے پنج پسر و چہار دختر بخشید بعمر چہل سالگی
روبرو والدین کردند انتقال چہار پسر و دو دختر گذاشتہ فرزند کلانی سید
شاہ محمد قاسم تربیت علم ظاہر از خال الاعظم یافتند ذی استعداد و منشی
بے نظیر بودند و اکثر نوکری جلیلہ پیش حاکم وقت بودند بیعت الیشان را از حضرت
سید شاہ خواجہ ابو البرکات قدس سرہ بطریقہ عالیہ نقشبندیہ و تربیت باطن
از حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ و اجازت خلافت ارشاد
و بیعت از ہر دو جا از ابتدا و تا انتہا تربیت و تعلیم فیوض باطنی یہا بدین

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند در وطن آمده سجاده نشین شدند بارشاد
مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات بابرکات ایشان شدند بسیاری بعمر شصت
و پنج سالگی کردند انتقال بسال یک هزار و دو صد هشتاد و یک هجری بروز
پنجشنبه مزار واقع است در حضرت منیر باستانه حضرت مخدوم یحیی منیری
قدس سره شادی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده نادر و پسر
هر دو کردند انتقال اولاد نماند شادی ثانی از مسماة امیر النسا دختر میر جعفر
شد در بهار محله باره دری از ایشان نیز شدند دو پسر و یک دختر بصغر سنی
وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلبی نماند بجز فرزندان
برادران و فرزندان معنوی اگرچه استاد این فقیر بودند الا درک صحبت نیز
مرا حصول شد با وجود این تعظیم این خاکسار بیشتر می نمودند بهر آنکه زوجه ایشان
مرید این فقیر حقیر اند سبحان الله عجیب مراتبات بابرکات بودند
نمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خورد مسماة اولاد
عرف امولن از سید میر نعمت علی ابن میر امان علی ابن میر اشرف علی ساکن
رهوی کدخدا شدند یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بصغر سنی مردند
بیعت ایشان از زوج عمه خود از شاه فخر الدین حسین بطریقه عالیه
چشتیه مودودیه بود الا تربیت و تعلیم معنوی بطریقه عالیه ابو العلائیه از
جناب حضرت سید شاه فخر الدین حسین قدس سره یافتند بطریقه یکی از

اہلکمالان بودند نسبت عالیہ مادہ جذبہ در آخر عمر در جذب الہی بودند صاحب
کلمۃ الحق افسوس زندگی وفا نکرد سی و چہار سالگی رحلت کردند بسیار مریدان
و مسترشدان ایشان می شدند بسال یکہزار و دو صد و پنجاہ و سہ ہجری وفات
یافتند ثمرہ سوم پسر ثانی عمہ این فقیر سید شاہ محمد واجد ابن شاہ سراج الحق
رحمۃ اللہ علیہ کہ مردم ذی فنون و پر ہنر بودند و استعداد فارسی بود بسیار
و تربیت و تعلیم معنوی بطریقہ ابو العلائیہ ایشان را نیز از حضرت قطب العصر
سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ بود و فکر رسا معنی خیز طبیعت بود صاحب
وارد و درد و حال صاحب اثر و تاثیر کہ بر حاضرین اثر مینمود و در شعر و سخن درک
خوش مذاق بودند و پیشہ تجارت کردند با انہمہ غفلت از کار خود نبود وقت اخیر
بیعت از حضرت شاہ مظہر حسین ابن و خلیفہ حضرت حکیم شاہ فرحت اللہ
قدس اللہ اسرارہم کردند و اجازت پیری و مریدی از خال کلان نیز یافتند مرید
و مسترشد ایشان نیز بودند بعمر شصت سالگی رحیل ملک بقا شدند بسال یکہزار
و دو صد و ہشتاد و چہار ولادت ایشان بسال یکہزار و دو صد و بست و چہار ہجری
بماہ ذی قعدہ ازین حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیذی ایشان دارد
این حقیر شادی ایشان بعلاقہ بہار در اقران شد بموضع نوپور از مسماۃ
تحفۃ النسا دختر شیخ بہادر علی دو دختر و یک پسر از بطن این زوجہ شدند
ذی اولاد اند نام پسر منشی سید محمد وزیر کہ در فارسی حسیت دارد و سینہ نظیر

وشاعر است متخلص عطا تربیت باطنه یافت از عم خود حضرت سید شاه
مبارک حسین قدس سره ابن حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قمر الدین حسین
قدس سره و بیعت ایشان نیز از حضرت عم کلان شاه محمد قاسم قدس سره
اوقات بروزگار حاکم وقت چندی بسر کردند حالا در تجارت مشغول اند کدخدائی
ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه اسیر الله ابن میر فقیر الله
از مسماة است الصغری اولاد پسران شدند حالا سه پسر اند موجود کلان پسر
مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کسب نوکری حکام زمانه در انگریزی
نیز فوقیت دارد بهر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت
جد کلانی ممدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاه محمد سجاد حاجی الحرمین
الحمد لله در کسب علوم نیز دارد کمال در شاعری بی عدیل کدخدائی از دختر
خالای مسماة جبین النساء دختر سید مخدوم بخش ابن میر شجاعت علی مرحوم
ذی اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسر ثانی شاه محمد وزیر محمد ظهیر
حصول بیعت ایشان نیز از جد اصغر است کدخدائی نیز شد پسری نیز هست
سوم محمد یحیی و پسر سوم را نام محمد صغیر است در تحصیل علم مشغول است
دختر کلانی محمد واجد مسماة بخت النساء کدخدا از سید ابو البرکات معروف
بشاه برکت ساکن موضع مدن پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین
بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین

قدس سره بفضله ذی اولاد دو دختران و پسران دارند دختران در اقران کدخدا
اند بعضے ذی اولاد اند الا پسران صغیر اند محمد خلیل و محمد جلیل الله تعالے خوشنود
دارد، دختر دوم شاه محمد واحد علیه الرحمه از همزیست زاده ایشان سید فضیلت حسین
ابن سید شاه تصدق حسین کدخدا شد یک پسر گذاشته بنام محمد ظهور نوجوان رحلت
کرد فرزند یتیم است الله تعالی عمر طبیعی کشد و ذی علم نماند باقی از محل ثانیه دو
دختران اند یکے کدخدا از شاه واحد حسین شهسرای ذی اولاد نام پسر ایشان
محمد رضا ثانی دختر جاے کدخدا و نام شاه محمد واحد محمد امین بیعت از والد خود
نموده است ذی اولاد است بنام محمد معین و مبین و متین خیر باد ثمره
چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب الحق مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم
از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده بکمال صلاحیت طبع بودند گویا عارف بالله
کار دنیا کسے نکردند خوشنویس بودند بعمر هفده سالگی قضا کردند از این فقیر کمال محبت
و انس پیدا داشتند همدرد و مشیر

ثمره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد سجاد حاجی الحرمین

ام و آبا را نور العین اصلح بادشاه محمد سجاد ذی ارشاد ابن عمه خاکسار مونس
و همدرد و همعمر این فقیر حقیر اند از خورد سالی در تحصیل علم هم سبق چندی اوقات
بسر برد نوکری حاکم وقت نمودند همراه اخی کلانے بیعت ایشان را نیز از حضرت
قطب المشایخین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره در تربیت و تعلیم

معنوی از حضرت قطب العصر شاه قمر الدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت
از حضرت اخی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار جهت زیارات بسوی حجاز شریف
برو شد حج نمودند و زیارت حرمین شریفین ذات با برکات اند و در فن شاعری
دارند کمال در اردو و فارسی ساجد تخلص است فیضیاب از ایشان اند بسیار
و مریدان کثیر از وقت ترک نوکری چنانچه نبیرگان مرشدزادهٔ ایشان بیعت کرده
و تربیت یافتند خوش اوقات اند بضبط شرع صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند
شادی ایشان گردید از مسماة بصیر النسا مدعو براتن دختر سید محمد عاصم
برادر عمه زاد ایشان بودند بفضله اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بملک بقا دختر
پسر الا موجود اند چهار دختر همه با کتخدا جا بجا یکے از سید آصف حسین که بیوه است
اولاد ندارد دیگر از سید عبد الحکیم ذی اولاد نام پسران محمد عظیم محمد علیم سوم
کدخدا از حکیم امیر اکبر ذی اولاد چارمی از محمد غزال ذی اولاد ست بعضے را
بیعت و ارشاد است بعضے را فقط ارشاد الا پسر عالیقدر را نام سید محمد شاه اکبر
ابو العلا حسین قیام اکبر آباد شد ذی لیاقت اند و حسب ظاهری بفارسی خوب دارند
شاعر اند بے نظیر بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و نیز تربیت و اجازت
شادی ایشان از مسماة نعیما دختر سید ولایت حسین گردیده است ذی ولد
اند دختر اند موجود بسیار طبع و ذکا و فهم رسا اند و شغل کتاب بینی بسیار
و مجاز اند از هر اعمام به نسبت تربیت و اهل بیعت در صحبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حاضر

۱۸

ثمرۂ ششم

در ذکر دختر ثانی عمہ این فقیر مسماۃ بی بی کلثوم کہ از سید غوث علی شدند کہ خدا
بیعت دارند از خال الاعظم خود خواہر عزیزہ صاحب عفت و عصمت از بطن
این بی بی دو پسر شدند یکی عمر دراز کہ خدا شد عمر دراز نماند ثانی پسر مزید پسر شاہ
نظیر حسن سلمہ موجود است بپایہ ثبات و تعلیم و ذی شعور در علم عربیت
بے نظیر و عبارت فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار در طبیعت دارد صلاحیت بیعت
و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات اخی سید شاہ محمد سجاد مسند نشین
ارشاد کہ خدائی شد از دختر سید ابو البرکات ذی اولاد است

ثمرہ شجرہ فرع ثالث اصل اولی در سجادہ حضرت سید شاہ فرید الدین احمد رحمۃ اللہ علیہ مرید و خلیفہ و ابن حضرت سید الواصلین سید شاہ غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان تصحیح

باید دانست ولادت حضرت عم الاوسط عمدۃ المشایخین سید شاہ فرید الدین احمد
در سال یکہزار و دوصد و دو ہجری بماہ رمضان بدینوجہ رمضان علی نام شد
در عوشاہ مشہور بودند بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقہ عالیہ قادریہ
و تربیت معنوی بطریقہ ابوالعلائیہ از جا بجا از بزرگان این سلسلہ نیز
و حیثیت عربی و فارسی بود کمال الابجر اخذ بیعت تدریس دادند و نہ دنیا بہ
ارشاد نشستند خبرگیری معاش مقبوضہ دائم می نمودند شادی این حضرت

از دختر کلانِ عم خود کردند از مسماة فصیح النسا بنت حضرت سید شاه
شمس الدین حسین قدس سره ذی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال
رحلت کردند بعمر پنجاه و شش سال سر سال یکهزار و دو صد و پنجاه و نه شهر محرم الحرام
پانزدهم تاریخ بود از اولاد سه پسر ماند و دو دختران قضا کردند یکے مخدومه
نام نام پسر کلان سید شاه فدا حسین بہجت الشان را از جد بزرگوار خود
بطریقهٔ عالیه چشتیه و تربیت باطنه از اخی الاعظم شاه محمد قاسم علیه الرحمة بعد
والد خود جانشین شدند مقبولیت نهایت پر سلیقه بودند و تلطیق و مسافر پرور
نامورآوری کردند خاندان همه روسا ر شهر دیگر و اخلاق بودند شهرهٔ آفاق
با وجودیکه از تحصیل علم ظاهر بودند مصرا سال ولادت آنجناب در اوائل شهر
ربیع الاول در سن یکهزار و دو صد و سی هجری بعمر شصت و سه سال
کردند انتقال بسال یکهزار و دو صد و هشتاد و پنج هجری مرقد ایشان در
قصبه منیر هم پہلوی اخی کلانے وفات شهر رمضان شریف تاریخ
پانزدهم حصه ترکه خود بوارثان صلبی به سهم شرعی دادند و دو برادرزاده خود را نیز
تعلیم و تربیت نموده از وارثان گردانیده بهر که حصه دادند سوائے آنکه برادر
خورد بودند موجود نداوند لیکے همه وارثان ترکه را خود دنوش نمودند باوجودیکه
موجود اند شادی آنجناب از دختر ثانی عم کلانے شده بود یک پسر و دختر
متولد شد بایام صغر سنی فوت شدند مذکور العبد الارحم سه پسر و سه دختر

یک دختر کہ خدا سدہ رحلت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود
و دو دختر سعہ شوہران خود اند موجود و پسر کلانے نیز اند موجود و مسمی رجب علی مد ل
مقصود اللہ تعالی انیہمہ را بخشد صورت بہبود و توفیق عبادت بخود و سید شاہ
ہدایت حسین ولد ثانی حضرت سید شاہ فریدالدین احمد علم ظاہری موافق ضرورت
داشتند و ہمیشہ بصیغہ مختاری حاضری دربار داشتند الا منکسر طبیعت و ذی جود
کہ بہنر خود ہیچ ندا شتند اتفاق بیعت ایشان نشد الا تربیت یافتہ بطریق معنوی
از خال الاعظم حضرت سید شاہ قمرالدین حسین قدس سرہ بطریقہ عالیہ
ابوالعلائیہ بود کہ خدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلانے گردید از مسماۃ امت البتول
دو پسر و یک دختر متولد شدند دختر از ہمہ کلانی ذی اولاد شدہ مع اولاد وفات
یافت الا پسران موجود کہ خدا اند جا بجا کلانی سید نصیرالدین احمد ثانی سید
علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پھلواری کہ خدا حیث
دختران آلا یک پسر مسمی ابو سعید رحیم الدین مسترشد و مرید جناب اخی المعظم
سید شاہ علی حسین ست و سید نصیرالدین را کہ خدائی در قصبہ منیر شد یک دختر شدہ
بمرد و زوجہ نیز شادی ثانی نیز نمود آنہم فوت شد دستگرفتہ اینفقیر ست و ثانی
مرید عم کلانے خود و نکرہ برادرم برگزیدہ و ازین میر سید حسین پسر سوم حضرت
عم الاوسط میر سید فریدالدین احمد ضروری علم ظاہری دارند محتاج تحریر از کسے
نیستند کہ روبد و آرند بیعت ایشان را از جناب حضرت سید شاہ خواجہ بوالبرکا

قدس سره در تربیت معنویه از حضرت پیر و مرشد سید شاه قمر الدین حسین
قدس سره بطریقه عالیه ابو العلائیه و مجاز نیز از اخی کلانی اند شادی اولی ایشان
از مسماة مخدومه دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود و همه تشریف بودند این فقیر
چون زوجه کردند انتقال و اولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر سید ابو القاسم شمس شهر

هنوز زنده اند زوجه موجود الا از اولاد نیز اند مفقود

ثمره چهارم شجره فرع سوم اصل ولی در بیان حالات و اولاد سید السالکین حضرت میر سید سلطان احمد پسر سوم حضرت سید ابو الواصلین

سید شاه غلام حسین قدس سره

واضح باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دو صد و شش هجری
بماه شعبان المعظم روز چهارشنبه تاریخ دوازدهم این حضرت در فرزندان والد
اجمل و اکمل و ذی اقبال بوده اند خوبصورت جوان بسیرت لائق تحسین سر عرفان
تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل
ظاهری حیثیت افزون تر نوشتند چون پهلوان صاحب قوت و زور بیعت آنحضرت
بود بطریقه عالیه قادریه از حضرت تاج العارفین مخدوم شاه حسن علی
که یکی از خلفاء الکملین حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره بود
و تربیت معنوی بطریقه ابو العلائیه منعمیه و خلافت از آنحضرت بود در نوجوانی صاحب
ارشاد شدند مریدان بسیار و حسب خواهش که بسعی یا زوجه خود اوقات

همیشه بود شغل جلیله روزگار حکام بودند بسیار راضی و خوشنود وگاهی خانه‌نشین
شده کردند شغل کتاب گاهی کردند تجارت الغرض نشدند گاهی کسے اوقات و دستان
محتاج و عالی همت و ذی مروت صاحب جود کرم و سخاوت همیشه ماندند سجاده
وحشم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از مسماة قادره بیگم مدعو الفت النسا
بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس الله سره العزیز
اولاد شد پنج دو دختر و سه پسر پسر اوسط سید علی حسن سه ساله وفات یافت
روبروی مادر و پدر و جد و جده الا دو دختر و دو پسر ماندند بعد رحلت والدین بسال
یکهزار و دو صد و چهل و دو هجری بعمر شصت و شش سالگی مسموم شده کردند انتقال ششم
شهر ذیحجه روز دوشنبه روبروی والدین خود همه اعزیزان و بزرگان محزون
و غمگین شدند پر ملال دختر کلانے آنحضرت مسماة ولایت النسا کدخدا شدند از
سید امیر الله بن سید فقیر الله بودند صاحب عفت و حیا بیعت ایشان را بالطریقه
عالیه نقشبندیه از خسر خود حضرت سید شاه غلام حسن مشهدی بود و تربیت باطنیه
نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذی مراقبه و
مشغول بذکر الهی با وجود ایشمه الله تعالی اولاد بخشیده سه دختر و سه پسر یک پسر
در صغر سنی بمرد الا کلانے کدخدا شده نوجوان ذی اولاد نشد نام بود وجیه الله
مدعو بنبی حسن ثانی پسر سید لطف الله عرف ابوالحسن نوجوان مرد و وفات یافتند
الا دختران ذی اولاد شد کلانی دختر مسماة زهره از سید مخدوم بخش ابن سید

شجاعت علی ساکن سامن کدخدا یک پسر و دو دختر یکے دختر زوجہ محمد کبیر و دوم
زوجہ سید فضل امام و نام پسر سید ظہور الحسن کدخدا از دختر برادرم حکیم
سید محمد کاظم یک دختر ست موسوم عطیہ فاطمہ و ثانی شادی نیز در آوان
خود نمود و دختر ثانی امت الصغرا زوجہ منشی محمد وزیر ابن سید شاہ محمد واحد
مذکور الصدر ذکر اولاد نمودہ شد و دختر سوم مسماۃ ولی النسا کدخدا از سید کمال الدین
نواسہ حضرت سید شاہ جمال الدین حسین دو دختر و دو پسر گذاشتہ کمال الدین حسین
وفات کردند یکی دختر کدخدا از سید حامد رسول نبیرہ میر علی سجاد پھلواری فرزندے
دارد دوم ہنوز نا کدخدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعور ست آن پسر
و نام ثانی تبارک حسین ہر دو ہنوز نا کتخدا الا شغل تحصیل علم و روزگار اند دختر
ثانی حضرت میر سید سلطان احمد مسماۃ شمس النسا کہ در عمر ازین فقیر
خورد بود بیعت بطریقہ عالیہ قادریہ نمود از حضرت جد امجد سید ابو السلیمن و
مشغولی باطنہ بودند کدخدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت اللہ یک دختر
شدہ بود سالہ بعمر و نام بود قمر النسا بعدہ کسے اولاد نشد بعمر پنجاہ و شصت
سال رحلت نمود مثل عارفہ زمانہ بذکر تسبیح الہی بیست دوم شہر ربیع الثانی شب جمعہ
بسال یکہزار و دو صد و نود و پنج ہجری رحلت کردند تدفین ہم پہلوی خواہر کلانی خود
پسر کلانے حضرت میر سید سلطان احمد قدس سرہ اخی کلانی این عاصی جناب
معالی القاب سید شاہ علی حسین برگزیدہ دارین سال ولادت آنحضرت

بسال یکهزار و صد و بست شش هجری دهم شهر ذی قعده روز یکشنبه وقت
رحلت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از
هر یکے اتمام خود نمودند روزمره فارسی درست است بعبارت مربوطه نوکری
چند بار نزد حکام زمانه کرده اند کدخدائی ایشان از دختر خورد عم کلانے گردید اسماه
امة الرسول عرف رسولا از بطن این بی بی بعد چند سال شادی اولاد شد
دو دختر و یک پسر در اوائل تربیت و تعلیم طریقه ابو العلائیه از حضرت خال الاعظم
جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال
تعلیمیه طیر داختند چون ازانجا کشود و فایده مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت
بیعت بطریقه نقشبندیه ابو العلائیه بشهر آله اباد رفته از جناب حضرت قطب العاشقین
مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره ساختند بعده
در صحبت بابرکت حاضر شده جناب حضرت شیخ المحققین حکیم شاه مظهر حسین
قدس سره جانشین وخلف الرشید حضرت واصل بالله حضرت شاه
فرحت الله قدس سره مخاطب به حس دست فیض طریقه مذکور گرفتند
بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرارات باطنه ماذون بخلافت شدند و نیز خلافت
از جناب حضرت عمدة العارفین سید شاه خواجه ابو الحسین قدس سره
ابن وخلف الرشید حضرت قطب العاشقین ماذون باجازت اخذ بیعت بطریقه
گردیدند للفضله از هر دو جا فیضات یافته سجاده ارشاد و ترشد لیشم ششه پیری بمریدان

رسیدند اکثر یاران فیضیاب اند از نعمت سنیه گنجینه ایشان چنانچه خلف الرشید
ایشان را بیعت و نیابت از ایشان ست و نبیره برادر خالائی مرید و دستگرفته
بعد ارتحال اخی سید شاه فدا حسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمدنی دیهات
نشستند بانتظام سرداری زمینداری از عرصه سه سال بعارضه مجبور اند الله تعالی
صحت بخشد یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله درگذشت ثانی یک پسر
موجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر عم سید شاه کاظم حسین کدخدائی
گردیده ذی اولاد است ولدست موجود بنام زین الدین حسین طال الله عمره
و دو فرزند کلانی و ثانی درگذشتند و دختر ثانی اخی اعیانی بی بی ظهور فاطمه
مدعوا مجید النسا از صاحبزاده خورد جناب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره
کدخدا است یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذی اولاد اند بعد فوت
دختر ولدی موجود است الله تعالی ترقی عمر کناد حالا سن شریف اخی کلانی از هفتاد
بالا الا هنوز باین حالت بمشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کهترین ایشان ست

این حقیر مسکین عطا حسین ثانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد ساخت

ثمره پنجم شجره بست فرع سوم اصل اولی در ذکر محامد حضرت سید شاه مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگرچه میر سید حمید الدین احمد عرف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

الا با وصاف حمیده از همه برادران مکرم به نسبت جوهر ذاتی وصفاتی سبحان الله
ولادت آنحضرت بسال یکهزار و دو صد و نود و هجری بماه شوال المکرم تاریخ
یازدهم روز پنجشنبه واقع از زبان حضرت پیر دستگیر جد امجد قدس سره کی
کمالیت در علم عربی و فارسی و نظم و نثر بود بسیار و در حکمت حکیم صادق صاحب
دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم رو در رقم نخفی و جلی و هر خط تحریر
می نمودند بیعت حضرت را بطریقه عالیه نقشبندیه ابو العلائیه از جناب حضرت
قطب العاشقین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره و نیز اجازت
و خلافت یافتند از آنحضرت ماندند در صحبت تربیت الا کشو فیض باطن طریقه
مذکور از جناب اخی الاعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سره که استاد
و همزلف نیز بودند اخی عمزاد و تلمیذی بخوش رقمی از اخی عمزاد شی سید محمد جلیل
برادر جلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنه بطب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ
غلام نبی خان بودند داوستاد حاکم وقت و نیز عهده کوتوالی نمودند بعمر بست
سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسا بنت سید شاه ولی احمد بلخی
علیه الرحمه گردید اولاد شدند و پسر و چند دختران پسر خورد مسمی سید اشرف حسین
بصغر سنی رحلت نمود و نیز چند دختران الا یک دختر کلانی مسماه مریم النسا کد خدا
شدند از سید شاه مبارک حسین قدس سره از بطن این عفیفه شدند دو دختران
وفات شدند به کم سنی بعد از ان انهم رحلت کردند و فرزند ارجمند رتبه بلند را نام

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از همه اخوان دارند
توفیقت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشسته علاج بیماران مینمایند
دست شفا هست و هر یکی عزیزان در کتب درسی نیز شاگرد اند حصول بیعت
ایشان بطریقه عالیه چشتیه از جد امجد حضرت سید الواصلین سید
شاه غلام حسین قدس سره و سینه از نعمت باطنه نیز خالی نیست
اگرچه ارشاد ظاهری از کسی جا نیست که خدائی ایشان از دختر خال خود
سید شاه حسن احمد ابن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام آن بی بی
مسماة فرید النسا از بطن این عفیفه چند اولاد شد و سه پسر و یک دختر
بکم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند موجود که خدا اند دختر کلانی
منسوب از سید ظهور الحسن ابن سید مخدوم بخش و ثانی منسوب از سید رکن الدین
مسماة است النسا و ذی اولاد هر دو آن مذکور الصدر الا پسر که نام سید
عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاهری
عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد
دیگر هیچ ثبت است الا ذکاوت کثیر بیعت از پدر بزرگوار خود حصول است
بفرزندی این فقیر مقبول است الله تعالی ترقی نماید و توفیق حسن تدبیری
دهد زاید که خدائی از دختر خاله این گردیده است هنوز اولاد نیست الله تعالی
عطا فرماید و طور آبا و اجداد بخشد و بخشد عمر تا دیسال یکهزار و صد و شصت

هجری هفتم شهر رجب المرجب بعمر پنجاه و یک جناب عم المحترم اوستادی مولائی
حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال مزارست در جوار والد ماجد خود
عالی تبار بابا میکه سفر حج بود این خاکسار بسال یکهزار و دو صد و شصت
هجری الله تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد
ایشان را ترا اید عمر بخشد که بالفعل زیب سجادگی جد امجد نیز خود اند اگرچه جای
ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جد قادری درینجا موقع بود چونکه ذکر مصاحبت
آنحضرت است ما قبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره مینمایم

مقدمه شجره طیبه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین جال الاعظم
و پیر دستگیر حضرت سید شاه عبد المنان قادری مع ذکر اولاد ایشان

واضح باد ذکر نسب ابا اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت
سید شاه عبد المنان قادری بالا نوشته است درین کتاب به نسبت دوم باب
اولی در ذکر فرزندان حضرت محبوب سبحانی غوث الاعظم محی الدین سید عبد القادر
جیلانی رحمة الله علیه الا بیان کیفیت که یک کرسی نسب ضرور شد تا معلوم گردد
بنا معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد
حضرت سیدی سیف الدین عبد الوهاب ابن حضرت غوث الثقلین از
ملتان تشریف اورده در شهر دهلی بزمان سلطنت بادشاه عالمگیر خانقاه خود
بیرون دهلی دروازه شاه جهان آباد یعنی در دهلی قدیم بنا ساختند بارشاد

مرشد یاران و مریدان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلائق گردید باز دحام در
حصول فیض عام بادشاه و ارکین شاهی معتقد گردید این بزرگ سا آ باجداد
از بغداد تشریف آمده چند پشت در انجا اقامت پذیر شدند در ملتان
یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن
سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن
حضرت سیف الدین عبد الوهاب خلف الرشید کلانی حضرت غوث الاعظم سید
عبد القادر جیلانی محبوب سبحانی رضی الله عنه و خلف حضرت سید شمس الدین
قادری سید محمد قادری و ابنه سید عبد القادر ثانی یکبار در دهلی آمده چندے اقامت
کرده باز بسوے ملتان که وطن جدید شده از بزرگان تشریف بردند پسر ایشان
سید عبد الرزاق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسی قادری صاحب
ارشاد قادریه باز تشریف آوردند در دهلی در زمان سلاطین پیشین چند سال
بسبب مجوزی مردمان معتقدین درین شهر شدند مقیم زان بعد تشریف بردند سوے
ملتان ابنه محمد یحیی ابنه سید داؤد فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر
ملتانی ملقب بسید غیاث الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز نه تشریف
بردند زیر بیعت ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عبد العزیز که فرزند
سومی غوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاده نشین بغداد شریف اند
جاے گزیں عزلت نشین شدند و سالها در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

و فرزند ایشان بودند بحضرت سید شاه عبد الله بیابانی خلف ایشان
سید محمد سرفراز ملقب با امتیاز جاے در مدرسه مخفی حال شهر بودند و اضح باد
ولادت جنابحضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید احمد کبیر ملتانی درین شهر
دهلی در سال یکهزار و هفتاد هجری بسن شعور بیعت و تربیت تعلیم باطنه طریقه
قادریه از والد ماجد خود حصول ساختند در وقت انتقال والد ماجد سی ساله بودند
انتقال آنجناب بسال یکهزار و نود و نهم هجری کار معاینه آمد فتوحات نذرانه
روزانه بیشتر بود از مریدان و معتقدین امرا و سلاطین بسیار کسان بر سفره
همنوال طعام علاوه لنگرخانه بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان
بدستور کارخانه ماند اگرچه راجه اند با معتقدین بودند شل مریدان یکے از آن
راجه خیالی رام ولیر شان راجه سادهو رام ببرکت دعا برین حضرت بمطلب
رسید انتهای عمر گردید کسی فرزند بوجود نه آمد شبی در عالم خواب مشرف از جمال حضرت
محبوب سبحانی شدند از آنجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرا پریشانی بهر طلال وجه
داری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواهر خورد را که اورا شکل
دختر پرور وی و میدانی در نصیب او اولاد هست او را کتخدا کن از یکے فرزند ام
که دارد نام محمد سرفراز لاریب است با امتیاز هرگاه از خواب شدند بیدار
گشتند هوشیار شدند در تجسس و تلاش آن نامدار آخر ملاقات شد بچه و نشان
دریافتند بخانه آوردند خواهر خود بی بی پارسا را بساعت سعید در زوجیت

اوشان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند بسال یکهزار
و یکصد و بست و یک ہجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم شدند شاه
عبد المنان تا حیات خود بعد اخذ بیعت تربیت و تعلیم بطریقه عالیه قادریه
کردند و بجاے فرزند صلبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکهزار و
و هفتاد ہجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور اراکین شهر و معتقدین
و مسترشدین شدند سجاده نشین تبرکه دستور نیازات و اعراس بود بجا آوردند
از نذورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرد بودند که خدا آلی نموده بودند روزی حسین
وضو دست خود بر رو مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده
اولاد و پسر باید کدام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد و در آنوقت سید محمد مهدی
ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف ثانی حضرت
محبوب سبحانی رضی الله عنه بودند و اراکین سلطنت بادشاهی مخاطب بکمال الدین
از مریدان مخصوصین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بودند دست بسته
عرض ساختند یا پیر دستگیر برین خاکسار عجب معامله گذشته است چند دختران
شدند و سه ساله شده بعارضه واحد فوت شدند حالا این دختر بوده است
ده ساله نیت کرده بودم که بکنیزی حضور دهم و بیعت چنین کلمه ارشاد شد
زہی نصیب که آن رتبه و شرف بر وجیت حضور یابد آخر از ان حضرت عقد
نکاح واقع شد بزوجیت در آمدند نام آن مخدومه بی بی اشرف النسا بود

عرف فرزانه بیگم و سن شریف حضرت سید شاه عبدالمنان پنجاه و هفت
سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه منظفر حسین بود بی بی
زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی فهیما مدعو بی بی صاحبه و نام والده
حضرت سید شاه عبدالمنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد مهدی
بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سعیدا بود اینقدر در بنیاد نسبی آنحضرت
از زبانی محمد و منه شنیده یادداشت بهر علم عزیزان نگاشت القصه از بطن
زوجه آنحضرت اول دختر متولد شدند بنام محمدی بیگم در دهلی بایام صغر سنی
رحلت یافتند بسال یکهزار و یکصد و هفتاد و نه هجری فرزندی درین عالم بوجود
آمدند در دهلی موسوم شدند بسید غلام عبدالقادر اعزان و مریدان را
از ظهور ایشان مسرت شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبدالقادر بعمر چهار ساله
شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جنابحضرت سید شاه عبدالمنان
قدس سره بشرقی دیار یعنی شهر عظیم آباد سبب آن گردید که یکی از معتقدین
راجه ساهو رام بحکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بمنصوب شده
و علاقجات محال دهیات این جوار مدلد السجوار عطا شد چون بعد یک لیس نیز
اقامت چند سال درین شهر بودند خواستگار تشریف آوری ازین عالم راجه
عریضه نوشتند که آب و هوای اینجا بر سر اعتدال و ارزانی ارزان و دو روپیه روزینه
حضوری سرفراز فرمایند بر تحریر راجه مذکور حضور تنها بجدائی امامی بیگم از سر سجاده عالی

اوشان داد ند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شد ند بسال یکہزار
و یکصد و بست و یک ہجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه
عبد المنان تا حیات خود بعد اخذ بیعت تربیت و تعلیم بطریقه عالیه قادریه
کردند و بجائے فرزند صلبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکہزار و
ہفتاد ہجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور اراکین شہر و معتقدین
و مسترشدین شدند سجاده نشین تبرکه دستور نیازات و اعراس بود بجا آوردند
از نذورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرد بودند که خدائی نموده بودند روزی حسین
دفعه دست خود بر رو مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده
اولاد میفرماید کدام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد و در آنوقت سید محمد مهدی
ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف ثانی حضرت
محبوب سبحانی رضی الله عنه بودند و اراکین سلطنت بادشاہی مخاطب بیمین الدوله
از مریدان مخصوصین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بودند دست بسته
عرض ساختند یا پیر دستگیر برین خاکسار عجب معامله گذشته است چند دختران
شدند دو سه ساله شده بعارضه واحد فوت شدند حالا این دختر بوده است
ده ساله نیت کرده بودم که بکنیزی حضور دهم در بیعت چنین کلمه ارشاد شد
زہی نصیب که آن رتبه و شرف بر وجیت حضور یابد آخر از ان حضرت عقد
نکاح واقع شد بزوجیت در آمدند نام آن مخدومه بی بی اشرف النسا بود

عرف فرزانه بیگم و سن شریف حضرت سید شاه عبد المنان پنجاه و هفت
سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی
زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی قیما مدعو بی بی صاحبه و نام والده
حضرت سید شاه عبد المنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد مهدی
بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود اینقدر در خیار شنیده ام
از زبانی محمد و مشنیده یاد داشت بهر علم عزیزان نگاشت القصه از بطن
زوجه آنحضرت اول دختر متولد شد بنام محمدی بیگم در دهلی بایام صغر سنی
رحلت یافتند بسال یکهزار و یک صد و هفتاد و نه هجری فرزندی در عالم بوجود
آمدند در دهلی موسوم شدند بسید غلام عبد القادر اعزان و مریدان را
از ظهور ایشان مسرت شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبد القادر بعمر چهار ساله
شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جنابحضرت سید شاه عبد المنان
قدس سره شرقی دیار یعنی بشهر عظیم آباد سبب آن گردید که یکی از عزیز معتقدین
راجه ساهو رام بحکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بمنصوب شد
و علاقجات محال دهیات این جوار بدل الجوار عطا شد چون ذیک پسر نیز
اقامت چند سال درین شهر بود خواستگار تشریف آوری ازین عالم راجه
عریضه نوشتند که آب و هوای این جوار بر سر اعتدال و از زر ادن دور و چه روز بهم
حضوری سرفراز فرمایند بتحریر راجه مذکور حضور تشریف
فدائی امامی بیگم از سر سجاده علی

چندے استقامت کردہ بعرض راجہ مذکور از شہر دہلی متعلقان خود را مع اہل
وعیال و مریدان باکمال طلب داشتند وقت تشریف آوری بیگم صاحبہ اکثر مریدان
ومعتقدین اینخاندان آمدند ہمراہ یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلامت علی
از قرقہ کمبوہ و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابو الحسین
و مریدان مہتمم کارخاص میر درگاہی و میر جمعیت علی عرف میر ہنگا وغیرہ مع
پرستاران بجمعیت دراینجا آمدند راجہ مذکور ہر یکے حسب لیاقت بنواخت
کہ بعد برہمی کار و بار ہم ازین شہر نرفتند دراینجا رحلت ساختند سواری زنانی
بگردون رتھہ شاہی آمدہ بود آن نرگاوان بر اسپان فوق داشتند ہمہ
حضرت سید شاہ عبد القادر چہار سال چند ماہ بود دراینجا آمدہ بعد یکسال
دختر کلانی تولد یافتند ایشانکہ در شہر عظیم آباد متولد شدند نام عظیما النسا
نہادہ شد ازان بعد عمارت مکان بہر اقامت و خلوت طیار شد بارہ دری د
خانقاہ بہر عرص بزرگان انہمہ استماع است از بزرگان و بہر عمارت از زمین
گل ہمی بر آورند خندق شدہ بود مشہور گڑھی شاہ عبد المنان خالا انرا دیدہ
جائے بنماید آن بطور افسانہ ماند کجا شد آن کارخانہ کا نشانہ نمی نماید
جائی گر کیفیت ہمی آرند چون بسال یکہزار و یکصد و ہفتاد و سہ تولد یافتند
دختر کلانے بعد ہا تولد شدند دختر ثانی مسماۃ فہیما النسا و بسال یکہزار
و یکصد و نود متولد شدند دختر ثالثہ یعنی جدہ مادری این خاکسار

بی بی لطف النسا این مخدومه بودند چند ماه که انتقال جناب حضرت شاه عبد المنان
قدس سره شده بود بعمر هفتاد و چند سے بالا بتاریخ چہار دہم شہر ذیقعدہ سال
یکہزار و یک صد و نود و یک ہجری بعمر دوازدہ سالگی بودند حضرت سید شاہ
غلام عبد القادر اجازت سلاسل خاندان خود مع ورد و برکہ دادند و فرمودند عالم
صبی ست شما بیعت کسی از مشایخ زبان نمائی بروز چہارم حاضرین معتقدین
ایشان را زیب سجادہ نمودند بعد دو سال بطریقہ عالیہ قادریہ بیعت حصول
ساختند از جناب حضرت مولانا حسن رضا قدس سرہ کہ جانشین و مرید
و خلیفہ حضرت قطب العالم مخدوم شاہ محمد منعم قدس سرہ بودند از ان بعد
از ایشان سلسلہ بیعت اجرا شد و خواہر کلان خود را در زوجیت دادند بمیر سید
محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان
و خواہر متوسط را بزوجیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند کہ ایشان
از شرفا و رئیس این شہر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی
بصغر سنی وفات یافت بعدہ والدہ شان و از بطن خواہر کلانے یک دختر متولد
شدند اول مسماۃ امیر النساء عرف امانی بیگم ذی اولاد شدند دیگر پسر ہم
شدہ بود مسمی غلام رسول آنہم بعد رحلت والدہ بگذشت ازین عالم راحہ
مذکور بہر صرف خانقاہ معین کردہ از سرکار سارن و چمپارن دو روپیہ روزینہ
دلوبارگا نون و چند دیہات ہمہ برباد شد ہیہات کہ خدائی امامی بیگم از میر سجاد علی

این میر بهادر علی ساکن شیخپوره گردید یک دختر متولد عبید النساء جوان شده
ناکتخدا رحلت کردند الا پسر که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال
یافتند از رجال اعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و شادی از دختر
سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شاه
غلام قادر را از جد مادری سید شاه شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود
که هر دو بزرگ مرید یک پیر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی
آنحضرت کردند از خواهر ثالث آنجناب مسماة لطف النساء که مایان از ذریات
ایشان هستیم و مشهور بود در بین شهر این شعر بطور مثل یکطرف کفر
ایکطرف اسلام + بیر ملتان مرید سادهو رام ۱۱ وصحبت بابرکت آخر اسلام
قبول نمود مومن شد یک رئیس هنود در سال یکهزار و دو صد و دو تاریخ یازدهم
شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر بعمر بست و سه
سال بعد رحلت والد ماجد یازده سال بقید حیات بوده تعلیم تربیت باطنه
بمریدان کردند نام آبا و اجداد را نمودند بلند الا شادی نکرده بودند حضور وقت
انتقال چنین کردند مقال که فرزندان من عین فرزند خواهر خورد است
والد ماجد نیز همین فرموده بودند آخر همان شد تا حیات آنحضرت و بعد
وفات کارخانه مشایخی ... بکرو فر بود چون جده ماجده والده این حقیر
و نیز جناب جد مادری راه لسخاوت داده ثروت از دست بیاد دادند بهره شده

ہیچ نماندند بجز روز بینہ از سرکار انہم تا حیات حضرت جد مادری ماندند ستند آن

نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجرہ دوم از فرع سوم اصل اولی در کیفیت حالات جناب حضرت سید شاہ شمس الدین حسین جد مادری این خاکسار تتمہ ذکر فرزندان واولاد عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاہ شمس الدین حسین ابن حضرت
سید شاہ ولی اللہ جنت آرامگاہ ولد حضرت سید المخدومین حضرت سید شاہ محمد حسین
قدس سرہ نسب باقری برادر اعیانی وثانی حضرت جد امجد این فقیر یعنی سید
شاہ غلام حسین قدس سرہ ولادت یافتند در سال یکہزار و یکصد و ہفتاد
و دو دوم ماہ یکم شہر جمادی الاول بعد انتقال جد ماجد خود تربیت و تعلیم علوم ظاہر
آنچہ کہ شد بحضرت ایشان از اخی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی
مسیح اللہ خواندند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف کہ مفتی صاحب بودند خوشنو
باید دانست آنحضرت بودند ہیچ کمال پاکیزہ صورت جمال فکر و ذہن رسا
در علم جفر از انجملہ طلب کیمیا ہم بود دبا شان و شوکت ملاقات راجہ ہای
دیار و بادشاہ در دہلی رفتہ از شاہ معین الدین اکبر بادشاہ ثانی بکمال
اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت دلق شاہانہ یافتند آن زمان
بادشاہ در ملک سلطنت ہیچ حکومت نبود باقی کہ تعداد مواضعات از معافی

بجز نام شاہی و از حضرت مولانا سید شاہ حسن رضا قدس سرہ کہ خلیفہ
وجانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاہ محمد منعم قدس سرہ کردند
بیعت بطریقہ عالیہ قادریہ کردند حصول و از تربیت و تعلیم باطنہ مستفیض گشتہ
مشرف بخلافت شدند باصرار حضرت اخی کلانی خود والد ماجد مقابل شدند بسال
یکہزار و دو صد سہ شہر محرم الحرام آخر یعنی از جناب مسماۃ لطیف النسا بنت
حضرت سید عبد المنان صاحب قدس سرہ اگر در زمانہ خود بسبب پیری و
ضعیفی و معذوری پاہی بود وجد و حال الا برخ عانی عیان بود کیفیت
مراقبہ و مشاہدہ حق و ذہنی قوت در شہسواری کمالیت داشتند در فن
سپاہگری دخل کمال طلب دنیا بہر اندوخت نبود الا بہر کفاف اہل و عیال
الا مردم سخی حوصلہ بلند داشتند چند سال برفاقت و ہمنشینی نواب شجاع الدولہ
و نواب اصف الدولہ تا زمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی
شد خانہ نشین بتوکل خدا چون انجام شادی شد بعمر سی سالگی دران سال
آخر در چہار دہم ذی قعدہ بروز عرس حضرت شاہ عبد المنان قدس سرہ تولد
یافتند فرزند کلانے زیبہ بلند حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ سن
ولادت از لفظ ظہور محمدی برآمد اللہ تعالی سہ پسر و چہار دختر بانحضرت
عنایت فرمودند دختر کلانی مسماۃ بی بی فصیح النسا کہ از سید شاہ فرید الدین احمد
کہ خدا شدند ذکر فرزندان ما قبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النسا

که از والد ماجدم حضرت سید شاه سلطان احمد کدخدا شدند هر دو از برادران
عم او مذکور شد ذکر اولاد دختر خورد که از همه برادر و خواهر بودند خورد مسماة مسیح النسا
فاطمه بیگم کدخدا شدند از میر سید نسیم الله ابن سید رحیم الله ولد سید فهیم الله
اهل سکونت دریاپار کشن پور کیشو ضلع ترهت الابسب ممانعت خاندانی
لگائے نرفتند بخسر پوره در خانه داری قدا بابی ماندند در حلت کردند چون در تقدیر
قضا اولاد نشد برادر زاده خود سید شاه مبارک حسین را و این خاکسار عطا حسین را
پرورش کردند مانند پسران خود بسال یکهزار و دو صد هفتاد و نه هجری رحلت نمودند
و یک پسر سید برکت حسین و دختر مسماة قدیر النسا ازین خواهر خورد کلانی و از هر دو
برادر و خواهر خورد سه یا چهار ساله شده وفات یافتند الا پسر ثانی وی ولد شدند
سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره
ولادت شد ایشان یکهزار و دو صد و ده هجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود
که محتاج از تحریر نبودند الا در سپاهگری دخل داشتند بسیار چندی برفاقت
ماند براجه گوالیار بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید
شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بهر حال در علم موسیقی نیز داشتند
بسیار دخل شادی آنجناب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد
شد از مسماة حیات النسا یک دختر شد از بطن این بی بی مسماة عفو النسا
از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی کدخدا شدند الله تعالی اولاد بخشید

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطفولیت و جوانی الا پسر کلانی سید
کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار و دو پسر و
و دو دختر اند یکی که خدا دید یعنی تا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین
مذکور الصدر الا پسر ثانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی این
فقیر حقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خدا ست از دختر حکیم قربانعلی
در اقران جدی خود و یک دختر شده بود و ممرد و هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی بی
نعیما النسا که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مدظله

شجرهٔ طیبه الثانی در حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر سلطان السالکین عمدة العارفین سید شاه قمر الدین حسین قدس سره العالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سره

فرحت دل شود مرا از مدح ثنای تو	برکت جان من بود سر خوشم سپاهی تو
مرشد پاک مقتدا زنده آل مصطفی	خلد برین ست جای تو قربت حق فضای تو
مظهر ذات کبریا مصدر فیض مرتضی	چونکه توی خدانما عاشق شد خدای تو
سر خدا شنیده ام جلوه پاک دیده ام	شکر بحق رسیده ام از سبب ولای تو
خاک درت سگ حضور سیر نمود دور دور	فیض چو شد زمن ظهور بود همه عطای تو
آرزو بست در دلم تا بدرت اگر رسم	سرمه چشم خود کنم خاک در سرای تو
گرد فراق تو بمن هوش نماند جان تن	میکشند از من محن آرزوی لقای تو

فیض نگاہ شاہ این کرد اثر بمن چنین گشتم ازان طرب گرین چون نشوم فدا او

ہستی ای شاہ قمر دین ہست مرا بدل یقین

ہست غلام کمترین فانی خاکپاے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدوۃ الکاملین ارشد السالکین سید شاہ قمر الدین حسین فرزند کلانی جد مادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاہ شمس الدین نواسہ جناب حضرت سید شاہ عبد المنان قادری خواہرزادہ حضرت سید شاہ غلام عبد القادر قادری کہ مفقود بودبوجود این اکمل المحققین بہ پدر و پسر این فرزند عالی گہر ولادت باسعادت آنحضرت بسال یکہزار و دو صد و سہ ہجری ظہور محمد چہار … ذیقعدہ روز دوشنبہ بروز عرس جد مادری خود حضرت سید شاہ عبد منان قادری لاریب از ظہور حضرت نام آبا و اجداد روشن تر مثل شمس و قمر سے

جلوہ حق جو بصر نظر دیکھا	عین در صورت قمر دیکھا
ہی نہ ممکن جو ہوسکے توصیف	سربسر تھے وہ لائق تعریف

متنور کردند جناب جد مادری سجادہ براہ حق مستعد و بفیض بخشی خلائق آمادہ معلوم باد آنحضرت در عمر ہفت سالگی نمودند ختم قرآن از تعلیم فرامرزبان و تا مدت چہاردہ سالگی تحصیل علم ظاہر بہ کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند تمام از درس اوستاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین دی فنون فضل
در علم موسیقی کمال بر قلب همه ید اسر وجد و حال اگرچه کتاب حکمت و طب نخوانده
الا علاج مریضان با آستانه میگردید بیمار بصحت میرسید در سن بیست و دو
سالگی اول فیضیاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی اخی شدند بعده بخدمت
قدوة المشایخین جناب حضرت اسرار تجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره
در تربیت صحبت یکماه چون درآن وقت فائده مترتب نگشت از ان بعد حاضر شده
در خدمت بابرکت مظهر اسرارات حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند درین اثنا
بسبب علیت آنحضرت خانه نشین غربت گزین گشتند حسب اتفاق تشریف آوردند
جناب حضرت واصل بالله حکیم شاه وحدت الله المخاطب حسن دوست
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چهپره بردند و باقامت شش ماه
در اینجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه بیخودی و استغراق دست داد
و فکر که درین طریقه مثل جان ست تا آنوقت صورت نه بسته بود حصول گشت
در انعرصه انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسیده از نکات این طریقه و اسرارات
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی مالک شد آخر صاحب ارشاد چنان شدند
که اظهر من الشمس ست حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از دو بزرگ

حصول شد یکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریقه سدا سهاگیه که
می پیوندد از حضرت موسی سهاگ کبرویه بشاق ان شغل اشغال و ذکر از فیض
معمور گشتند که یاران را در وقت وجد حال طور رقصیه میشود قوی تر نسبت شدند کرجلی
بعده از میرزا جان سهروردی بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و آن بدیگر یاران تعلیم
نفرمودند بجز میرزا الف بیگ مرحوم میسر بودند آنچه که از میرزا صاحب گرفتم بمیرزا دادم
علاوه ازین او سپهر بود بفیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت مخدوم
شهاب الدین پیر جگجوت قدس سره و نیز فیض روحی حضرت نورالدین
عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی و حضرت امیر خسرو
رحمة الله علیه بدان وسیله در تغنی بود کمال شده بدین فیضان مالامال
گشتند اهل کمال هر گاه همه فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشاد نیز شدید
شد جاری و خلافت نیز از هر جا شد حصول که در شهر عظیم آباد مشهور و فیضان رسید
دور دور اتفاق بیعت تا اندم نشده بود لیکن اخیر در شهر الهٰ آباد در رفته از پیر دستگیر
حضرت سید شاه ابوالبرکات حصول نمودند و اجازت بیعت نیز یافتند
الا کسی را مرید نساختند جز تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند
بعض بعض را مشرف بخلافت ساختند و در زمره عزیزان خود خلافت بخشیدند
یکی باخی الاعظم حضرت سید شاه محمد قاسم برادر عم زاده این فقیر و هم
مشرف ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر هر چند بهر اخذ بیعت خلافت شدید نشد

دامنگیر غذرها فرمودند بمقوله خواجگان پیشین درنمی بندم ما دریاری شال بعد
حصول بیعت چند ماه مانند تقیید حیات سبحان   فتوح نذر انها کسی نکردند بلکه
ونه ادای عرس بدستور خاص بود معمول الا بهر مجالس که تشریف می بردند مجلس
بودند نمایان دیگر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سد عسان نه ترکه از معاش
پدری گرفتند بوجه معاش سفر بودند من تا بخدایم این قماش بخیر توجه کسب
تجارت آنهم نه دوکان بازاری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس
اول وقت معاملات دنیاوی بود در خرید فروخت شال وغیره و کیفیت غذای
آنحضرت چه نویسد یکوقت دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی بروغن گاو
بدرقه ترکاری وغیره هرچند ترک حیوانات در غذا نبود دران عادی نمی شدند
للجبر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید خبر باد در غذا او در لباس لباس پر تکلف
می پوشیدند بطور پادشاهانه که بدانطور کسی را نمی شد میسر و نه عادت بود
خوردن طعام سه سیر وغیرت و یک وقت معمول بود بدرس تدریس عزیزان
و از نصف روز تا شام و وقت شب یک پاس بیاران در حلقه مراقبه بود تربیت
و تعلیم در بیان والدین بجوزی بسیار و اصرار اول شادی در قصبه بهار گردید
بمحله بلخی از مسماة بی بی ریاضا النسا دختر خجسته اختر سید شاه ولی احمد
بلخی از بطن آنمخدومه تولد شد یک فرزند ارجمند رتبه بلند سید شاه
مبارک حسین بعد یک سال آن زوجه کردند انتقال خود گذاشته نونهال

در دامن جده ماجده وعمه پرورش یافتند زان بعد بعرصه کثیر حسب اتفاق وقت شادی ثانی کردند قبول از مسماة بی بی بادشاه بیگم دختر خواجه محمد یوسف رحمه الله علیه احراری از بطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید سلامت حسین نام شد بعد یک سال بصغر سنی شد ارتحال بعد یک سال والد ماجده نیز آن نونهال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بحساب تجردی بگذشت از یک فرزند شدند فرزندان که هنوز موجود اند بهر نام ونشان قرة العین ما ایان بسال یکهزار دو صد وچهل هجری والده ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال یکهزار دو صد وچهل ونهم آغاز سال هجری با ه صفر کردند والد ماجده آنحضرت انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از استادی ابلغ الشعرا مولوی ذاکر علی صاحب بنارسی یادست نوشته می آید که ما واند بناظرین

قطعه

قطب عصرم چون ازین عالم گذشت	عالمے معمور شد از شور وشین
ہاتفے شوریده دل ارشاد کرد	شد بوا ہب شاه شمس الدین حسین

ونیز این خاکسار گفت بزبان اردو صوری ومعنوی برجسته حسب حال

قطعه

دوسری تاریخ تھی ماہ صفر	جب کیا نانا نے میرے انتقال
روز جمعہ اور تھا وقت عصر	بارہ سو ہجرت پر تھا انچاس سال

جب کیا فانی نے اسمیں فکر و غور مادۂ تاریخ یون لایا نکال
شمس ع نیا دین جب ہوگی غروب پائے ذات احدیت کا وہ وصال

الغرض بعد ہفت سال انتقال حضرت صد باری آنحضرت پیر و مرشد نیز وقت وصال بسال یکہزار و دوصد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت صبح صادق روز چہارشنبہ تاریخ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگشته

از کلام سینماید درین اوراق ارقام

قطعہ

روز ہجر انست یا شب تاری	شمس یا در لباس ماتم ہست
چرخ میگوید از سر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

توصیف چند اثنا کنم زبانم از بیان و تقریر قاصر و از تحریر شل ظہور محمد سال ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ حمد ے برآید لی اخرت سال رحلت نعیمہ است از سر حسرت مزار فیض آثار در احاطہ مسجد و جوار حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد منعم عالی تبار فیض آثار

از بصیرت نماید بیار

غزل تمام

جلوہ حق جو جب نظر دیکھا	عین در صورت قمر دیکھا
مرتبہ فقر و شان شاہی مین	ایسا کوئی نہیں بشر دیکھا

اونکے در کی گئے گدائے جو — بخشتے اونکو سیم و زر دیکھا
جسکے اوپر پڑی نگاہِ فیض — اوسکو مدہوش و بیخبر دیکھا
فرحت افزا نہوئے کیونکر دل — آپکو جب بچشمِ تر دیکھا
اونمیں برکات کی ہون پاتا ہو — باعث عشق یہ اثر دیکھا
منعمی ہی نہین ہین کہتے لوگ — اونسا منعم نکوئی بشر دیکھا
وہ نہ آئینگے میری جاے نشن — اسکو ہربار غور کر دیکھا

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی
غیر کو پھر نہ آنکھ بھر دیکھا

ثمرہ شجرہ طیبہ فرع سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ مبارک حسین خلف الرشید رتبہ مجید حضرت قطب العصر مع ذکر اولاد امجاد ایشان

انور یاداخی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشدزادہ سید شاہ مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دو صد و سی و دو ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذی قعدہ چہاردہم مادہ تاریخ ولد آنجناب منظور بدل بخانہ فیض کاشانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جاے تولد واحد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق معقول فقہ اصول از والد ماجد خود آنچہ کہ نمودند حصول و تربیت و تعلیم بذکر و

شغل وبیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیه نقشبندیه ابوالعلائیه
یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره وخلافت
وجانشینی سجاده از هر دو بزرگوار جد ماجد و والد عالی تبار مزاج منکسر بود
ذو فنون عمارت پسند اخلاق مند بتعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت
حسب معمول برادر خالزاد و رضاعی بودند این خاکسار همدرد و همصحبت
زائد الانس مؤانست بود خوش رقم تحریر عبارت نیز بدرجه مقبول و شاعر بے نظیر
شادی اولی روبرو حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر یکے
سید شاه مراد علی نام آن زوجه بود بی بی مریم دو دختر شده اند از ان بی بی
بعد چندی برس یافتند وفات زان بعد شادی ثانی از دختر ماموں شان
کردند از مسماة براتن النساء دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد
یک دختر از ان زوجه نیز شده هر دو بمردند شادی سوم گردید در خواجه زادگان
از دختر خواجه محمد ذاکر علیه الرحمة اولاد شدند در عالم حیات یکے بعد ممات
بصغر سنی دو فرزند وفات یافتند الا گذاشتند چهار هر یکے ذی علم و هوشیار
یکے سید منیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتخدا شده اند بیعت بود
ایشان را از عم الاعظم سید شاه محمد قاسم رحمة الله علیه بطریقه عالیه
ابوالعلائیه و تربیت و تعلیم غیر منسوبه الا در اصل اویسیه بودند جد ماجد خود
در بین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن

شده در عمر بست و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال یکهزار و دو صد
و هشتاد و هفت هجری جای حسرت است و غم و الم دومی سید شاه
عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت دارند و اخذ بیعت
ایشان هم هست از عم الاصغر سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد برادر
عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بدان طریقه است سومی سید
شاه شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند پر شعور در عربی و فارسی
انها شاعر بیعت ایشان نیز از حضرت عم الاعظم ممدوح شادی این هر دو برادران
کردند بمقام سیوان از دختران شیخ غلام صمدانی شیخ عثمانی دختر
دومی کرده انتقال فرزندان اند پسر چهارمی سید رضی الدین حسن
که در داناپور از دختر سید شاه علی حسین صاحب کدخدا است ذی اولاد
بیعت ایشان نیز و تربیت از عم الاصغر با رتبه و منزلت برتر حضرت سید
دامت شاه محمد سجاد الله تعالی ذریت ایشان با دارد دائما شاد و مبارکباد شجره
بقیه ثمره شجره و کیفیت حال خود می نویسد خاکسار مسکین سید عطا حسین

ابن سید سلطان احمد

محقق سیاد ... ولادت خاکسار در سال یکهزار و دو صد و سی و دو شهر رمضان
شریف روز پنجشنبه از ... تاریخ جناب حضرت جد مادری ... نوشته
طفل نیکو سیر عطا حسین . بز ... سعید گشت ظهور

شست و سه بود از مه رمضان	بود یوم الخمیس وقت فطور
سال تولید صاحب اقبال	چونکه شد گفتمش بدل منظور
شد ندا از ضمیر شمس الدین	بینظیر اولیا ولود این پور

فرستاده یکے از مشایخین عالی تبار بزرگے از مریدان آنجناب و عنقریب ایام
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر دادند بعد تولد نام عطاء الله
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بدین طور فدا حسین و علی حسین آخر کار
عطا حسین شد مشهور بسبب تسمیه بلفظ قاضی آنکه قاضی عطاء الله
یکے از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الرزاق
بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح باد تا هفت سال
عمر بعلالت بگذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی
نمود از عم محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده ساله
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مرا پروریدند از علم بهره اندوز
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی عزیز الدین حیدر لکهنوی
و کتاب طب از مختصرات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دسته علاقه حضرت بهار
در عربیت چندان دخل ندارد تا نسخه کافیه خوانده است فضل الهی برکات است و تفسیر
قرآن مجید تا پانزده پاره بکلام عربیت تکلم از سبب حاضری حرمین شریفین شجره بعبارت در هر
هیچ طریقه تالیف کرده ام و نیز در دو چند تالیف است مختصر و مطول و خطبه عیدین قریب ده

در حوصله او کی باشد لذت دنیا را شائق بهر دو یکے نیست بهر فرستادن لائق
کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها چه دانند داب شاهی سفیر شوند بعد
انهمه عذر از جانب بادشاه مرد دوباره رسید بطلب فرمان شاهی بدین مضمون
اگرچه در جواب تجویز ساختند با یجاب عهده وزارت جواب صاف مگر زینهار نیسیم آن بسخت
ستا و تا نشوم رو بر حق تعالی وعده خلاف از کسے فرزندان خود را فرستید تقصیر
معاف آخرکار آنحضرت از هر دو پسر کردند استفسار از طلب شاه نامدار پسر کلانتر
میر سید عبد القادر بجوش جوانی سرمست از باده ذکر سکر ربانی گفتند بادشاه
مرا خوراندن نمی تواند هستم بسیار خوار رتبه وزارت هیچ نیست نزد فقر خاک
چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سید محمد یسین مقبول ربانی جد ما در هی شان
میر سید محمد ایشان را نگرفتند دگر بار، وگفتند بخواهی که فرزند رتبه بلند مرا بستانی
پدر بادشاه مجراتی انشاء الله تعالی بیقین قلبی ام عیان ست چنان نمایه حضرت باری
جبه سائی که بادشاه وقت شود درو بدو این پسر مجراتی سبحان الله آن بزرگان حق
چنان بودند بیاد حق مشغول که داشتند نی پروائی بچه طور اغماض کردند از طلب دنیا
بے اعتنائی بار سوم کسے نامدار از جانب سها و شاه بادشاه از اینجا که خاک نشینان
کوسے قناعت را بطلب مرگ طبیعی عاقبت اندیشی ست کمال که رزدی خود را
سپردن است بجا که گور زیبائی لباس ابریشمی خوشتر نامد و خدمت شاهی آخر
چون کمان خم شد نشست از قوت بر زور سحق کسے یکبید و قدم نامد مانند قوس قزح

عرصه فلکی طی نماید ضرورت که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کردن پیش آمد بیغم لیحنه
هرگاه زوجه آنحضرت در دنا پور روبروی آنحضرت کردند انتقال که ودام بیچانها با
مانده بسر و در حال فرزندان خود را بر برد امن جداوری ایشان گذاشته بجا نقال
آبائی شهر پٹنه اقامت کردند عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در انجاست
مزار پائین پدر و جد بزرگوار بمحله کهجور کمره کهجوری کلی بعد چند سال اولاد دختر را
کدخدا کرده حضرت میر سید مجاهد رحمة الله علیه با ننشد بد است اصدیت وصال

ثمره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد ناصر را بودند دختر کلانے بی بی صحیبنی بتوکل خدا عمر
بسر کردند در چله عزلت خانه نشینی از آنجا که عارفه کامله بودند ذی شعور بودند از بهر
پاے سعد و رکدخدائی پسند نامد در یاد الهی بسر شد عمر بمشغول حق که بحجره دری
بودند مستحق بالا از صد سال شد کردند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلانے

مزار آستانه بوده درگاه ست

ثمره دوم شجره اصل

در ذکر دختر ثانی مسماة بی بی سیده بود نام آنمخدومه کدخدا شدند در بنی اعمام
و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلو ابن میر سید بدر الدین پسرے
بوجود آمده بود بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد و ثمره جناب میر و اعقاب

ایشان نماند

شجرهٔ سوم شجرهٔ اصل

بذکر دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شد ند کتخدا دو دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بجوبی مذکور

ثمرهٔ چهارم شجرهٔ اصل

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحده که خدا شد ند از شیخ
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شدند از بطن
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکے بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی کورجوی شد ند که خدا کرد
دختر با ایشان یکے بی بی واصله زوجه شاه وحید الاسلام دویمی بی بی
ناظمه زوجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکورهٔ بالا حال دختر ثانی که خدائی دریافت
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جبکو طبی
نام پسر دوم شیخ غلام حیدر عرف میان گھسیٹا که مستثنی بود در اقران تنومندی
و زور و شل مشت زنے پهلوان نقل بنمایند که ده منی توپ شاهی را بیک برتاب
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نساختند ذری یکے از برادران
براه کورجی رسیدند بر اسپ سوار از زین شوسند بملاقات شد چشم دو چار
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اشهب نهاده تا دیر نمودند کلام بعد تقریر

قصد رفتن کردند بر اسپ شد خرامم آن اسپ از کمر زور شد رفتن نتوانست
بر پست او زدند فوراً شد رهوار بدین طور قصه شهره وری هست بسیار شاد
اقران اخوان شده بود اولاً نشد الا شیخ غلام حیدر پسر دوم نیز بود
صاحب قوت و قنوت اگر هر دو برادر یک جانب میشدند جانب دیگر
بودند این تنومندی از عنایات الهیست الا علم ظاهر نمیداشتند
برادر دیگر پسر سید غلام حیدر منشی بیدل نام بود منشی تقی السد بود

ذی فنون بهر امور مدبری ماند

ثمره پنجم شجر اصل نخل اوسط

در بیان حالات پسر کلان میر سید عبد القادر این حضرت میر
آنجناب سر مست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار
فاقه چند روز هم می خوردند ایام ولادت اصحاب بسال یکهزار و هشتاد هجری
چهل سال ماندی حیات در پایه ثبات از تزوجی هیچ نبود و سر و کار
بود مشابه دارو در دانا بود زیر درخت سپستان سمت مزار بپائین قبر
اهلو ورزش و ورزش مینمایند

ثمره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد یسین
ثانی حضرت میر سید محمد باقر

استماع است از حضرت جد امجد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد یسین

در سنه یکهزار و نود و هفت گردیده بود تاریخ پنجم شهر ربیع الاول عمر شریف بسالا از
سال هفتاد و پنج یا شش رسید عمر هیژده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد ازان
بشش سال گردید انتقال پدر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشد
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشغال بیعت و تربیت و تعلیم آنجناب
شد از جد مادری حضرت میر سید محمد رضوی هرگاه رسید سن شریف بحد نمون
سی سال بفرمان جد مادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی دولتبخت
دختر نجسته اختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نوآباد
آن عصمت مآب عارفه کامله بودند با وجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند
مشغول بذکر حق ذات خدا از بطن آن بی بی سید المجذوبین شاه محمد بسیر
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال ثمره شجره و الثانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریقه عالیه چشتیه
نصیریه بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان گردید از دختر خاله خود یعنی
از بی بی ملیحه دختر بی بی ابدال بنت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
کسی نشد در موضع مقام کانپور رفته کردند انتقال بالا عمر چهل سال درانجا

بودند مریدان آنجناب

ثمره دوم شجره در ذکر دختر نجسته اختر بی بی اتقیا مدعو بی بی جیو جیلو
که خدا شدند از میر سید محمد احسن ابن میر سید وجیه الدین سید بولن [illegible]

بوجود آمدند پسران چہار ہر یکے عالی تبار یکے از آن کلانے میر سید مظفر علی والد
ماجد حضرت سید شاہ یحیی علی دومی سید غضنفر علی زوج بی بی رشید اعرف بودند
سومی سید حسن علی چارمی سید قطب علی از دو پسران اولاد شد و ہنوز موجود فرزندان شان

ثمرہ سوم اصل نخل در بیان حالات سید شاہ ولی اللہ پسر کلانی حضرت شاہ محمد یسین

واضح باد پسر کلانے از سید السالکین سید المخدومین حضرت سید شاہ محمد یسین بودند
از سر حقیقت و معرفت اللہ آگاہ حضرت سید شاہ ولی اللہ ولادت ایشان
در سنہ یکہزار سی و چہار در دامن فیض سیاسن پدری و مادری پرورش یافتند
تربیت ظاہری از پدر بزرگوار بیعت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت
سید شاہ محمد مبارک قدس سرہ بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر
خال خود از بی بی ناصرہ دختر میر سید محمد ثانی از بطن آن زوجہ دو دختران
تولد شدند ذریت ایشان ہنوز باقیست کیفیت این بتصریح بالا مذکور شد الا از
زوجہ ثانی سہ اولاد یک دختر و دو پسر آنجناب معلی القاب را بطا را امرا ارکین
سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بعلاقہ مرشدآباد بودند
مریدان بسیار ہر گاہ والدہ ماجدہ آنجناب مخدومہ زمان بی بی دولت جہان
بعمر چہل سالگی بعارضہ لاحقہ دفعتاً کردند انتقال والد ماجد آنحضرت را بشدت
ملال حزن و ملال آخر از بزرگی رسید صدای کلمۃ الحق در گوش برفت ظاہری

حواس و هوش تا چهارده سال ماند در حیات کیفیت جذبه بود طاری کشف و کرامات
آنجناب اکثر بشهور رسیده بطور پیشین گوئی و بعد سه سال جدادری آنحضرت نیز
کردند انتقال و ویرانگی خانه شد بصورت نوعد گر برادر دوم میر سید نصیر الدین را
نبود هیچ دختر و پسر از انجا که با خود با زن و شوهر بودند شد مزاج بصورت بد مزاجی
ناموافقت بوقوع آمد قصد سفر کردند می آرند مرزا خان بیگ نواب
مرشدآباد را بودند یکے از ارکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و مسترشدین
روزے عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت هیچ واقع نیشود بسیار خوبست
در اینجا طلب فرمایند اهل و عیال حضرت عالی تبار چونکه مزاج شد بود آمده بر سر
جلال فرمودند همه با کردند انتقال که اسامی طلب در چه حال شده بودند سکوت
واقعی آمر بر دل ایشان شبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند در جواب فرمودند
همچنین اراده دارم جاے تجویز نماید مرزا خان بیگ فرستادند پیام بخانه
قاضی زادگان که از مریدان آنحضرت بودند بمقام کشن نگر گهگره چنانچه
قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب و نسب مادری اینها
از انصار قرابت یکی از مریدان واثق الاعتقاد بودند و دختر خود را دادن بدست
کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد و نکاح نام آن زوجه مسماة ماه بی بی بود
دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت الله ابن قاضی
سلامت الله ابن قاضی محمد ملیح ابن شیخ محمد مسیح ابن شیخ محمد فصیح تا بهفت

کرسی یا قسم آسانی تحریر نمود این بزرگوار از اہل معاش زمیندار بودند کاشتکار المحصول
در نجابت آن بزرگوار ہیچ شکے و شبہہ نیست از صورت و سیرت آشکار ہر گفتہ شنیدہ
چہ اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شد نام بودلی بی سعیدہ
بعد دو سال شان بسال یکہزار و یکصد و شصت و ہشت شہر محرم الحرام تباریخ دہم
تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاہ غلام حسین بخانہ جد مادری بیتاً
شرقی در دانا پور آمدہ تولد شدند فرزند دوم سید شاہ شمس الدین حضرت
جد الامجد سہ سالہ عمر داشتند حسب طلب برادر آنجناب سواری کشتی آوردند حضرت
مع اہل و عیال بسوی وطن و در روز بنگان کشتی در قصبہ نوآباد شدند فرود آمدند
از کشتی بہر ملاقات اخوان سید دعوت از خانہ اخوان الاصل اولی زندہ بودند
باستماع شدند پریشان کلمہ کلام جاری شد بر زبان اشارہ باین و آن ناقص
الحصلان را در نجابت و شرافت آن زوجہ حجت باشند و تکرار الا نزد عقلا نیست
ہیچ حجت چہ شرقی نمی ماند بشرقی دیار الحمد للہ مصاہرت با این واقع شد
بخانہ فقیر کہ نجابت و شرافت بہترین و شدید بین را واقع شد مصاہرت در
اہل الشرافت کمترین بہر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
بخانہ فرود آمدند کردہ از دریا عبور حضرت سید المخدومین سید شاہ محمد یسین دیدہ
فرزند پور کمال شدند مسرور از آن روز خانہ ویرانہ کردند آباد دوستان شاد و دشمنان
برباد بسال یکہزار و یکصد ہفتاد و دو آخر ذی حجہ جناب حضرت سید شاہ شمس الدین حسین

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید السجد درین سه چهار ماه جبر این داده بودند آنحضرت
بطور پیشین گوئی الحمد لله و المنه هر برادر بودند آفتاب و ماهتاب ذوی اعتبار صاحب
اقبال یکی جد امجد دومی جد مادری این خاکسار از هر دو فرزندان شدند دانشمند
و هوشیار ذوی اسرار و دختر بی بی سعیده جوان شده که خدائی شد از میر امداد علی
ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کاکوی الآ بعد اولاد و فرزند

از شعالم و ذکر فرزندان فرزند ثانی بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نحل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین قدس سره ابن حضرت سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشن نگر بخانه جد مادری شد بسال یکهزار و یکصد
شصت و هشت دهم شهر محرم الحرام ازین رو شد نام آنحضرت سید غلام حسین
والد ماجد آنحضرت از ظهور آنحضرت شدند کمال مسرور اگرچه از نحل اولی بودند دختران
ذوی شعور بسیر نمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب
جمع نمودند اقران و اخوان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت
مکتب نبیره حضور بست در پیش تشریف در انجا بردند آغاز بسم الله از وتا بیند
الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم
فرمودند بگو رب یسر و تمم و بالخیر تتمیل آنهم نموده قدری شیرینی ازان در دهن
این فقیر نهادند و نیز بدهن شریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش این بگویانید

فرمودہ پیش درس ست شرقی ذہن ودا م بس معنی بسم اللہ تمام تفسیر
بیفر مودند بدولت آن حافظہ وذہن شد حصول وزبان خود بیان ورد خطبہ پیش چنانچہ
ہر چند کہ حضرت ظاہر تحصیل چندان نبود الا مقدور کرا کہ از آنحضرت بحث و
تقریر نمود و در تراویح حفاظ را لقمہ میدادند حالانکہ ناظرہ خوان بودند میفرمودند نیز
دختران محل اولی راکہ ذکر خدا در شرفا اقران کہ مذکور بالا شد و فرمان بادشاہی
بطور التمغہ مدد معاش مال پور وغیرہ کردہ حصول آن محل اولی حوالہ کردند کہ صرف کفاف
خود سازند از ین شدن نمیتوانند اجرا نمودن فرمان شاہی برادران شما صوبہ
رش اند در آن شریک نصف النصف نمایند بحق محنت وقرابت محبت بدانطور شد
تعمیل بعدہ در زمان بادشاہ عالمگیر ثانی رفت حصول ملاقات کردہ کہ
زمان سلطنت پراگندہ شدہ بود چند قرائین دہیات یکجا کردہ فرمان آوردہ
و پیش نظر پدر بزرگوار دست بستہ گذرانیدہ ہر گاہ ملاحظہ نمودند فرمودند ای ولی
درین فرمان ضاد وشاد نوشتہ است بسیار عرض ساختند ضاد وشاد چہ معنی دارد
ای پدر بزرگوار فرمودند حاکم وقت اختر فریق دیگر خواہد شد این معافی بار ضبط
خواہد کرد درین کلمہ گفتہ از دست خود کردند آن فرمان چاک چرا کہ اہل جذب بودند
مستانہ بیباک فرمودند ای ولی مشغول روزے ہر آستانہ تو برسید بادشاہ
دین پناہ بطلب این فقیر نخواہد دید مرا ہست وقت آخیر بکرم نمائے و دعوت
کنی و ہر چہ دہد بگیری را ندہ پذیری تا فرزندان تو اہل دنیا نشوند و دست مبارک بدندان

نهاده که لغزش می شود و یک دندان برآورده‌اند و فرمودند این را بگیر بپادشاه
بهر خزائن تحفهٔ فقیر بفرمودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
ذو الجلال کرده عالمگیر ثانی کردند انتقال شهید شدند از دست افغان مودی بکار
نبیرهٔ ایشان خابهٔ پدر پادشاهی مقرر شد و پادشاه عالم شاه در آن زمان
بسفر بودند شرقی دیار اینجا از نقل میکنند در قصبهٔ سهسرام بودند که بر سر ایشان
چتر شاهی جنبانیدند از آنجا رسیده در حضرت بهار رسیده آستانه مزار نمودند
ملاقات شاهجهان اینجا در روزی خبر رسید که پادشاه با فوج و اراکین می آیند
بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد یسین در قصبهٔ دانا پور حضرت سید شاه ولی الله
قدس سره قریب مزار والد ماجد زیر درخت کشمیر شطرنجی گسترانیدند و بهر عوت
ما حضر برا اسد چون پادشاه شاه عالم رسید شاهراه قریب مزار رسیدند
دائرهٔ حضرت سید شاه محمد یسین کدام جاست عرض ساختند دائره نیست
شکسته و فرسوده است و کهنه مسجد و این هست مزار فرود آمده بوسه مزار داده فاتحه
خواندند پرسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود بپایه التماس رسانیدند هر دو
برادر بصفت هر یکی کلانی آنحضرت هستند و ثانی هست این فقیر بغلگیر شدند و شد
مصافحه از هر دو نشستند میفرمودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادرم
شمس الدین دو سال داشتند عمر والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمودند
بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سرپیچ دستار نهاده بهر تعویذ و استدعا

با حضرت کردند آنهم کردند قبول و مرا دیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند
این فقیرزاده است فوراً از دست خود مرا گرفته بر زانو خود نشاندند و پرسیدند
نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند مسرور لابد جلد سیادت
اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه میخوانی گفتم پندنامه سعدی
کریما فرمودند بشنیکه یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال سه تواضع ز
گردن فرازان نکوست + گدا گر تواضع کند خوی اوست + استماع آنها
مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مدد معاش فرمان بصیغه التمغه شد تحریر
و سفره گسترانیده شد با حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نان نخودین
و تره چولائی دال کهساری نخود آمیز و سرکه اچار بیل و اچار اول دست گرفته
در تیل خوردند آفرینها کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم
لذیذ طعام سلیس هرگز بدینطور نخورده ایم بیایید التماس رسانیدند طعام
چیست طرفه طعام اینقسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین نیست
چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه تکلفانه انجناب هرگز نخواهد یافت
بعده طلب شدند قانون گویان و چودهریان منصب داران مواثیق فرمان
شد اگرچه پادشاه وقت در مدد معاش بطور ایمه و ستار درگاه انتخاب کرد
در پرگنه پهلواری میداد بسیار عرض کردند بدین زمین قناعت نماید این
خاکسار چنانچه زمین معاش از بودن خانی پیمایش بالفعل سی و هشت بیگه هست

بقبض و دخل در مدمعافی موجود وقت داپر ضبطی هم واگذاشت شد و صرف
فرزندان آنحضرت است حالا صرف وارد صادر کمتر صرف دیگر دیگر میسر میشوند
بعد رفتن بادشاه بسوی دهلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پراگندگی کار مطلب
از صوبه وقت اجرا نمایند درانوقت قاسم علیخان بودند صوبه شهر پٹنه عظیم آباد
دیدبه صولت او بسیار بود روزے بهر اجرا فرمان حاضر دربار صوبه شدند
درانوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر پٹنه عظیم آباد بودند بسبب نواب
جعفر علیخان مالک هرسه صوبه پٹنه و اودیسه و صوبه بنگ بودند از
طرف شان نواب قاسم علی خان نائب که داماد شان بودند ربط و رابطه
از هر دو صاحبان بود بسیار بلا تامل و عرض عرض بیگی داخل دربار شدند
مغلیان و افغانان تیغ برهنه و برو درباری بودند گذر کسے نمیشد بشنوا تمام
چنین بود درانجا اهتمام میسر بودند دران زمان نواب قاسم علیخان از خسر
وانگریز روگردان بودند بعده بدربار شاهی بحضور عالی گهر شاه عالم بادشاه
رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پٹنه ماندند و خطاب عالی جاه یافتند بعد چندے
از بادشاه روگردان شدند تا میزش کامگار خان تسلط بر ملک یافته صداے
مطابق آیه الیوم لمن الملک و احد القهار بر داشتند میسر بودند نواب
قاسم علیخان اول والد ماجد مرا شناختند چون السلام علیک کرده ننه
نشنید نواب را نشه عهده جلیل این جرات بتکلفے ناپسند پرسید نام چیست

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سوسن ازجا برخاست
و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناختم و درین عرصه عشق
من نه یا دگرچه امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است
بئس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گاهی
سرفراز ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دارد عیال بسبب آن از لطف
فقیر بگذشته بدربار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند دیده گفت
نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی از یک
در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد بابه
من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند برجسته ای قاسم علی ترا چه شد
استکبار پیدا کردی استکبار صورت او بارست که بادشاه وقت که سایه چهل
اولیا برسر دارد او را گیدی گفتی شاید معتوب الهی شدی این فرمان
شه شاهان آنست که از وخطاب عالی جاه یافتی و از وروبتر یافتی مرا چه
خواهی داد آنچه که دهی در زیر ران پرستاران خود نهی این کلمه بیباکانه
گفته از انجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند چه نشینم مرا کافی است
سوره یسین حکم بسجده داران نمود بگیر بگیر درباریان متحیر شدند بجرات
کلام فقیر بعد لمحه از انجا از چشم خلائق شدند پنهان که گیرد و کرا گیرد فورا
از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد نواب چشم نم شده کشید آه سرد

میفرمودند والدمن صدکرده شد بجا نشین از گردش فلکی بر نواب قاسم علیخان
آن قهار رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو دانا
چند روز بصیغه طالب علمی بودند تلمیذ جد امجد من آخر کار برهم شد نواب قاسم علیخان
از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط انگریزان نواب قاسم علیخان برگرد
و پشیمان شده بذریعه اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت نمود
بالحاح و زاری و سفیر نمود آنحضرت را بهر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
که خیمه گاه او بمقام بکسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پا که
بالا از سی کروه بود در انجا میرفتند بروز دیگر تشریف می آوردند چنین بود
طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند بخواب حضرت والد ماجد خود سید
شاه محمد یسین را و چنین ارشاد نمودند ای ولی تو او را مغضوب گفتی
حالا مغضوب شد سن القدیس چرا بنامه و پیامی او میکنی و دم بتقصیر میزنی
آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین بازگردیدند از و ملاقات آخر گشتی عمر او
و حکومت شد غریق کدام راهبر گردد بدین طریق میفرمودند بعد برهمی
تسلط نواب قاسم علیخان از مرشدآباد خود نواب جعفر علیخان آمدند
بکمال دبدبه و صولت در عظیم آباد چوبدار فرستاده جناب والد ماجد را
کردند با وعند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
جعفر علیخان شنید متغص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جاری

بعد تصحیح و باز رخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جعفر علیخان
عازم مرشدآباد شدند آمدند بهر ملاقات بغریبخانه در دانا پور و در روز دعوت خورده
بسواری بجره از راه دریا عازم شدند سوی مرشدآباد و فرمودند جناب شما بمصاحب
بسبب تنهائی پریشانم بهر دلبستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت صواب است
بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند بهر بازده روپیه بنام امام ضامن علیه السلام بستند
سیفر نمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثنای راه نواب مرا بسیار نوازشت
در سفره وقت خوردن طعام دستار بستن شایستند از نواب بیاد آموختم یک
روز بدست خاص دستار بندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفارقت
نیاورده خود رسیدند بمرشدآباد مکانی خالی کرده شد قریب تر در آنجا همراه والد
ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
وقت دربار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهتری می نشستند و مرا نواب
از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر بر زانو نشسته می ماندم و کلمه کلام میکردند
خبرها می پرسیدند بدین سوال حاضر هم میشد در دربار عمر من در آن زمان ده سال
سیفر نمودند روزی در جلسه دربار حسب عادت رفتم در آنوقت حضرت والد ماجد هم
نبودند موافق سفیا و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعده بر زانو نشسته در آنوقت
کسی از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که مذهب معلی القاب معلوم شیعه مذاق
دارد سنیان چنین موافقت و اتفاق و اتفاقات بدین صاحبزاده فرزند شاکنین

شادی ایشان بموضع پھلواڑی شد از مسماة سکرن دختر مولوی بدیع الزمان
ابن شیخ عبد المجید و مولوی بدیع الزمان داماد بودند شیخ غلام حیدر را از مسماة
... نن کدخدا الحصول از بطن مسماة سکرن یک دختر شد مسماة رحمن که از سید
محمد عظیم ابن میر قمر علی کدخدا شد ذی اولاد اند یک پسر ایشان سید نصر الله و
خواهر این زوجه مولوی وحید الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف
سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبد المجید کدخدا شدند اولاد نشد و پسر
چہارم سید وصی احمد عرف سید محمد ولی سه شادی ایشان کردند از بطن کسے
اولاد نشد بالکل مالک ترکه زوجه ثالث شدند و دختر چودھری غلام نجف مسماة
طاهره زوجه میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و سه پسر یکی سید
محمد عظیم مذکور الصدر داماد میر خورشید علی مرحوم دومی سید محمد کلیم داماد سید اظہر علی
ابن مولوی منور علی سومی پسر محمد علیم و خواهر کلانی ایشان زوجه سید حامد حسین
مسماة حمیده یک پسر شده بود دیگر دو خواهر ثانی ایشان زوجه سید نور الحسن خواهر
ناظر سید فدا علی در اینجا کیفیت ذریت چودھری محمد سعید خان انجام یافت
چیزی ذکر صاحبان موضع نچوره که قرابتیان ایشان اند می نگارد و اضح
باد یکی از سیادت نامی که نام یاد ندارد از اولاد حضرت حسین اصغر ابن حضرت امام
زین العابدین رضی الله عنه که سلسله مسلسل بالا دریافت نشد چونکه اولاد ایشان
ذی اقبال شدند و قرابت داری شد و اقع حسب یادداشت لیعنی ان بزرگ

رئیس بود چهار پسر بود منذریت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادی میر
روشن علی از دو دختر عم اوسط شد از یک بطن مولوی سید منور علی و از دیگری
میر قمر علی کیفیت اولاد بالا تحریر شد و از نبیرگان پسر چهارم میر نور علی و نیز
فقیر بخش هر یکی ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یکی میر بهادر علی دومی میر حیدر علی
ابنان میر نور علی پسر میر حیدر علی منشی سید عبد العلی و نیز بهادر علی صاحب را سه پسر
شدند و سه دختر پسر کلانی میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان کدخدا شدند
یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید
کمال الدین حسین و سید ظهور الدین حسین و سید صغیر الدین حسین در قرابت خواهر زاده
این خاکسار اند پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از مولوی
علی حسن عرف حسنو ابن مولوی افضل علی کدخدا شد از و سید نور الحسن موجود اند
پسر سوم میر مقصود علی کیفیت ذریت شان دریافت نشد الا پسر یک خواهر سه
برادر سید حامد حسین داماد کلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن تیهو برادر
میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه خال این هر سه برادر ذی اقبال بودند
و میر فرحت حسین را سه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاعت حسین

اولاد دختری هر سه برادران موجود اند

ذکر آبا و اجداد سید حسین علی

یکی از احباب منشی سید فضل الدین احمد که از سادات رضوی اند کیفیت نسب و ذریت

انچه که معلوم هست مینویسد از انجا که فرزند ارجمند منشی مرحوم میر سید حسین علی که از یاران قدیم جناب حضرت اخی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاه محمد قاسم قدس سره اند و نیز کامیاب صحبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاه قمر الدین حسین قدس الله سره اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظهر اسرارات سید شاه خواجه ابو البرکات قدس الله سره اند علت غائی تحریر بدین نمط که یکے مخلصان قدیم محب صمیم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضله اکثر برادران ایشان را حصول شرف بیعت از جناب حضرت اخی الاعظم قدس سره و هم دیگر عزیزان ایشان حقیقت سلسله بیعت از جناب اخی سر منشه اتحاد جلیل اند که ارشاد سید شاه محمد سجاد دام فیضه و برکاته هست درین کتاب ذکر نسب و اولادشان ضرور واجب شد حالا

تحریر مینماید

درانیجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسله توقیر

جد الجد میر سید حسین علی سید فیض الله عرف شیخی میان از سیادات رضوی متوطن مقام مالگرام نوادر قصبه بهدوهی ضلع مرزاپور خلف الرشید ایشان سید باب الله خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهار هر یکی ذی لیاقت و اقتدار زان بعد سکونت شان بقصبه مراو دنگر ضلع بهار گردید پسر کلانی ناظر سید فضل محمد پسر ایشان یکی سید وارث علی که از دختر عم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد شدند پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر واصل علی که بطریقه مذهب والد خود

ماندند ثالث سید تفضل حسین دو پسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و
نام پسر سید وارث علی سید وارث حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الله
پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدر دو پسر ایشان یکی سید محمد صدیق دومی
سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الله پسر ایشان
سید طفیل علی و دو خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید
رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول
شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدر دومی
سید امیر الدین سه پسر ایشان سید ضمیر الدین و سید حبیب الدین و سید لاحت حسین
پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز ذی اولاد نیستند چارمی سید
فتح الدین لاولد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید منیر الدین جد
انبه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید
فضل حسین که در عروج ماند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بریلی الا شیعه مذهب
در مذهب تعصب بیجا داشت برادر کلانی و خرد را الحمد لله در بابت این برادران حنفی المذهب
و ابوالعلائی مشرب شدند الغرض دو پسر شدند سید فضل حسین سید محمد حسین
پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان
از انجمله فرزند یک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی بطریقهٔ قادریه
بود و آراسته حال و اراده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند و دختر دیگر

این فقیر بودند و فیضیاب درین طریقه از حضرت
ور ایک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بندهو لاهوری
رکن الدین عشق قدس سره بودند لا ولد رحلت کردند حالا
ب شان نمایم آنچه که معلوم و شادی ایشان اکثر در بنی اعمام از سادات
علوم نیست سید احمد حسین ولد میر طفیل علی و سید بخت حسین ولایت حسین
میر الدین پسران سید امیر الدین حیدر مرحوم موجود اند و سید علی بخش
ولد سید ضمیر الدین و پسران سید تفضل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

تمت

خاتمة الطبع از قلم شکسته رقم هیچمدان هیچمدان زبان شیخ امیر الدین احمد
چشتی صابری گنجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی ابن الاصغر
شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پاینده پور پرگنه شاهجهانپور
ضلع پٹنه یکی از فرزندان جناب حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره العزیز سلطان الهند

بعد حمد خالق کون و مکان و نعت پیغمبر آخر الزمان و منقبت پنجتن اطهار حیدر کرار
و ثنای اصحاب کبار احمد مختار بر جمله حضرات گل گلشن سیادات گوهر آبدار
دریای نجابت اختر تابنده برج شرافت عالی حسب والا نسب
واضح باد که درین زمان حمید و وقت سعید نسخه نایاب تذکرة الانساب

حضرت سادات رفیع الدرجات لائق پسند متقدمین و مستو
متاخرین از التفات واقف رموز اسرار عرفان کاشف د
ایقان بادہ کش میخانۂ وحدت جرعہ نوش جام محبت مقبول بارگاہ
جناب حضرت سید شاہ عطا حسین صاحب تخلص فانی عزلت گزیدہ
محلہ رام ساگر محلات قصبہ صاحب گنج ضلع گیا حسب ایمای بلیغ شیخ
محمد کاظم صاحب تخلص کوکب رئیس قصبہ صاحب گنج خلف الصدق شیخ
شجاعت علی صاحب باہتمام معدن لطف وکرم منبع جود وہمم جناب
شیخ نور الدین بن جیوا خان صاحب مالک مطبع حیدری
وصفدری مطبع نامی وگرامی صفدری واقع بندر بمبئی بتاریخ
۲۰ رمضان المبارک سنہ ۱۳۱۱ ہجری نبوی مطابق ۱۸ اگست سنہ ۱۸۹۳ عیسوی
بصحت تمام از زیور طبع مزین شدہ ودیدہ گوش روزگار گشت خداوند تعالی
مقبول ومطبوع اہل عالم نماید بمنہ وکرمہ فقط

ساختند بود و چند جا قیام [illegible] وکالت عدالت همراه [illegible] ضلع گیا [illegible] گذرین شدند فقط [illegible] شیخ رمضان علی [illegible] شیخ حبیب الدین [illegible] شجاعت علی ابن الاصغر [illegible]

کاتب کتاب ہذا نثار احمد سہیلوی ہست

قطعهٔ تاریخ طبع از شیخ محمد کاظم صاحب کوکب ابن شیخ شجاعت علی صاحب ساکن قصبه صاحب گنج ضلع گیا تلمیذ رشید سید منیر الدین احمد صاحب کیفی و میر خورشید علی صاحب نفیس

چه خوش طبع شد کنز الانساب کزوی — بود تا قیامت نسب را تسلسل
بهر لفظ او جلوه گر روی معنی — بجام بلورین رخ شاهد گل
سواد سطورش بصفحِ بیاضش — چو سنبل به نسرین فرو هشته کاکل
بهار و رونق آب و رنگش برآید — همانا تو گوئی که شد دسته گل
ز هاتف چو پرسید کوکب سن او — بگوشم ندا کرد گشت تسلسل
۱۳۰۰

ایضاً

الحمد الله کوکب کنز الانساب — لباس طبع در بر کرد امروز
بسال اختتام انطباعش — رقم کردم گل تر رونق افروز
۱۳۰۰

ایضاً

ہوئی مطبوع جب یہ کنز الانساب — بتالیفات فانی خوش اوقات
لکھا کوکب نے سال از روی ابجد — چھپا اب مخزن نسب سیادات
۱۳۰۰

ایضاً

ز برج طبع کوکب کنز الانساب — برنگ شمس طالع گشت هر گاه
بتاریخ شیوع انطباعش — نوشتم قدوهٔ سادات ذیجاه
۱۳۰۰

قطعهٔ تاریخ طبع از طبع نتیجه صدرنشین ایوان سخن جناب ملا حسین علی صاحب مد

صد شکر حق جل و علا کاین نسخه از فرط صفا
با طبع مطبوع آمده و کشف مجمل صوفیا

طبعم بسال طبع او چون شد تفکر سر فرو
هاتف بمن گفتا بگو تاریخ حال اولیا

۱۳۲۰

اشتهار

چونکه حاجی سید عطا حسین
معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف
کتاب هذا حق تصنیف را براقم هبه فرموده اند
لهذا امید که کسی بدون اجازت راقم قصد طبع
این کتاب نکنند ورنه از روی مواخذهٔ
قانون بجرم ارتکاب طبع کتاب
موهوب بصورت نقصان ملحوظ خواهد آمد

المشتهر
نورالدین بن جیوا خان